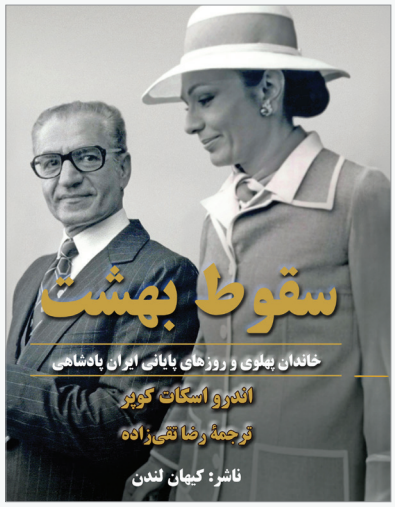
کیهان ۵۸۹
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۹ آبان تا پنجشنبه ۵ آذر ۱۴۰۵ خورشیدی
سال چهل و سوم ـ شماره ۲۰۵۵



«مقتدر» برای تولیدِ فقر و فلاکت

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

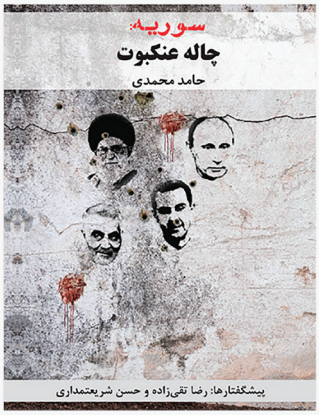
سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۵۵ (۵۸۹)
۲۹ آبان تا ۵ آذر ۱۴۰۵
۲۰ تا ۲۶ نوامبر ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه : چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات سارتاراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com wwww.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - **ملت و میهن از «من» و «شما» مهم‌ترند** / الاهه بقراط ۴
تیتر هفته - **«مقتدر» برای تولید فقر و فلاکت...** / ۵-۴

دیدار رؤسای جمهور آمریکا، چین و روسیه در شنژن؛ ترامپ: «جمهوری اسلامی قابل اعتماد نیست»... / ۶
هشدار «سنتکام» و تشدید محاصره دریایی با محدودیت‌های تازه انتقال نفت در دریا... / ۷
کنار گذاشتن ونس از «پرونده ایران»؛ ترامپ: نیازی به «توافق» نیست!... / ۹-۸
حمله پهپادی سپاه پاسداران به تأسیسات راداری آمریکا در بحرین... / ۹
هشدار موساد به آمریکا؛ تهدید پهپادی جمهوری اسلامی علیه ترامپ و مقامات ارشد... / ۱۱-۱۰
بازنشر **شیطان، شاگرد شیخان!...** / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر **گذار از طوفان** - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمیدا حمدی (بخش ۲۰) ... / ۱۴-۱۲
ایران، شاکی تاریخ و مدعی عدالت در برابر وجدان جهان... / سیروس کنگرلو ۱۵-۱۴
تظاهرات ضدحکومتی در آبدانان با شعارهایی در حمایت از خاندان پهلوی... / ۱۶
واکنش ترامپ به گزارش‌ها درباره استفاده جمهوری اسلامی از «بمب کثیف»: بهایی می‌پردازند که... / ۱۷-۱۶
ورود ناوهواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» به خاورمیانه... / ۱۷
گذار دموکراتیک در ایران همچنان ممکن است... / ماریو فیلیپو برامیلادی کارپیانو ۱۸
الزیدی از تهران دست از پا درازتر بازگشت... / حسن فحص (الشرق‌الاوسط) ۱۹
برآیند نیروهادر ایران؛ چرا یک مذاکره یا یک بحران به تنهایی مسیر را تعیین نمی‌کند... / مرتضی انواری ۲۱-۲۰
شکست جمهوری اسلامی از لشکرا جنّه!... / فرید خلیفی ۲۱
پرواز چند پهپاد بر فراز یک پایگاه نظامی در بریتانیا... / ۲۲
«وضعیت مبهم اورانیوم‌ها» و هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره «عدم همکاری»... / ۲۳-۲۲
اسکات بسنت: مرعوب تهدیدات نمی‌شوم؛ گور پدر رهبران جمهوری اسلامی!... / ۲۳
ارزیابی اطلاعاتی آمریکا؛ وجود حداقل «۱۵۰۰ فروند» موشک در زرادخانه جمهوری اسلامی... / ۲۵-۲۴
حملات موشکی و پهپادی سپاه پاسداران به بحرین؛ استقرار لانچرها در مناطق مسکونی... / ۲۵
سهم کشورهای عربی خلیج فارس در هر گونه توافق بین آمریکا و... / محمد الرمیحی (الشرق‌الاوسط) ۲۷-۲۶
«دیوارهای نامرئی رژیم در ایران» در سالروز فروریختن دیوار برلین... / ۲۷
حمله سایبری عوامل جمهوری اسلامی به فروشگاه‌های مواد غذایی در اروپا... / ۲۹-۲۸
مارکو روبیو: هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه رژیم ایران برای حمایت از تروریسم وقت و... / ۲۹
ارتباط پروژه‌های سدسازی و انتقال آب با «شهرک‌های موشکی» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... / ۳۱-۳۰
حمله پهپادی ارتش جمهوری اسلامی به پایگاه آمریکایی «علی السالم» کویت... / ۳۱
هشدار درباره گسترش پدیده «شاغلان فقیر» در ماه‌های آینده... / ۳۳-۳۲
نیما زرتشت‌زاده نشان افتخار خود را به شاهزاده رضا پهلوی تقدیم کرد... / ۳۳
گام دیگر جمهوری اسلامی برای محدود کردن اینترنت؛ از احراز هویت اجباری کاربران تا نظارت بر... / ۳۵-۳۴
درخواست «خبرگان» برای بازنگری در «دکترین دفاعی» همزمان با رونمایی سپاه از شهرک موشکی... / ۳۵
هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت وخیم اقتصادی: گرانی ۴۰ درصدی هزاران... / ۳۷-۳۶
۱۲ کشته و ۱۶ مجروح در حادثه واژگونی اتوبوس حامل شرکت «ان‌جی‌ای» دهلران... / ۳۷
قیمت «خانه‌ریز» اعلام شد؛ «یک متر» خانه معادل «یک سال» درآمد یک کارگر!... / ۳۸
ناکارآمدی ساختاری و هشدار قطع گاز؛ هراس جمهوری اسلامی از سیلیِ زمستان!... / ۳۹
تناقض‌گویی مقامات دولت درباره «بنزین»... / ۴۱-۴۰
آتش زیر خاکستر نارضایتی‌های معیشتی؛ هشدار درباره از سرگرفته شدن اعتراضات سراسری... / ۴۲-۴۱
آغاز اختلاف مجلس و دولت درباره بودجه ۱۴۰۶؛ هشدار درباره کسری بودجه شدید... / ۴۳-۴۲
هشدار درباره بحران‌های چندگانه اقلیمی در ایران... / ۴۴
قتل «ناموسی» سوگند؛ مردان قاتل متکی بر حمایت جمهوری اسلامی... / ۴۶-۴۵
تشدید بحران کمبود سوخت؛ هشدار درباره توقف تولید و فلج شدن اقتصاد... / ۴۷-۴۶
آغاز طرح جیره‌بندی نان؛ قمار دولت پزشکیان با سفره مردم... / ۴۸
ایرانِ امروز چهارمین کشور فلاکت‌زده جهان؛ جایگاهی بدتر از یمن و سوریه!... / ۴۹
افشای طرح وزارت راه و شهرسازی؛ صدور مجوز ساخت و ساز در مناطق درگیر با فرونشست... / ۵۰
برگزاری مراسم «هفته شاهان» در لندن؛ زادروز شاهنشاه آریامهر و رضاشاه دوم، بزرگداشت کوروش کبیر... / ۵۱
برگزاری سمینار بزرگداشت کوروش بزرگ در فرانکفورت... / ۵۱
محکومیت سه فعال صنفی آموزگاران در استان بوشهر به زندان و مجازات‌های تکمیلی... / ۵۲
قتل یک قاضی و دو عضو خانواده‌اش در تبریز؛ ضارب خودکشی کرد... / ۵۳
ایران، همه‌ی بود و نبود ماست... / بهنام محمدی ۵۳
جان کارگران و متخصصان بازیچه نبود؛ ایمنی در محیط کار... / ۵۴
تصویب قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران در کمیته سوم سازمان ملل... / ۵۵
رویترز: درآمد چند صد میلیون دلاری «کتائب حزب‌الله» عراق از قاچاق نفت... / ۵۶
تأیید احکام ۱۸ سال زندان، تبعید و محرومیت دائمی از وکالت جواد علیکردی در دیوان عالی کشور... / ۵۷-۵۶
امیرسالار داوودی، وکیل زندانی، به «جاسوسی» متهم شد!... / ۵۷
سفر اسماعیل قاآنی به بغداد؛ بن‌بست در گفتگوها بین دولت عراق با «کتائب حزب‌الله»... / ۵۸
۱۲۱ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۱۴۰۴ زیر حکم اعدام... / ۵۹
خبرهای کوتاه... / ۶۱-۶۰
پشت جلد - **عکس هفته / آبدانان؛ انقلاب شیر و خورشید ادامه دارد...** / ۶۲











سرمقاله

ملت و میهن از «من» و «شما» مهم‌ترند

وقتی در همین ماه آبان «آخرین سرمقاله»ی پارسال را با عنوان «ققنوس ایران از خاکستر خود برخواهد خاست» روی تخت بیمارستان نوشتم، نمی‌دانستم درست یکسال پیش در چنین روزی، ۲۰ نوامبر، وقتی به اتاق عمل منتقل شوم، چگونه از آن بیرون خواهم آمد. بعد هم با شش ماه شیمی‌درمانی سنگین به دلیل سرطان لوزالمعده، نوشتن سرمقاله که یک مسئولیت منظم و هفتگی است با وضعیتم همخوانی نداشت.

اکنون همین مناسبت یکساله در دورانی که شاهد یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر در میهنی خسته و رنجور



هستیم، وسوسه‌ای شد تا آن امید و باور در «آخرین سرمقاله» را یادآوری کنم. چرا که کمی بعد، در روز تاریخی ۲۱ آذر ۴۰۴، «روز نجات آذربایجان»، شعار «پهلوی برمیگردد» و «اینست شعار ملی، رضا رضا پهلوی» در خراسان در مراسم هفتم خسرو علیکردی وکیل دادگستری سر داده شد. از هفتم دی و با اعتراضات بازار تهران، انقلابی که نقش شیروخورشید بر آن می‌درخشد، به سرعت کشور را فرا گرفت و در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به اوج خود رسید. رژیمِ درمانده به چنان وحشتی افتاد که بزرگترین جنایت تاریخ خود را مرتکب شد و ده‌ها هزار شهروند بی‌دفاع را که بسیاری از آنان خانوادگی به تظاهرات رفته بودند، به خاک و خون کشید، مجروح کرد و به زندان انداخت و بعد هم به اعدام زندانیان اسیر پرداخت. دو جبهه‌ی متقابل، از این آشکارتر نمی‌شد!

برای کیهان لندن این تکرار مکرّرات است که همواره این دو جبهه را تشخیص داده: یکسو نظام جمهوری اسلامی با همه‌ی مخلّفاتش؛ سوی دیگر، پهلوی و ملت! حتا در زمانی که «ملت» هنوز به جایگاه خود آگاه نبود و برای اصلاح قاتلانش صف می‌کشید.

اکنون اما در «آنسو» کفگیر چنان به ته دیگ خورده که در «اینسو» دیگر «شیروخورشید» و «مشروطه» و «پادشاهی» و صدها «تاج» هم کفایت نمی‌کند! چون نسخه جعلی همه اینها به صورت سایبری و غیرسایبری تولید شده! حتا برای جعل «پهلوی» نیز توسط عوامل نظام تلاش شد! نخست با تمجید از رضاشاه؛ بعد حتا با استناد به سخنان محمدرضاشاه فقید! آنهم با شعارهای «ملی» و «ایرانی» با این هدف که از پدر و پدربزرگ در مقابله با «رضا پهلوی» سوء استفاده کنند!

مردم اما نه با سرکوب خونین در داخل از «پهلوی» کوتاه آمدند و نه در خارج کشور با تهدید به ترور و مصادره اموال و امتناع از خدمات کنسولی و... خیابان‌ها را ترک کردند. «آبدانان» در این روزها اثبات مکرّر این حقیقت است. اینست که اندوه و شرمندگی من در یکسال گذشته این بود که آنچه را باور داشتم بی‌تردید از راه خواهد رسید و سال‌ها در کیهان لندن و گفتگوهایم تکرار کرده بودم، نتوانستم حضوری همراهی کنم. افراد در هر دو جبهه می‌آیند و می‌روند؛ تعویض و جایگزین و بین «آنسو» و «اینسو» نیز جابجا می‌شوند؛ اما نقش‌ها می‌مانند و میراثی را تشکیل می‌دهند که هرگز نمی‌رود و قابل تعویض و جایگزینی نیست؛ می‌ماند. ملت و میهن از «من» و «شما»، از همه آنها که مدعی‌اند درد «وطن» و «ایران» دارند اما گفتار و رفتارشان در خدمت تداوم یک حکومت ضد ملت و ضد میهن است، مهم‌ترند؛ چون پایدارند. به همین دلیل به پهلوی‌های فقید تکیه کرده و به شاهزاده رضا پهلوی امید بسته و باور دارند که نه خودش بلکه آنها را، که سرنوشت‌سازند، مهم می‌داند. در این میان، نقش کیهان لندن به عنوان بخشی از میراث یک ملت این بوده که همواره چشم و گوش مردم و میهن، و حامی پهلوی و رهبر انقلاب شیروخورشید باشد.

تیتر هفته

«مقتدر» برای تولید فقر و فلاکت



دولت پزشکیان بیش از ۹ ماه است با سنگر گرفتن پشت «جنگ» و «جراحی اقتصادی»، هر اقدام بیجایی را به اسم «اصلاحات اقتصادی» انجام داده تا ذره‌ای از کسری بودجه خودش را جبران کند. در این میان همچنان مافیاها و «خودی»ها جیب‌شان را از منابع عمومی پر می‌کنند، در حالی که شهروندان عادی زیر بار تورم رنج می‌کشند.

وضعیت اقتصاد ایران در پی رکود تورمی ناشی از بحران جنگ و محاصره اقتصادی و قطع اینترنت، یکی از وخیم‌ترین دوره‌های خود را سپری می‌کند. تورم مزمن به مرز ۱۰۰ درصد رسیده و تورم موادخوراکی بیش از ۹ ماه است که در محدوده ۱۲۰ درصد قرار گرفته. خزانه دولت خالیست و کسری بودجه تشدید شده است. دولت هزینه و فشار این شرایط آشفته را به سوی سفره و زندگی شهروندان هدایت کرده و فقر و فلاکت را گسترش داده است.

رشد اقتصادی ایران به زیر منفی ۱۰ درصد سقوط کرده. رکود تورمی در بنگاههای اقتصادی موجی از اخراج نیروی کار را به راه انداخته. به گفته کارشناسان بازار کار، بیش از چهار میلیون نفر از ابتدای جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا، در اسفند۴۰۴، تا اواخر بهار امسال بیکار شدند. چشم‌انداز روشنی نیز برای ماه‌های آینده وجود ندارد بطوری که معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هشدار داده در صورت تداوم رشد منفی اقتصاد تا پایان سال ۱۴۰۵ ممکن است یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و ۴۰۰ هزار شغل از بین برود.

دولت مسعود پزشکیان به اسم اصلاحات ساختاری، یارانه‌ها را یکی پس از دیگری حذف، قیمت‌ها را آزاد و ارز ترجیحی برای واردات مواد اولیه و کالاهای اساسی را حذف کرده است. جیره‌بندی نان آخرین پیامد سیاست‌های اقتصادی دولت چهاردهم جمهوری اسلامی است؛ مردم برای خرید نان با نرخ رسمی جیره‌ای مشخص دارند و خرید نان بیشتر مستلزم پرداخت ارقامی شش برابر قیمت رسمی است!

در آنسو، با ادعای مبارزه با قاچاق سوخت، بنزین گران‌تر و یارانه‌ها محدود شده. ناتوانی دولت در تولید بنزین سبب کمبود بنزین و صف طولانی و ساعت‌ها انتظار مردم در پمپ‌بنزین‌ها برای دریافت بنزین شده است.

کمبودها اما گسترده‌تر و فاجعه‌بارتر از بنزین است. بحران کمبود گاز سبب قطع کامل یا جیره‌بندی گاز در صنایع شده و شهروندان در استان‌های مختلف با خطر قطع گاز در روزهای سرد زمستان روبرو هستند. تکاندهنده آنکه ناتوانی در تأمین سوخت نیروگاه‌های تولید برق نیز باعث هشدار درباره کمبود برق و احتمال جیره‌بندی گاز شده است.

مقامات دولت پزشکیان در چنین بلبشویی، اولویت برنامه‌های دولت را بازگشت ثبات، اصلاحات ارزی و مالی، و حمایت از مشارکت بخش خصوصی و اقشار کم‌درآمد اعلام کرده‌اند. این در حالیست که اصلاحات ارزی عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، سبب افزایش بیش از دو برابری قیمت ارز در یک سال گذشته شده است.

افزایش نرخ ارز در کنار رکود ناشی از شرایط جنگی، تورم را نیز به شدت افزایش داده است. ارزش واقعی درآمد خانوارها با سقوط بی‌سابقه‌ای روبرو شده و درآمد شاغلان، از جمله کارگران، آموزگاران، پرستاران و اغلب بازنشستگان، فقط هزینه‌های یک هفته تا ۱۰ روز در یک ماه را پوشش می‌دهد.

برنامه‌های حمایتی دولت نیز در توزیع کالابرگ خلاصه شده. اعتبار کالابرگ برای هر شهروند یک میلیون تومان تعیین شده بود و دولت پس از ماه‌ها مبلغ ۵۰۰ هزار تومان بر اعتبار بخشی از یارانه‌بگیران افزود اما در آنسو یارانه یک میلیون تومانی بخش زیادی از مشمولان را حذف کرد!

یارانه یک و نیم میلیون تومانی در مقایسه با قیمت مواد خوراکی، بیانگر توهین آشکار دولت به کرامت شهروندان است. یک عدد مرغ دو میلیون تومان، یک کیلو

گوشت گوسفند بدون استخوان چهار میلیون تومان، یک شانه تخم مرغ ۹۰۰ هزار تومان، یک کیلو برنج ایرانی ۶۰۰ هزار تومان، تنها قیمت چهار قلم کالایی است که یارانه

دولت پزشکیان بیش از ۹ ماه است با سنگر گرفتن پشت «جنگ» و «جراحی اقتصادی»، هر اقدام بیجایی را به اسم «اصلاحات اقتصادی» انجام داده تا ذره‌ای از کسری

و تمامیت‌خواه رفاه و کرامت شهروندان را فدای پیشبرد ایدئولوژی خود کرده و روشن است که به سرنوشتی مشابه همان حکومت‌ها نیز دچار خواهد شد.



یک خانواده چهارنفره در مجموع نیز قادر به تأمین همین اقلام برای مصرف یک ماه نیست.

بحران معیشت خانوارها فقط در مواد خوراکی خلاصه نمی‌شود. هزینه‌های ضروری دیگر مانند اجاره خانه که طی سال جاری با افزایش حداقل ۶۰ درصدی روبرو شده، و هزینه دارو که اقلام مختلف آن با افزایش دو تا هفت برابری قیمت سال گذشته روبرو شده نیز از جمله هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر خانوارهاست.

بر اساس برآورد تحلیلگران، هزینه یک ماه زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره در ایران ۱۰۰ میلیون تومان است. در آنسو اما حقوق کارگران حداکثر ۲۵ میلیون تومان، حقوق اغلب آموزگاران و پرستاران در محدوده ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان، و حقوق اغلب بازنشستگان بین ۲۰ تا ۳۵ میلیون تومان است. مقایسه این ارقام فاجعه معیشت و فقر در ایران را بیشتر نمایان می‌کند.

سنگر گرفتن دولت پشت «جنگ» و «جراحی اقتصادی»

«تعدیل اقتصادی» مجموعه‌ای از اصلاحات و سیاست‌های کلان اقتصادی با هدف تغییر ساختار تولید و مصرف، افزایش بهره‌وری و حرکت به سمت اقتصاد بازار آزاد است. جمهوری اسلامی با این الگو اقداماتی تحت عنوان «جراحی اقتصادی» را طی ربع قرن اخیر در دولت‌های مختلف اجرا کرده است. این مجموعه اقدامات که در اصل واکنش به کسری شدید بودجه بوده، در عمل نتیجه عکس داده و بجای افزایش بهره‌وری، رکود را عمیق‌تر کرده، تورم را افزایش داده و فقر و بیکاری را گسترش داده است.

تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان با سکانداری عبدالناصر همتی نیز برای جبران کسری بودجه، علَم «جراحی اقتصادی» را در شرایط جنگ و ناپایداری سیاسی-اجتماعی بلند کرده که عین «جراحی»های گذشته نتیجه‌اش معکوس بوده و زندگی مردم را بیشتر به فلاکت کشانده است.

بودجه خودش را جبران کند. در این میان همچنان مافیاها و «خودی»ها جیب‌شان را از منابع عمومی پر می‌کنند، در حالی که شهروندان عادی زیر بار تورم رنج می‌کشند.

جمهوری اسلامی حتی نتوانسته از شهروندانی که در جریان جنگی که به ملت تحمیل کرده شغل خود را از دست داده‌اند، حمایت کند. برای نمونه اسماعیل حاجی‌زاده فعال کارگری ساکن استان هرمزگان خبر داده که از اسفندماه سال گذشته تا کنون و در پی بروز جنگ، هزاران کارگر و صیاد و شاغلان در دیگر مشاغل بیکار شده‌اند اما نه تنها دولت آنها را به حال خود رها کرده بلکه حتی از حقوق قانونی مانند مستمری بیکاری نیز محروم شده‌اند.

وی تأکید کرده، استان هرمزگان همچنان درگیر جنگ است و دست‌کم هفته‌ای دوبار حملات به نقاط مختلف استان ادامه دارد. او بسته شدن بنادر، تعلیق صیادی و بلاتکلیفی پروژه‌های ساخت و ساز را در کنار تعطیل و نیمه‌تعطیل شدن بسیاری از کسب و کارها به علت رکود ناشی از جنگ از دلایل بیکاری هزاران نفر در استان اعلام کرده است.

قابل توجه اینکه حتی این استان «جنگزده» نیز در صدر فهرست طرح‌های به اصطلاح «جراحی اقتصادی» قرار دارد! برای نمونه این استان از نخستین استان‌هایی است که در هفته‌های گذشته طرح حذف کارت سوخت جایگاه‌های بنزین از آن آغاز شد و شهروندان ساعت‌ها در صف پمپ‌بنزین‌ها معطل دریافت چند لیتر بنزین بودند!

اینهمه به خوبی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی چگونه بطور سازمانیافته با بزک کردن اقدامات تباه به عناوینی چون «جراحی اقتصادی»، زندگی و معیشت مردم را قربانی پابرجایی ساختار مافیایی خود کرده؛ همانطور که بدون هیچ ابایی با تحمیل جنگ، حیات مردم را فدای اهداف ایدئولوژیک خود کرده است.

الگویی تکراری در حکومت‌های تمامیت‌خواه

جمهوری اسلامی همچون دیگر حکومت‌های اقتدارگرا

در چنین حکومت‌هایی بحران‌های اقتصادی مستقیما به مردم منتقل می‌شود و توزیع کوپن و جیره‌بندی همزمان که ابزاری برای بقای اقتصادی و تأمین منابع برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک است، روشی برای وابسته نگه داشتن حیات شهروندان به دولت بوده است.

برای نمونه چائوشسکو، دیکتاتور کمونیست، رومانی را که زمانی انبار غله اروپا بود به چنان وضعیت فقر و فلاکتی دچار کرد که کالاهای اساسی از گوشت و نان تا آرد و تخم‌مرغ سهمیه‌بندی شدند. همانطور که جمهوری اسلامی این روزها محدودیت مصرف گاز و آب و برق برای شهروندان در نظر گرفته، در رومانی آن دوران هم مردم تنها امکان خرید لامپ ۴۰ وات را از فروشگاه‌ها داشتند و بر اساس قانون رسمی دولت، هر اتاق فقط اجازه روشن کردن یک لامپ ۴۰ وات را داشت؛ مجتمع های مسکونی مجاز به استفاده از سیستم حرارت مرکزی نبودند و فقط در شنبه‌شب‌ها برای دو ساعت مجاز به استفاده از آب گرم بودند!

درست عین ایران امروز که با وجود رتبه دوم در ذخایر منابع گاز طبیعی و چهارمین رتبه در دارایی منابع نفت، و پتانسیل‌های مختلف دیگر، به قعر رتبه‌های شاخص‌های اقتصادی سقوط کرده، دولت کمونیست چائوشسکو نیز کشور حاصلخیز و دارای منابع نفت رومانی را به فقر و فلاکت کشانده بود و حتی موادغذایی مورد نیاز کشور نیز به خارج صادر می‌شد تا ارز خارجی مورد نیاز دستگاه سرکوب و پروپاگاندای حکومت وقت رومانی تامین شود.

در این الگوی تکراری، حکومت‌ها از همه منابع کشور برای تداوم حیات خود بهره می‌برند و شهروندان نخستین قربانیان این رویکرد هستند. به همین علت جیره‌بندی بیش از پیش کالاها، خاموشی برق و قطع گاز و آب و سیاه‌روزی زندگی مردم، واقعیتی غیرقابل تغییر در صورت تداوم جمهوری اسلامی است.

دیدار رؤسای جمهور آمریکا، چین و روسیه در شنژن؛
ترامپ: «جمهوری اسلامی قابل اعتماد نیست»



ترامپ، شی و پوتین در اجلاس همکاری اقتصادی آسیا- اقیانوسیه (اپک) در شنژن، استان گوانگ‌دونگ چین / ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶

● خبرگزاری «رویترز» با «بی‌سابقه» توصیف کردن این نشست می‌نویسد، محور دیدار بی‌سابقه رهبران سه قدرت بزرگ هسته‌ای جهان «کنترل تسلیحات هسته‌ای، جنگ اوکراین، تنش‌های مربوط به رژیم ایران و اختلافات تجاری» خواهد بود.

● ترامپ خواستار قرار گرفتن کنترل تسلیحات هسته‌ای در بطن مذاکرات شده است، با این حال چین تا کنون با پیوستن به مذاکرات محدود ساختن تسلیحات میان آمریکا و روسیه مخالفت کرده، زیرا زرادخانه هسته‌ای این کشور به مراتب کوچک‌تر از زرادخانه‌های دو قدرت دیگر است.

● ترامپ قبل از نشست سه‌جانبه، با ولادیمیر پوتین دیدار کرد که اهمیت زیادی داشت. ترامپ گفت: «ما مدت‌هاست یکدیگر را می‌شناسیم و فکر می‌کنم اتفاقات بسیار خوبی می‌تواند از این دیدار رقم بخورد؛ یا دست‌کم زمینه آغاز آن فراهم شود.»

● دونالد ترامپ در حاشیه نشست «ای‌پک» با فاکس‌نیوز مصاحبه کرد. او بار دیگر «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» با جمهوری اسلامی ایران را «اتلاف وقت» خواند؛ ولی گفت که امضای آن، با وجود ایجاد تأخیر، اشتباه نبود، زیرا در این مدت مقامات جمهوری اسلامی را «بهتر شناختیم و دریافتیم که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد».

● ترامپ همچنین گفت که خواهان توافقی با رژیم ایران است که اگر آمریکا «رئیس‌جمهور احمق» و «بد و ضعیفی» داشته باشد، این توافق فراتر از دوره ریاست جمهوری او معتبر باشد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ در شهر شنژن چین با شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در نشستی سه‌جانبه گفتگو می‌کند.

خبرگزاری «رویترز» با «بی‌سابقه» توصیف کردن این نشست می‌نویسد، محور دیدار بی‌سابقه رهبران سه قدرت بزرگ هسته‌ای جهان «کنترل تسلیحات هسته‌ای، جنگ اوکراین، تنش‌های مربوط به رژیم ایران و اختلافات تجاری» خواهد بود.

ترامپ خواستار قرار گرفتن کنترل تسلیحات هسته‌ای در بطن مذاکرات شده است، با این حال چین تا کنون با پیوستن به مذاکرات محدود ساختن تسلیحات میان آمریکا و روسیه مخالفت کرده، زیرا زرادخانه هسته‌ای این کشور به مراتب کوچک‌تر از زرادخانه‌های دو قدرت دیگر است.

شی جین‌پینگ روز چهارشنبه در سخنرانی خود خواستار تجارت آزاد و نامحدود شد و تلاش کرد چین را شریکی باثبات در عرصه بین‌المللی معرفی کند. او سپس در فرودگاه شنژن شخصاً از ترامپ استقبال کرد؛ اقدامی کم‌سابقه که با در آغوش گرفتن کوتاه دو رهبر همراه بود. این در حالیست که پوتین توسط یکی از مقامات ارشد دولت چین مورد استقبال قرار گرفت. همچنین برای گرفتن عکس یادگاری نیز شی در حالی که کنار ترامپ ایستاده بود، پوتین را به جایگاه خود به آنسوی بانوی اول چنین هدایت کرد. چنین صحنه‌هایی مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

ترامپ در دیدار با رئیس‌جمهوری چین گفت که تشکیل هیئت تجاری مشترک دو کشور به ایجاد توازن بیشتر در روابط اقتصادی واشنگتن و پکن کمک کرده است. او با انتقاد از سیاست‌های دولت‌های پیشین آمریکا گفت: «روابط اولیه با چین بسیار نامتوازن بود.» ترامپ همچنین افزود: «تعرفه‌ها را تقسیم کرده و به شکلی بسیار منصفانه کاهش داده‌ایم.»

ترامپ قبل از این دیدار سه‌جانبه، با ولادیمیر پوتین دیدار کرد که اهمیت زیادی داشت. ترامپ گفت: «ما مدت‌هاست یکدیگر را می‌شناسیم و فکر می‌کنم اتفاقات بسیار خوبی می‌تواند از این دیدار رقم بخورد؛ یا دست‌کم زمینه آغاز آن فراهم شود.»

کاخ سفید اعلام کرده، انتظار نمی‌رود جنگ اوکراین در نشست سه‌جانبه مطرح شود، اما ترامپ احتمال گفتگو درباره این موضوع را رد نکرده است.

همزمان، گزارش‌های مربوط به انتقال تراشه‌های پیشرفته «انویدیا» به چین از مسیر کشورهای جنوب شرق آسیا، اختلافات فناوری میان دو کشور را تشدید کرده است. دیدار دوجانبه ترامپ و شی همچنین فرصتی برای ارزیابی پایداری آتش‌بس تجاری اخیر خواهد بود.

ترامپ پس از پایان نشست سه‌جانبه، سفر آسیایی خود را که شامل مذاکرات امنیتی و تجاری در فیلیپین و چین بود، به پایان می‌رساند و به آمریکا بازمی‌گردد.

ترامپ: «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» وقت تلف کردن بود

دونالد ترامپ در حاشیه نشست «ای‌پک» با فاکس‌نیوز مصاحبه کرد. او بار دیگر «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» با جمهوری اسلامی را که با سر و صدا و تبلیغات توسط خودش و مسعود پزشکیان امضاء شده ود، «اتلاف وقت» خواند ولی افزود که امضای آن، با وجود ایجاد تأخیر، اشتباه نبود، زیرا در این مدت مقامات جمهوری اسلامی را «بهتر شناختیم و دریافتیم که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد».

ترامپ همچنین گفت: «از همان اول تمایلی به پیگیری تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نداشتم، اما توصیه مشاوران خود را پذیرفتم.»

رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه، مقامات جمهوری اسلامی را متهم کرد که بارها پس از دستیابی به توافق، از تعهدات خود عقب‌نشینی کرده‌اند. او همچنین با انتقاد از عملکرد مقامات تهران در حوزه روابط عمومی، خواستار توافقی شد که دوام آن به وعده‌های کوتاه‌مدت وابسته نباشد.

ترامپ در این زمینه گفت: «من توافقی می‌خواهم که اگر رئیس‌جمهور احمقی داشته باشیم، اگر رئیس‌جمهور بد و ضعیفی داشته باشیم، که احتمال آن زیاد است چون می‌بینید بعضی از نامزدها چه کسانی هستند، توافقی وجود داشته باشد که فراتر از دوره ریاست جمهوری او اعتبار داشته باشد.»

هشدار «سنتکام» و تشدید محاصره دریایی با محدودیت‌های تازه انتقال نفت در دریا

خبرگزاری «رویترز» می‌نویسد، بر اساس اطلاعیه‌ای که توسط مرکز اطلاعات دریایی مشترک (JMIC) منتشر شده، هر کشتی که از طریق انتقال «کشتی به کشتی» محموله دریافت کند، به شرطی که محموله از بندر یا خط ساحلی ایران بارگیری شده و کشتی مبدأ مشمول محاصره باشد، حتی اگر خود کشتی وارد بنادر یا آب‌های ایران نشده باشد، می‌تواند به عنوان ناقض محاصره دریایی شناسایی شود.

هشدار «سنتکام» بطور صریح خطر شلیک سریع به آتشِ غیرفعال‌کننده یا تخریبی را در صورت عدم همکاری مطرح می‌کند و به فرماندهان کشتی توصیه می‌نماید که ایمنی خدمه خود را در اولویت قرار دهند.



کشتیرانی در تنگه هرمز

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) روز چهارشنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ با انتشار اطلاعیه‌ای رسمی، دامنه‌ی محاصره دریایی بنادر ایران را گسترش داد و اعلام کرد فعالیت کشتی‌هایی که در دریا محموله از شناورهای بارگیری‌شده در ایران دریافت می‌کنند، به عنوان تلاش برای دور زدن محاصره تلقی شده و ممکن است با تدابیر اجرایی مواجه شوند.

بر اساس گزارش خبرگزاری «رویترز»، این اطلاعیه که از سوی مرکز اطلاعات دریایی مشترک (JMIC) منتشر شده، تصریح می‌کند هر کشتی که از طریق انتقال «کشتی به کشتی» محموله دریافت کند، به شرطی که محموله از بندر یا خط ساحلی ایران بارگیری شده و کشتی مبدأ مشمول محاصره باشد، حتی اگر خود کشتی وارد بنادر یا آب‌های ایران نشده باشد، می‌تواند به عنوان ناقض محاصره دریایی شناسایی شود.چنین کشتی‌هایی ممکن است متوقف، بازرسی، مجبور به تغییر مسیر، تصرف یا وادار به بازگشت به بندر مبدأ در ایران شوند.

طبق اطلاعیه «سنتکام»، کشتی‌هایی که فوراً به دستورات قانونی نیروهای مجری محاصره یا گروه‌های بازرسی عمل نکنند، با اقدامات عملی مواجه خواهند شد که می‌تواند شامل استفاده از زور مطابق با قوانین اجرایی باشد. این هشدار بطور صریح خطر شلیک سریع به آتشِ غیرفعال‌کننده یا تخریبی را در صورت عدم همکاری مطرح می‌کند و به فرماندهان کشتی توصیه می‌نماید که ایمنی خدمه خود را در اولویت قرار دهند.

محاصره دریایی آمریکا بر صادرات نفت مرتبط با رژیم ایران ابتدا در ۱۳ آوریل ۲۰۲۶ اعمال شد. این اقدام پس از دستیابی واشنگتن و جمهوری اسلامی به «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» در ماه ژوئن گذشته بطور موقت لغو شد، اما پس از حملات جمهوری اسلامی با فروپاشی توافق، در ۱۴ ژوئیه مجدداً برقرار گردید. از آن زمان، محاصره به عنوان ابزار اصلی فشار اقتصادی آمریکا بر جمهوری اسلامی عمل کرده و صادرات نفت خام رژیم را عملاً به حالت تعلیق درآورده است.

منابع کشتیرانی و امنیتی پیشتر در گفتگو با «رویترز» اعلام کرده بودند که رژیم ایران از ماه ژوئیه موفق به صادرات مقادیری گاز مایع نفتی (LPG) و سوخت جت شده؛ اما صادرات نفت خام ماه‌هاست که نزدیک به صفر باقی مانده است. این وضعیت درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی را که عمدتاً به فروش نفت وابسته است، به شدت کاهش داده است.

اعلامیه‌ی جدید بطور خاص هدف قرار دادن روش‌های دور زدن محاصره از طریق انتقال‌های کشتی به کشتی را دنبال می‌کند. این روش سال‌ها توسط ناوگان «سایه»ی رژیم ایران برای پنهان کردن مبدأ محموله‌ها استفاده می‌شده است.

بر اساس داده‌های منابع ردیابی کشتیرانی مانند«UANI»، حداقل ۵۵ تانکر حامل نفت ایرانی (عمدتاً نفت خام و محصولات نفتی) همچنان در امتداد خط ساحلی ایران فعال هستند و در روز ۱۸ نوامبر، تصاویر ماهواره‌ای از دو انتقال کشتی به کشتی در تنگه هرمز گزارش شده است.

این تشدید محاصره در حالی رخ می‌دهد که تنش‌ها در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز همچنان بالاست. گزارش‌های اخیر از ورود سومین ناو هواپیمابر آمریکا (تئودور روزولت) به منطقه و افزایش تهدیدات رژیم ایران علیه کشتیرانی تجاری و کشورهای حاشیه خلیج فارس حکایت دارد.

جمهوری اسلامی بارها مسیرهای جایگزین عبور از تنگه هرمز را «میدان مین آتش» توصیف کرده و به تهدید علیه آنها پرداخته است.

اقدام تازه‌ی «سنتکام» بخشی از استراتژی گسترده‌تر آمریکا برای افزایش فشار اقتصادی بر رژیم تهران است. چندی پیش، آمریکا از تشکیل نیروی ویژه «دروازه آهنین» برای محدود کردن تجارت زمینی رژیم ایران، از جمله عبور محصولات با کاربرد دوگانه و جریان‌های درآمدی غیرقانونی از مرزهای زمینی و دریای کاسپین نیز خبر داده بود.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده تخمین زده که محاصره دریایی تا کنون بیش از ۲۵ میلیارد دلار از صادرات نفت خام رژیم ایران را جلوگیری کرده است.

کارشناسان کشتیرانی معتقدند گسترش دامنه‌ی محاصره به کشتی‌های دریافت‌کننده‌ی محموله، ریسک را برای شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی افزایش می‌دهد و ممکن است باعث احتیاط بیشتر در پذیرش محموله‌های مشکوک شود.

در بازار انرژی، چنین اقداماتی می‌تواند فشار صعودی بر قیمت نفت ایجاد کند، هرچند که صادرات نفت خام رژیم ایران از ماه‌ها پیش به حداقل رسیده و تأثیر مستقیم آن محدود است. با این حال، هرگونه اختلال بیشتر در جریان محصولات نفتی ایرانی یا افزایش تنش در تنگه هرمز که حدود ۲۰ درصد از نفت جهان از آن عبور می‌کند، می‌تواند بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

از سوی دیگر، رژیم ایران تا کنون با استفاده از ناوگان سایه و انتقال‌های دریایی تلاش کرده بخشی از صادرات خود را حفظ کند. منابع امنیتی اشاره دارند که با وجود محاصره، برخی محموله‌های LPG و سوخت جت همچنان صادر شده‌اند که حاکی از انعطاف‌پذیری نسبی ایالات متحده است.هشدار ۱۸ نوامبر توسط «سنتکام» نشان می‌دهد عزم آمریکا برای بستن راه‌های دور زدن محاصره جدی است و پیام روشنی به مالکان و اپراتورهای کشتی ارسال می‌کند که دریافت محموله از رژیم ایران، حتی خارج از آب‌های ایران، عواقب جدی خواهد داشت. با توجه به حضور گسترده نیروهای دریایی آمریکا در منطقه و ادامه‌ی تنش‌ها، احتمال افزایش بازرسی‌ها و اقدامات اجرایی در هفته‌های آینده بالا ارزیابی می‌شود.

تشدید محاصره دریایی در حالی رخ می‌دهد که مذاکرات پیشین میان واشنگتن و رژیم تهران برای کاهش تنش‌ها به بن‌بست رسیده و هر دو طرف مواضع خود را سخت‌تر کرده‌اند. تحلیلگران معتقدند تداوم محاصره و گسترش آن می‌تواند فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی را تشدید کند، اما در عین حال خطر اشتباهات محاسباتی و تشدید درگیری‌های دریایی را نیز افزایش می‌دهد.

گزارش‌های میدانی از تنگه هرمز نشان‌دهنده‌ی حضور مداوم کشتی‌های تجاری و نظامی در منطقه است و تصاویر منتشرشده از شناورها در نزدیکی عمان، وضعیت هشدارآمیز کشتیرانی را به تصویر می‌کشد.در مجموع، اطلاعیه‌ی «سنتکام» گام جدیدی در تشدید محاصره دریایی رژیم ایران محسوب می‌شود و تلاش می‌کند آخرین روش‌های دور زدن را نیز مسدود کند. با این حال، جمهوری اسلامی نیز روزانه تلاش می‌کند با شلیک به کشتیرانی بین‌المللی و ایجاد ناامنی در تنگه هرمز، قیمت جهانی نفت را بالا نگه دارد.

کنار گذاشتن ونس از «پرونده ایران»؛
ترامپ: نیازی به «توافق» نیست!



دونالد ترامپ و معاون اول وی جی. دی. ونس

○ ترامپ در شبکه‌ی اجتماعی تروث سوشال نوشت: «من از معاون رئیس‌جمهور ونس خواسته‌ام تا توجه کامل و همه‌جانبه خود را بر فساد و جنایات گسترده‌ای که در شهرها و ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها در سراسر ایالات متحده رخ می‌دهد، متمرکز کند... ما نیازی به توافق با ایران نداریم. آن دوران خیلی وقت است که گذشته. ما پول آنها را داریم، صدها میلیارد دلار، و تنگه (هرمز) آنها را هم در اختیار داریم!»

○ روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در حالی طی گزارشی به این پیام پرداخته که یک روز پیش از آن درباره دیدار و مذاکره احتمالی ونس با محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در دوحه خبر داده بود!

○ اکنون به نظر می‌رسد دونالد ترامپ بر پایه‌ی واقع‌بینی نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، با تمرکز بیشتر بر فشار حداکثری، می‌تواند از «اتلاف وقت» جلوگیری کند، زیرا هدف جمهوری اسلامی از ادامه‌دادن مذاکرات نه توافق، بلکه خریدن وقت و فرصت برای بازسازی توان نظامی و نیابتی‌های خود است.

○ رئیس جمهور ایالات متحده اخیرا طی مصاحبه‌ای در پاسخ به این پرسش که آیا در استفاده‌ی مجدد از نیروی نظامی تردید خواهد کرد، به صراحت گفت: «نه، بدون هیچ تردیدی!» او افزود که اگر ببیند اوضاع در خلاف جهت پیش می‌رود، ممکن است همین حالا نیز اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی را از سر بگیرد.

○ دونالد ترامپ همچنین در سخنرانی روز تجلیل از «کهنه‌سربازان» تأکید کرد که رژیم ایران ازسال ۱۹۷۹ علیه آمریکا جنگیده و این درگیری برای امنیت جهان ضروری است.

رئیس جمهور ایالات متحده در حالی اعلام کرده ایالات متحده دیگر نیازی به توافق با رژیم ایران ندارد که کمی پیش از آن گزارش‌هایی درباره ملاقات احتمالی معاون اول وی با دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در دوحه منتشر شده بود.

دونالد ترامپ روز پنجشنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶ اعلام کرد که ایالات متحده دیگر نیازی به توافق با رژیم ایران ندارد و از معاون اول خود، جی. دی. ونس خواست تمام توجه خود را به بررسی فساد و جرم در شهرها و ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها معطوف کند. این موضع، تغییری آشکار نسبت به خبرهایی است که در هفته‌های اخیر منتشر شده بود. در این گزارش‌ها ادعا شده بود که ترامپ به معاون خود برای از سر گرفتن مذاکرات با جمهوری اسلامی اجازه و اختیار داده و حتی طرف مذاکره و محل آن نیز در این خبرها تعیین شده بود: مذاکره جی. دی. ونس با محسن رضایی در دوحه!

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» پیام ترامپ در شبکه‌ی اجتماعی تروث سوشال را بازنشر کرده است. ترامپ در این پیام از جمله نوشته است: «من از معاون رئیس‌جمهور ونس خواسته‌ام تا توجه کامل و همه‌جانبه خود را بر فساد و جنایات گسترده‌ای که در شهرها و ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها در سراسر ایالات متحده رخ می‌دهد، متمرکز کند... ما نیازی به توافق با ایران نداریم. آن دوران خیلی وقت است که گذشته. ما پول آنها را داریم، صدها میلیارد دلار، و تنگه (هرمز) آنها را هم در اختیار داریم!»

بازنشر و پرداختن به پیام رئیس جمهور آمریکا در «وال‌استریت ژورنال» در حالیست که یک روز پیش از آن گزارشی در همین روزنامه منتشر شده بود که حاکی از بررسی دیدار و مذاکره احتمالی ونس با محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی بود!

بر اساس آن گزارش، ترامپ به دستیاران و مقامات آمریکا گفته که با از سر گرفتن مذاکرات توسط ونس مخالفتی ندارد و به او برای گفتگو با رژیم ایران اختیارات لازم را داده است. ونس که یکی از نامزدهای اصلی جمهوریخواهان برای انتخابات ۲۰۲۸ محسوب می‌شود، هفته‌ی گذشته جنگ با جمهوری اسلامی را یکی از عوامل شکست سنگین جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر دانست؛ انتخاباتی که طی آن کنترل هر دو مجلس کنگره به دست دموکرات‌ها افتاد.

«وال‌استریت ژورنال» می‌نویسد، جی. دی. ونس که پیشتر رهبری هیئت مذاکره‌کننده‌ی آمریکا با رژیم ایران در پاکستان را بر عهده داشت و با میانجی‌های قطری و پاکستانی، شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی و عاصم منیر، در ارتباط بود، اکنون از «پرونده ایران» کنار گذاشته شده است. این تصمیم ترامپ در شرایطی گرفته شده که ونس به دلیل نقش فعال خود در مذاکرات و همچنین انتقاد از جنگ، در معرض انتقادات فراوان قرار داشت.

اکنون به نظر می‌رسد دونالد ترامپ بر پایه‌ی واقع‌بینی نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، با تمرکز بیشتر بر فشار حداکثری، می‌تواند از «اتلاف وقت» جلوگیری کند، زیرا هدف جمهوری اسلامی از ادامه‌دادن مذاکرات نه توافق، بلکه خریدن وقت و فرصت برای بازسازی توان نظامی و نیابتی‌های خود است.

رژیم ایران از سال‌ها پیش با بازی مذاکره، زمان می‌خرد تا برنامه‌ی هسته‌ای، موشکی و حمایت از گروه‌های نیابتی خود را پیش ببرد. تجربه توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) نمونه‌ی بارز این الگوی تکراری است؛ تحریم‌ها برداشته شد، میلیاردها دلار آزاد شد، اما رژیم نه تنها برنامه‌ی هسته‌ای را متوقف نکرد، بلکه با غنی‌سازی بیشتر و فعالیت‌های مخفیانه، تهدید و تنش‌ها را عمیق‌تر کرد.

امروز نیز، با وجود هشت ماه مذاکره و چهل روز درگیری، رژیم همچنان به طرح مطالبات حداکثری همراه با جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود ادامه می‌دهد، در

حالی که به «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» که ماه ژوئن توسط دونالد ترامپ و مسعود پزشکیان امضاء شد نیز پایبند نبود.

در همین رابطه دونالد ترامپ، در مصاحبه‌ای با شبکه‌ی خبری «Salem News Channel» اعلام کرد که در صورت مشاهده‌ی هرگونه تهدید از سوی رژیم ایران علیه متحدان آمریکا یا کشتی‌های آمریکایی، «بدون هیچ تردیدی» حملات نظامی را از سر خواهد گرفت.

رئیس جمهور ایالات متحده در پاسخ به این پرسش که آیا در استفاده‌ی مجدد از نیروی نظامی تردید خواهد کرد، به صراحت گفت: «نه، بدون هیچ تردیدی!» او افزود که اگر ببیند اوضاع در خلاف جهت پیش می‌رود، ممکن است همین حالا نیز اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی را از سر بگیرد.

در بخش دیگری از این گفتگو، وقتی از او درباره احتمال حمله‌ی مجدد به زیرساخت‌های باقیمانده صنعتی رژیم ایران و تأسیسات «کوه کلنگ گزلا» پرسیده شد، پاسخ داد: «ممکن است اتفاق بیفتد».

این اظهارات در حالی مطرح شده که ترامپ در روزهای گذشته در مصاحبه‌های دیگر، از جمله با «سی‌ان‌ان» از سر گرفتن حملات گسترده را «بسیار بعید» و آن را مشروط به پیشرفت مذاکرات درباره‌ی برنامه هسته‌ای ایران و بازگشایی تنگه هرمز دانسته بود. با این حال، او بارها بر آمادگی کامل نیروهای آمریکایی تأکید کرده است.

دونالد ترامپ همچنین در سخنرانی روز تجلیل از «کهنه‌سربازان» تأکید کرد که رژیم ایران ازسال ۱۹۷۹ علیه آمریکا جنگیده و این درگیری برای امنیت جهان ضروری است.

جمهوری اسلامی از بدو تأسیس با گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا در سیزدهم آبان ۵۸ تا حمایت از تروریسم، برنامه‌ی هسته‌ای مخفی، حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس، و سرکوب داخلی، از طریق تهدید و بحران‌سازی به بقای خود ادامه داده است.

گزارش‌ها از حملات به تانکرها و سیستم‌های ناوبری در منطقه، نشان‌دهنده‌ی تداوم و افزایش رفتار تهاجمی رژیم ایران است. هر توافق احتمالی که بدون تضمین‌های قوی برای توقف کامل برنامه‌ی هسته‌ای، موشکی و پایان حمایت از نیابتی‌ها باشد، در نهایت به همان «برجام» ختم می‌شود، هرچند جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهدافش هیچ اعتنایی به «معاهدات بین‌المللی» نداشته است.

اقدام ترامپ در هدایت ونس به سمت مسائل داخلی، نه تنها اولویت‌های آمریکا را برجسته می‌کند، بلکه از گرفتار شدن در چرخه‌ی بی‌حاصل بیشتر مذاکراتی جلوگیری می‌کند که هدف اصلی جمهوری اسلامی تداوم بدون نتیجه‌ی آن است.

بسته‌شدن مرزهای زمینی همراه با کنترل تنگه هرمز و دارایی‌های مسدودشده، ابزارهای قدرتمند فشار حداکثری هستند که در کنار اهرم قدرت نظامی، بقایای جمهوری اسلامی را تحت فشار چند لایه نگه می‌دارند.

تحلیلگران معتقدند، بدون تصمیم نهایی و حل ریشه‌ای مسائل هسته‌ای و امنیتی جمهوری اسلامی، منطقه همچنان در وضعیت ناپایدار باقی خواهد ماند و بار این بحران بیش از پیش بر دوش مردم ایران و حتی کشورهای منطقه خواهد بود.

با این حال، در شرایطی که دموکرات‌ها کنترل کنگره را به دست خواهند گرفت و برخی ناظران از بسته شدن پنجره‌ی عملیات نظامی سخن می‌گویند، این چرخش ترامپ، می‌تواند بازگشت به سیاست «فشار حداکثر»ی ارزیابی شود؛ سیاستی که بهترین راه برای مقابله با تهدید وجودی رژیم جمهوری اسلامی، بدون گرفتار شدن در مذاکرات فریبنده و بی‌پایان و بدون نتیجه است.

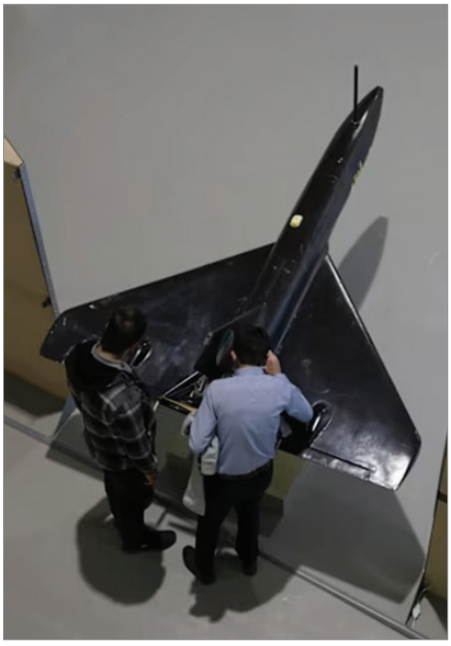
حمله پهپادی سپاه پاسداران به تأسیسات راداری آمریکا در بحرین

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ صادر شد، ادعا کرد با شش فروند پهپاد توانسته رادار یک سایت پدافندی آمریکا در پایگاه «الرفاع» بحرین را هدف قرار دهد. مرکز فرماندهی نظامی ایالات متحده (سنتکام) این ادعا را تأیید نکرده است.

● روابط عمومی سپاه در بیانیه‌ای این اقدام را «دومین مرحله» پاسخ به آنچه حمله ارتش آمریکا خواند، توصیف کرد. سپاه مدعی شد پهپادها به هدف اصابت کرده‌اند، اما جزئیاتی درباره میزان خسارت ارائه نکرد.

● وزارت خارجه بحرین با صدور بیانیه‌ای، ادامه حملات جمهوری اسلامی به خاک این کشور را به شدیدترین شکل محکوم کرد و از شورای امنیت سازمان ملل خواست که برای توقف این حملات اقدام کند.

● اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۴ آبان در یک نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره حمله امروز سپاه پاسداران به تأسیسات نظامی آمریکا در بحرین و اینکه آیا این اقدام به معنای پاسخ نظامی گسترده جمهوری اسلامی و تغییر رویکرد نظامی آن است گفت: «ما اعلام کرده‌ایم که هیچ ضربه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم و هیچ تعرض نظامی آمریکا یا دیگران علیه ایران بدون پاسخ باقی نخواهد ماند. این موضوع را در عمل نیز اثبات کرده‌ایم و در آینده هم به همین نحو، بر اساس شیوه و روشی که نیروهای نظامی مقتدر ایران تشخیص دهند، اقدام خواهیم کرد.»



رونمایی سپاه پاسداران از پهپادهای جدید

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ صادر شد، ادعا کرد با شش فروند پهپاد توانسته رادار یک سایت پدافندی آمریکا در پایگاه «الرفاع» بحرین را هدف قرار دهد. مرکز فرماندهی نظامی ایالات متحده (سنتکام) این ادعا را تأیید نکرده است.

روابط عمومی سپاه پاسداران در بیانیه‌ای این اقدام را «دومین مرحله» پاسخ به آنچه حمله ارتش آمریکا خواند، توصیف کرد. سپاه مدعی شد پهپادها به هدف اصابت کرده‌اند، اما جزئیاتی درباره میزان خسارت ارائه نکرد.

پیشتر جمعه ۲۲ آبان نیز سپاه مدعی هدف قرار دادن سایت راداری آمریکا در بحرین شده بود اما فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا آن را رد کرده بود. سنتکام اعلام کرد نیروهای آمریکایی هر دو پهپاد پرتاب‌شده به سوی بحرین را سرنگون کردند. در این عملیات کسی زخمی نشد و خسارتی هم وارد نشده است.

همزمان اما در بحرین برای شهروندان وضعیت قرمز اعلام شد و از آنها خواسته شد به اماکن امن پناه ببرند.

وزارت خارجه بحرین نیز با صدور بیانیه‌ای، ادامه حملات جمهوری اسلامی به خاک این کشور را به شدیدترین شکل محکوم کرد و از شورای امنیت سازمان ملل خواست که برای توقف این حملات اقدام کند.

این وزاتخانه اعلام کرد که حملات اخیر به معنای از سر گرفتن حملات جمهوری اسلامی به بحرین و دیگر کشورهای منطقه و همچنین بی‌توجهی به مقررات حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل است.

در این بیانیه تاکید شده که بحرین حق ذاتی خود برای دفاع مشروع فردی و جمعی را بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل محفوظ می‌داند و برای حفاظت از حاکمیت خود و امنیت شهروندان و ساکنان این کشور، تمام اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

وزارت خارجه بحرین همچنین اعلام کرد که این اقدامات با هماهنگی نزدیک با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و بر اساس توافقنامه دفاع مشترک انجام خواهد شد؛ توافقنامه‌ای که حمله به هر یک از کشورهای عضو را حمله به همه اعضا تلقی می‌کند. بحرین همچنین در این زمینه با متحدان و شرکای خود هماهنگ خواهد بود.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۴ آبان در یک نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره حمله امروز سپاه پاسداران به تأسیسات نظامی آمریکا در بحرین و اینکه آیا این اقدام به معنای پاسخ نظامی گسترده جمهوری اسلامی و تغییر رویکرد نظامی آن است گفت: «ما اعلام کرده‌ایم که هیچ ضربه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم و هیچ تعرض نظامی آمریکا یا دیگران علیه ایران بدون پاسخ باقی نخواهد ماند. این موضوع را در عمل نیز اثبات کرده‌ایم و در آینده هم به همین نحو، بر اساس شیوه و روشی که نیروهای نظامی مقتدر ایران تشخیص دهند، اقدام خواهیم کرد.»

او در ارتباط با اینکه جی. دی. ونس معاون اول رئیس جمهور آمریکا از مذاکرات با جمهوری اسلامی کنار گذاشته شده، افزود: «خیلی تفاوت معناداری بین افراد مختلف آمریکا نباید قائل شد، به خاطر اینکه به نظر می‌رسد در رابطه با این موضوع خاص که با آن مواجه هستیم، یعنی تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران، احتمالا حتی در واشنگتن هم تصمیم‌گیری نمی‌شود؛ در جای دیگری سکان سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا را می‌چرخانند.» وی مشخص نکرد که منظور وی از «جای دیگری» کجا و یا کدام کشور است.

کیهان

هشدار موساد به آمریکا؛ تهدید پهپادی جمهوری اسلامی علیه ترامپ و مقامات ارشد



دونالد ترامپ

منابع ارشد اسرائیلی و آمریکایی به روزنامه «اسرائیل هیوم» اعلام کرده‌اند که اطلاعات ارائه‌شده از سوی موساد به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای) درباره‌ی برنامه‌های جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و اعضای ارشد دولت او، از سوی یک آژانس اطلاعاتی غربی دیگر نیز تأیید شده است.

منابع ارشد تأکید کرده‌اند که تهدیدها از جمله عوامل اصلی تغییر موضع ترامپ در قبال مذاکرات با جمهوری اسلامی بوده‌اند. به گفته‌ی این مقامات، پس از آنکه آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا از موساد خواستند صحت اطلاعات را بررسی کند، اسرائیل درستی این اطلاعات را تأیید کرده است.

همین گزارش حاکی است علاوه بر اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری، مارکو روبیو وزیر امور خارجه که از مخالفان سرسخت دستیابی به توافق با رژیم ایران است نیز به مکانی امن در یک پایگاه نظامی منتقل شده است. پیت هگست وزیر دفاع نیز در چارچوب ترتیبات امنیتی تشدیدشده برای اعضای تیم امنیت ملی ترامپ، در یک تأسیسات نظامی امن اقامت دارد.

موساد در حالی از توطئه‌ی جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن رئیس جمهور و مقامات ارشد دولت آمریکا با پهپاد خبر داده که این اطلاعات از سوی یک آژانس اطلاعاتی غربی دیگر نیز تأیید شده است.

سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد) از توطئه‌ی جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن رئیس جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ و مقامات ارشد دولت آمریکا با پهپادهای مجهز به مواد منفجره خبر داده است. این هشدار که توسط موساد به سی‌آی‌ای نیز ارائه و از سوی یک آژانس اطلاعاتی غربی دیگر نیز تأیید شده، موجب تشدید تدابیر امنیتی در واشنگتن و انتقال چند مقام ارشد به پایگاه‌های نظامی شده است.

منابع ارشد اسرائیلی و آمریکایی به روزنامه «اسرائیل هیوم» اعلام کرده‌اند که اطلاعات ارائه‌شده از سوی موساد به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای) درباره‌ی برنامه‌های جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و اعضای ارشد دولت او، از سوی یک آژانس اطلاعاتی غربی دیگر نیز تأیید شده است.

این تهدیدها که شامل استفاده از پهپادهای مجهز به مواد منفجره می‌شود، یکی از عوامل اصلی تغییر رویکرد اخیر ترامپ نسبت به مذاکرات با رژیم ایران بوده و موجب شده چشم‌انداز دستیابی به توافق، حتی توافقی مقدماتی، بطور قابل‌توجهی کاهش یابد.

طبق این گزارش، مقامات آمریکایی پس از دریافت هشدارها، اقدامات امنیتی گسترده‌ای اتخاذ کرده‌اند؛ چند تن از مقامات ارشد از خانه‌های خود به تأسیسات امنیتی و پایگاه‌های نظامی منتقل گردیده، حضور عمومی رئیس جمهور در رویدادهای فضای باز به شدت محدود شده و سیستم‌های ویژه برای مقابله با تهدیدهای پهپادی به کار گرفته شده است.

جزئیات اطلاعات و هماهنگی اطلاعاتی

منابع ارشد تأکید کرده‌اند که تهدیدها از جمله عوامل اصلی تغییر موضع ترامپ در قبال مذاکرات با جمهوری اسلامی بوده‌اند. به گفته‌ی این مقامات، پس از آنکه آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا از موساد خواستند صحت اطلاعات را بررسی کند، اسرائیل درستی این اطلاعات را تأیید کرده است.

رومن گوفمن، رئیس موساد، هم‌اکنون در ایالات متحده بسر می‌برد و از جمله با جان راتکلیف، رئیس سی‌آی‌ای، دیدار کرده است. گوفمن از زمان تصدی سمت خود، سفرهای مکرری به آمریکا داشته و هماهنگی نزدیکی با همتایان آمریکایی را حفظ کرده است.

یک مقام ارشد گفته است آمریکایی‌ها پیشتر نیز از تهدیدهای رژیم ایران علیه جان مقامات ارشد دولت، به ویژه پس از کشته شدن علی خامنه‌ای، دیکتاتور جمهوری اسلامی، در آغاز حمله‌ی مشترک اسرائیل و آمریکا آگاه بودند، اما اطلاعات جدید ارائه‌شده از سوی اسرائیل به تهدیدهای خاص و اخیر اشاره دارد، از جمله احتمال حملات با پهپادهای پر از مواد منفجره؛ روشی که مقابله با آن با اقدامات حفاظتی متعارف دشوار است.

در واکنش به این تهدیدها، مقاماتی که در معرض خطر ارزیابی شده‌اند، حضور خود در رویدادهای فضای باز را به شدت کاهش داده‌اند و چند نفر از آنها موقتاً از خانه‌هایشان به تأسیسات امن منتقل شده‌اند.

یکی از این مقامات اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری است که نظارت بر تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را بر عهده دارد و نیروی محرکه‌ی «فشار اقتصادی»‌ای محسوب می‌شود که به جمهوری اسلامی آسیب شدیدی وارد کرده است. بسنت از خانه‌ی خود در محله‌ی جرج‌تاون واشنگتن به یک پایگاه نظامی امن منتقل شده است.

همین گزارش حاکی است مارکو روبیو وزیر امور خارجه که از مخالفان سرسخت دستیابی به توافق با رژیم ایران است نیز به مکانی امن در یک پایگاه نظامی منتقل شده است. پیت هگست، وزیر دفاع نیز در چارچوب ترتیبات امنیتی تشدیدشده برای اعضای تیم امنیت ملی ترامپ، در یک تأسیسات نظامی امن اقامت دارد.

در مورد خود رئیس جمهور آمریکا، مقامات ارشد اعلام کرده‌اند اقدامات حفاظتی ویژه‌ای برای حضور عمومی او لحاظ شده است. برخی از برنامه‌های حضوری دونالد ترامپ پیش از انتخابات میاندوره‌ای در فضای باز برگزار می‌شد، اما اکنون به شدت کاهش یافته است.

بطور معمول برای دونالد ترامپ در هنگام سخنرانی‌هایی که در محیط‌های باز برگزار می‌گردد، اقدامات امنیتی اضافی در کنار حفاظت متعارف هوشمند، از جمله سیستم‌های تخصصی طراحی‌شده برای خنثی‌سازی تهدید پهپادی، به کار گرفته می‌شود.

تأثیر بر مذاکرات و موضع ترامپ

به گفته‌ی مقامات ارشد، قصد رژیم ایران برای هدف قرار دادن چهره‌های ارشد دولت ایالات متحده، از دلایل اصلی «تغییر مسیر» اخیر در قبال مذاکرات با جمهوری اسلامی و تلاش برای دستیابی به توافق و ادامه‌ی مذاکرات بوده است. رژیم ایران در موضوع هسته‌ای انعطاف نشان نداد و همچنان اصرار دارد که تا زمان رفع محاصره دریایی و لغو بخش قابل توجهی از تحریم‌ها و آزاد ساختن دارایی‌های ←

مسدودشده، حاضر به مذاکرات اساسی نیز نیست.

دونالد ترامپ، در آخرین موضع در ارتباط با گفتگوهای چندماهه، جی.دی. ونس، معاون رئیس جمهور را از مذاکرات کنار گذاشت. ونس پیش از این برای رسیدن به توافق فشار می‌آورد و ترامپ این اقدام را به شیوه‌ی همیشگی و صریح خود انجام داد.

در بیانیه‌ای که پنجشنبه منتشر شد، ترامپ گفت از معاون خود خواسته است «توجه کامل و مطلق» خود را بر آنچه او فساد و جرم گسترده در شهرها و ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها در سراسر آمریکا توصیف کرد، متمرکز کند.

ترامپ نوشت: «ما به توافق با ایران نیاز نداریم. آن روزها مدت‌هاست گذشته است. ما پول‌هایشان را در اختیار داریم، صدها میلیارد دلار، و تنگه را هم در کنترل داریم!» او افزود تلاش‌های ونس برای مقابله با فساد در ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها، بیشتر از یک توافق با رژیم ایران برای آمریکا پول صرفه‌جویی خواهد کرد.

این بیانیه یک روز پس از گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد ونس در تلاش بوده برای پایان دادن به جنگ، دیداری مستقیم با مقامات ارشد جمهوری اسلامی ترتیب دهد. معاون رئیس جمهور ایالات متحده پیشتر علناً گفته بود جنگ با رژیم ایران یکی از دلایل اصلی شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای بوده است.

چشم‌انداز آینده و گسترش فشار اقتصادی

هنوز مشخص نیست دونالد ترامپ در مورد مرحله‌ی بعدی تقابل با رژیم ایران چه تصمیمی خواهد گرفت. به نظر می‌رسد کمپین اقتصادی گسترش خواهد یافت و تلاش‌ها اکنون بر بستن مسیرهای واردات و صادرات از طریق گذرگاه‌های مرزی زمینی، به‌ویژه آنهایی که ایران را به عراق و ترکیه متصل می‌کنند، متمرکز شده است.

موضوع اصلی اکنون این است که ترامپ در واکنش به پیشرفت جمهوری اسلامی به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای و تلاش‌هایش برای بازسازی تأسیسات تولید موشک و انتقال آنها به عمق زیرزمین، دوباره دستور حملات نظامی را صادر خواهد کرد یا نه؛ حملاتی با هدف «پایان دادن به کار» یا به شکل موضعی که می‌تواند موجب آسیب زدن جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد شود.

رئیس‌جمهور ایالات متحده روز پنجشنبه، در گفتگویی با استفن اسمیت، روزنامه‌نگار ورزشی، گفت که به درخواست متحدان منطقه‌ای، حملات بیشتر را به تعویق انداخته است. ترامپ همچنین افزود: «من می‌توانستم فوراً به کار پایان دهم، اما به درخواست کشورهای عربی منطقه که به دنبال محافظت از آنها هستم، ما این کار را کمی طولانی‌تر و متمدنانه‌تر انجام می‌دهیم».

تحلیلگران معتقدند ترکیبی از فشار اقتصادی، تهدیدات امنیتی و عدم تمایل رژیم ایران به گفتگو در مورد مسائل هسته‌ای، احتمال بازگشت آمریکا به میز مذاکره را در کوتاه‌مدت به حداقل رسانده است. از سوی دیگر، تصاویر بیلبوردهای تهدیدآمیز علیه رئیس‌جمهور ایالات متحده در خیابان‌های تهران نیز منتشر شده و فضای تنش را بیش از پیش تشدید کرده است.

با این حال، سفر رئیس موساد به واشنگتن، بر هماهنگی نزدیک اطلاعاتی میان تل‌آویو و واشنگتن تأکید دارد و نشان می‌دهد تهدیدهای مستقیم علیه جان مقامات آمریکایی، معادلات دیپلماتیک را بطور جدی تحت تأثیر قرار داده است آنهم در حالی‌که دونالد ترامپ برای هر اقدامی سریع و غیرقابل پیش‌بینی تصمیم می‌گیرد.

بازنشر

شیطان، شاگرد شیخان!

(کیهان لندن شماره ۱۲۵۴ - اردیبهشت ماه ۱۳۸۸)

خیراندیش (احمداحرار)



شیطان شاگردی زبده‌تر از شیخان تربیت نکرده است تا آنجا که اکنون استاد را از شاگرد نمی‌توان بازشناخت.

شیخی شیطان را به خواب دید. ریش او را چسبید که ای جهنم جایگاه، تویی که منشأ شرّ و فسادی، تویی که اولاد آدم را از راه صلاح منحرف و به راه گناه منعطف می‌کنی، تویی که اشقیا را رسم رسیدن به قدرت می‌آموزی و پاکان را زیر دست ناپاکان قرار می‌دهی... حال که به چنگم افتاده‌ای رهایت نمی‌کنم تا جهان از شرّ وجودت آسوده شود... شیخ بکش، شیطان بکش. در حال کشمکش، شیخ نفس‌زنان و عرق‌ریزان از خواب بیدار شد و دید ریش خود را در دست می‌فشارد!

نخست شیطنت شیطان پس از رانده شدن از درگاه الهی، چنان که در کتب آسمانی آمده است، فرو رفتن در جلد مار و بازگشت به بهشت برای فریفتن آدم از طریق وسوسهٔ حوا بود. (آن زمان هنوز حراست بهشت به تکنولوژی مدرن مجهز نشده بود و نمی‌توانست اشخاصی را که با هویت مجعول قصد ورود به باغ جنان داشتند شناسایی و بازداشت کند) حال آن که شیخان در همین عصر High-Tech نیز قادرند به‌هر شکلی درآیند و از هر راهی وارد شوند و هر شیطنتی را در پوشش خیرخواهی و صلاح‌اندیشی صورت دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ غلامحسین محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات (امنیت) جمهوری اسلامی اعلام کرده است که این وزارتخانه با «جریان‌های تخریبی در انتخابات» به‌شدت برخورد می‌کند.

بنا به اظهار جناب ایشان «هرگونه تخریب در رقابت‌های انتخاباتی خیانت به مردم، به اسلام و انقلاب است».

قبلا نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی هشدار داده و اخطار کرده بود که «بداخلاقی» در انتخابات تحمل نخواهد شد.

براستی هم اولین شرط برگزاری انتخابات صحیح و سالم، برای آن که حرمت آراء مأخوذه از هر جهت محفوظ بماند، رعایت اصول اخلاقی از جانب حکومت است.

در راستای رسیدن به این هدف مقدس، وظایف مسؤولان امور در نظام ولائی به‌شرح زیر معین و مقرر شده است:

۱ـ وزارت کشور مکلف است از تمام نامزدهای انتخاباتی، بدون قید و شرط نام‌نویسی کند.

۲ـ وقتی موعد نام‌نویسی منقضی شد، ستاد انتخاباتی وزارت کشور پرونده و سوابق ثبت‌نام‌شدگان را مطالعه و از میان آنها منحصراً کسانی را که پروندهٔ جزائی یا سابقهٔ «بداخلاقی» نداشته باشند به شورای نگهبان قانون اساسی معرفی می‌کند.

۳ـ شورای نگهبان وظیفه دارد معرفی‌شدگان را زیر ذره‌بین قرار دهد و در احوال شخصیّه و سوابق سیاسیّه و روابط اجتماعیّهٔ آنها تحقیق و تفحص نموده کسانی را که از لحاظ التزام به ولایت فقیه و سرسپردگی به بیت رهبری خرشان می‌لنگد یا کمترین آثار و علائم چموشی و جفتک‌اندازی و خَرق معبر (اصطلاح حوزوی به‌معنای خارج شدن از خط امام) پس از انتخاب‌شدن در وجودشان ظاهر است «ردّ صلاحیت» کند.

۴ـ سپاه و بسیج و امّت حزب‌الله مکلفند از صندوقهای رأی مراقبت لازم به‌عمل آورند که در شکم آنها نطفهٔ غیر حلال منعقد نشود. به این منظور باید «نظارت» کافی صورت گیرد تا دست نامحرمان، یعنی رأی‌دهندگانی که با وجود داشتن حق رأی، به‌دلایل «اخلاقی» از حق انتخاب کردن محرومند به سوراخ صندوق نرسد و ضرورتی برای تقلب در شمارش و قرائت آراء پیش نیاید.

۵ ـ به‌منظور پیشگیری از هر نوع توطئه در جهت براندازی نرم و اخلال در صحت و سلامت انتخابات از طریق «بداخلاقی»، وزارت اطلاعات مأمور و موظف است که با «عملیات تخریبی» به‌شدت «برخورد» کند. از آنجا که تخریب انتخاباتی تعریف مشخصی در قانون اساسی و قوانین جاری ندارد، مصادیق آن ازطرف وزارت اطلاعات مشخص و توسط قوهٔ قضائیه مؤکد می‌شود. از آن جمله است «آلوده کردن فضای انتخاباتی» با سخنان نابجا در نطق‌ها و بیانیه‌ها، تبلیغات انحرافی در سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، پیامک‌ها، ام.ام.اس‌ها و غیره (که وزیر محترم اطلاعات اظهار فرموده‌اند تمامشان تحت کنترل قرار دارند و وزارت اطلاعات با استفاده از مدرن‌ترین وسایل، آنها را رصد می‌کند).

خودمانیم، شیطان با همهٔ شیطنتش می‌توانست انتخاباتی به این تمیزی و خاطرجمعی ترتیب بدهد؟

بازنشر

موضع حزب توده در ۲۸ مرداد طنز تاریخ بود

وقتی گزارش سری خروشچف در کنگره بیستم انتشار یافت چشم ما به حقیقت بازشد

نوشتن ندامتنامه‌ها آغاز سقوط معنوی حزب توده بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ -از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.

مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یك زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس ازآن به خاك عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها ــ ابوالحسین تفرشیان ــ ابرام شد و چهار نفر ــ ازجمله مرتضی زربخت ــ مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی(۲۰)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ــ برلین

احمدی: اگرموافق باشید. گفتگو را مجددا از مسایل جزیره خارك دنبال کنیم. و خواستم خواهش کنم درباره مواضع سیاسی و بحثهایی که بعدازلو رفتن سازمان نظامی حزب و غیره پیش آمد، توضیح بفرمائید.

زربخت: همبستگی ما در جزیره خارك تا قبل از ورود ۶۱ نفر و عده ای دیگر از اصفهان و کرمانشاه، خوب بود. با ورود گروههای جدید جناح بندی سیاسی شروع شد. در داخل این عده از تازه واردین، عده‌ای از طرفداران شرمینی بودند که به سرعت شکل گرفتند و به صورت یك فراکسیون مستقل عمل می‌کردند.اگر چه این عده از ۱۰ ــ ۱۲ نفر تجاوز نمی‌کردند ولی جوانان تندرو بودند که به رهبری شرمینی ایمان داشتند. شرمینی هنوز دستگیر نشده بود. البته شرمینی پس از شکنجه که از خود ضعف نشان داد، اثرات منفی در مقاومت و روحیه طرفدارانش باقی گذاشت. به طوری که اکثر افراد کمیته مرکزی سازمان جوانان روحیه‌شان را از دست دادند. این جماعت، احسانی را به عنوان ریش سفید و هوادار خود می‌دانستند و از او حرف شنوایی داشتند. احسانی هم با آن سابقه قبلی در زندان قصر و امضای آن قطعنامه ضد فراکسیون شرمینی و ملاحظاتی که از هیأت مدیره داشت، جلو تندروی فراکسیون مزبور را تاحدودی می‌گرفت.

دریافت جزوات حزبی

خب، قبلا گفتم که هفته‌ای یك بار لنج ۱۰ تنی و یا یدکبر نیروی دریایی از خارك به بوشهر می‌رفت و ازاین طریق تا حدودی نیازمندیهای غذایی خودمان را تامین می‌کردیم. از طریق ناوی‌های عضو حزب که دراین شناورهای نیروی دریایی کار می‌کردند، ارتباطمان با حزب در بوشهر و آبادان برقرار می شد و ازاین طریق، روزنامه و نشریات حزبی به دستمان می‌رسید. یك بار، بروشور «درباره ۲۸ مرداد» که در واقع، محتوای آن توجیه بی‌عملی حزب توده در کودتای ۲۸ مرداد بود بدستمان رسید.

احمدی: این بروشورچاپی، همان محتوای دست نوشته قبلی بودکه در زندان قصر خوانده بودید؟



زربخت: تقریبا همان بود. محتوایش همان بود. گفتیم، عجب! این که خلاف نظر ما است. با این حال، در حوزه‌ها به بحث گذاشته می‌شد و چون نظر رهبری حزب بود، باید از آن دفاع می شد. اما توی خودمان یعنی چند نفر که قبلا دست نوشته آن را خوانده بودیم. پچ پچ شروع شد که این موضوع، همان ماجراست. توجیه سیاست رهبری حزب توده در قبال کودتای ۲۸ مرداد. مطالبی به این مضمون که: چون سربازان در ارتش شاهنشاهی منشاء دهقانی دارند و گروهبانان ازمنشاء خرده بورژوازی که کادراصلی و استخوان‌بندی ارتش را تشکیل می‌دهند، عمدتا طرفدار شاه هستند. دکتر مصدق نخست وزیر وقت هم اجازه مقابله حزب توده با اوباش را نداد و چه بسا اگر نیروهای طرفدار حزب توده وارد عمل می‌شدند، توسط نیروهای انتظامی دولت سرکوب می‌گردیدند. بدین ترتیب، نتیجه می گرفت که دخالت حزب در این امر باشکست قطعی مواجه می‌شد و از این صحبتها، نتیجه می‌گرفت که رهبری جنبش با بورژوازی ملی بود و گناه شکست متوجه اوست. بنابراین عدم مقابله حزب توده با کودتا، کار درست و معقولی بوده است. مطالبی که ازآن جزوه به خاطرم مانده با اندکی کم و زیاد، همین مسایل بوده و مضافا به این که نقل قولهایی هم از رهبران چین و احتمالا از لیوشائوچی آورده بود. یك ماه بعد ازآن بروشور، نوشته جدیدی به صورت جزوه‌ای تحت عنوان مسایل شماره ۴۴ به دستمان رسید.

احمدی: این جزوه را فکرمی‌کنم کیانوری نوشته بود.

زربخت: بعدها شنیدم که این کار کیانوری بود. البته بعد ازانتقال از خارك به تهران، این را فهمیدم. درآن جزوه نوشته بود که اصولا نقش حزب مستقل طبقه کارگر این است که دنباله‌رو بورژوازی نباشد و به دست بورژوازی نگاه نکند. اگر در شرایط مشخص در تحلیل خود به نتایج معینی رسید، بنا به رسالت تاریخی خود، باید وارد عمل شد ولو آن که امکان موفقیت حتمی را نداشته باشد. در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد هم باید همین روش اعمال می‌شد که نشد

و اگر هم حزب درمقابله با کودتا شکست می خورد، اعتبار خود را حفظ کرده بود. دیدگاههای مطرح شده دراین جزوه خیلی به دل ما نشست چون بنحوی نظریات سابق خودمان بود.

یك ماه بعد، جزوه مسایل حزبی شماره ۴۵ بدستمان رسید که حاوی اطلاعیه کمیته مرکزی حزب بود با تیتر درشت و با این مضمون که نظریات مطرح شده در مسایل حزبی شماره ۴۴ نظر رهبری حزب نیست و نظر کمیته مرکزی همان است که در جزوه «درباره ۲۸ مرداد» آمده است.

بعدها، از محمد حسین تمدن که در آن موقع مسئول انتشارات حزب بود، سئوال کردم که جریان در آن موقع به چه شکلی بوده است؟ او گفت: روزی کیانوری مقاله‌ای را که بعدا در مسایل حزبی شماره ۴۴ چاپ شده بود، پیش من آورد و گفت که این مقاله به رؤیت دبیر اول حزب دکتر بهرامی رسیده و دستورچاپ آن را داده است، ذیل مقاله را دکتر بهرامی امضا کرده بود. من هم آن را فرستادم به چاپخانه حزب و چاپ شد. بعدا، اکثریت هیأت اجرائیه حزب متوجه این موضوع می‌شوند و از کیانوری و من جویا می شوندکه این مقاله به دستور چه کسی به چاپخانه فرستاده شده است؟ دکتر بهرامی اظهار می‌کند که وقتی دکتر کیانوری مقاله را برای تایید به من داد از او سئوال کردم آیا تمدن آن را خوانده است؟ کیانوری می‌گوید بله، به نظر تمدن رسیده است. دکتر بهرامی هم بدون آن که


دکتر غلامحسین فروتن

به مضمون مقاله توجه کند. آن را امضا نموده و به دست کیانوری می‌دهد.

در هیأت اجرائیه ۵ نفری، جنگ بین دو جناح و به شیوه ناسالم و زیانبخش برسر قدرت جریان داشت و چیزی که مطرح نبود، منافع مردم و جنبش توده‌ای بوده است. در یك جناح، دکتر بهرامی، دکتر جودت و دکتر یزدی و در جناح دیگر، دکتر کیانوری که سخت درگیر دعوا و قدرت بودند. مهندس علوی عضو دیگر هیأت اجرائیه هم نقش سانتر را بازی می‌کرد. شرمینی که سازمان جوانان را دربست دراختیار داشت و شبکه آن به داخل حزب هم کشیده شده بود، توسط آن سه نفر عضو هیأت اجرائیه حمایت می‌شد.کیانوری هم اکثریت کمیته ایالتی تهران را یدك می‌کشید. این بگومگوها درباره ۲۸ مرداد بین این دو جریان ادامه داشت و احسانی هم که در زندان قصر محتوای آن دست نوشته را مردود اعلام کرده بود، در خارك تغییر عقیده داد و به حامیان دیدگاه شرمینی پیوست.

اعتقاد به شوروی

طنز تاریخ در اینجاست، جریانی که تا قبل از ۲۸ مرداد، چپ ترین موضع را در مسایل سیاسی اتخاذ می‌کرد، در پیچ تاریخی ۲۸ مرداد، راست ترین مواضع را برگزید. البته، دراین ایام، من هنوز نسبت به دستگاه رهبری حزب بی اعتقاد نشده بودم و مهمتر این که هنوز به اتحاد شوروی به مثابه قطب سوسیالیسم و یاری دهنده و نجات دهنده همه زحمتکشان از قید و بند استعمار و سرمایه داری، ایمان داشتم. برپایه این باور، پیش خود استدلال می‌کردم که رفقای شوروی با چشمان باز ناظرعملکردهای کمیته مرکزی حزب توده هستند و چون این کمیته مرکزی حزب توده مورد قبول آنان است، بنا براین باید به نظرات آن گردن نهاد. این اعتقادم تا مقطع کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که در اوایل سال ۱۹۵۶ تشکیل شد، وجود داشت. وقتی گزارش سری خروشچف درکنگره بیستم را که آن موقع در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات هم چاپ شده بود، خواندم، چشمهایم باز شد و اعتقاد دربستم به اتحاد شوروی متزلزل گردید. تازه فهمیدم که در دوره استالین چه فجایعی زیر پوشش دیکتاتوری پرولتاریا جریان داشته، چگونه میلیونها مبارز کمونیست درآن کشور قصابی شده‌اند. البته، با روشی که خروشچف و دستگاه رهبری حاکم شوروی در مبارزه با استبداد استالینی و جانشین کردن رهبری جمعی در پیش گرفته بودند، هنوز به نظام حزبی

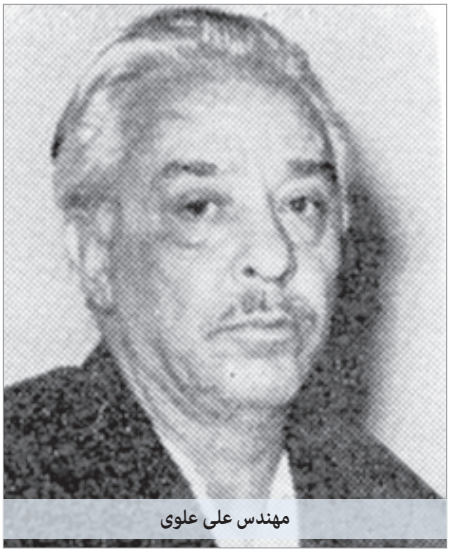

سرهنگ علی زیبایی

دولتی شوروی امیدوار بودم. ولی افسوس، به تدریج که حاکمیت خروشچف پای می‌گرفت. خود او یکه تاز میدان می‌شد و از رهبری دسته جمعی فاصله می‌گرفت تا این که در سال ۱۹۶۴ محافظه‌کاران دستگاه رهبری حزب کمونیست شوروی او را از سمتهای حزبی و دولتی برکنار کردند و برژنف را برای بیست سال بعد برمسند قدرت نشاندند. دراین برهه بود که دیگر اعتقادی به اصالت حکومت شوروی که خود را مظهر سوسیالیسم و اجرا کننده نظرات مارکس و انگلس می دانست، نداشتم و به تبع آن دستگاه رهبری حزب توده در مهاجرت را هم که دست نشانده آنها بودند، قبول نداشتم. به این اعتقاد رسیده بودم که اگر جنبش چپی بخواهد در ایران و یا هرکشور جهان سومی پا بگیرد، باید کاملا مستقل باشد و سرنوشت خود را به دست اتحاد شوروی نسپارد. تجربه سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ مرا به این باور رساند که شوروی در رابطه با جنبش چپ ایران به چیزی که اهمیت نمی دهد، منافع ملی ماست و حزب توده را به عنوان ابزاری برای حفظ منافع خود و در صورت لزوم، در معامله با حکومت ایران و یا حکومتهای امپریالیستی، فدا خواهد کرد. خب، آقای احمدی! حاشیه رفتم. سر درد دلم باز شد و روده درازی کردم. حالا، اگر سئوال دیگری دارید، بفرمائید.

لو رفتن سازمان نظامی

احمدی: این جناح بندیهای سیاسی در جزیره خارك، چه تاثیری درمناسبات زندگی روزمره شما درآن شرایط دشوار داشت؟

زربخت: مناسباتمان را خیلی تضعیف کرد. از آن بدتر و خفت بارتر این بود که بعد از لو رفتن سازمان افسری، در واقع حزب توده پوشش حفاظتی خود را از دست داد. بگیر و ببند شدت یافت. فشار حکومت نظامی که سرتیپ بختیار در راس آن بود به اوج خود رسید. شکنجه و آزار زندانیان توده‌ای اعم از نظامی و غیرنظامی حد و حصری نداشت. حکومتهای استبدادی، کادرهای مورد لزوم خود را برای اعمال شکنجه از این بندگان دوپا پیدا می‌کنند. شکنجه گرانی مانند سرگرد زیبایی، سروان سیاحتگر، سالاری، عمید و زمانی استعداد و ابتکار خود را دراین زمینه نشان می دادند. اینان نقش بازجوی زندانیان سیاسی را ایفا می‌کردند. پس از شکنجه و گرفتن اعتراف، پرونده را به بازپرسان نظامی ارائه می‌دادند. بعضی از بازپرسان مثل سرهنگ وزیری، دست کمی از مامورین شکنجه‌گر نداشتند. شکنجه‌ها در قزل


مهندس علی علوی

قلعه، حمام زرهی و زندانهای پادگانهای نظامی اعمال می شد. نخست، از سیلی و لگدو فحش ناموسی شروع می‌شد. آنان از طریق توهین می‌خواستند شخصیت زندانی را خرد کنند. وقتی در گرفتن اعتراف ازاین طریق توفیق به دست نمی‌آوردند، ازکابل به جای شلاق استفاده می‌کردند. جای شلاق روی پشت، نشیمنگاه، کف پا به صورت خط سیاه که نشان خون مردگی بود، باقی می‌ماند. کف پا، ورم می‌کرد و بعضی اوقات ناخنها سیاه می شد و می ریخت. در این وضعیت، زندانی شکنجه شده، مدتی قادر نبود روی کف پا راه برود. چه بسا، روزهای بعد، روی زخم سابق شلاق می‌زدند. نوع دیگر شکنجه، دستبند قپانی بود که دستهای زندانی را از پشت، یك دست از بالای شانه ودست دیگر را روی کمر می‌گذاشتند و با فشار، مچ دو دست را به هم نزدیك و دستبند را قفل می کردند. دراین حالت استخوان قفسه سینه آنچنان تحت فشار قرار می‌گرفت که به نظر می رسید در حال خرد شدن است. اگر شکنجه شونده با این وسیله هم اعتراف نمی‌کرد، به دستبندش وزنه

اضافه می‌کردند به نحوی که تحمل آن تقریبا غیر ممکن بود. اغلب شکنجه شوندگان از شدت شلاق و فشار دستبند بیهوش می شدند و ادامه شکنجه بی‌نتیجه می ماند. لذا، شکنجه گران به تجربه دریافته بودندتا نگذارند کار به بیهوشی بکشد و اگر زندانی بیهوش می‌شد، با پاشیدن آب روی صورت و بدن او، سعی می شد که او را به هوش آورند و مجددا شکنجه را برای گرفتن اعتراف ادامه دهند. نوع دیگری که به ندرت ازآن استفاده می‌شد،این بود که سرگرد زیبایی، دستکش لاستیکی به دست می‌کرد و بیضه‌های زندانی را بین دوکف دست خود مالش می داد و به تدریج فشار را می‌افزود و اگر زندانی اعتراف نمی‌کرد تا مرز بیهوشی این کار را ادامه می داد.

من شخصا در طول مدت زندانی‌ام شکنجه نشدم زیرا ما در سال ۱۳۲۹ و در حکومت رزم آرا اسرار مگویی نداشتیم که بخواهند ما را به حرف بیاورند. اما، همه انواع شکنجه ها را وقتی که ما را از خارك به زندان افسران نظامی حزب به تهران منتقل کردند، از زبان آنان شنیدیم. از میان شکنجه شدگان، سروان دکتر منزوی از سازمان نظامی، وارطان و کوچك شوشتری از سازمان جوانان حزب توده زیرشکنجه جان باختند. از سرنوشت زاخاریان و نحوه از بین رفتنش تا به حال اطلاع دقیقی به دست نیامده است. ازافسران، سرگرد وکیلی و سروان محققزاده و از غیر نظامیان توده‌ای ژرژ کریم، ایرج قادری، عباس جعفری از کسانی بودندکه مقاومت جانانه‌ای در برابر شکنجه ازخود نشان دادند که زبانزد خاص و عام هستند. اما، نکته قابل ذکر این است، درکشورهایی مثل ایران که با سیستم استبدادی اداره می شوند، احزاب اپوزیسیون باید اساس قضاوت خود را براین پایه قرار دهند که نسبت به مقاومت در برابر شکنجه‌های این نوع سیستم ها نباید برخورد ذهنی و غیر واقع بینانه داشته باشند.

در هرحال، دستگیری افسران سازمان نظامی مقارن بود با مذاکره دولت ایران با نمایندگان کنسرسیوم نفت که اکثریت سهامداران آن را شرکتهای نفتی انگلیسی و آمریکایی تشکیل می‌دادند. دولت کودتا برای انعقاد قرارداد با این کنسرسیوم نیاز به جو ارعاب و وحشت در ایران داشت تا صدای مخالفان را در سینه خفه کند. بنابراین، دادگاههای نظامی به سرعت تشکیل شد و محاکمات فرمایشی انجام گرفت. میزان محکومیتها سنگین بود. اعدام و حبس‌ابد از رقم ۲۰۰ نفر می‌گذشت. درآبان و آذر ۱۳۳۳ ، تعداد ۲۱ نفر از افسران را به اعدام محکوم کردند و درسه مرحله آنان را تیرباران کردند. سری چهارم را که شامل ۶ نفر می‌شدند درمرداد ۱۳۳۴ به جوخه اعدام سپردند و حکم بقیه محکومین به اعدام را که ۵۲نفر بودند، با یك درجه تخفیف به حبس‌ابد تنزل دادند.

این دومین بار بود که درطول عمرکوتاه حزب توده، عده‌ای از وطن پرست‌ترین و دلاورترین افسران ایرانی قربانی سیاست غلط دستگاه رهبری حزب می شدند. در مرحله سوم، باز هم این تراژدی تکرار می‌شود و سازمان نوپای نظامی حزب توده در سال ۱۳۶۲ به همان سرنوشت دچار می‌گردد.

درهر حال، از سال ۱۳۳۴ به بعد رنج‌آورترین مرحله برای زندانیان توده‌ای آغاز می شود. افراد معتقد حزبی که تا آن زمان سخت ترین شکنجه ها را تحمل کرده و تسلیم دستگاه ظلم ستمشاهی نشده بودند وحتی از ابراز وفاداری به سلطنت مشروطه خودداری نموده بودند به دستور رهبری حزب که از طریق مسئولین حزبی در زندانها به زندانیان ابلاغ شده بود، با کمال خفت و شرمساری نامه هایی مبتنی بر وفاداری به شاه امضا کردند و فرستادند. این مرحله ، شروع سقوط معنوی حزب بود. **دنباله دارد**

ایران، شاکیِ تاریخ و مدعیِ عدالت در برابر وجدان جهان



ایران را نمی‌توان تنها با مرزهای سیاسی امروز یا با نام حکومت‌هایی که بر آن فرمان رانده‌اند شناخت. ایران یک تداوم تمدنی است؛ حافظه‌ای زنده از زبان، خرد، داد، هنر، دانش، آیین‌های کهن و تجربه‌های گوناگون کشورداری.

هیچ عقیده‌ای، هر اندازه دیرپا و پرپیرو، نمی‌تواند به‌خودی‌خود مجوز سلب آزادی، تحقیر فرهنگ یا فرمانروایی بی‌پاسخ‌گو بر انسان باشد.

آیا مقصود از صلح، امنیت مردم ایران است یا صرفا جلوگیری از برهم خوردن نظم منطقه‌ای؟ آیا حفظ ثبات اقتصادی و امنیتی کشورهای همسایه، حتی اگر به استمرار حاکمیتی سرکوبگر بینجامد، باید بر آزادی ایرانیان مقدم باشد؟

اگر پرزیدنت ترامپ در پی جایگاهی ماندگار در تاریخ سیاست جهانی است، ایران می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های رهبری او باشد؛ آزمونی که ارزش آن در دستیابی به پیروزی پایدار، پایان دادن به تهدیدهای ساختاری و گشودن راه حاکمیت ملی ایرانیان خواهد بود، نه در تبدیل ایران به وابسته‌ای تازه در نظم منطقه‌ای.

اعتراض‌نامه‌ای تاریخی و جهانی علیه سلطه، تجزیه، غارت ثروت‌های ملی، معامله بر سر سرنوشت ایرانیان و سکوت قدرت‌های جهانی

سیروس کنگرلو * – ایران امروز نه در جایگاه یک کشور شکست‌خورده، نه در هیئت ملتی نیازمند ترحم و نه به‌عنوان سرزمینی چشم‌انتظار بخشش قدرت‌های جهانی، بلکه در مقام یک مدعی تاریخی در برابر وجدان جهان ایستاده است. من این اعتراض را از جایگاه انسانی مطرح می‌کنم که بخشی از تاریخ معاصر میهن خویش را زیسته، فروپاشی‌ها و دگرگونی‌های آن را دیده و اکنون بر آن است که سکوت در برابر استمرار آنچه بر ایران و ایرانی گذشته، دیگر نه احتیاط سیاسی، بلکه مشارکت در فراموشی تاریخی است.

این نوشته، اعلام شکایتی تاریخی و جهانی است؛ شکایتی که مخاطب آن تنها جمهوری اسلامی نیست، بلکه تمامی ساختارهای قدرت، حکومت‌ها، امپراتوری‌ها و مناسبات سیاسی و اقتصادی‌ای هستند که در گذر سده‌ها، سرنوشت ایران را به میدان رقابت، سلطه، معامله و بهره‌برداری بدل کرده‌اند. این اعتراض نه برای جلب رضایت دولت‌ها نوشته می‌شود و نه برای کسب اجازه از نهادهایی که خود بخشی از نظم جهانی مورد اعتراض‌اند. سخن از حقی است که پیش از پیدایش بسیاری از دولت‌های کنونی وجود داشته است: حق یک ملت برای آنکه مالک سرزمین، حافظ فرهنگ، صاحب ثروت و تعیین‌کننده‌ی سرنوشت خویش باشد.

ایران را نمی‌توان تنها با مرزهای سیاسی امروز یا با نام حکومت‌هایی که بر آن فرمان رانده‌اند شناخت. ایران یک تداوم تمدنی است؛ حافظه‌ای زنده از زبان، خرد، داد، هنر، دانش، آیین‌های کهن و تجربه‌های گوناگون کشورداری. این تداوم تاریخی، هرچند بارها زخمی شده، از میان نرفته است. از همین رو، پرسش من تنها این نیست که چه کسانی بر ایران حکومت کرده‌اند؛ پرسش بنیادی‌تر آن است که چگونه و به دست چه نیروهایی، حق ایرانیان برای استمرار آزادانه‌ی تمدن و انتخاب آینده‌ی خویش بارها محدود، مصادره یا قربانی شده است.

فتح ایران در سده‌ی هفتم میلادی، در نگاه من، یکی از ژرف‌ترین گسست‌های تاریخ این سرزمین بود. آنچه پس از آن رخ داد، تنها دگرگونی یک دستگاه حکومتی نبود؛ ورود ساختارهای تازه‌ی سلطه‌ی سیاسی و دینی، تحولات گسترده‌ی فرهنگی و دگرگونی نسبت میان قدرت، ایمان و آزادی انسان بود. من در این اعتراض‌نامه، پیامدهای تاریخی نظام‌هایی را به پرسش می‌کشم که با توسل به تقدس، اطاعت را جایگزین انتخاب و اقتدار عقیدتی را جانشین آزادی وجدان کرده‌اند. هیچ عقیده‌ای، هر اندازه دیرپا و پرپیرو، نمی‌تواند به‌خودی‌خود مجوز سلب آزادی،

تحقیر فرهنگ یا فرمانروایی بی‌پاسخ‌گو بر انسان باشد.

اما زخم ایران تنها به آن دوره محدود نماند. تاریخ این سرزمین، بویژه در سده‌های اخیر، صحنه‌ی رقابت قدرت‌هایی بوده است که ارزش ایران را نه در حق حیات آزادانه‌ی مردم آن، بلکه در موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، راه‌های بازرگانی و ظرفیت راهبردی آن جستجو کرده‌اند. امپراتوری‌های روسیه و بریتانیا، مداخلات قدرت‌های خارجی، قراردادهای تقسیم نفوذ، مناسبات نفتی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، هر یک بخشی از این تاریخ‌اند. در چنین مناسباتی، ایران بارها موضوع تصمیم بوده است، بی‌آنکه اراده‌ی آزاد ایرانیان منشأ آن تصمیم باشد.

در جهان معاصر نیز این پرسش همچنان پابرجاست. دولت‌های غربی از آزادی و حقوق بشر سخن می‌گویند، اما هنگامی که منافع امنیتی، انرژی و تجارت در میان باشد، اصول اعلام‌شده‌ی آنان با آزمونی دشوار روبرو می‌شود. روسیه در پی حفظ نفوذ راهبردی خویش است و چین، با سیاست اقتصادی مبتنی بر دسترسی به منابع، بازارها و مسیرهای حیاتی، روابط خود را با جمهوری اسلامی در چارچوب منافع بلندمدت خویش سامان داده است. از نظر من، هر رابطه‌ای که در آن بقای یک حکومت سرکوبگر بر حق انتخاب مردم آن کشور مقدم شود، نه مشارکت برابر، بلکه صورتی از بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی است.

پرسش تاریخی من از این قدرت‌ها روشن است: ایران را شریک مستقل می‌خواهید یا سرزمینی که بتوان درباره‌ی منابع و آینده‌ی آن با حاکمانش معامله کرد، بی‌آنکه ملت آن در تعیین شرایط حضور داشته باشد؟

این پرسش درباره‌ی کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس نیز مطرح است. در حالی که ایران از منابع عظیم نفت و گاز برخوردار است، اختلافات بر سر میدان‌های مشترک، شیوه‌ی بهره‌برداری از ذخایر انرژی و مناسبات اقتصادی منطقه‌ای، مسئله‌ی مالکیت و حقوق نسل‌های آینده‌ی ایرانیان را به موضوعی بنیادین بدل کرده است. میدان پارس جنوبی و گنبد شمالی، که ایران و قطر در دو سوی آن بهره‌برداری می‌کنند، نمونه‌ای برجسته از اهمیت راهبردی این مسئله است. میدان آرش نیز موضوع اختلاف ایران با کویت و عربستان سعودی است. مطالبه‌ی من، رسیدگی به سهم ایران، منافع ازدست‌رفته، قراردادها و تصمیم‌هایی است که می‌توانند حقوق ملی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داده باشند.

در همین بستر باید نقش قطر و دیگر دولت‌های منطقه در مناسبات سیاسی واشنگتن و جمهوری اسلامی بررسی شود. هدیه‌ی هواپیمای بوئینگ قطری به دولت ایالات متحده، روابط اقتصادی و امنیتی دوحه با واشنگتن و میانجی‌گری‌های منطقه‌ای، همگی پرسش‌هایی درباره‌ی مرز میان دیپلماسی، نفوذ اقتصادی و تصمیم‌گیری راهبردی ایجاد می‌کنند. این پرسش که چرا در مقطعی از سفر پرزیدنت ترامپ هواپیمای دیگری برای پرواز او به کار گرفته شد، خود بخشی از مطالبه‌ی شفافیت درباره‌ی ترتیبات امنیتی و سیاسی پیرامون آن هواپیماست؛ هرچند تغییر هواپیما به‌تنهایی اثبات‌کننده‌ی انگیزه‌ای پنهان نیست.

در برابر تلاش کشورهای عربی برای جلوگیری از گسترش جنگ میان ایالات متحده، اسرائیل و جمهوری اسلامی، پرسش من از ماهیت صلحی است که موضوع مذاکره قرار می‌گیرد. آیا مقصود از صلح، امنیت مردم ایران است یا صرفا جلوگیری از برهم خوردن نظم منطقه‌ای؟ آیا حفظ ثبات اقتصادی و امنیتی کشورهای همسایه، حتی اگر به استمرار حاکمیتی سرکوبگر بینجامد، باید بر آزادی ایرانیان مقدم باشد؟ آیا دولت‌هایی که برای حفظ مناسبات خود با واشنگتن سرمایه‌های کلان به کار می‌گیرند، حاضرند همان اندازه برای حمایت از حقوق انسانی ملت ایران هزینه‌ی سیاسی بپردازند؟

از نظر من، دیپلماسی‌ای که تنها میان حکومت‌ها جریان یابد و مردمِ متأثر از تصمیم‌ها در آن غایب باشند، از نقصی بنیادین در مشروعیت اخلاقی رنج می‌برد. مسئله‌ی ایران را نمی‌توان به پرونده‌ی هسته‌ای، تعادل موشکی، قیمت انرژی یا امنیت مسیرهای دریایی فروکاست. پیش از همه‌ی اینها، ایران مسئله‌ی حق حاکمیت ملتی است که باید خود درباره‌ی آینده‌ی خویش تصمیم بگیرد.

اینجاست که سیاست ایالات متحده و شخص پرزیدنت دونالد ترامپ با پرسشی تاریخی روبرو می‌شود. سال‌ها توافق، تحریم، مذاکره و تهدید نتوانسته‌اند مسئله‌ی بنیادین آزادی و حاکمیت مردم ایران را حل کنند. در ساختار تصمیم‌گیری واشنگتن، دیدگاه‌های متمایل به توافق و مذاکره، فشار اقتصادی و بازدارندگی یا اقدام نظامی، هر یک با محاسبات متفاوتی حضور دارند. نقش جی‌دی ونس، استیو ویتکاف و جرد کوشنر در مسیرهای دیپلماتیک، مارکو روبیو و اسکات بسنت در سیاست خارجی و فشار اقتصادی، و پیت هگست، ژنرال دن کین و فرماندهی مرکزی ایالات متحده در ارزیابی گزینه‌های نظامی، باید در چارچوب همین اختلاف رویکردها بررسی شود.

با این همه، پرسش تعیین‌کننده برای من نام افراد نیست؛ نتیجه‌ی سیاست‌هاست. آیا یک توافق تازه صرفا فرصتی دیگر برای بقای جمهوری اسلامی فراهم خواهد کرد یا راه را برای تحقق حقوق مردم ایران خواهد گشود؟ آیا فشار اقتصادی بدون افق سیاسی روشن می‌تواند آزادی به همراه آورد؟ آیا کاربرد قدرت نظامی، بدون پاسخ به مسئله‌ی جان غیرنظامیان و حق تعیین سرنوشت ایرانیان، قادر به ایجاد نظمی مشروع خواهد بود؟

من معتقدم میراث تاریخی یک رئیس‌جمهور نه با شمار قراردادهای امضاشده و نه با نمایش قدرت، بلکه با پیامدهای پایدار تصمیم‌های او سنجیده می‌شود. اگر پرزیدنت ترامپ در پی جایگاهی ماندگار در تاریخ سیاست جهانی است، ایران می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های رهبری او باشد؛ آزمونی که ارزش آن در دستیابی به پیروزی پایدار، پایان دادن به تهدیدهای ساختاری و گشودن راه حاکمیت ملی ایرانیان خواهد بود، نه در تبدیل ایران به وابسته‌ای تازه در نظم منطقه‌ای.

اروپا نیز از این مسئولیت تاریخی مستثنا نیست. قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست تروریستی اتحادیه‌ی اروپا، هرچند تصمیمی مهم است، پایان مسئولیت دولت‌های اروپایی نیست. پرسش اصلی آن است که این تصمیم چگونه به حمایت مؤثر از حقوق ایرانیان، پاسخگویی عاملان سرکوب و جلوگیری از استمرار سازوکارهای نقض حقوق بشر منجر خواهد شد. همچنین امتناع یا احتیاط دولت‌های اروپایی در مشارکت نظامی در بحران‌های منطقه‌ای باید در کنار مسئولیت سیاسی و انسانی آنان بررسی شود؛ زیرا مخالفت با جنگ، به‌خودی‌خود، نباید به بی‌اعتنایی نسبت به قربانیان سرکوب تبدیل شود.

با این حال، سنگین‌ترین بخش اعتراض من به آنچه در داخل ایران بر مردم گذشته بازمی‌گردد. به خانواده‌هایی که فرزندان خود را از دست داده‌اند، به زندانیانی که آزادی‌شان ربوده شده، به جوانانی که آینده‌شان در سایه‌ی ترس و محرومیت سپری شده و به نسلی که برای ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود بهایی سنگین پرداخته است. هیچ محاسبه‌ی ژئوپلیتیکی نمی‌تواند این رنج را به حاشیه براند. هیچ مذاکره‌ای نمی‌تواند به نام ملت ایران مشروعیت یابد، اگر حق آن ملت برای آزادی و انتخاب حاکمانش نادیده گرفته شود.

اعتراض من همچنین به سرزمین‌هایی بازمی‌گردد که در طول تاریخ از قلمرو حکومت‌های ایران جدا شده‌اند. از معاهدات گلستان و ترکمانچای تا دیگر جدایی‌ها و تغییرات مرزی، من خواهان بازگشایی پرونده‌ی تاریخی این تحولات، بررسی شرایط انعقاد قراردادها، ارزیابی حقوق و خسارت‌های احتمالی ایران و پیگیری مطالبه‌ی بازپس‌گیری سرزمین‌هایی هستم که تعلق تاریخی و حقوقی آنها به ایران مورد ادعاست. گذشت زمان نباید مانع پرسشگری تاریخی شود. این مطالبه باید با رسیدگی حقوقی و راه‌های مسالمت‌آمیز و با احترام به حقوق و حق تعیین سرنوشت مردمان ساکن آن سرزمین‌ها دنبال شود.

من در اینجا از سازمان ملل متحد و سازوکارهای حقوق بشری آن می‌خواهم که این اعتراض را به‌عنوان درخواست بررسی نقض حقوق ایرانیان و ثبت مطالبات نویسنده دریافت کنند. از دولت‌ها می‌خواهم که در مناسبات خود با جمهوری اسلامی، حقوق ملت ایران را موضوعی فرعی ندانند. از نهادهای مستقل می‌خواهم که به مستندسازی کشتار، شکنجه، مصادره‌ی دارایی‌ها، فساد و تضییع منابع ملی توجه کنند. و از افکار عمومی جهان می‌خواهم که میان بقای یک حکومت و بقای یک ملت تفاوت بگذارد.

من به نام خود و در جایگاه مدیر «انستیتوی دموکراسی برای پیشبرد دانش»، این اعتراض‌نامه را آغاز مطالبه‌ای تاریخی می‌دانم؛ مطالبه‌ای برای حقیقت، مسئولیت، جبران خسارت، حق حاکمیت ملی و بازگرداندن اختیار آینده‌ی ایران به ایرانیان.

این اعتراض، دعوت به فراموشی نیست. دعوت به بخشش تاریخی نیز نیست. مطالبه‌ی پاسخگویی است.

تاریخ تنها دفتر پیروزی فاتحان نیست؛ دفتر رنج مردمانی نیز هست که در برابر سلطه ایستاده‌اند و حق خود را مطالبه کرده‌اند. عدالت هنگامی معنا می‌یابد که قدرت نتواند به‌تنهایی درباره‌ی حقیقت حکم کند و هیچ ملتی به موضوع معامله‌ی دیگران فروکاسته نشود.

من این اعتراض را در برابر وجدان جهان ثبت می‌کنم، با این باور که ملت ایران نه میراث قابل تقسیم امپراتوری‌هاست، نه سرمایه‌ی قابل معامله‌ی حکومت‌ها و نه مهره‌ای در صفحه‌ی شطرنج قدرت‌های جهانی.

ایران متعلق به ایرانیان است. سرنوشت ایران باید به دست ایرانیان تعیین شود و هیچ قدرتی حق ندارد آزادی، سرزمین، ثروت و آینده‌ی آنان را موضوع معامله‌ای بدون حضور و رضایتشان قرار دهد.

این آغاز یک مطالبه‌ی تاریخی است، نه پایان آن.

***سیروس کنگرلو، پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی، مدیر انستیتوی دموکراسی برای پیشبرد دانش**

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

تظاهرات ضدحکومتی در آبدانان با شعارهایی در حمایت از خاندان پهلوی؛ بازداشت شماری از شهروندان

جانباختگان واژگونی مرگبار اتوبوس حامل کارگران شرکت «ان‌جی‌ال» دهلران در استان ایلام که شامگاه شنبه ۲۳ آبان روی داد، دست به اعتراض زدند. معترضان علیه نظام شعار دادند و به حمایت از شاهزاده رضا پهلوی پرداختند.

اعتراض مردم به بی‌عرضگی مسئولان و وضعیت ناایمن جاده‌ها بود که به جان باختن ۱۳ نفر از کارکنان شرکت پتروپالایش دهلران و مصدوم شدن تعدادی دیگر انجامید.

نیروهای امنیتی و بسیجی‌ها برای متفرق کردن جمعیت از گاز اشک‌آور و باتوم استفاده کردند و اعتراضات به خشونت کشیده شد. منابع محلی اعلام کردند، شش نفر به نام سینا درویشی (۱۵ ساله)، بهنام مرادی، محسن باویر، ایرج حیدری، سعید عبداللهی و اصغر اکبری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در این اعتراضات مردم شعارهایی علیه خمینی و خامنه‌ای سر دادند و به حمایت از خاندان پهلوی پرداختند.

از جمله شعارهای مردم «جمهوری اسلامی رهبر کارتُنی‌ات کو»، «بگو گی دِ خمینی»، «جمهوری اسلامی نابود باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جاوید شاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی برمیگرده» بود.

همچنین مردم پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند و بنر بسیج را پاره کردند.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ضمن همدلی با خانواده جانباختگان تصادف اتوبوس، خطاب به مردم آبدانان گفت: «شجاعت شما ستودنی است و جنایت‌های جمهوری اسلامی نتوانسته است اراده شما را تضعیف کند.»

در بخشی از این پیام ویدیویی آمده: «خروش شجاعانه شما بار دیگر نشان داد که سرکوب و جنایات جمهوری اسلامی نتوانسته عزم و اراده شما را در هم بشکند. شهامت و ایستادگی شما ستودنی است. من به شما افتخار می‌کنم. یک ملت به شما افتخار می‌کند و دوشادوش شما ایستاده است.»

تظاهرات ضدحکومتی در آبدانان در شرایطی شکل گرفت که در هشت ماه گذشته تقریباً در تمام شب‌ها هواداران حکومت موسوم به «جانفدا» با پشتیبانی سپاه و بسیج در خیابان حضور داشتند.

در جریان خیزش ملی سال ۱۴۰۴ درگیری‌ها در آبدانان و نواحی اطراف آن بسیار شدید بود و حکومت برای کنترل فضای شهر تدابیر شدیدی به کار گرفت.



حضور نیروهای امنیتی در مقابل مردم در آبدانان/ ۲۶ آبان ۴۰۵

مردم آبدانان سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حاشیه مراسم جانباختگان واژگونی مرگبار اتوبوس حامل کارگران شرکت «ان‌جی‌ال» دهلران در استان ایلام که شامگاه شنبه ۲۳ آبان روی داد، دست به اعتراض زدند. معترضان علیه نظام شعار دادند و به حمایت از شاهزاده رضا پهلوی پرداختند.

نیروهای امنیتی و بسیجی‌ها برای متفرق کردن جمعیت از گاز اشک‌آور و باتوم استفاده کردند و اعتراضات به خشونت کشیده شد. منابع محلی اعلام کردند، شش نفر به نام سینا درویشی (۱۵ ساله)، بهنام مرادی، محسن باویر، ایرج حیدری، سعید عبداللهی و اصغر اکبری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در این اعتراضات مردم شعارهایی علیه خمینی و خامنه‌ای سر دادند و به حمایت از خاندان پهلوی پرداختند. از جمله شعارهای مردم «جمهوری اسلامی رهبر کارتُنی‌ات کو»، «بگو گی دِ خمینی»، «جمهوری اسلامی نابود باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جاوید شاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی برمیگرده» بود. همچنین مردم پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند و بنر بسیج را پاره کردند.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ضمن همدلی با خانواده جانباختگان تصادف اتوبوس، خطاب به مردم آبدانان گفت: «شجاعت شما ستودنی است و جنایت‌های جمهوری اسلامی نتوانسته است اراده شما را تضعیف کند.»

مردم آبدانان سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حاشیه مراسم

واکنش ترامپ به گزارش‌ها درباره استفاده جمهوری اسلامی از «بمب کثیف»:

بهایی می‌پردازند که هیچ کشوری تا کنون نپرداخته!



دونالد ترامپ در نشست «آسه‌آن»

رئیس جمهور آمریکا روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حاشیه نشست سه روزه‌ی سران اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در مانیل پایتخت فیلیپین، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره احتمال حمله به پایتخت آمریکا گفت: «اگر چنین اتفاقی بیفتد، آنها بهایی خواهند پرداخت که هیچ کشوری تا کنون نپرداخته است.»

او افزود: «امیدوارم چنین نباشد، اما ما این موضوع را بسیار جدی می‌گیریم، چون آنها دیوانه هستند.»

بر اساس گزارش سی‌ان‌ان به نقل از یکی از مقامات آمریکایی، نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده گفتگوهایی را رصد کرده‌اند که در آنها ادعا شده جمهوری اسلامی مواد مورد نیاز برای ساخت بمب را در خاک خود آمریکا پنهان کرده است.

رئیس جمهور آمریکا روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حاشیه نشست سه روزه‌ی سران اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در مانیل پایتخت فیلیپین، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره احتمال حمله به پایتخت آمریکا گفت: «اگر چنین اتفاقی بیفتد، آنها بهایی خواهند پرداخت که هیچ کشوری تا کنون نپرداخته است.»

او افزود: «امیدوارم چنین نباشد، اما ما این موضوع را بسیار جدی می‌گیریم، چون آنها دیوانه هستند.»

ترامپ با اشاره به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی گفت، این موضوع نشان می‌دهد که چرا جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.

سی‌ان‌ان روز دوشنبه ۲۵ آبان به نقل از هفت مقام آمریکایی از «احتمال طراحی حمله‌ای علیه مقام‌های ارشد دولت ترامپ در واشنگتن» توسط جمهوری اسلامی خبر داد.

بر اساس گزارش این شبکه خبری، استفاده از

یک «بمب کثیف» حاوی مواد رادیواکتیو یا سلاح شیمیایی از جمله سناریوهای مورد بررسی مقام‌های امنیتی آمریکاست.

کارشناسان می‌گویند «بمب کثیف» برخلاف بمب اتمی انفجار هسته‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه با استفاده از مواد منفجره متعارف، مواد رادیواکتیو را در محیط پراکنده می‌سازد.

سی‌ان‌ان همچنین به نقل از یکی از مقامات آمریکایی نوشت، نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده گفتگوهایی را رصد کرده‌اند که در آنها ادعا شده جمهوری اسلامی مواد مورد نیاز برای ساخت بمب را در خاک خود آمریکا پنهان کرده است.

به گفته منابع سی‌ان‌ان، بر اساس اطلاعات موجود احتمال نزدیک بودن انجام این حمله وجود ندارد.

کاخ سفید نیز اعلام کرد که دستگاه‌های امنیتی تمامی تهدیدهای احتمالی را زیر نظر دارند، اما در حال حاضر تهدید مشخص و معتبری علیه خاک آمریکا شناسایی نشده است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۶ آبان با انتشار پیامی در «ایکس»، ادعاهای مطرح‌شده را «بی‌اساس» خواند و گفت: «مقام‌های آمریکایی می‌کوشند برای اقدامات تهاجمی بیشتر علیه ایران مشروعیت‌سازی کنند.» او تأکید کرد که این گزارش‌ها «افسانه‌پردازی» و زمینه‌سازی برای «اقدام‌های تجاوزکارانه و جنایت‌های بیشتر» است.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در واکنش به گزارش‌هایی درباره احتمال برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی برای حمله با مواد رادیواکتیو یا «سلاح شیمیایی» در واشنگتن، مقامات جمهوری اسلامی را تهدید کرد.

بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، در پی تشدید نگرانی‌های امنیتی درباره تهدیدهای جمهوری اسلامی، سرویس مخفی آمریکا هفته گذشته اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری این کشور را برای حفاظت بیشتر به یک اقامتگاه نظامی منتقل کرده است. همزمان مقامات اطلاعاتی آمریکا در طول هفته گذشته چندین جلسه اضطراری برای بررسی راه‌های مقابله با این تهدید برگزار کرده‌اند.

همچنین نهادهای اطلاعاتی آمریکا مکالماتی را شنود کرده‌اند که در آن ادعا می‌شود جمهوری اسلامی مواد لازم برای ساخت بمب را از قبل در داخل خاک آمریکا انبار کرده است.

مقامات امنیتی بر این باورند که با توجه به آسیب‌پذیری مرزها در دهه گذشته این احتمال وجود دارد که مواد رادیواکتیو یا عوامل شیمیایی از سال‌ها پیش در آمریکا جاسازی شده باشد. به گفته این منابع، آنچه اکنون تغییر کرده نه توانایی فنی رژیم ایران برای اجرای حمله بلکه افزایش انگیزه تهران در پی تداوم حملات نظامی آمریکا و فشارهای شدید اقتصادی است.

در همین حال، مقامات ارشد امنیتی آمریکا از جمله رئیس سازمان سیا و مدیر اطلاعات ملی در نامه‌ای فوری به رهبران کنگره هشدار داده‌اند که با از دست رفتن یک قانون کلیدی مربوط به نظارت و شنود ارتباطات خارجی در ژوئن گذشته، توان نهادهای امنیتی برای کشف به‌موقع این توطئه‌ها به شدت کاهش یافته است.

این گزارش همچنین از وجود نگرانی‌های موازی درباره احتمال استفاده حکومت ایران از سلاح شیمیایی علیه نظامیان آمریکایی در خاورمیانه خبر می‌دهد و به نقل از چند مقام آمریکایی می‌افزاید نیروهای مستقر در منطقه هنوز تجهیزات حفاظتی و آموزش کافی برای مقابله با چنین حمله‌ای ندارند.

ورود ناو هواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» به خاورمیانه



ناو هواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» (USS Theodore Roosevelt)

مقامات نظامی آمریکا ۲۵ آبان ۱۴۰۵ اعلام کردند رزمناو «یواس‌اس تئودور روزولت» وارد آب‌های خاورمیانه شده است. این سومین ناوگروه آمریکا مستقر در حوزه فعالیت «سنتکام» است.

ناوگروه روزولت در حالی به منطقه اعزام شده که جمهوری اسلامی دو بار تاسیسات راداری آمریکا در بحرین را هدف قرار داده و حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های خارجی در تنگه هرمز رو به افزایش است.

خبر ورود این ناو هواپیمابر به خاورمیانه تنها ساعاتی پیش از سفر برنامه‌ریزی‌شده دونالد ترامپ به آسیا منتشر شد. ترامپ قرار است در جریان این سفر در اجلاس سران سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا- پاسیفیک (APEC) در چین شرکت کند. او همچنین قرار است در نشستی سه‌جانبه و کم‌سابقه با شی جین‌پینگ رییس‌جمهوری چین و ولادیمیر پوتین رییس‌جمهوری روسیه، حضور یابد.

استقرار همزمان سه گروه رزمی ناو هواپیمابر، حضور دریایی آمریکا در خاورمیانه را بطور قابل‌توجهی تقویت می‌کند. در آوریل سال جاری نیز برای نخستین بار از زمان جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، سه ناو هواپیمابر آمریکا هم‌زمان در منطقه حضور داشتند.

مقامات نظامی آمریکا ۲۵ آبان ۱۴۰۵ اعلام کردند که رزمناو «یواس‌اس تئودور روزولت» (USS Theodore Roosevelt) وارد آب‌های خاورمیانه شده است. این سومین ناوگروه آمریکا مستقر در حوزه فعالیت «سنتکام» است.

ناوگروه روزولت در حالی به منطقه اعزام شده که جمهوری اسلامی دو بار تاسیسات راداری آمریکا در بحرین را هدف قرار داده و حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های خارجی در تنگه هرمز رو به افزایش است.

خبر ورود این ناو هواپیمابر به خاورمیانه تنها ساعاتی پیش از سفر برنامه‌ریزی‌شده دونالد ترامپ به آسیا منتشر شد. ترامپ قرار است در جریان این سفر در اجلاس سران سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا- پاسیفیک (APEC) در چین شرکت کند. او همچنین قرار است در نشستی سه‌جانبه و کم‌سابقه با شی جین‌پینگ، رییس‌جمهوری چین، و ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه، حضور یابد. گفتگو درباره جنگ با جمهوری اسلامی ایران یکی از محورهای این نشست خواهد بود.

استقرار همزمان سه گروه رزمناو هواپیمابر، حضور دریایی آمریکا در خاورمیانه را بطور قابل توجهی تقویت می‌کند. در آوریل سال جاری نیز برای نخستین بار از زمان جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، سه ناو هواپیمابر آمریکا همزمان در منطقه حضور داشتند.

هنوز مشخص نیست هر سه گروه رزمی تا چه زمانی در منطقه خواهند ماند. انتظار می‌رفت ناو هواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» جایگزین یکی از دو ناو مستقر در منطقه شود، اما مقامات آمریکایی گفته‌اند که در صورت لزوم هر سه ناو می‌توانند در منطقه بمانند. دونالد ترامپ در حال بررسی گام‌های بعدی خود در مقابله با جمهوری اسلامی است و تأکید کرده که دیگر «نیازی به توافق با ایران نیست.» در همین ارتباط، وی به جی. دی. ونس معاون اول خود که برای از سر گرفتن مذاکرات با جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد توصیه نمود تا به مسائل داخلی آمریکا بپردازد چون سودش برای ایالات متحده بیشتر است. این در حالیست که روزنامه «وال‌استریت ژورنال» خبر داده بود که ونس قرار است با محسن رضائی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در دوحه دیدار کند!

گذار دموکراتیک در ایران همچنان ممکن است

وضعیت سیاسی داخلی ایران با یک چرخش بنیادین روبروست؛ نقطه‌ای که در آن، تلاش مذبوحانه‌ی حکومت دینی برای حفظ قدرت با فشارهای بسیار شدید اجتماعی و اقتصادی که بر دوش مردم سنگینی می‌کند، تلاقی یافته است.

تأثیر بلندمدت تورم که حتی به سطح «ساعتی» رسیده و سقوط ارزش ریال، قدرت خرید مردم را بشدت کاهش داده و زندگی روزمره‌ی ایرانیان را به مسیری پر از مانع تبدیل کرده است که زیر بار گرانی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و دشواری در تهیه‌ی دارو فرسوده می‌شود.

جمهوری اسلامی رژیمی اصلاح‌پذیر نیست؛ این نظام بر ایدئولوژی‌ای استوار است که دچار بحران شده، بر آمیزه‌ای از منافع بنا شده که ناکارآمد گشته و بر نیروی محرکه‌ای تکیه دارد که با گذشت زمان رو به فرسایش و پایان است.



ماریوفیلیپو برامبیلا دی کارپیانو* – بحران اقتصادی، فرسایش مشروعیت سیاسی، شکاف‌های درونی حکومت و فشارهای اجتماعی، آینده‌ی جمهوری اسلامی را با ابهام‌های جدی روبرو کرده است. این نوشته با بررسی تحولات داخلی و منطقه‌ای ایران، امکان گذار دموکراتیک را همچنان زنده می‌داند و بر نقش جامعه‌ی مدنی، تحولات درون ساختار قدرت و برنامه‌ی سیاسی شاهزاده رضا پهلوی در دوران گذار تأکید می‌کند.

در حالی که اعدام‌ها یکی پس از دیگری ادامه دارند و جامعه‌ی ایرانیِ خارج از مرزهای جمهوری اسلامی به فعالیت‌های چشمگیر آگاهی‌بخشی خود ادامه می‌دهد، افکار عمومی غرب نباید ایران و چشم‌اندازهای آن را برای گذار دموکراتیک به فراموشی بسپارد. رئیس «انجمن ایران-ایتالیا» در این نوشتار، تابستان طولانی پارسِ کهن، نقاط ضعف رژیم و راه‌حل دموکراتیک شاهزاده رضا پهلوی را بررسی می‌کند.

وضعیت سیاسی داخلی ایران با یک چرخش بنیادین روبروست؛ نقطه‌ای که در آن، تلاش مذبوحانه‌ی حکومت دینی برای حفظ قدرت با فشارهای بسیار شدید اجتماعی و اقتصادی که بر دوش مردم سنگینی می‌کند، تلاقی یافته است. شکاف میان جامعه‌ی مدنی و رژیم یک واقعیت آشکار و انکارناپذیر است. اگرچه از یک سو در لحظات اوج بحران‌های بین‌المللی، غرایز دفاعی و بقای سیستم سیاسی بیدار می‌شود، اما از سوی دیگر شرایط زندگی مردم همچنان بحرانی است و رو به وخامت می‌رود.

تأثیر بلندمدت تورم که حتی به سطح «ساعتی» رسیده و سقوط ارزش ریال، قدرت خرید مردم را بشدت کاهش داده و زندگی روزمره‌ی ایرانیان را به مسیری پر از مانع تبدیل کرده است که زیر بار گرانی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و دشواری در تهیه‌ی دارو فرسوده می‌شود. با وجود سرکوب وحشیانه و کنترل آهنین، جامعه‌ی مدنی ایران، بویژه در مناطق شهری و در میان جوانان، دگرگونی فرهنگی عمیقی را از سر می‌گذراند و خواستار حقوق فردی و آزادی‌های مدنی است.

ساختارهای داخلی نیز از این وضعیت متأثر شده‌اند؛ گواه این امر آن است که جناح سنتی روحانیون در حال از دست دادن جایگاه خود است، در حالی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نفوذ روزافزونی را در اقتصاد دولتی و خط‌مشی راهبردی کشور تثبیت کرده و خود را بعنوان ستون اصلی جمهوری اسلامی مطرح کرده است. اما زمانه در حال تغییر است و دوران «اجماع» به پایان رسیده است؛ رژیم ضعیف و ازهم‌گسیخته است، روحانیت شیعه دچار شکاف شده و سپاه پاسداران در حال حرکت برای پر کردن خلأهای قدرت ناشی از تلفات جنگی است. اصلاح‌طلبان که در واقع سگ‌های نگهبان قدرت اسلام‌گرایان هستند، برای حفظ وضع موجود حاضرند با دشمن به سازش برسند، اما با تندروهای فوق‌محافظه‌کار روبرو هستند که مخالف هرگونه توافق با ایالات متحده‌اند و بر انتقام‌جویی از کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس اصرار می‌ورزند. در مقابل، پادشاهی‌های نفتی سنی‌مذهب این وضعیت را فرصتی تاریخی می‌بینند تا برای همیشه از شر همسایه‌ی خطرناک خود خلاص شوند.

جمهوری اسلامی رژیمی اصلاح‌پذیر نیست؛ این نظام بر ایدئولوژی‌ای استوار است که دچار بحران شده، بر آمیزه‌ای از منافع بنا شده که ناکارآمد گشته و بر نیروی محرکه‌ای تکیه دارد که با گذشت زمان رو به فرسایش و پایان است. سال‌های بسیار زیادی نسل‌های جدید را از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، خاطره‌ی جنگ با عراق و تحمیل‌های بنیادگرایانه‌ی خمینی جدا می‌کند. مرگ جانشین او، خامنه‌ای، که زمستان گذشته رخ داد، پایان تداوم تاریخی با انقلاب اسلامی را رقم زد و رژیمِ در حال احتضار را در برابر جمعیتی قرار داد که از نظر مادی بشدت آسیب دیده و تشنه‌ی صلح، ثبات و رهایی است. برآورد می‌شود که مقبولیت سیستم قدرت فعلی در میان مردم حدود ۲۰ درصد باشد؛ به این معنا که ۱۸ میلیون ایرانی از آن حمایت می‌کنند یا آن را تاب می‌آورند، اما بخش باقی‌مانده‌ی جامعه آن را تحمل می‌کند یا با آن مخالف است.

در این بازی بسیار پیچیده‌ی قدرت، راه‌های خروج نمی‌توانند چندان زیاد باشند. از یک سو، چشم‌انداز موج جدیدی از تظاهرات و قیام‌های داخلی وجود دارد که می‌تواند بتدریج بخش‌های کلیدی نیروهای مسلح منظم (ارتش) را بسوی معترضان بکشاند؛ نیروهایی که قادرند بسرعت کنترل کشور را بدست گیرند. از سوی دیگر، گزینه‌ی کم‌احتمال‌تر مداخله‌ی زمینی خارجی مطرح است که توسط نیروهای آزادی‌بخش ایرانی با حمایت ائتلاف آمریکا و اسرائیل و پشتیبانی امارات متحده‌ی عربی و کویت انجام شود.

در تاریخ معاصر، چشمگیرترین سرنگونی‌های رژیم‌ها از طریق اقدام نظامی خارجی رخ داده است. در سال ۱۹۸۰ در افغانستان و در جریان تلاش فاجعه‌بار کمونیستی نیز چنین شد؛ زمانی که ارتش سرخ به این کشور حمله کرد و یک ژنرال شوروی، حفیظ‌الله امین، رئیس‌جمهور وقت را به قتل رساند تا ببرک کارملِ وفادارتر را بجای او بنشاند. در جریان نخستین لشکرکشی آمریکا علیه عراق برای بازگرداندن امیر کویت به تاج‌وتخت نیز همین‌گونه بود. سناریوی مشابهی در جریان دومین مداخله‌ی آمریکا علیه صدام حسین رقم خورد: رئیس‌جمهور عراق همان روزی سقوط کرد که نیروهای آمریکایی وارد بغداد شدند. در لیبی نیز حکومت طولانی‌مدت قذافی در میانه‌ی یک جنگ داخلی و در پی بمباران‌های نیروهای ناتو متوقف شد.

سناریوی ایران با این موارد متفاوت است، اما بی‌تردید یک انقلاب داخلی بدون حمایت قوی از خارج یا بدون وجود بخش‌هایی از خاک آزادشده که بتوان از آنجا حمله‌ی نهایی را با حضور نیروهای زمینی آغاز کرد، نمی‌تواند به پیروزی برسد.

شاهزاده رضا پهلوی، رهبر اپوزیسیون دموکراتیک ایران، این موضوع را با قدرت و آگاهی برای جامعه‌ی بین‌المللی تشریح می‌کند. طرح او همچنان تنها برنامه‌ی عملی برای مدیریت دوران گذار از جمهوری اسلامی و هدایت کشور بسوی دموکراسی، هم‌زمان با حفظ یکپارچگی ملت است.

متأسفانه پیش‌بینی نمی‌شود که این بحران بسرعت حل‌وفصل شود، بلکه دوره‌ای طولانی در پیش است که در آن ایران بر توانایی خود در مقاومت در برابر تحریم‌ها حساب باز کرده و ایالات متحده بر خفگی تدریجی مالی رژیم متمرکز شده است.

*ماریوفیلیپو برامبیلا دی کارپیانو (Mariofilippo Bram-billa di Carpiano)، رئیس «انجمن ایران-ایتالیا» است.

منبع: مجله ایتالیایی Nazione Futura

ترجمه: دبیرخانه انجمن ایران-ایتالیا

تنظیم از کیهان لندن

الزیدی از تهران دست از پا درازتر بازگشت...



دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و علی الزیدی نخست وزیر عراق / واشنگتن / ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۶

● مقامات جمهوری اسلامی که به شیوه همیشگی خود، یعنی شنیدن پیشنهادهای مذاکره‌کنندگان، خو گرفته‌اند، بار دیگر آنچه را طرف مقابل تمایلی به شنیدنش ندارد، از طریق الزیدی به گوش میانجی‌ها و حاملان پیام رساند و پاسخ‌هایی به آنان داد که برای رمزگشایی و تفسیرشان به میانجی‌های دیگری نیاز است!

● بن‌بست میان رژیم ایران و واشنگتن هر روز گسترده‌تر می‌شود. حتی برخی نشانه‌های مثبت که میانجی‌ها مطرح می‌کنند، به سرعت با ناامیدی مواجه می‌شوند؛ به ویژه آنکه زمامداران ایران همچنان بر این باورند که هزینه رویارویی، کمتر از هزینه توافق و سازش است! این مسئله به آن معناست که احتمال جنگ همچنان در مقایسه با سایر گزینه‌ها، جایگاه محتمل‌تری دارد.

● با عمیق‌تر شدن شکاف میان دو طرف، توانایی یا اراده لازم برای دستیابی به راه حل و آشتی کاهش می‌یابد و تمایل به جستجوی راهی دیگر برای حل بحران افزایش پیدا می‌کند؛ راهی که ممکن است هزینه آن کمتر از خود رویارویی نباشد.

حسن فحص (الشرق الاوسط) – علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق، با شتاب و در فضایی کاملاً محرمانه راهی تهران شد. اما در کشوری مانند عراق که تفاوت چندانی با بسیاری از کشورهای خاورمیانه ندارد، پنهان نگه داشتن اسرار دشوار است؛ چراکه معروف است اگر رازی را بیش از دو نفر بدانند، دیگر راز نیست! تنها چند ساعت کافی بود تا سفری که قرار بود محرمانه باشد، به سفری علنی تبدیل شود؛ به ویژه پس از آنکه تهران به سخنان او گوش سپرد، اما او را بدون دریافت پاسخ‌های قاطع راهی عراق کرد.

شاید الزیدی پیام‌های امیدوارکننده‌ای از سوی آمریکا شنیده و پیشنهاد کرده باشد که آنها را به جمهوری اسلامی منتقل کند. شور و اشتیاق این نخست وزیر جوان و تمایل او، همچون دیگر رهبران منطقه، برای دستیابی به راه حلی مسالمت‌آمیز جهت پایان دادن به مناقشه، او را بر آن داشت تا آنچه را شنیده بود به گوش تهران برساند. مقامات جمهوری اسلامی هم که به شیوه همیشگی خود، یعنی شنیدن پیشنهادهای مذاکره‌کنندگان، خو گرفته‌اند، بار دیگر آنچه را طرف مقابل تمایلی به شنیدنش ندارد، به گوش میانجی‌ها و حاملان پیام رساند و پاسخ‌هایی به آنان داد که برای رمزگشایی و تفسیرشان به میانجی‌های دیگری نیاز است!

شاید میانجیگری یا تلاش عراق، یا به تعبیر دیگر «روزنه‌ی عراقی» که از واشنگتن به سوی تهران گشوده شده، فرصتی تازه برای جلوگیری از رویارویی باشد. اما پرسشی که ظاهراً در برابر محاسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطرح نشده، این است: آیا تهران اساساً آماده پذیرش میانجیگری عراق هست؟ آنهم در حالی که این کشور را بخشی از جغرافیای رویارویی‌های خود می‌داند؟

بنابراین، ممکن است الزیدی بدون دریافت پاسخ‌های کامل ایران بازگشته باشد: نه در مسائل خارجی، یعنی پرونده روابط رژیم ایران با ایالات متحده، با وجود سخنانی درباره تفاهم بر سر چندین موضوع، و نه در مسائل داخلی، یعنی مسئله گروه‌های مسلح و نیابتی جمهوری اسلامی. گویی تهران عمداً الزیدی را در برابر مسئولیت انتخاب‌هایش تنها می‌گذارد؛ یا شاید هم رژیم ایران برای بازآرایی یکی از مهم‌ترین گروه‌های وابسته به خود، که در هرگونه رویارویی احتمالی نقش خط مقدم را ایفا می‌کند، عجله‌ای ندارد.

بن‌بست میان رژیم ایران و واشنگتن هر روز گسترده‌تر می‌شود. حتی برخی نشانه‌های مثبت که میانجی‌ها مطرح می‌کنند، به سرعت با ناامیدی مواجه می‌شوند؛ به ویژه آنکه زمامداران ایران همچنان بر این باورند که هزینه رویارویی، کمتر از هزینه توافق و سازش است! این مسئله به آن معناست که احتمال جنگ همچنان در مقایسه با سایر گزینه‌ها، جایگاه محتمل‌تری دارد.

بن‌بست دیگر به تداوم اختلاف میان الزیدی و برخی گروه‌های مسلح وابسته به رژیم ایران، به ویژه «کتائب حزب‌الله»، بازمی‌گردد؛ گروهی که بیشترین وفاداری را به تهران دارد و پیوندهایش با جمهوری اسلامی از دیگران عمیق‌تر است. با این حال، به نظر می‌رسد مقامات ایران چندان در پی حل اختلافات میان اجزای «چارچوب هماهنگی» و الزیدی نیستند؛ اختلافاتی که با وجود تهدیدی که برای ثبات قدرت سیاسی و نظام حاکم در عراق ایجاد می‌کنند، همچنان پابرجا مانده‌اند. این مسئله به ویژه از این جهت اهمیت دارد که شکاف در داخل چارچوب شیعی، دیگر با ابزارها و روش‌های سنتی قابل مدیریت نیست.

آنچه روشن است، این است که برخی گروه‌های مسلح اساساً در ماهیت خود، تسلیم شدن در برابر خواسته‌های دولت را نمی‌پذیرند و حتی حاضر نیستند به توصیه‌های دوستان یا شرکای خود گوش دهند. این سرسختی، احتمال برخورد آنها با دولت و نهادهای رسمی را افزایش می‌دهد؛ به ویژه در موضوع انحصار سلاح در دست دولت که به مسئله‌ای فوق‌العاده حساس برای موافقان و مخالفان آن تبدیل شده است.

با عمیق‌تر شدن شکاف میان دو طرف، توانایی یا اراده لازم برای دستیابی به راه حل و آشتی کاهش می‌یابد و تمایل به جستجوی راهی دیگر برای حل بحران افزایش پیدا می‌کند؛ راهی که ممکن است هزینه آن کمتر از خود رویارویی نباشد.

از مجموع سفر الزیدی و دیگر رهبران عراقی به تهران، و همچنین سفرهای فشرده مقامات رژیم ایران به عراق، این واقعیت آشکار می‌شود که از زمان کشته شدن قاسم سلیمانی، دیگر هیچ شخصیت در جمهوری اسلامی وجود نداشته که بتواند تأثیری قاطع بر ساختار قدرت در عراق بگذارد یا گروه‌های مسلح را به پذیرش توافق‌ها و سازش‌ها ملزم کند.

این مسئله لزوماً به معنای عقب‌نشینی نقش و نفوذ رژیم تهران نیست، بلکه بیش از هر چیز نشان‌دهنده از دست رفتن ابزارهای تاکتیکی مؤثری است که غیبت آنها اکنون بر بنیان و ماهیت استراتژیک نفوذ جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته است.

***منبع: روزنامه الشرق الاوسط**
***نویسنده: حسن فحص**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

برآیند نیروها در ایران؛ چرا یک مذاکره یا یک بحران به‌تنهایی مسیر را تعیین نمی‌کند

● فرسایش اعتماد عمومی با شروع یک مذاکره متوقف نمی‌شود. دشواری‌های معیشتی نیز وقتی خبرها متوجه سیاست خارجی می‌شوند از زندگی مردم کنار نمی‌روند. برای فهم جهت تغییر، باید روندهایی را که در خبرهای جداگانه می‌بینیم در یک تصویر قرار دهیم.

● نارضایتی مردم را نباید صرفا پیامد گرانی دانست. وقتی فشار بر زندگی روزمره با تجربه‌ی سرکوب همراه می‌شود، حتی بهبود مقطعی معیشت ممکن است برای بازگرداندن اعتماد کافی نباشد.

● فشارهایی که به جمهوری اسلامی وارد می‌شوند یک منشأ و یک پیامد ندارند. فشار اقتصادی منابع حکومت را محدود می‌کند، سرکوب شکاف میان حکومت و مردم را عمیق‌تر می‌کند و تنش با همسایگان دامنه‌ی انتخاب‌های خارجی را تنگ‌تر می‌کند. برای فهم جهت حرکت، باید دید اثر این روندها در کنار هم چه می‌شود.



در جریان اعتراضات دانشجویی اسفند۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر چهارم اسفندماه ضمن سر دادن شعار «خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله» پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند

مرتضی انواری – خبرهای سیاسی هر روز عوض می‌شوند. گاهی خبر یک مذاکره یا کاهش تنش این تصور را پدید می‌آورد که جمهوری اسلامی از بحران عبور کرده است. گاهی یک رویداد نظامی یا اقتصادی چنان بزرگ جلوه می‌کند که همه‌ی انتظارها به آن گره می‌خورد. این مقاله از زاویه‌ای دیگر به مسئله نگاه می‌کند. فرسایش اعتماد عمومی، فشار معیشتی، محدود شدن منابع حکومت و هزینه‌های سیاست خارجی، هم‌زمان بر توان جمهوری اسلامی برای ادامه‌ی حیات به شیوه‌ی کنونی اثر می‌گذارند. از دید این مقاله، برآیند این نیروها به سوی سقوط جمهوری اسلامی است. برای دیدن این جهت کلی باید اثر نیروها را در کنار هم سنجید و میان تغییر مسیر و یک وقفه در مسیر فرق گذاشت.

چرا دیدن تغییر دشوار است

ما معمولا خبرها را به ترتیبی می‌شنویم که رخ می‌دهند. یک روز توجه به بازار ارز است، روز بعد به رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و روز سوم به تنش میان حکومت و یکی از همسایگان. در چنین وضعی طبیعی است که آخرین خبر در ذهن ما بزرگ‌تر از بقیه جلوه کند. مسئله این است که جامعه و حکومت همه‌ی این فشارها را در یک زمان تجربه می‌کنند. فرسایش اعتماد عمومی با شروع یک مذاکره متوقف نمی‌شود. دشواری‌های معیشتی نیز وقتی خبرها متوجه سیاست خارجی می‌شوند از زندگی مردم کنار نمی‌روند. برای فهم جهت تغییر، باید روندهایی را که در خبرهای جداگانه می‌بینیم در یک تصویر قرار دهیم.

در تحلیل تک‌متغیره، می‌پرسیم اگر یک عامل تغییر کند و دیگر شرایط ثابت بمانند، نتیجه چه خواهد شد. برای نمونه، اگر درآمد نفت کم شود، حکومت چه اندازه از توان مالی خود را از دست می‌دهد؟ در تحلیل چندمتغیره، همان پرسش را در کنار وضعیت مبادلات خارجی، کیفیت مدیریت و میزان اعتماد جامعه می‌گذاریم. کمبود منابع در وضعی که راه جبران باز است یک پیامد دارد. همان کمبود در وضعی که راه جبران محدود است و مردم به وعده‌های حکومت اعتماد ندارند، می‌تواند پیامدی بسیار بزرگ‌تر داشته باشد. این معنای ساده‌ی رابطه‌ی غیرخطی است. اندازه‌ی اثر به وضعی بستگی دارد که تغییر در آن رخ می‌دهد.

در ریاضیات، اگر آهنگ تغییر را نسبت به یک متغیر مستقل، مثلا زمان، بسنجیم، می‌توانیم با معادله‌ی دیفرانسیل معمولی سروکار داشته باشیم. اگر آن را نسبت به چند متغیر مستقل، مثلا زمان و مکان، بسنجیم، معادله‌ی دیفرانسیل با مشتقات جزئی به کار می‌آید. هر دو می‌توانند خطی یا غیرخطی باشند. در این مقاله، از این تمایز یک شیوه‌ی پرسش‌کردن می‌گیریم. وقتی چند عامل در کارند، اثر تغییر یکی از آن‌ها را ابتدا جداگانه و سپس در شرایطی می‌سنجیم که دیگر عوامل نیز تغییر می‌کنند.

از همین جا می‌توان فهمید چرا دیدن یک تحول بزرگ پیش از وقوع آن دشوار است. ممکن است نشانه‌های تغییر در حوزه‌های مختلف ظاهر شوند و هیچ‌یک به‌تنهایی قانع‌کننده به نظر نرسد. وقتی رابطه‌ی میان آن‌ها را می‌بینیم، تصویری به دست می‌آید که از دنبال‌کردن تک‌تک خبرها به دست نمی‌آید. پرسش اصلی این است که آیا حکومت هنوز می‌تواند با ابزارهایی که پیش‌تر در اختیار داشت از مجموع این بحران‌ها عبور کند؟

فشارهایی که هم‌زمان عمل می‌کنند

اعتراض‌هایی که در زمستان ۱۴۰۴ با فشار معیشتی آغاز شد، به اعتراض گسترده علیه حکومت انجامید. سرکوب در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، برابر با ۸ و ۹ ژانویه‌ی ۲۰۲۶، به اوج رسید. گزارش‌های سازمان ملل و عفو بین‌الملل از کشتار معترضان حکایت دارند. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در ماه‌های بعد نیز از افزایش اعدام‌ها و صدور احکام مرگ ابراز نگرانی کرد. از نظر سیاسی، چنین برخوردی فاصله‌ی میان حکومت و جامعه را عمیق‌تر می‌کند. وقتی حکومت شهروندان معترض را در شمار دشمنان می‌گذارد، راه بازگرداندن اعتماد را هم دشوارتر می‌کند. [۱، ۲]

در عرصه‌ی خارجی، سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی برای سال‌ها بر پشتیبانی از گروه‌های همسو در کشورهایی مانند عراق، لبنان، سوریه و یمن تکیه داشت. [۷] منطق این سیاست افزایش نفوذ و بازدارندگی بود. حاصل آن را باید در کنار هزینه‌ای سنجید که گسترش رویارویی بر ایران تحمیل کرد. در ۲۸ فوریه‌ی ۲۰۲۶، آمریکا و اسرائیل حملات خود را آغاز کردند و علی خامنه‌ای در جریان حملات کشته شد. حملات جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه نیز چند دولت همسایه را به پیگیری اقدامی مشترک در سازمان ملل کشاند. دولت‌هایی که منافع و روابط متفاوتی دارند، در برابر گسترش جنگ به قلمروشان زمینه‌ای برای همکاری پیدا کردند. [۳، ۴]

پرونده‌ی هسته‌ای نمونه‌ی دیگری است. هزینه‌ی آن را باید در منابعی که به آن اختصاص یافت و فرصت‌های اقتصادی‌ای دید که در دوره‌ی تحریم و تنش از دست رفت. در سپتامبر ۲۰۲۵، پس از اقدام فرانسه، آلمان و بریتانیا برای فعال‌کردن سازوکار بازگشت تحریم‌ها، اتحادیه‌ی اروپا نیز محدودیت‌های هسته‌ای را دوباره برقرار کرد. در جریان جنگ، محاصره‌ی دریایی آمریکا در بهار ۲۰۲۶ صادرات نفت ایران را زیر فشار گذاشت. محدود شدن درآمد ارزی، در کنار دشواری مبادلات و ضعف مدیریت داخلی، فشار بر اقتصاد و زندگی خانواده‌ها را تشدید می‌کند. [۵، ۶]

این روندها منشأ یکسانی ندارند، اما اثرشان در ایران به هم می‌رسد. افت درآمد ارزی دست حکومت را برای پاسخ به فشار معیشتی تنگ‌تر می‌کند. سرکوب امکان جلب اعتماد مردم برای عبور از بحران را کاهش می‌دهد. گسترش درگیری با همسایگان راه‌های همکاری منطقه‌ای را محدودتر می‌کند. بنابراین، پیامد هر فشار به وضعی بستگی دارد که فشارهای دیگر پدید آورده‌اند. همین رابطه‌ی متقابل است که می‌تواند اثر مجموعه را از آنچه با نگاه جداگانه به هر عامل انتظار داریم، بیشتر کند.

در این تصویر، نارضایتی مردم را نباید صرفا پیامد گرانی دانست. وقتی فشار بر زندگی روزمره با تجربه‌ی سرکوب همراه می‌شود، حتی بهبود مقطعی معیشت ممکن است برای بازگرداندن اعتماد کافی نباشد. از سوی دیگر، حکومتی که اعتماد کمتری در جامعه دارد، برای اجرای تصمیم‌های دشوار اقتصادی و جلب همراهی مردم با موانع بیشتری روبروست. این رفت‌وبرگشت میان اقتصاد و سیاست ←

نشان می‌دهد چرا جمع ساده‌ی فشارها تمام ماجرا را توضیح نمی‌دهد.

هر کدام از این روندها آهنگ خاص خود را دارد. گاهی کاهش صادرات در مدت کوتاهی آشکار می‌شود، در حالی که فرسایش اعتماد طی سال‌ها شکل می‌گیرد و در یک بزنگاه سیاسی خود را نشان می‌دهد. هم‌زمانی در اینجا به این معناست که پیامدهای این روندها در یک دوره بر توان حکومت برای اداره‌ی کشور اثر می‌گذارند، حتی اگر آغاز و اوج آن‌ها در یک روز یا یک سال نبوده باشد.

چرا یک مذاکره جهت تغییر را عوض نمی‌کند

در هندسه، اگر چند نیرو از زاویه‌های متفاوت بر چیزی وارد شوند، برای فهم حرکت آن هم اندازه‌ی نیروها را در نظر می‌گیریم و هم جهت آن‌ها را. ممکن است دو نیرو بخشی از اثر یکدیگر را خنثی کنند و در همان حال برآیند همچنان در یک جهت باقی بماند. کاربرد این تصویر در سیاست روشن است. فشارهایی که به جمهوری اسلامی وارد می‌شوند یک منشأ و یک پیامد ندارند. فشار اقتصادی منابع حکومت را محدود می‌کند، سرکوب شکاف میان حکومت و مردم را عمیق‌تر می‌کند و تنش با همسایگان دامنه‌ی انتخاب‌های خارجی را تنگ‌تر می‌کند. برای فهم جهت حرکت، باید دید اثر این روندها در کنار هم چه می‌شود.

فرض کنیم مذاکره‌ای به کاهش تنش بینجامد یا راه بخشی از مبادلات باز شود. چنین اتفاقی می‌تواند برای مردمی که هزینه‌ی جنگ و تنگنای اقتصادی را پرداخته‌اند ارزش داشته باشد و ممکن است برای حکومت نیز فرصتی فراهم کند. پرسش این است که این گشایش تا کجا اثر می‌گذارد. آیا می‌تواند اعتماد ازدست‌رفته را بازگرداند؟ آیا حکومت می‌تواند از آن برای بهبود پایدار معیشت استفاده کند؟ آیا شیوه‌ی برخورد با اعتراض و اختلاف را تغییر می‌دهد؟ در وضعی که این روندهای دیگر برقرارند، سبک‌شدن یک فشار می‌تواند از سرعت فرسایش بکاهد و همچنان جهت کلی آن را حفظ کند.

همین منطق درباره‌ی خبرهای نظامی هم صادق است. حمله‌ی خارجی می‌تواند توان نظامی یا محاسبات حکومت را تغییر دهد و هم‌زمان آسیب سنگینی به مردم و کشور بزند. اثر سیاسی آن را باید کنار وضعیت جامعه، ظرفیت حکومت برای بازسازی قدرت و رفتار همسایگان دید. انتظار اینکه نتیجه‌ی همه‌ی تحولات را یک حمله تعیین کند، همان ساده‌سازی‌ای است که در انتظار معجزه از یک مذاکره می‌بینیم. هر دو نگاه، بیش از اندازه از یک رویداد انتظار دارند و از روندهایی که پیش و پس از آن ادامه دارند غافل می‌شوند.

نشانه‌ی معتبرِ تغییر جهت این است که چند روند اصلی بطور پایدار معکوس شوند یا تحولی بزرگ بتواند پیوند میان آن‌ها را تغییر دهد. برای نمونه، گشایش اقتصادی هنگامی می‌تواند در برآیند اثر عمیق بگذارد که به بهبود پایدار زندگی مردم بینجامد و حکومت هم بتواند رابطه‌ی خود با جامعه را از نو بسازد. در ارزیابی من، رفت‌وآمدهای سیاسی و مذاکرات در شرایط کنونی توان چنین دگرگونی‌ای را ندارند. ممکن است فرصتی بخرند، از خطر فوری بکاهند یا زمان‌بندی را تغییر دهند. فشارهایی که در طول سال‌ها انباشته شده‌اند، با یک خبر خوب یا یک توافق محدود از میان نمی‌روند.

این نگاه برای کسی که نگران آینده است، یک نتیجه‌ی عملی دارد. با شنیدن هر خبر می‌توان پرسید کدام فشار تغییر کرده، اثر تغییر تا کجا می‌رسد و چه روندهایی همچنان در کارند. با این سه پرسش، می‌شود اهمیت واقعی خبر را سنجید و درباره‌ی مسیر کلی بر پایه‌ی مجموعه‌ی شواهد داوری کرد.

ممکن است در یک حوزه خبرهایی به سود حکومت منتشر شود و در حوزه‌ای دیگر همان روز نشانه‌های فرسایش دیده شود. این دو مشاهده می‌توانند هم‌زمان درست باشند. سنجش برآیند یعنی از خود بپرسیم کدام تغییر ماندگارتر است و کدام‌یک می‌تواند رفتار دیگر نیروها را نیز عوض کند. اگر یک گشایش کوتاه‌مدت در همان حوزه محدود بماند، وزن آن در تعیین مسیر کلی نیز محدود خواهد بود.

چرا می‌توان به پایان جمهوری اسلامی امید داشت

در چارچوب استدلال این مقاله، سقوط جمهوری اسلامی را حتمی می‌دانم. این داوری بر ادامه‌ی روندهایی استوار است که هم‌زمان پایه‌های دوام حکومت را تضعیف می‌کنند. حکومت با هر بحران بخشی از منابع و اعتبار خود را برای مهار آن صرف می‌کند و با ظرفیت کمتری به بحران بعدی می‌رسد. ممکن است از یک بحران عبور کند و همچنان در برابر مجموع بحران‌ها فرسوده‌تر شود. به همین دلیل، دوام حکومت در یک مقطع به‌تنهایی پاسخ پرسش درباره‌ی دوام آن در مسیر پیش رو را نمی‌دهد.

ممکن است ایران زودتر از آنچه امروز به نظر می‌رسد پایان جمهوری اسلامی را تجربه کند. در یک روند غیرخطی، فاصله‌ی میان دوره‌ای که ظاهرا همه‌چیز ادامه دارد و لحظه‌ای که ادامه‌ی همان وضع ناممکن می‌شود، می‌تواند کوتاه باشد. تا پیش از آن، بخشی از تغییر در کاهش توان حکومت برای جبران خسارت، جلب اعتماد و کنار آمدن با پیامدهای تصمیم‌های خود رخ می‌دهد. این تغییرها همیشه به اندازه‌ی یک رویداد بزرگ خبری دیده نمی‌شوند. تاریخ سقوط از این تحلیل به دست نمی‌آید، اما می‌توان از آن برای فهم جهت حرکت استفاده کرد.

امید به تغییر با دیدن مجموعه‌ی نیروهایی شکل می‌گیرد که هم‌اکنون در کارند. وقتی مردم ایران مخالفت خود را با ادامه‌ی وضع موجود بیان می‌کنند، این خود بخشی از واقعیت سیاسی است که باید در کنار فشارهای اقتصادی و خارجی دیده شود. ایرانیان برای امید داشتن به پایان جمهوری اسلامی می‌توانند دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی آینده داشته باشند. بحث این مقاله بر مرحله‌ای متمرکز است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم و بر این پرسش که چرا ادامه‌ی وضع موجود دشوارتر شده است.

نتیجه‌ی این تحلیل آن است که با هر مذاکره، رفت‌وآمد سیاسی یا آرامش موقت، دلیلی برای بازگشت به نقطه‌ی آغاز نداریم. میزان اثر هر رویداد را می‌توان سنجید و در عین حال روندهای عمیق‌تری را دید که مسیر را تعیین می‌کنند. امید از همین نگاه به دست می‌آید. تغییر می‌تواند پیش از آنکه در یک خبر بزرگ دیده شود، در زندگی جامعه، در فاصله‌ی مردم از حکومت و در محدود شدن توان حکومت برای ادامه‌ی روش‌های گذشته در جریان باشد. به باور من، ایران اکنون در همین مسیر است.

منابع

۱. عفو بین‌الملل، گزارش سرکوب اعتراض‌های دی ۱۴۰۴
۲. رویترز، گزارش نگرانی کمیسر حقوق بشر سازمان ملل از اعدام‌ها
۳. رویترز، آغاز حملات آمریکا و اسرائیل و کشته‌شدن علی خامنه‌ای
۴. رویترز، اقدام مشترک کشورهای منطقه در شورای حقوق بشر
۵. رویترز، بازگشت تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا
۶. رویترز، اثر محاصره‌ی دریایی بر صادرات نفت ایران
۷. رویترز، پیشینه‌ی شبکه‌ی منطقه‌ای گروه‌های همسو با جمهوری اسلامی

شکست جمهوری اسلامی از لشکر اجنّه!



فرید خلیفی - در عصر ماهواره‌های جاسوسی، هوش مصنوعی و فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی، مقامات جمهوری اسلامی توضیح تازه‌ای برای شکست‌های امنیتی و نظامی خود پیدا کرده‌اند: «لشکر اجنه»! حکومتی که دهه‌ها با شعار نابودی اسرائیل، نمایش موشک و ادعای اقتدار نظامی و اطلاعاتی قدرت‌نمایی کرده، حالا می‌گوید دشمن نه با فناوری و نفوذ اطلاعاتی، بلکه با کمک جن و طلسم و نیروهای ماورایی به اهداف خود رسیده است!

پرواز چند پهپاد برفراز یک پایگاه نظامی در بریتانیا؛ اختلال مشکوک در سامانه‌های ناوبری هواپیماهای آمریکا



در پی اختلال در سامانه‌های ناوبری و ارتباطی فرودگاهی در آمریکا، اداره هوانوردی این کشور مجبور به لغو پروازها برای چندین ساعت شد. وبسایت «فلایت رادار» که پروازها را رصد می‌کند، اعلام کرد نزدیک به ۱۰ هزار پرواز به مقصد یا از مبدا فرودگاه‌های آمریکا لغو شدند. این وضعیت تا شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ادامه یافت اما منابع آمریکایی گزارش دادند به تدریج وضعیت در حال کنترل شدن است.

اختلال در سامانه‌های ناوبری آمریکا با پرواز چند پهپاد بر فراز پایگاه هوایی «لِیکن‌هیث» در بریتانیا همزمان بود. در این پایگاه تعدادی هواپیمای نظامی آمریکا مستقر هستند.

شان دافی وزیر حمل و نقل آمریکا می‌گوید، علت اختلال «قدیمی» بودن سامانه‌های پروازی آمریکاست.

مارکوین مولین وزیر امنیت داخلی آمریکا نیز گفت، به نظر نمی‌رسد که این رویداد ناشی از یک حمله سایبری بوده باشد و ارتباطی با آنچه در مورد مایکروسافت رخ داد، دیده نشده است. ایمیل‌های مایکروسافت مدتی از دسترس خارج شده‌بود.

هرچند مشخص نیست مبدأ این تهدیدات چه بوده اما همچنان جمهوری اسلامی اصلی‌ترین متهم اختلالات سایبری و تهدیدات تروریستی در کشورهای اروپایی و آمریکا به شمار می‌رود.

در پی اختلال در سامانه‌های ناوبری و ارتباطی فرودگاهی در آمریکا، اداره هوانوردی این کشور مجبور به لغو پروازها برای چندین ساعت شد. وبسایت «فلایت رادار» که پروازها را رصد می‌کند، اعلام کرد نزدیک به ۱۰ هزار پرواز به مقصد یا از مبدا فرودگاه‌های آمریکا لغو شدند. این وضعیت تا شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ادامه یافت اما منابع آمریکایی گزارش دادند به تدریج وضعیت در حال کنترل شدن است.

اختلال در سامانه‌های ناوبری آمریکا با پرواز چند پهپاد بر فراز پایگاه هوایی «لِیکن‌هیث» در بریتانیا همزمان بود. در این پایگاه تعدادی هواپیمای نظامی آمریکا مستقر هستند.

اگرچه حریم هوایی اکنون بازگشایی شده اما پیامدهای آن باعث سرگردانی هزاران مسافر در فرودگاه‌های آمریکا و سراسر جهان شد.

شان دافی وزیر حمل و نقل آمریکا گفت که بازگشت پروازها به روال عادی، روندی کند خواهد داشت و پیامدهای این اختلال تا چند روز ادامه خواهد یافت.

او توضیح داد: «سوئیچ‌ها و روترهای سامانه ما درواقع با حجم زیادی از داده‌ها روبرو شدند و دچار اختلال شدند... البته نباید بگویم کاملاً از کار افتادند؛ بلکه داده‌هایی که از این روترها دریافت می‌کردیم، دچار ناهماهنگی و بی‌ثباتی شده بود. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم سامانه را متوقف کنیم.»

شان دافی این مشکل را ناشی از «قدیمی» بودن سامانه‌های پروازی ایالات متحده دانست و تاکید کرد که کنگره آمریکا باید پول لازم برای به‌روزرسانی سامانه‌های پروازی در اختیار بگذارد.

همزمانی این اختلال با از کار افتادن بخشی از خدمات مایکروسافت مشکوک به نظر می‌رسد اما مارکوین مولین وزیر امنیت داخلی آمریکا نیز گفت به نظر نمی‌رسد که این رویداد ناشی از یک حمله سایبری بوده باشد و ارتباطی با آنچه در مورد مایکروسافت رخ داد، دیده نشده است. ایمیل‌های مایکروسافت مدتی از دسترس خارج شده‌بودند.

مارکوین مولین گفت که تحقیقات ادامه دارد اما به نظر می‌رسد که مسئله «مکانیکی» و ناشی از سامانه‌های قدیمی است.

او و وزیر حمل و نقل آمریکا خواستار اختصاص بودجه بیشتر برای نوسازی سامانه‌های پرواز در آمریکا شدند. وزیر حمل و نقل آمریکا گفت که اولویت او امنیت افراد است و به همین دلیل پروازها متوقف شدند.

پیش از این رویداد گزارش شده بود که چند پهپاد مشکوک برفراز پایگاه هوایی «لِیکن‌هیث» در بریتانیا پرواز کردند.

سخنگوی نیروی هوایی آمریکا در بیانیه‌ای گفت که در این حادثه هیچ آسیبی به نیروها، هواپیماها یا تأسیسات پایگاه وارد نشده است. وزارت دفاع بریتانیا نیز اعلام کرد وضعیت به حالت عادی بازگشته است.

هرچند مشخص نیست مبدأ این تهدیدات چه بوده اما همچنان جمهوری اسلامی اصلی‌ترین متهم اختلالات سایبری و تهدیدات تروریستی در کشورهای اروپایی و آمریکا به شمار می‌رود.

به دنبال تهدیدات جمهوری اسلامی، ارتش آمریکا در روزهای اخیر دست‌کم ۱۲ هواپیما را از پایگاه «میلدنهال» در بریتانیا خارج کرده است.

محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی تهدید کرده است که اگر از پایگاه‌های آمریکا در اروپا برای حمله به جمهوری اسلامی استفاده شود، این پایگاه‌ها هدف قرار خواهند گرفت.

«وضعیت مبهم اورانیوم‌ها» و هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره «عدم همکاری» جمهوری اسلامی



رافائل گروسی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی محرمانه که ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان ۱۴۰۵) نکاتی از آن منتشر شد، اعلام کرد که به دلیل عدم همکاری جمهوری اسلامی، نگرانی‌های فوری درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای در ایران افزایش یافته است. این آژانس خواستار بازگشت بازرسان به سایت‌های کلیدی هسته‌ای ایران «بدون تأخیر بیشتر» شد.

در این گزارش آمده است: «به دلیل عدم همکاری [جمهوری اسلامی] ایران، آژانس قادر نیست تأیید کند مواد هسته‌ای اعلام‌شده از سوی [مقامات] ایران از فعالیت‌های صلح‌آمیز منحرف نشده باشد.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی محرمانه که ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان ۱۴۰۵) نکاتی از آن منتشر شد، اعلام کرد که به دلیل عدم همکاری جمهوری اسلامی، نگرانی‌های فوری درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای در ایران افزایش یافته است. این آژانس خواستار بازگشت بازرسان به سایت‌های کلیدی هسته‌ای ایران «بدون تأخیر بیشتر» شد.

آژانس بار دیگر اعلام کرده است که نمی‌تواند تأیید کند فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی صلح‌آمیز است.

در این گزارش آمده: «به دلیل عدم همکاری [جمهوری اسلامی] ایران، آژانس قادر نیست تأیید کند مواد هسته‌ای اعلام‌شده از سوی [مقامات] ایران از فعالیت‌های صلح‌آمیز منحرف نشده باشد.»

آژانس با ابراز «نگرانی زیاد» درباره تأسیسات غنی‌سازی سوخت اصفهان تأکید کرده است که مقامات جمهوری اسلامی تأسیس این مرکز را اعلام کردند، اما تا کنون اجازه بازرسی از آن را نداده‌اند.

جمهوری اسلامی اجازه نداده است بازرسان آژانس به هیچکدام از تأسیسات هسته‌ای که در جریان حملات ۱۲ روزه و ۴۰ روزه بمباران شدند، بازگردند. این حملات ←

سایر تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم ایران را که قلب برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، نابود یا به‌شدت تخریب کرده است.

آژانس در گزارش خود تأکید کرد که انجام فعالیت‌های راست‌آزمایی در ایران «بدون تأخیر بیشتر، امری حیاتی» است.

در این گزارش همچنین آمده است: «مدیرکل آژانس از [جمهوری اسلامی] ایران می‌خواهد اقدامات فنی و تدریجی را مد نظر قرار دهد که زمینه لازم برای بازگشت بازرسان آژانس به ایران را فراهم می‌کند.»

آژانس همچنین اذعان کرد که حملات نظامی به تأسیسات و سایت‌های هسته‌ای ایران، «وضعیتی بی‌سابقه» ایجاد کرده است.

با این حال، این نهاد هشدار داد که عدم همکاری زمامداران ایران نگرانی‌های جدی درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای ایجاد کرده است؛ نگرانی‌هایی که باید با حداکثر فوریت برطرف شوند.

شورای حکام آژانس اواسط شهریور ۱۴۰۵ پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد. این نخستین بار طی ۲۰ سال گذشته بود که رژیم ایران به دلیل عمل نکردن به تعهدات خود در زمینه ارائه‌ی گزارش فعالیت هسته‌ای به عالی‌ترین نهاد امنیتی سازمان ملل ارجاع می‌شد.

سرنوشت ذخایر اورانیوم همچنان نامشخص است

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش از حملات خرداد ۱۴۰۴ برآورد کرده بود که رژیم ایران حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد در اختیار دارد؛ سطحی که به میزان ۹۰ درصد مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک است و بسیار بالاتر از سقف ۳/۶۷ درصد تعیین‌شده در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ است؛ توافقی که اکنون عملاً از بین رفته است.

از زمان جنگ ۱۲ روزه، سرنوشت ذخایر هسته‌ای ایران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

جمهوری اسلامی تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را رد کرده است. با این حال، آژانس تأکید کرده که اورانیوم با چنین سطح بالایی از غنی‌سازی، کاربرد صلح‌آمیز ندارد.

بر اساس گزارش آژانس، جمهوری اسلامی اعلام کرده است که مذاکرات درباره انجام بازرسی‌ها در شرایطی که «تهدیدهای مستمر، صریح و علنی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا برای ارتکاب اقدامات تجاوزکارانه نظامی بیشتر علیه ایران، به ویژه با هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای این کشور» ادامه دارد، نمی‌تواند از سر گرفته شود.

تهران اعلام کرده است که این وضعیت تا زمانی که «ریشه‌های اصلی شرایط کنونی برطرف نشود و الزامات اساسی برای اجرای عادی پادمان‌ها دوباره فراهم نشود»، حل و فصل نخواهد شد.

تهران بر اهمیت حفظ «محرمانگی» فعالیت‌های آژانس تأکید کرده و خواستار تضمین این موضوع شده است که اطلاعات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران «افشا، مورد سوء استفاده یا بهره‌برداری قرار نگیرد».

آژانس نیز روز پنجشنبه در نامه‌ای به جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که از «تمامی اطلاعات محرمانه» محافظت خواهد کرد؛ این نامه پس از آن ارسال شد که تهران موضوع جایزه ۲۰ میلیون دلاری ایالات متحده برای دریافت اطلاعات درباره برنامه هسته‌ای ایران را به آژانس اطلاع داد.

جمهوری اسلامی ایران روز چهارشنبه به این پیشنهاد که هفته گذشته از سوی ارتش ایالات متحده اعلام شده بود، اعتراض کرد و از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل خواست آن را محکوم کنند.

اسکات بسنت: مرعوب تهدیدات نمی‌شوم؛ گور پدر رهبران جمهوری اسلامی!



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا

● وزیر خزانه‌داری آمریکا پس از آنکه به یک پایگاه امن نظامی منتقل شد، در یک مصاحبه تأکید کرد تهدیدات جانی جمهوری اسلامی علیه او و سایر مقامات آمریکا، آنان را مرعوب نخواهد کرد.

● اسکات بسنت روز جمعه ۲۲ آبان در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌بی‌سی» در واکنش به تهدیدات جانی از سوی جمهوری اسلامی گفت: «وقتی نیروهای نظامی شجاع ما در خلیج فارس و پرزیدنت ترامپ دائماً تهدید به مرگ می‌شوند، من چرا باید بترسم؟»

● بسنت در بخشی از این مصاحبه با لحنی تند گفت: «گور پدر رهبران جمهوری اسلامی.» او تأکید کرد: «این تهدیدها نشان می‌دهد کاری که ما با عملیات طرد اقتصادی انجام می‌دهیم، مؤثر بوده است.»

● روزنامه "وال‌استریت ژورنال" پیشتر یک تصویر هوایی از محل سکونت خانواده بسنت در محله جرج تاون در واشنگتن دی‌سی منتشر کرده بود که دستیابی به مکان جغرافیایی وی را ممکن می‌کرد.

● وزیر خزانه‌داری آمریکا به شدت از سردبیر "وال‌استریت ژورنال" انتقاد کرد و از جمله گفت که تیم او پیش از انتشار گزارش به سردبیر این روزنامه التماس کرده بود که موقعیت خانه را منتشر نکند، اما آنها این کار را انجام دادند!

وزیر خزانه‌داری آمریکا پس از آنکه به یک پایگاه امن منتقل شد، در مصاحبه‌ای تأکید کرد که تهدیدات جانی جمهوری اسلامی علیه او و سایر مقامات آمریکا، آنان را مرعوب نخواهد کرد.

اسکات بسنت روز جمعه ۲۲ آبان در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌بی‌سی»، در واکنش به تهدیدات جانی جمهوری اسلامی علیه وی گفت: «وقتی نیروهای نظامی شجاع ما در خلیج فارس و پرزیدنت ترامپ دائماً تهدید به مرگ می‌شوند، من چرا باید بترسم؟»

بسنت در بخشی از این مصاحبه با لحنی تند گفت: «گور پدر رهبری جمهوری اسلامی». او تأکید کرد که نه خودش و نه دیگر اعضای کابینه پرزیدنت ترامپ از تهدیدهای جانی علیه خودشان مرعوب نخواهند شد. وی افزود: «این تهدیدها نشان می‌دهد کاری که ما با عملیات طرد اقتصادی انجام می‌دهیم، مؤثر بوده است.»

وزیر خزانه‌داری آمریکا در این مصاحبه، رفتار جمهوری اسلامی را به «جانور خطرناکی که در گوشه‌ای به دام افتاده» تشبیه کرد و افزود: «بنابراین من با پیروی از دستورالعمل‌های سرویس مخفی، از خانه‌ام به یک پایگاه نظامی نقل مکان کرده‌ام.»

این مقام آمریکایی همچنین افزود: «در حال حاضر ترامپ فکر نمی‌کند که به توافق نیاز داریم و ما به فشار علیه آنها ادامه خواهیم داد.»

اسکات بسنت هدایت کارزار محصاره اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی را به عهده دارد. او تهدیدات را نشانه موفقیت سیاست‌های اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی می‌داند و می‌گوید: «این نشان می‌دهد کاری که در چارچوب عملیات طرد اقتصادی انجام می‌دهیم، نتیجه می‌دهد.»

او در عین حال از رسانه‌هایی که نشانی و نقشه محل اقامت شخصی او را منتشر کرده‌اند، به شدت انتقاد کرد. روزنامه "وال‌استریت ژورنال" پیشتر یک تصویر هوایی از محل سکونت خانواده بسنت در محله جرج تاون در واشنگتن دی‌سی منتشر کرده بود که دستیابی به مکان جغرافیایی وی را ممکن می‌کرد.

وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌ان‌بی‌سی ضمن تأیید نقل مکان به یک پایگاه نظامی به شدت از سردبیر "وال‌استریت ژورنال" انتقاد کرد و از جمله گفت که تیم او پیش از انتشار گزارش به سردبیر این روزنامه التماس کرده بود که موقعیت خانه را منتشر نکند، اما آنها این کار را انجام دادند! اسکات بسنت این اقدام را «به شدت غیرمسئولانه و خطرناک» خواند و تأکید کرد: «چنین کارهایی باید متوقف شود»

ارزیابی اطلاعاتی آمریکا؛ وجود حداقل «۱۵۰۰ فروند» موشک در زرادخانه جمهوری اسلامی

بر اساس گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، تعداد اعلام‌شده بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ موشک از سطح اطمینان پایینی برخوردار است. مقامات آمریکایی دلیل این امر را دشواری ردیابی دقیق تعداد موشک‌های آماده‌ی پرتاب در برابر موشک‌های ذخیره‌شده در انبارها و تونل‌های زیرزمینی عنوان کرده‌اند.

پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، اخیراً اعلام کرده بود که پایه‌ی صنعتی دفاعی رژیم ایران «از بین رفته» و بیش از هشتاد درصد از زیرساخت هسته‌ای آن نیز نابود شده است. همچنین یک مقام کاخ سفید مدعی شده بود که عملیات موسوم به «خشم حماسی» نیروهای جمهوری اسلامی را «بی‌دفاع» کرده است.

گزارش‌های دیگر نیز از ظرفیت تولید ماهانه‌ی حدود «پنجاه فروند» موشک بالستیک توسط جمهوری اسلامی سخن می‌گویند که تقریباً نیمی از نرخ تولید پیش از جنگ است. این رقم هرچند کاهش یافته، اما نشان‌دهنده‌ی تداوم فعالیت‌های تولیدی است.

همزمان جمهوری اسلامی تهدیدهای روزانه‌ی خود را به اوج رسانده است. رسانه‌های وابسته به رژیم ایران روز یکشنبه هشدار دادند که موشک بالستیک خرمشهر می‌تواند به پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا برسد. بطور مشخص، آنها پایگاه مشترک آمریکا و بریتانیا (فیرفورد) را نام بردند که حدود ۴۵۰۰ کیلومتر با ایران فاصله دارد.



نمایش موشک‌های بالستیک و مافوق صوت، پهپادها، موشک‌های پرتاب ماهواره و سیستم‌های دفاع هوایی در پارک هوافضای تهران

تعداد ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ موشک در زرادخانه‌ی جمهوری اسلامی که توسط مقامات آمریکایی اعلام شده، نشان‌دهنده‌ی ظرفیت این رژیم برای حمله به اهداف آمریکایی و متحدانش در صورت از سر گرفتن جنگ است.

جامعه‌ی اطلاعاتی ایالات متحده ارزیابی کرده است که رژیم ایران همچنان بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ موشک در زرادخانه‌ی خود دارد. این رقم که توسط مقامات آمریکایی اعلام شده، نشان‌دهنده‌ی ظرفیت قابل‌توجه این رژیم برای حمله به اهداف آمریکایی و متحدانش در صورت از سرگیری جنگ است.

مقامات دولت دونالد ترامپ و خود وی پیشتر بر نابودی گسترده‌ی توان نظامی جمهوری اسلامی تاکید کرده بودند و این بررسی‌ها، اکنون بر بحث‌های داخلی کاخ سفید درباره‌ی امکان از سر گرفتن حملات نظامی تأثیر گذاشته است.

بر اساس گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، تعداد اعلام‌شده بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ موشک از سطح اطمینان پایینی برخوردار است. مقامات آمریکایی دلیل این امر را دشواری ردیابی دقیق تعداد موشک‌های آماده‌ی پرتاب در برابر موشک‌های ذخیره‌شده در انبارها و تونل‌های زیرزمینی عنوان کرده‌اند.

آنها تأکید دارند که حتی با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها، رژیم ایران همچنان ذخیره‌ی موشکی «نیرومند» و قابل توجهی در اختیار دارد که می‌تواند تهدیدی جدی برای نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه و متحدان آن ایجاد کند.

بازسازی زرادخانه پس از توقف حملات

حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به تأسیسات تولید موشک جمهوری اسلامی آسیب جدی وارد کرده است. با وجود این، رژیم ایران به بازسازی زرادخانه‌ی خود ادامه داده و این کار را عمدتاً با استفاده از قطعات و اجزای ذخیره‌شده پیش از آغاز جنگ انجام می‌دهد.

سرعت این بازسازی کندتر از دوران پیش از جنگ است، اما روند آن متوقف نشده است. علاوه بر موشک‌های بالستیک میان‌برد و دوربرد، جمهوری اسلامی تعداد زیادی پهپاد و موشک کوتاه‌برد نیز در اختیار دارد که گزینه‌های متنوعی برای حملات منطقه‌ای در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد.

پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، اخیراً اعلام کرده بود که پایه‌ی صنعتی دفاعی رژیم ایران «از بین رفته» و بیش از هشتاد درصد از زیرساخت هسته‌ای آن نیز نابود شده است. همچنین یک مقام کاخ سفید مدعی شده بود که عملیات موسوم به «خشم حماسی» نیروهای جمهوری اسلامی را «بی‌دفاع» کرده است.

دونالد ترامپ نیز بارها از پیروزی نظامی سخن گفته و از «پیروزی کامل» در تداوم درگیری‌ها صحبت کرده بود. ارزیابی جدید اطلاعاتی نشان می‌دهد که این گفته‌ها بیش از حد خوش‌بینانه بوده‌اند.

برآوردهای اسرائیل و نظرات کارشناسان

مقامات نظامی اسرائیل نیز ارزیابی مشابهی دارند و تعداد موشک‌های بالستیک باقیمانده رژیم را بیش از ۱۵۰۰ فروند تخمین می‌زنند. برخی منابع امنیتی اسرائیلی حتی رقم بیش از ۱۷۰۰ موشکِ قادر به رسیدن به خاک اسرائیل را ذکر کرده‌اند که حدود ۸۰۰ موشک کمتر از برآوردهای پیش از جنگ است.

سیمون لدین، مقام سابق پنتاگون که در دوره‌ی اول ریاست جمهوری ترامپ مسئولیت سیاست خاورمیانه را بر عهده داشت، گفته است که حتی رقم پایین ۱۵۰۰ موشک به معنای بازسازی بیش از نیمی از ذخیره موشکی پیش از جنگ است. وی همچنین اشاره کرد که رژیم ایران بین جنگ «۱۲ روزه» در ژوئن ۲۰۲۵ و آغاز درگیری جدید در فوریه ۲۰۲۶، بخش قابل توجهی از توان خود را بازسازی کرده است.

گزارش‌های دیگر نیز از ظرفیت تولید ماهانه‌ی حدود «پنجاه فروند» موشک بالستیک توسط جمهوری اسلامی سخن می‌گویند که تقریباً نیمی از نرخ تولید پیش از جنگ است. این رقم هرچند کاهش یافته، اما نشان‌دهنده‌ی تداوم فعالیت‌های تولیدی است.

تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید

بازسازی ذخیره‌ی موشکی جمهوری اسلامی به یکی از عوامل مهم در بحث‌های داخلی دولت ترامپ درباره‌ی از سر گرفتن حملات نظامی تبدیل شده است. تا کنون رئیس‌جمهور آمریکا ترجیح داده فشار را از طریق محاصره و تحریم‌ها ادامه دهد و از دستور حملات گسترده خودداری کند.

متحدان آمریکا در خلیج فارس نیز به کاخ سفید هشدار داده‌اند که بازگشت به جنگ می‌تواند آنها را در معرض حملات تلافی‌جویانه‌ی رژیم ایران قرار دهد. در مقابل، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، خواهان از سر گرفتن عملیات نظامی است و رومن گوفمن، رئیس موساد، اخیراً برای گفتگوهای مرتبط با مسائل ایران به واشنگتن سفر کرد.

رژیم ایران نیز در هفته‌های اخیر با انتشار تصاویر و ویدیوهایی از «شهر موشکی» زیرزمینی خود، تلاش کرده توان بازدارندگی‌اش را به نمایش بگذارد. این تصاویر که فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در حال بازدید از تونل‌های مجهز به موشک و پرتابگر نشان می‌دهد، بخشی از جنگ روانی و تبلیغاتی رژیم محسوب می‌شود.

همچنین گزارش‌هایی از بهبود دقت هدف‌گیری نیروهای نظامی جمهوری اسلامی با کمک

ماهواره‌ای روسیه وجود دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که دقت حملات رژیم در ماه‌های ژوئن و ژوئیه افزایش یافته و برخی ضربات بطور مشخص به سوی خوابگاه‌های سربازان هدف‌گیری شده‌اند. این موضوع نگرانی‌هایی درباره‌ی بهبود قابلیت‌های هدف گرفتن دقیق‌تر ایجاد کرده است.

آخرین نمونه‌ی این حملات، بامداد یکشنبه رخ داد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شد که شش پهپاد به سمت رادار پدافند هوایی آمریکا در پایگاه هلیکوپتری «الرفاع» در بحرین شلیک کرده است. ارتش آمریکا و بحرین اعلام کردند که این حملات را رهگیری کرده‌اند و بحرین این اقدام را «تجاوز آشکار» خواند و محکوم کرد. این حمله نخستین هشدار تهدید از ماه سپتامبر به اینسو در بحرین بود و حاکی از ادامه‌ی تنش‌ها در خلیج‌فارس است.

ارزیابی جدید اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که نابود کردن کامل توان موشکی جمهوری اسلامی دشوارتر از آن است که مقامات آمریکایی در بیانیه‌های عمومی اعلام کرده‌اند. وجود هزاران موشک کوتاه‌برد و میان‌برد در سایت‌های زیرزمینی، همراه با توانایی بازسازی نسبی از قطعات ذخیره‌شده، به رژیم ایران اجازه می‌دهد حتی پس از حملات گسترده، ظرفیت بازدارندگی خود را حفظ کند.

تهدید پایگاه‌های نظامی در اروپا

همزمان با این تحولات، جمهوری اسلامی تهدیدهای روزانه‌ی خود را به اوج رسانده است. رسانه‌های وابسته به رژیم ایران روز یکشنبه هشدار دادند که موشک بالستیک خرمشهر (نسخه اصلاح‌شده) می‌تواند به پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا برسد. بطور مشخص، آنها پایگاه مشترک آمریکا و بریتانیا (فیرفورد) را نام بردند که حدود ۴۵۰۰ کیلومتر با ایران فاصله دارد.

موشک خرمشهر۴- که در سال ۲۰۲۳ رونمایی شد، برد ادعایی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر با کلاهک ۱۵۰۰ کیلوگرمی دارد. ادعاهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی، مبنی بر آن است که با کاهش وزن کلاهک یا اصلاحات دیگر، برد آن می‌تواند بطور قابل توجهی افزایش یابد، هرچند تأیید مستقلی برای این قابلیت وجود ندارد. سپاه پاسداران نیز پیشتر اعلام کرده بود که محدودیت خودخواسته‌ی بُرد ۲۰۰۰ کیلومتری موشک‌های بالستیک را لغو کرده است.

این تهدیدها در حالی بالا گرفته که رژیم ایران پیش از این نیز پایگاه سلطنتی «فیرفورد» در بریتانیا را هدف یک توطئه قرار داده بود که کشف شد.

در اواخر سپتامبر، طرح حمله‌ای مشکوک علیه این پایگاه که بمب‌افکن‌های آمریکایی از آن برای حملات به مواضع جمهوری اسلامی استفاده می‌شد، خنثی شد؛ پنج مرد بریتانیایی در نزدیکی پایگاه بازداشت شدند و نخست‌وزیر بریتانیا، اندی برنهام، اعلام کرد که این حادثه «به احتمال زیاد از ایران هماهنگ شده و تقریباً قطعاً توسط سپاه پاسداران هدایت شده است». آمریکا پس از آن، بمب‌افکن‌های B-1 خود را از پایگاه خارج کرد.

با این حال و بر اساس ارزیابی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، بقایای جمهوری اسلامی نیز یک «تهدید امنیتی» بالفعل برای منطقه و حتی اروپا به شمار می‌رود و در حالی که مقامات آمریکایی همچنان بر فشار اقتصادی و محاصره دریایی تأکید دارند، کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس نیز، به گفته‌ی دونالد ترامپ، این وضعیت را بر اقدام قاطع علیه رژیم ایران که می‌تواند آنها را در تیررس خرابکاری‌ها و موشک‌های آن قرار دهد، ترجیح می‌دهند.

حملات موشکی و پهپادی سپاه پاسداران به بحرین؛ استقرار لانچرها در مناطق مسکونی



پرتاب موشک از شهرک مسکونی نرمیان قشم ۵۰۰ متری بیمارستان «پیامبر اعظم»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که یک سیستم راداری متعلق به نیروهای آمریکایی را در پایگاه «شیخ عیسی» بحرین هدف حمله پهپادی قرار داده است. مقامات بحرینی نیز از رهگیری حملات هوایی جمهوری اسلامی خبر داده‌اند. گزارش‌های میدانی حاکیست سپاه با استقرار لانچر در مناطق مسکونی اقدام به موشک‌پرانی کرده است.

وزارت کشور بحرین با انتشار پیامی در «ایکس»، درباره «تهدید احتمالی» هشدار داد و از شهروندان و ساکنان این کشور خواست ضمن حفظ آرامش، به نزدیک‌ترین مکان امن بروند و برای اطلاع از تحولات، تنها منابع رسمی را دنبال کنند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که یک سیستم راداری متعلق به نیروهای آمریکایی را در پایگاه «شیخ عیسی» بحرین هدف حمله پهپادی قرار داده است. مقامات بحرینی نیز از رهگیری حملات هوایی جمهوری اسلامی خبر داده‌اند. گزارش‌های میدانی حاکیست سپاه با استقرار لانچر در مناطق مسکونی اقدام به موشک‌پرانی کرده است.

وزارت کشور بحرین با انتشار پیامی در «ایکس»، درباره «تهدید احتمالی» هشدار داد و از شهروندان و ساکنان این کشور خواست ضمن حفظ آرامش، به نزدیک‌ترین مکان امن بروند و برای اطلاع از تحولات، تنها منابع رسمی را دنبال کنند.

بحرین همچنین اعلام کرد، سامانه‌های پدافند هوایی این کشور حملات جمهوری اسلامی ایران را رهگیری کرده‌اند. هنوز گزارشی تاییدشده درباره اصابت پهپادهای رژیم ایران به سامانه راداری پایگاه «شیخ عیسی» یا میزان خسارات احتمالی منتشر نشده است.

روابط عمومی سپاه پاسداران حمله بامداد سه‌شنبه را پاسخی به آنچه «تداوم نقض حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران» توسط پهپادهای ارتش آمریکا خواند، توصیف کر و اعلام کرد که عملیات در ادامه اقدامات پدافندی و جنگ الکترونیک برای رهگیری، انهدام و به غنیمت گرفتن پهپادهای آمریکایی از سری MQ و MQM-170 انجام شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین هشدار داد که ادامه استفاده از پایگاه‌ها و تاسیسات نظامی منطقه برای اقدام علیه جمهوری اسلامی بدون پاسخ نخواهد ماند.

این حملات دو روز پس از حملات روز یکشنبه ۲۴ آبان رخ داده که سپاه پاسداران مدعی شد با شش پهپاد، یک سامانه راداری پدافند هوایی آمریکا را در پایگاه هلیکوپتر «الرفاع» بحرین هدف قرار داده است. ارتش بحرین در مقابل اعلام کرد که سامانه‌های پدافندی این کشور چندین حمله هوایی جمهوری اسلامی ایران را رهگیری کرده و مانع رسیدن آنها به اهدافشان شده‌اند.

سپاه پاسداران روز جمعه ۲۲ آبان نیز مدعی حمله به یک رادار هشدار زودهنگام آمریکا در بحرین شده بود. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) این ادعا را رد کرد و گفت دو پهپاد مهاجم رژیم ایران را بدون به بار آمدن خسارت یا تلفات سرنگون کرده است.

بحرین میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا است و در ماه‌های اخیر چندین بار هدف حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

از سوی دیگر، علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه «انتقام خون علی خامنه‌ای و کودکان قطعی است» تهدید کرد: «به فضل الهی در این منطقه، آمریکایی‌ها را تا قطب جنوب عقب خواهیم راند؛ آمریکایی‌ها منتظر این اقدام ما باشند.»

بر اساس گزارش‌های میدانی در قشم، سپاه پاسداران با استقرار لانچر در شهرک مسکونی «نریمان» در ۵۰۰ متری بیمارستان «پیامبر اعظم» اقدام به پرتاب موشک کرده است. اقدامی که به گفته کارشناسان استفاده از «سپرانسانی» است.

ساکنان جزیره نگران از هدف گرفته شدن لانچرها، می‌گویند زندگی آنها مختل شده و ماه‌هاست زیر حملات موشکی و بمباران آسایش ندارند.

کیهان

سهم کشورهای عربی خلیج فارس در هرگونه توافق بین آمریکا و جمهوری اسلامی

کشورهای خلیج فارس در تصمیم‌گیری برای آغاز این درگیری نقشی نداشتند، اما بهای سنگینی بابت آن پرداخت کردند. بنابراین اگر قرار باشد صلحی برقرار شود، پذیرفتنی نیست که کشورهای خلیج فارس پس از تحمل چنین هزینه سنگینی، از صحنه کنار گذاشته شوند. هرکس هزینه درگیری را تحمل می‌کند، باید در شکل دادن به پایان آن نیز مشارکت داشته باشد.

موضع کشورهای خلیج فارس در حمایت از کاهش تنش، از درک درست منافع ملی آنها سرچشمه می‌گیرد. این کشورها به همسایگانی نیاز دارند که بتوان با آنها بر اساس قواعد روشن بین‌المللی و سازمان ملل متحد ارتباط داشت؛ در حالی که شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن، آخرین ویژگی‌هایی است که می‌توان از رژیم ایران انتظار داشت.

در هر شرایطی، کشور میانجی در خلیج فارس نباید به بهانه انتقال پیام‌های دو طرف، منافع خود را نادیده بگیرد. او باید برای دستیابی به توافقی تلاش کند که منافع‌اش را حفظ کند و اساس آن آزادی کشتیرانی و حفاظت از تأسیسات غیرنظامی باشد. توافقی که تنها بخشی از پرونده هسته‌ای را حل و فصل کند، کافی نیست.

درسی که کشورهای خلیج فارس باید از وضعیت کنونی بگیرند، این است که پیش از آنکه تفاهم‌هایی شکل بگیرد که اصلاح آنها در آینده دشوار باشد، مطالبات خود را از همان ابتدا مطرح کنند. در اسرائیل نیز انتخاب گادی آیزنکوت برای تلاش در جهت تشکیل دولت، احتمال تغییر در رهبری سیاسی را مطرح می‌کند؛ اما این مسئله لزوماً به معنای تغییر اساسی در سیاست‌ها نیست.



مسعود پزشکیان و محسن رضایی و خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان در نشست با عصیم منیر رئیس نیروهای دفاعی پاکستان و ابراهیم کلین رئیس نیروهای امنیتی ترکیه / تهران / ۲۶ اکتبر ۲۰۲۶

محمد الرمیحی (الشرق الاوسط) - هیچکس نمی‌تواند با قطعیت بگوید که میان آمریکا و جمهوری اسلامی جنگی در جریان است یا صلحی برقرار خواهد شد؛ اما آنچه مسلم است، این است که هر دو طرف از این درگیری فرسوده شده‌اند. کشورهای خلیج فارس در تصمیم‌گیری برای آغاز این درگیری نقشی نداشتند، اما بهای سنگینی بابت آن پرداخت کردند. بنابراین اگر قرار باشد صلحی برقرار شود، پذیرفتنی نیست که کشورهای خلیج فارس پس از تحمل چنین هزینه سنگینی، از صحنه کنار گذاشته شوند. این نکته، نقطه آغاز در بررسی تلاش‌های جاری برای متوقف کردن رویارویی‌ای است که در وضعیتی میان جنگ و صلح قرار دارد. کشورهای خلیج فارس در صورت دستیابی به توافق، منافع مستقیمی در شکل‌گیری آن دارند و مشارکت آنها شرطی اساسی برای امضای هر توافقی است، اگر که قرار است دوام داشته باشد.

هزینه‌ای که کشورهای خلیج فارس متحمل شده‌اند، تنها به یک تأسیسات آسیب‌دیده یا یک کشتی ازکارافتاده محدود نمی‌شود. در تنگه هرمز، جریان انتقال انرژی و تجارت با اختلال روبرو می‌شود، خطرات حمل و نقل دریایی و بیمه افزایش می‌یابد و زمان تحویل کالاها با عدم اطمینان بیشتری همراه می‌شود. در باب‌المندب نیز تهدیدهای حوثی‌ها باعث می‌شود برخی کشتی‌ها مسیرهای طولانی‌تری را انتخاب کنند؛ در نتیجه، هزینه حمل و نقل افزایش یافته و تأمین کالاها با تأخیر مواجه می‌شود. در فاصله میان این دو گذرگاه دریایی، اقتصادهایی آسیب می‌بینند که برای ادامه پروژه‌های خود، ایجاد فرصت‌های شغلی و حفظ ثبات در کشورهایشان به تجارت منظم و پایدار نیاز دارند.

به همین دلیل، موضع کشورهای خلیج فارس در حمایت از کاهش تنش، از درک درست منافع ملی آنها سرچشمه می‌گیرد. کشورهای خلیج فارس برنامه‌های خود را بر پایه تنوع بخشیدن به اقتصاد، جذب سرمایه‌گذاری و فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای میلیون‌ها نفر از اتباع خارجی بنا کرده‌اند. ادامه درگیری، بخشی از منابعی را که برای تحقق این اهداف اختصاص یافته است، مصرف می‌کند. این کشورها به همسایگانی نیاز دارند که بتوان با آنها بر اساس قواعد روشن بین‌المللی و سازمان ملل متحد ارتباط داشت؛ در حالی که شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن، همانطور که شاهدش هستیم و آن را لمس می‌کنیم، آخرین ویژگی‌هایی است که می‌توان از رژیم ایران انتظار داشت.

از این دیدگاه، این میانجیگری که قطر رهبری آن را بر عهده گرفته و عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس از آن حمایت کرده‌اند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. دوحه به تبادل پیشنهادها و نزدیک کردن دیدگاه‌های واشنگتن و تهران ادامه داد. همچنین شاهزاده خالد بن سلمان، با وجود تشدید مواضع و تنش‌ها علیه عربستان سعودی، برای دستیابی به نوعی تفاهم منطقی به تهران سفر کرد. وزیران امور خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز تأکید کردند که این تلاش‌ها با هماهنگی شرکای منطقه‌ای انجام می‌شود. با وجود تمام این تلاش‌ها، کسانی که اخبار را دنبال می‌کنند، ممکن است هر روز با دیدگاهی متفاوت روبرو شوند.

به همین ترتیب، تماس‌های عربستان سعودی با طرفین مربوطه و ادامه گفتگو با جمهوری اسلامی، باعث شده است که این کشور در تلاش برای یافتن راه حل حضور فعال داشته باشد. ریاض از وزن سیاسی و اقتصادی برخوردار است که هرگونه ترتیبات منطقه‌ای پایدار در آینده به آن نیاز دارد. تعدد کانال‌های ارتباطی کشورهای خلیج فارس می‌تواند به روند مذاکرات کمک کند، به شرط آنکه بر پایه تفاهم درباره اهداف و تقسیم مسئولیت‌ها باشد؛ به گونه‌ای که از سوء استفاده از اختلاف دیدگاه‌ها میان پایتخت‌های منطقه جلوگیری شود.

در هر شرایطی، کشور میانجی در خلیج فارس نباید به بهانه انتقال پیام‌های دو طرف، منافع خود را نادیده بگیرد. او باید برای دستیابی به توافقی تلاش کند که منافع‌اش را حفظ کند و اساس آن آزادی کشتیرانی و حفاظت از تأسیسات غیرنظامی باشد. توافقی که تنها بخشی از پرونده هسته‌ای را حل و فصل کند، کافی نیست؛ آنهم در حالی که تهدیدهای مربوط به گذرگاه‌های دریایی و گروه‌های مسلح ایدئولوژیک وابسته به رژیم ایران همچنان امنیت منطقه را مختل می‌کنند. بنابراین هر توافقی ممکن است یک دور از درگیری‌ها را متوقف کند، اما زمینه‌های دور بعدی جنگ را همچنان باقی بگذارد.

تحرکات میانجیگرانه در شرایطی ادامه دارد که نشانه‌هایی از امکان به جریان افتادن روند حل و فصل مناقشه اوکراین و روسیه نیز دیده می‌شود. در پایان هفته گذشته، مذاکراتی با حضور روسیه، اوکراین، ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی در پایتخت امارات متحده عربی، ابوظبی، برگزار شد. پس از پایان این مذاکرات هنوز دود سفید (نشانه دستیابی به توافق) بلند نشده و ادامه جنگ، احتیاط را ضروری می‌سازد؛ زیرا نزدیک شدن به مذاکرات به معنای نزدیک شدن به صلح نیست. مسائل مربوط به سرزمین‌ها و تضمین‌های امنیتی همچنان می‌توانند مانع دستیابی به تفاهم در این جنگ طولانی شوند.

اگر روند مذاکرات اوکراین در آینده پیشرفت کند، ممکن است اولویت‌های قدرت‌های بزرگ تغییر یابد و توانایی آنها برای رسیدگی به پرونده‌های دیگر افزایش پیدا

←

کند. یکی از این پرونده‌ها، مسئله ایران است. در چنین شرایطی ممکن است واشنگتن و مسکو در دستیابی به تفاهم‌هایی که تنش‌ها را در خارج از اروپا کاهش دهد، منافع مشترکی پیدا کنند. این احتمالی است که باید آن را مورد توجه قرار داد، بدون آنکه فرض کنیم توافقی جامع وجود خواهد داشت که سرنوشت همه مناطق را تعیین کند.

درسی که کشورهای خلیج فارس باید از وضعیت کنونی بگیرند، این است که پیش از آنکه تفاهم‌هایی شکل بگیرد که اصلاح آنها در آینده دشوار باشد، مطالبات خود را از همان ابتدا مطرح کنند.

در اسرائیل نیز انتخاب گادی آیزنکوت برای تلاش در جهت تشکیل دولت، احتمال تغییر در رهبری سیاسی را مطرح می‌کند؛ اما این مسئله لزوماً به معنای تغییر اساسی در سیاست‌ها نیست. محاسبات ائتلافی، مواضع احزاب و تأثیر جنگ بر جامعه اسرائیل که موجب عمیق‌تر شدن تعصب در آن شده، محدوده تحرک هر دولت اسرائیلی را تعیین می‌کند. بنابراین، نه باید تمام امیدها را به خروج یک فرد از رهبری و ورود فردی دیگر گره زد و نه باید فرصتی را که ممکن است در نتیجه تغییرات سیاسی و دگرگونی محاسبات مربوط به تشدید تنش‌ها ایجاد شود، نادیده گرفت.

معیار کشورهای خلیج فارس باید همچنان بر اساس رفتار و عملکرد طرفین باشد. باید منتظر ماند و دید آیا مسیر جدی و عملی برای تحقق حقوق فلسطینیان گشوده خواهد شد یا نه؛ زیرا ثبات منطقه بدون در نظر گرفتن چشم‌انداز سیاسی برای فلسطینیان در کنار اسرائیلی‌ها امکان‌پذیر نیست.

مشارکت مورد انتظار کشورهای خلیج فارس به معنای اعطای حق تعیین سرنوشت یک کشور دیگر به هیچ طرفی نیست، بلکه هدف آن تثبیت حق کشورهای منطقه در برخورداری از امنیت و حفظ حاکمیت ملی خود است.

جمهوری اسلامی ایران باید درک کند که اطمینان بخشیدن به کشورهای همسایه، نیازمند تعهدات عملی است. واشنگتن نیز باید بداند که توافق با تهران، جایگزین رایزنی با شرکای خود نمی‌شود.

کشورهای خلیج فارس دیدگاه مشخصی درباره آنچه می‌پذیرند و آنچه رد می‌کنند، دارند. همکاری اقتصادی آینده آنها نیز به رفتاری وابسته است که به این تعهدات احترام بگذارد. در همین راستا، به نظر می‌رسد در میان کشورهای خلیج فارس موضعی مشترک در حال شکل‌گیری است که مطالبات امنیتی و اقتصادی آنها را مشخص می‌کند و می‌کوشد تلاش‌های میانجیگرانه آنان را به مشارکت در ساختن ترتیبات آینده منطقه تبدیل کند.

ضروری است که ساز و کارهایی برای راست‌آزمایی تعهدات و رسیدگی به موارد نقض توافق در نظر گرفته شود، نه اینکه صرفاً به تعهدات کلی و مبهمی اکتفا شود که ارزیابی و سنجش آنها دشوار است.

کشورهای خلیج فارس بخش بزرگی از هزینه‌های این درگیری را تحمل کرده‌اند و در جستجوی راه حل نیز مشارکت داشته‌اند؛ بنابراین حق دارند در تعیین شرایط ثبات منطقه‌ای شریک باشند و در صورت دستیابی به توافق، منافع آنها مورد توجه قرار گیرد. بنابراین هرکس هزینه درگیری را تحمل می‌کند، باید در شکل دادن به پایان آن نیز مشارکت داشته باشد.

***منبع: الشرق الاوسط**
***نویسنده: دکتر محمد الرمیحی استاد دانشگاه کویت**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

«دیوارهای نامرئی رژیم در ایران» در سالروز فروریختن دیوار برلین



همزمان با برنامه‌های هفته آزادی برلین (Berlin Freedom Week) در نهم نوامبر ۲۰۲۶ «سازمان زنان لیبرال ایرانی» برنامه‌ای با عنوان «دیوارهای نامرئی رژیم در ایران» را در مقابل پارلمان آلمان (بوندستاگ) برگزار کرد.

این برنامه در سه بخش برگزار شد؛ بخش اول شامل دیوار جاویدنامان که توسط گروهی از ایرانیان میهن‌دوست از ماه‌ها پیش مقابل پارلمان آلمان برپا شده است و تا آخر ماه دسامبر نیز برپا خواهد ماند.

بخش دوم شامل معرفی و به تصویر کشیدن دیوارهای نامرئی رژیم جمهوری اسلامی، از جمله سرکوب، سانسور، شکنجه، زندان، اعدام، حکومت خودکامه، انزوای دیجیتال، کنترل سیستماتیک شهروندان و نابرابری از طریق تصاویر و پوسترهایی به بازدیدکنندگان بودند.

همزمان با برنامه‌های هفته آزادی برلین (Berlin Free-dom Week) در نهم نوامبر ۲۰۲۶ «سازمان زنان لیبرال ایرانی» برنامه‌ای با عنوان «دیوارهای نامرئی رژیم در ایران» را در مقابل پارلمان آلمان (بوندستاگ) برگزار کرد.

این برنامه در سه بخش برگزار شد؛ بخش اول شامل دیوار جاویدنامان که توسط گروهی از ایرانیان میهن‌دوست از ماه‌ها پیش مقابل پارلمان آلمان برپا شده است و تا آخر ماه دسامبر نیز برپا خواهد ماند. این نمایشگاه به چهره‌های پشتِ این رویدادها می‌پردازد. عکس‌ها، نام‌ها و داستان‌های شخصی کسانی را به نمایش می‌گذارد که در راه آزادی جان باختند، یا قربانی سرکوب، زندان و شکنجه شدند.

بخش دوم شامل معرفی و به تصویر کشیدن دیوارهای نامرئی رژیم جمهوری اسلامی، از جمله سرکوب، سانسور، شکنجه، زندان، اعدام، حکومت خودکامه، انزوای دیجیتال، کنترل سیستماتیک شهروندان و نابرابری از طریق تصاویر و پوسترهایی به بازدیدکنندگان بودند.

همچنین این بخش فضای گفت‌وگو و تبادل نظر با شهروندان آلمانی و دیگر ملیت‌ها را با وضعیت و واقعیت‌های جامعه ایران فراهم می‌کرد. در کانون این رویداد، این پرسش نهفته بود: «شما روی دیوار چه می‌نوشتید؟» از بازدیدکنندگان دعوت می‌شد تا پیام‌های خود در حمایت از آزادی ایران و مردم ایران را بر روی دیواری نمادین ثبت کنند. این پیام‌ها سپس به زبان فارسی ترجمه خواهد شد و از طریق شبکه‌های اجتماعی با مخاطبان ایرانی به اشتراک گذاشته خواهند شد؛ اقدامی که گواهی است بر اینکه صدای آزادی، حتی از پشت دیوارهای جمهوری اسلامی نیز شنیده می‌شود.

در بخش سوم برنامه، چادری برپا شده بود که در آن تقریبا نیم ساعت از مستند «This Is Our Story» از شبکه «منوتو» برای بازدیدکنندگان به نمایش درآمد. هدف از پخش این مستند کوتاه نشان دادن واقعیت دی ماه، خواست مردم ایران و سرکوب وحشیانه و قتل عام معترضان بود.

دایانا اسماعیل آبادی، دبیر واحد توسعه و روابط عمومی سازمان زنان لیبرال ایرانی، درباره این برنامه توضیح داد: «هدف از برگزاری این برنامه، ایجاد فضایی برای گفت‌وگو به مناسبت سالروز فروریختن دیوار برلین و برجسته‌کردن پیوند میان تجربه تاریخی مردم آلمان شرقی از زندگی تحت یک نظام سرکوبگر و تجربه امروز مردم ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بود. این برنامه با تکیه بر وجوه مشترک این دو تجربه، از جمله سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی، محدودیت بیان عقیده و مبارزه برای آزادی و کرامت انسانی، در پی ایجاد همدلی و درک متقابل میان دو جامعه و آگاه‌سازی افکار عمومی آلمان نسبت به وقایع هولناک هشتم و نهم ژانویه، کشتار و سرکوب گسترده مردم ایران بود.»

او افزود: «دیوار برلین مرزی عیان بود که از قلب یک شهر می‌گذشت. این دیوار افراد، خانواده‌ها و یک ملتِ واحد را از هم جدا می‌کرد. فرو ریختن آن در ۹ نوامبر ۱۹۸۹، به نمادی جهانی از آزادی و شجاعتِ ایستادگی در برابر سرکوب سیاسی بدل شد. «هفته آزادی برلین» ضمن گرامیداشت این میراث، بر نقاطی از جهان تمرکز دارد که مردم در آنجا همچنان برای دستیابی به آزادی مبارزه می‌کنند.»

دایانا اسماعیل آبادی در ادامه گفت: «در ایران، دیواری بتنی همچون آنچه زمانی در برلین وجود داشت، دیده نمی‌شود. با این حال، از زمان استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹، دیوارهای نامرئی بسیاری بنا شده است؛ دیوارهایی ساخته‌شده از سانسور، خشونت حکومتی، سرکوب، هراس، زندان، شکنجه، اعدام و کنترل. با وجود این موانع، مردم ایران هرگز از مبارزه دست نکشیده‌اند. آن‌ها طی دهه‌ها بارها به خیابان‌ها آمده‌اند تا خواستار آزادی، حقوق بشر، دموکراسی، حق تعیین سرنوشت و پایان دادن به جمهوری اسلامی شوند. اعتراضات سراسری که در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ آغاز شد، در روزهای ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶ به اوجی تکان‌دهنده رسید. سازمان‌های حقوق بشری، کشتارهای گسترده، موارد متعدد جراحت و بازداشت‌های وسیع را ثبت کرده‌اند. هم‌زمان، دسترسی به اینترنت و شبکه‌های ارتباطی تا حد زیادی قطع شد؛ امری که مردم ایران را از جهان خارج منزوی کرد و مستندسازی خشونت‌ها را دشوار ساخت. سازمان عفو بین‌الملل از کشتارهای غیرقانونی و گسترده‌ای خبر داده که در مقیاسی بی‌سابقه در تاریخ رخ داده‌اند. در جریان این اعتراضات، بسیاری از ایرانیان پرچمی ملی ایران قبل از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ را به اهتزاز درآوردند و جان عزیز خود را فدای آزادی میهن خود کردند. به همین دلیل این انقلاب با عنوان «انقلاب شیر و خورشید» یاد می‌شود؛ نمادی از مبارزه برای ایرانی آزاد، یکپارچه، دموکراتیک و نفی کامل حکومت و سیستم ایدئولوژیک جمهوری اسلامی.»

آشوبگری مجازی با پیامدهای خطرناک در دنیای واقعی؛
«راهکار» تازه جمهوری اسلامی علیه جوامع غربی



حمله سایبری عوامل جمهوری اسلامی به فروشگاه‌های مواد غذایی در اروپا از جمله بلغارستان، سوئد و ایرلند

مقامات سایبری و کارشناسان دفاعی به «وال‌استریت ژورنال» گفته‌اند که جمهوری اسلامی در حال گسترش اهداف خود و جهش به سمت حملاتی است که آسیب واقعی و فیزیکی وارد می‌کنند. این تغییر، هم نشان‌دهنده‌ی تسلط بیشتر بر ابزارهای نوینی مانند هوش مصنوعی است و هم بیانگر تمایل به استفاده از آنها علیه طیف گسترده‌تری از اهداف است.

رژیم ایران سال‌ها به عنوان یک قدرت سایبری سطح دوم شناخته می‌شد؛ رژیمی که از نظر پیچیدگی فنی و عملی، فاصله‌ی محسوسی با چین، روسیه و کره شمالی داشت، اما حالا، در حالی که جنگ با آمریکا در میان است، جمهوری اسلامی سطح تازه‌ای از تهاجم را به نمایش گذاشته است.

مقامات آمریکایی در شهریورماه در حال بررسی نقش احتمالی جمهوری اسلامی در حمله به دو تانکر انرژی به مقصد تگزاس بودند، در حالی که مقامات فرانسه و بلژیک نیز هکرهای وابسته به سپاه پاسداران را در حملات به یخچال‌های فروشگاه‌ها مظنون دانستند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که هکرهای در خدمت جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از مدل‌های هوش مصنوعی، سرعت شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و اجرای عملیات را افزایش داده‌اند. این ابزارها امکان انجام حملات پیچیده‌تر با منابع کمتر را فراهم کرده‌اند و مرز میان عملیات سایبری و آسیب فیزیکی را کمرنگ‌تر کرده‌اند.

تغییر کیفی و هدفمند در استراتژی سایبری جمهوری اسلامی نشان می‌دهد این رژیم، دیگر صرفاً به جاسوسی، سرقت داده یا عملیات نفوذ و تأثیرگذاری بسنده نمی‌کند؛ بلکه به دنبال ایجاد درد اجتماعی با برهم زدن زندگی روزمره‌ی شهروندان کشورهای هدف است. این رویکرد، با تکیه بر هوش مصنوعی و تمرکز بر نقاط ضعف زیرساخت‌های مختلف، رژیم ایران را به تهدیدی جدی‌تر در مسیر خرابکاری تبدیل کرده است.

به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی از الگوی سنتی «حملات سایبری» که صرفا سبب اختلالات مجازی می‌شوند، فاصله گرفته و به خرابکاری‌هایی روی آورده که خطرات و تهدیدات فیزیکی در دنیای واقعی ایجاد می‌کنند.

جمهوری اسلامی همزمان با افزایش درگیری با ایالات متحده، از الگوی سنتی «حملات سایبری» خود فاصله گرفته و به سمت عملیات‌هایی روی آورده که مستقیماً خرابکاری و آزار و خطرات و تهدیدات فیزیکی در دنیای واقعی ایجاد می‌کنند. هکرهای وابسته به رژیم ایران در ماه‌های اخیر حداقل سه حمله با تأثیرات ملموس و فیزیکی انجام داده‌اند که هدف آنها سیستم‌های آب، حمل و نقل انرژی و زنجیره‌ی تأمین غذایی بوده است. این تغییر رویکرد، کارشناسان امنیت سایبری را به این نتیجه رسانده که جمهوری اسلامی از یک تهدید سطح دوم به یک بازیگر تهاجمی‌تر و خطرناک‌تر تبدیل شده است.

بر اساس گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال» حملات سایبری جمهوری اسلامی باعث شد تا اپراتورهای ایستگاه‌های آب شهرهای کوچک در «میدوِست» آمریکا از دسترسی به پنل‌های کنترل خود محروم شوند. همزمان، شبکه‌های دو تانکر انرژی که به مقصد تگزاس در حال عبور از اقیانوس اطلس بودند، نیز هک شدند.

در اروپا نیز این حملات، صدها یخچال فروشگاه‌های مواد غذایی به دمای حدود ۴۹ درجه سانتی‌گراد رساند و باعث فاسد شدن حجم زیادی از مواد غذایی و حتی وقوع آتش‌سوزی‌هایی شد. این سه مورد از تابستان امسال تا کنون رخ داده‌اند و مظنون اصلی این خطرات، هکرهای وابسته به جمهوری اسلامی هستند که به صورت «هدفمند» دست به این اقدامات می‌زنند.

هکرهای جمهوری اسلامی همچنین، به سه سایت منطقه‌ای بانک خون «EFS» در فرانسه از طریق یک پیمانکار تجهیزات برودتی به نام «Coolworld» حمله کردند و تنظیمات کنترل از راه دور اتاق‌های سرد را تغییر دادند. این اتاق‌ها حاوی نمونه‌های خون اهداکنندگان و پلاسمای منجمد (برای انتقال خون و ساخت دارو) بودند.

در نتیجه‌ی این حملات، دمای اتاق‌های سرد که معمولاً حدود ۳۰- درجه سانتی‌گراد است، به ۱۱۰ درجه تنظیم شد که پس از به صدا درآمدن آژیرها و کنترل به‌موقع، از آسیب به محصولات خون و نمونه‌ها جلوگیری گردید.

رژیم ایران سال‌ها به عنوان یک قدرت سایبری سطح دوم شناخته می‌شد؛ رژیمی که از نظر پیچیدگی فنی و عملی، فاصله‌ی محسوسی با چین، روسیه و کره شمالی داشت، اما حالا، در حالی که جنگ با آمریکا در میان است، جمهوری اسلامی سطح تازه‌ای از تهاجم را به نمایش گذاشته است.

مقامات سایبری و کارشناسان دفاعی به «وال‌استریت ژورنال» گفته‌اند که جمهوری اسلامی در حال گسترش اهداف خود و جهش به سمت حملاتی است که آسیب واقعی و فیزیکی وارد می‌کنند. این تغییر، هم نشان‌دهنده‌ی تسلط بیشتر بر ابزارهای نوینی مانند هوش مصنوعی است و هم بیانگر تمایل به استفاده از آنها علیه طیف گسترده‌تری از اهداف است.

گروه‌هایی مانند «CyberAv3ngers» (که با نام گروه «شهید کاوه» نیز شناخته می‌شود) وابسته به فرماندهی سایبری رژیم ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مرکز این فعالیت‌ها قرار دارند. این گروه‌ها پیشتر نیز به سیستم‌های کنترل صنعتی ساخت اسرائیل در تأسیسات آب آمریکا حمله کرده بودند و اکنون دامنه‌ی عملیات آنها به حمل و نقل انرژی و زنجیره‌ی مواد غذایی اروپا نیز کشیده شده است.

مقامات آمریکایی در شهریورماه در حال بررسی نقش احتمالی جمهوری اسلامی در حمله به دو تانکر انرژی به مقصد تگزاس بودند، در حالی که مقامات فرانسه و

بلژیک نیز هکرهای وابسته به سپاه پاسداران را در حملات به یخچال‌های فروشگاه‌ها مظنون دانستند.

حملات سایبری بر بستر درگیری‌ها میان آمریکا و رژیم ایران لایه‌ای دیگری از جنگ را به نمایش می‌گذارد. رژیم ایران که با فشارهای اقتصادی و نظامی مواجه است، به دنبال ابزارهای نامتقارن برای تحمیل هزینه بیشتر بر طرف مقابل و متحدانش است.

حمله به زیرساخت‌های کمتر محافظت‌شده مانند ایستگاه‌های آب کوچک، سیستم‌های سرمازا در فروشگاه‌ها و شبکه‌های کشتی‌ها، دقیقاً همان نقاط ضعفی را هدف می‌گیرد که حفاظت دولتی کمتری دارند.

کارشناسان هشدار می‌دهند که این عملیات‌ها می‌توانند به عنوان آزمایش‌هایی برای حملات بزرگتر در آینده عمل کنند؛ حملاتی که زنجیره تأمین غذا، آب و انرژی را مختل کرده و فشار روانی بر جوامع هدف وارد کنند.

در این میان، نقش «هوش مصنوعی» در این تحول قابل توجه است. گزارش‌ها حاکی از آن است که هکرهای در خدمت جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از مدل‌های هوش مصنوعی، سرعت شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و اجرای عملیات را افزایش داده‌اند. این ابزارها امکان انجام حملات پیچیده‌تر با منابع کمتر را فراهم کرده‌اند و مرز میان عملیات سایبری و آسیب فیزیکی را کمرنگ‌تر کرده‌اند.

یوسی کارادی، رئیس اداره‌ی ملی سایبری اسرائیل، نیز اخیراً هشدار داده بود که رژیم ایران به دنبال قابلیت‌های حمله سایبری مبتنی بر هوش مصنوعی است که می‌تواند تهدیدی فراتر از منطقه ایجاد کند.

پیامدهای این تغییر رویکرد فراتر از سه حمله‌ی اخیر است. زیرساخت‌های حیاتی در آمریکا و اروپا، به ویژه سیستم‌های آب و فاضلاب، انرژی و زنجیره مواد غذایی، اغلب از کنترل‌کننده‌های منطقی قابل برنامه‌ریزی (PLC) قدیمی و متصل به اینترنت استفاده می‌کنند که محافظت کافی ندارند.

حملات اخیر نشان داده‌اند که حتی اختلال موقت در این سیستم‌ها می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی ایجاد کند که از فاسد شدن مواد غذایی و خسارت به فروشگاه‌ها گرفته تا نگرانی عمومی درباره‌ی ایمنی آب آشامیدنی را شامل می‌شود.

کارشناسان دفاعی تأکید دارند که واکنش به حملات سایبری با تأثیر فیزیکی، متفاوت از حملات هوایی است، زیرا حمله موشکی یا پهپادی معمولاً واکنش سریع و منسجم را برمی‌انگیزد، اما حملات سایبری اغلب با ابهام در انتساب و تأثیر تدریجی همراه هستند و ممکن است کمتر مورد توجه عمومی قرار گیرند.

تغییر کیفی و هدفمند در استراتژی سایبری جمهوری اسلامی نشان می‌دهد این رژیم، دیگر صرفاً به جاسوسی، سرقت داده یا عملیات نفوذ و تأثیرگذاری بسنده نمی‌کند؛ بلکه به دنبال ایجاد درد اجتماعی با برهم زدن زندگی روزمره‌ی شهروندان کشورهای هدف است. این رویکرد، با تکیه بر هوش مصنوعی و تمرکز بر نقاط ضعف زیرساخت‌های مختلف، رژیم ایران را به تهدیدی جدی‌تر در مسیر خرابکاری تبدیل کرده است.

با این حال، وقتی چنین حملاتی به منابع غذایی، سوخت یا آب ضربه می‌زنند، پتانسیل ایجاد تنش‌های اجتماعی و کاهش حمایت عمومی از سیاست‌های خارجی وجود دارد، اما این به معنای قدرتمندبودن یا نمایش قدرت بقایای جمهوری اسلامی نیست، بلکه اوج ضعف و ناتوانی یک فرقه‌ی تبهکار «آخرالزمانی» است که معتقدست چه بگُشد و چه کشته شود، پیروز است!

مارکو روبیو: هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه رژیم ایران برای حمایت از تروریسم وقت و پول صرف نکرده است

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۲۲ آبان ۱۴۰۵ پس از سخنرانی در همایش ملی حقوقدانان «انجمن فدرالیست» در واشنگتن گفت، هدف نهایی آمریکا این است که جمهوری اسلامی هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند. او رژیم ایران را بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان خواند و گفت هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه جمهوری اسلامی برای حمایت از تروریسم وقت و پول صرف نکرده است.

او رژیم ایران را بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان خواند و گفت که هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه جمهوری اسلامی برای حمایت از تروریسم وقت و پول صرف نکرده است.

وزیر خارجه آمریکا در ادامه تأکید کرد: «آنها ده‌ها هزار نفر از مردم خودشان را کشته‌اند؛ آنها را در خیابان‌ها سلاخی کرده‌اند. وقتی زخمی می‌شوید وارد بیمارستان‌ها می‌شوند و شما را روی تخت بیمارستان می‌کُشند... این کاری است که آنها با مردم خودشان می‌کنند. تصور کنید اگر سلاح هسته‌ای داشتند با ما چه می‌کردند.»

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۲۲ آبان ۱۴۰۵ پس از سخنرانی در همایش ملی حقوقدانان «انجمن فدرالیست» در واشنگتن گفت، هدف نهایی آمریکا این است که جمهوری اسلامی هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند. او رژیم ایران را بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان خواند و گفت هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه جمهوری اسلامی برای حمایت از تروریسم وقت و پول صرف نکرده است.

مارکو روبیو در پاسخ به پرسشی درباره معنای پیروزی گفت: «برای درک پیروزی باید علت ورود آمریکا به این رویارویی را شناخت... رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ در حال جنگ با ایالات متحده بوده است.»

روبیو در ادامه عنوان کرد: «مشکل اساسی ماهیت رژیم است... ایران در واقع تحت رهبری طبقه‌ای از روحانیون افراطی قرار دارد.»

او افزود که این افراد برایشان اصلاً اهمیتی ندارد وضعیت اقتصاد ایران چگونه است.

روبیو عنوان کرد: «در اسناد بنیانگذاری رژیم، رهبر رژیم نه صرفاً رهبر ایران بلکه رهبر همه مسلمانان معرفی شده و وظیفه‌اش صدور انقلاب تعریف شده است.»

او گفت: «صدور انقلاب چه شکلی دارد؟ شبیه حزب‌الله است؛ سازمانی که آنها ایجاد کردند و تأمین مالی کردند تا به توانایی‌هایی دست پیدا کند که با توانایی‌های یک دولت برابری می‌کند.»

روبیو با اشاره به حمله به مقرّ نیروهای آمریکایی در لبنان در ۱۹۸۳، حزب‌الله را مسئول آن دانست و شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم در عراق و نقش رژیم در ویرانی سوریه را نمونه‌های دیگری از صدور انقلاب خواند.

روبیو گفت: «این افراد سلاح هسته‌ای می‌خواهند. همیشه می‌گویند علاقه‌ای به داشتن سلاح هسته‌ای نداریم. نه، آنها فقط به همه چیزهایی علاقه دارند که برای ساخت سلاح هسته‌ای لازم است.»

او افزود: «رژیم موشک‌هایی متناسب با تسلیحات هسته‌ای می‌سازد و اورانیوم را بسیار فراتر از سطح مورد نیاز برای انرژی هسته‌ای غنی‌سازی می‌کند. این مثل آن است که کسی بگوید قصد ارتکاب خشونت ندارم فقط می‌خواهم مهمات بخرم و اسلحه داشته باشم.»



مارکو روبیو / واشنگتن / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۶

روبیو با اشاره به محاصره دریایی و زمینی ایران گفت: «در حال حاضر فشار اقتصادی که ما به آن رژیم تحمیل می‌کنیم آنقدر شدید است که نیازی به اقدام نظامی وجود ندارد زیرا آنها را بی‌اندازه تضعیف کرده‌ایم... باید اطمینان حاصل کنیم آنها هرگز سلاح هسته‌ای نداشته باشند؛ به هر طریق ممکن. چه از این طریق که پول لازم را برای آن نداشته باشند و چه از این راه که تجهیزات لازم را نداشته باشند.»

وزیر خارجه آمریکا در ادامه تأکید کرد: «آنها ده‌ها هزار نفر از مردم خودشان را کشته‌اند؛ آنها را در خیابان‌ها سلاخی کرده‌اند. وقتی زخمی می‌شوید وارد بیمارستان‌ها می‌شوند و شما را روی تخت بیمارستان می‌کُشند... این کاری است که آنها با مردم خودشان می‌کنند. تصور کنید اگر سلاح هسته‌ای داشتند با ما چه می‌کردند.»

او همچنین گفت که هر مشکل بزرگ در خاورمیانه، اعم از حوثی‌ها، شبه‌نظامیان در عراق، نیروهای حامی اسد تا حزب‌الله در لبنان یک عامل مشترک دارند: آخوندها در ایران و ذهنیت توسعه‌طلبانه‌ی آنان.

ارتباط پروژه‌های سدّسازی و انتقال آب با «شهرک‌های موشکی» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در گزارشی که «نیویورک‌تایمز» منتشر کرده، آمده است که رژیم ایران تأسیسات نظامی زیرزمینی خود را «شهرهای موشکی» می‌نامد؛ تونل‌ها و اتاق‌های مستحکم که در عمق کوه‌ها حفر شده‌اند و برای ساخت، نگهداری، استقرار و پرتاب موشک‌های بالستیک دوربرد و پهپادها استفاده می‌شوند. در کنار احداث شهرهای موشکی، جمهوری اسلامی تا کنون دست‌کم ۵۳۳ سد ساخته که در منطقه‌ی خاورمیانه جزو بالاترین رقم‌ها به شمار می‌رود.

نیما شکری، کارشناس امنیت آب در دانشگاه فنی هامبورگ آلمان، وقتی نقشه‌ای از حملات هوایی به سایت‌های موشکی مشکوک را بررسی می‌کرد، الگویی نیم‌دایره‌ای از شمال به جنوب کشور دید که تقریباً با نقشه‌ی سدهای ساخته‌شده همخوانی داشت. سؤال قدیمی او که «چرا اینقدر سد می‌سازند؟!» جای خود را به پرسشی تازه داد: «چرا به نظر می‌رسد هر جا سدی هست، ضربه‌ای موشکی هم نزدیک آن وارد آمده؟!»

رژیم ایران انگیزه‌ی قوی دارد که تأسیسات موشکی خود را از شبکه‌ی ملی برق و آب مستقل کند، زیرا این شبکه‌ها هم در برابر بحران انرژی داخلی آسیب‌پذیرند و هم در جنگ هدف حمله قرار می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جایگزین، از جمله سدها و پروژه‌های انتقال آب، از این دیدگاه قابل توضیح است.

این الگو، توجه را دوباره به بازداشت فعالان محیط زیست در سال ۲۰۱۸ جلب کرده است. در آن سال، واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ده‌ها فعال حفاظت حیات وحش را به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل بازداشت کرد. خبر این بازداشت نخستین بار توسط کیهان لندن در ۲۰ آبان ۱۳۹۶ منتشر شد که پس از آن دستگاه قضائی جمهوری اسلامی مجبور به اعلام آن شد.



سد «کارون چهار» در استان چهارمحال و بختیاری

در میان محل‌های هدف قرار گرفته در ایران طی حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، الگوی جغرافیایی مهمی دیده می‌شود که بیانگر ارتباط سایت‌های موشکی مخفی با پروژه‌های سدسازی و انتقال آب است.

تحلیلگران و پژوهشگران آب و امور نظامی به الگوی جغرافیایی قابل توجهی میان محل‌های هدف قرار گرفته در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به سایت‌های موشکی مخفی جمهوری اسلامی و شبکه‌ی گسترده‌ی سدها و پروژه‌های انتقال آب در ایران اشاره کرده‌اند.

این موضوع که سال‌ها برای فعالان محیط زیست و متخصصان آب معما به نظر می‌رسید، اکنون فرضیه‌ای را مطرح می‌کند که بخشی از پروژه‌های آب در ایران ممکن است برای تأمین منابع پایدار آب و برق مجتمع‌های نظامی زیرزمینی طراحی شده یا گسترش یافته باشند.

در گزارشی که «نیویورک‌تایمز» منتشر کرده، آمده است که رژیم ایران تأسیسات نظامی زیرزمینی خود را «شهرهای موشکی» می‌نامد؛ تونل‌ها و اتاق‌های مستحکم که در عمق کوه‌ها حفر شده‌اند و برای ساخت، نگهداری، استقرار و پرتاب موشک‌های بالستیک دوربرد و پهپادها استفاده می‌شوند. در کنار احداث شهرهای موشکی، جمهوری اسلامی تا کنون دست‌کم ۵۳۳ سد ساخته که در منطقه‌ی خاورمیانه جزو بالاترین رقم‌ها به شمار می‌رود.

نیما شکری، کارشناس امنیت آب در دانشگاه فنی هامبورگ آلمان، و تیم او سال‌ها این سدها را ردیابی کرده‌اند. شکری می‌گوید این حجم ساخت و ساز همیشه برای او گیج‌کننده بوده: «چرا اینقدر سد می‌ساختند؟!» به ویژه در مناطقی که نیاز آشکار کشاورزی، شهری یا آبیاری وجود ندارد.

او در بهار امسال، وقتی نقشه‌ای از حملات هوایی به سایت‌های موشکی مشکوک را بررسی می‌کرد، الگویی نیم‌دایره‌ای از شمال به جنوب کشور دید که تقریباً با نقشه‌ی سدهای ساخته‌شده همخوانی داشت. سؤال قدیمی او به پرسشی تازه داد: «چرا به نظر می‌رسد هر جا سدی هست، ضربه‌ای موشکی هم نزدیک آن وارد آمده؟!»

هفت کارشناس آب و امور نظامی که با «نیویورک‌تایمز» گفتگو کرده‌اند، این ارتباط را منطقی می‌دانند؛ هرچند همه تأکید دارند که هنوز اثبات نشده و به دلیل محرمانه بودن برنامه‌ی موشکی رژیم ایران، در حد یک حدس باقی می‌ماند.

دنی سیترینوویچ، تحلیلگر سابق اطلاعات نظامی اسرائیل در امور ایران، می‌گوید قرار دادن مجتمع‌های بزرگ نظامی در نزدیکی منابع پایدار آب و برق، به رژیم «تداوم عملیاتی» می‌دهد.

رژیم ایران انگیزه‌ی قوی دارد که تأسیسات موشکی خود را از شبکه‌ی ملی برق و آب مستقل کند، زیرا این شبکه‌ها هم در برابر بحران انرژی داخلی آسیب‌پذیرند و هم در جنگ هدف حمله قرار می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جایگزین، از جمله سدها و پروژه‌های انتقال آب، از این دیدگاه قابل توضیح است.

فرزین ندیمی، پژوهشگر مؤسسه واشنگتن، تعداد این سایت‌ها را حداقل ۳۰ مورد برآورد می‌کند و می‌گوید تنها معدودی از کشورها، از جمله کره شمالی، شبکه‌ی زیرزمینی نظامی در این مقیاس دارند.

این مجتمع‌ها به برق مداوم برای تهویه، روشنایی، ماشین‌آلات و عملیات پرتاب، و به آب برای پرسنل و خنک نگه داشتن نیاز دارند. نزدیکی به سدها و نیروگاه‌های «برق‌آبی» می‌تواند این استقلال را فراهم کند.

ایران با کمبود عمیق آب مواجه است و سدها برای تأمین آب آشامیدنی، آبیاری و تولید برق حیاتی هستند. با این حال، سیاست‌های آبی کشور سال‌ها مورد انتقاد متخصصان بوده؛ ساخت بیش از حد سد، استخراج بی‌رویه‌ی آب‌های زیرزمینی و کشاورزی ناکارآمد، بحران آب را تشدید کرده و حتی هشدارهایی درباره‌ی غیرقابل سکونت شدن تهران در صورت تداوم خشکسالی مطرح شده است.

«نیویورک تایمز» در ادامه‌ی گزارش خود می‌نویسد، دو منطقه‌ی مشخص به عنوان نمونه‌هایی از ارتباط پروژه‌های آبی و سایت‌های موشکی وجود دارد که هر یک بطور جداگانه سال‌ها پیش از حملات هوایی، مورد توجه پژوهشگران آب و فعالان محیط زیست قرار داشتند.

در استان یزد، پس از حملات هوایی مارس ۲۰۲۵، گزارش‌هایی از جمله در روزنامه «فایننشال تایمز» از وجود یک تأسیسات موشکی بزرگ در این منطقه منتشر شد.

امیر آقاکوچک، پژوهشگر آب در دانشگاه کالیفرنیا در ارواین، پیش از این حملات، سال‌ها توجیه اقتصادی و محیط زیستی پروژه‌ی بزرگ انتقال آب از کوه‌های زاگرس به یزد را زیر سؤال برده بود.

به گفته‌ی او، مقیاس و هزینه‌ی این پروژه با نیازهای

آبی متعارف منطقه همخوانی کامل نداشت. پس از انتشار گزارش‌های مربوط به تأسیسات موشکی در نزدیکی یزد، آقاکوچک این احتمال را مطرح کرد که ملاحظات نظامی در طراحی یا اولویت‌بندی این پروژه انتقال آب نقش داشته باشد. این منطقه همچنین در جریان جنگ مورد توجه قرار گرفت، از جمله زمانی که یک خلبان آمریکایی پس از سقوط هواپیمایش در زاگرس نجات داده شد.

در استان هرمزگان، در ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۵، هواپیماهای آمریکایی منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی «طارم» را هدف قرار دادند. در این حمله، خانواده‌ی یک محیط‌بان محلی کشته شد. ارتش آمریکا اعلام کرد که هدف حملات، زیرساخت‌های نظامی و سامانه‌های دفاع ساحلی بوده است.

فرزین ندیمی همچنین می‌گوید این منطقه نزدیک به محلی است که تحلیلگران نظامی معتقدند یک پایگاه موشکی زیرزمینی عمیق در آن ساخته شده است. طارم و اطراف آن در میان محیط‌بانان محیط زیست به دلیل وجود «گوسفند وحشی لارستان» شهرت دارد و پیشتر محل فعالیت‌های میدانی «بنیاد میراث حیات وحش پارسیان» بوده است.

این الگو، توجه را دوباره به بازداشت فعالان محیط زیست در سال ۲۰۱۸ جلب کرده است. در آن سال، واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ده‌ها فعال حفاظت حیات وحش را به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل بازداشت کرد. خبر این بازداشت نخستین بار توسط کیهان لندن در ۲۰ آبان ۱۳۹۶ منتشر شد که پس از آن دستگاه قضائی جمهوری اسلامی مجبور به اعلام آن شد. فعالانی که دستگیر شده بودند، سرانجام پس از شش سال بطور رسمی آزاد شدند.

کاووس سیدامامی، بنیانگذار «بنیاد میراث حیات وحش پارسیان» پس از دستگیری در بازداشتگاه کشته شد و بطور رسمی اعلام شد که خودکشی کرده است. مراد طاهباز، یکی دیگر از بنیانگذاران، بیش از پنج سال زندانی بود و به جرائمی مانند «آموزش مارمولک‌ها برای جاسوسی از تأسیسات نظامی» متهم شد.

در ادامه، نمونه‌های همجواری جغرافیایی میان مراکز نظامی و زیرساخت‌های آبی که در موارد مشابه کشور مطرح شده، می‌توان به موقعیت پادگان آموزشی شهید ثابت‌خواه نیروی زمینی سپاه پاسداران و سد مخزنی گیلانغرب در شهرستان گیلانغرب استان کرمانشاه اشاره کرد.

هر دو مجموعه در محدوده‌ی دهستان چله قرار دارند؛ پادگان ثابت‌خواه در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شهر گیلانغرب و در کنار این روستا در مسیر جاده‌ی زرنه واقع شده و سد مخزنی گیلانغرب نیز در حدود ۵ کیلومتری شهر و در همان روستا قرار دارد.

جمهوری اسلامی هیچگاه در قبال پروژه‌ها و برنامه‌های نظامی- امنیتی مخفی خود پاسخگو نبوده است. سابقه‌ی فعالیت‌های نظامی، هسته‌ای و زیرساختی رژیم ایران نشان می‌دهد که مقامات جمهوری اسلامی معمولاً یا پنهان می‌کنند، یا با انکار و تکذیب در قالب مظلوم‌نمایی و حقوق، پشت نام ملت ایران، سنگر می‌گیرند.

در مجموع، سپاه پاسداران معمولاً موشک‌های خود را از داخل شهرهای موشکی شلیک نمی‌کند. این مجتمع‌های زیرزمینی عمدتاً برای تولید، نگهداری و آماده ساختن موشک‌ها به کار می‌روند که بنا بر شواهد در نزدیکی مراکز برق‌آبی، و پرتاب عملیاتی بیشتر از طریق لانچرهای متحرک جاده‌ای انجام می‌شود که در مناطق مختلف کشور(بر اساس بُرد) مستقر شده و امکان جابجایی و شلیک از نقاط پراکنده را فراهم می‌کنند.

حمله پهپادی ارتش جمهوری اسلامی به پایگاه آمریکایی «علی السالم» کویت



اصابت پهپادهای ارتش به پایگاه آمریکا در کویت

● ساعاتی پس از حمله آمریکا به لانچرهای مستقر در جزیره قشم، ارتش جمهوری اسلامی بامداد چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به پایگاه «علی السالم» کویت حمله پهپادی کرده است. در این اطلاعیه ادعا شد، «سامانه‌های پدافندی پاتریوت و سکوهای (لانچرهای) پرتاب پهپاد و موشک آمریکا» هدف قرار گرفته است.

● ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد، پایگاه هوایی «علی السالم» از پایگاه‌های مهم آمریکا و «مرکز اصلی ترابری هوایی و دروازه ورود نیروهای نظامی به منطقه غرب آسیاست که نقش محوری در راهبرد نظامی و لجستیکی ارتش آمریکا در منطقه ایفا می‌کند.»

● ستاد کل نیروهای مسلح کویت در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد، سامانه‌های پدافند هوایی این کشور در حال رهگیری و مقابله با پهپادهای متخاصم هستند. ارتش کویت تأکید کرد، صداهای انفجاری احتمالی ناشی از عملیات رهگیری اهداف متخاصم توسط سامانه‌های دفاع هوایی است و از مردم و ساکنان این کشور خواست دستورالعمل‌های امنیتی و ایمنی صادرشده از سوی مراجع مسئول را رعایت کنند.

ساعاتی پس از حمله آمریکا به لانچرهای مستقر در جزیره قشم، ارتش جمهوری اسلامی بامداد چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به پایگاه «علی السالم» کویت حمله پهپادی کرده است. در این اطلاعیه ادعا شد، «سامانه‌های پدافندی پاتریوت و سکوهای (لانچرهای) پرتاب پهپاد و موشک آمریکا» هدف قرار گرفته است.

ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد، پایگاه هوایی «علی السالم» از پایگاه‌های مهم آمریکا و «مرکز اصلی ترابری هوایی و دروازه ورود نیروهای نظامی به منطقه غرب آسیاست که نقش محوری در راهبرد نظامی و لجستیکی ارتش آمریکا در منطقه ایفا می‌کند.»

ستاد کل نیروهای مسلح کویت در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد، سامانه‌های پدافند هوایی این کشور در حال رهگیری و مقابله با پهپادهای متخاصم هستند. ارتش کویت تأکید کرد که صداهای انفجاری احتمالی ناشی از عملیات رهگیری اهداف متخاصم توسط سامانه‌های دفاع هوایی است و از مردم و ساکنان این کشور خواست دستورالعمل‌های امنیتی و ایمنی صادرشده از سوی مراجع مسئول را رعایت کنند.

امیر حاتمی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۷ آبان اعلام کرد، آمادگی نیروهای نظامی و مسلح «لحظه به لحظه ارتقا می‌یابد».

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی گفت: «دشمن در حال آماده‌سازی نیروهای خود است، اما ارتش و نیروهای مسلح با هوشیاری و دقت حرکات آنها را رصد می‌کنند.» حاتمی همچنین افزود که پاسخ نیروهای مسلح «به خطای دشمن و حامیانش کوبنده‌تر خواهد بود». او همچنین تهدید کرد: «اگر کسی نگاهی چپ به ایران و نظام جمهوری اسلامی بیاندازد، درس عبرت همگان می‌شود.»

واکنش دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس

جاسم محمد البدیوی دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس با محکوم کردن حملات پهپادی جمهوری اسلامی به کویت، حکومت ایران را مسئول تشدید تنش‌ها و پیامدهای آن برای امنیت منطقه دانست.البدیوی با اشاره به حمله پهپادی به کویت گفت که ادامه این حملات نشان‌دهنده تضعیف تلاش‌ها برای کاهش تنش و بی‌اعتنایی به اصول حسن همجواری، حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد است.

او از جامعه جهانی خواست برای توقف حملات مکرر به کویت اقدامات مؤثری انجام دهد. دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس همچنین بر همبستگی کامل کشورهای عضو این شورا با کویت و حمایت از اقدامات این کشور برای حفظ امنیت، ثبات و حاکمیت خود تاکید کرد.

پیش از این، منابع داخلی گزارش داده بودند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی سه مرحله تأسیسات راداری آمریکا در بحرین و عمان را هدف قرار داده‌اند. «سنتکام» اما این ادعاها را تکذیب کرد. با اینهمه بحرین و عمان حملات جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

هشدار درباره گسترش پدیده «شاغلان فقیر» در ماه‌های آینده



در حالی که افزایش تورم هزینه زندگی را طی ماه‌های گذشته دو برابر کرده است، درآمدهایی که ظاهرا در ابتدای سال با درصدی افزایش روبرو شده بودند، در عمل با کاهش ارزش واقعی و سقوط قدرت خرید روبرو شدند. به این معنا که سبد کالایی که یک حقوق‌بگیر در سال گذشته با حقوق یک ماه خود خریداری می‌کرد به مراتب بیشتر از اقلامی بود که امسال توان خرید آنها را با حقوق ماهانه دارد.

بسیاری از حداقل‌بگیران مانند کارگران حرفه‌ای از بازار کار خارج شده و به علت به صرفه نبودن کار با دستمزد ناچیز، جذب مشاغل کاذب مانند دستفروشی شوند.

تشدید رکود تورمی به علت تشدید بحران‌های اقتصادی در ماه‌های اخیر سبب شده بسیاری از کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی بخشی از نیروی کار را با هدف کاهش هزینه‌ها اخراج کنند.

بخشی از جوانان دارای مدارک دانشگاهی که ساکن مناطق کم‌برخوردار یا شهرستان‌های کوچک هستند به امید یافتن شغل مناسب به کلانشهرها و پایتخت مهاجرت می‌کنند اما در آشفتگی بازار کار، ناچار به اشتغال در مشاغلی چون سرایداری و کارگری ساده با کمترین دستمزد می‌شوند.

سمیه گلپور فعال کارگری و کارشناس بازار کار: اگر رویکرد فعلی سیاست‌گذاران اصلاح نشود، بازار کار در ماه‌های آینده با «رکود تورمی همراه با موج جدید تعدیل [اخراج] نیرو، گسترش اشتغال غیررسمی و تعمیق پدیده شاغلان فقیر» روبرو می‌شود.

با افزایش تورم و سقوط ارزش واقعی درآمدهایی که تناسبی با هزینه زندگی ندارند، کارشناسان نسبت به بیکاری، گسترش اشتغال غیررسمی و گسترش پدیده «شاغلان فقیر» در ایران هشدار می‌دهند.

در حالی که افزایش تورم هزینه زندگی را طی ماه‌های گذشته دو برابر کرده است، درآمدهایی که ظاهرا در ابتدای سال با درصدی افزایش روبرو شده بودند، در عمل با کاهش ارزش واقعی و سقوط قدرت خرید روبرو شدند. به این معنا که سبد کالایی که یک حقوق‌بگیر در سال گذشته با حقوق یک ماه خود خریداری می‌کرد به مراتب بیشتر از اقلامی بود که امسال توان خرید آنها را با حقوق ماهانه دارد.

این روند سبب شده بسیاری از حداقل‌بگیران مانند کارگران حرفه‌ای از بازار کار خارج شده و به علت به صرفه نبودن کار با دستمزد ناچیز، جذب مشاغل کاذب مانند دستفروشی شوند. از سوی دیگر تشدید رکود تورمی به علت تشدید بحران‌های اقتصادی در ماه‌های اخیر سبب شده بسیاری از کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی بخشی از نیروی کار را با هدف کاهش هزینه‌ها اخراج کنند. اینهمه بازار کار ایران را با التهاب روبرو کرده است.

در همین رابطه آخرین آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، شاخص فلاکت، که از مجموع نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید، در ۱۸ استان کشور از مرز ۱۰۰ واحد عبور کرده است.

میانگین کشوری این شاخص نیز به ۹۷/۸ رسیده که بیانگر بحران گسترش جمعیت زیر خط فقر مطلق در ایران است. استان هرمزگان با ۱۲۴/۹، استان ایلام با ۱۲۰/۱ و استان بوشهر با ۱۱۴/۹ واحد در صدر جدول شاخص فلاکت قرار دارند.

کارشناسان نسبت به شرایط تضعیف‌شده در بازار کار هشدار داده و می‌گویند بنگاه‌های اقتصادی با دشواری تامین سرمایه در گردش، اختلال در فعالیت‌های تولیدی و کاهش امکان پیش‌بینی آینده مواجه‌اند و همزمان نیروی کار نیز بیش از گذشته در معرض اخراج، کاهش درآمد و اشتغال غیررسمی قرار دارد.

سمیه گل‌پور، فعال کارگری و کارشناس بازار کار، در گفتگو با وبسایت «فرارو» یکی از مهمترین دلایل بحران در بازار کار کشور را نبود سیاست‌گذاری برای اشتغال پایدار عنوان کرده و درباره شرایط موجود در این بازار گفته است: «شوک‌های اخیر، ریسک سرمایه‌گذاری را به بالاترین حد رسانده و بخشی از کارفرمایان را ناگزیر به تعدیل [اخراج] نیرو، تعلیق فعالیت‌ها یا توقف خطوط تولید کرده است.»

او همچنین با اشاره به بحران کمبود انرژی و سیاست‌های پولی اشاره می‌کند: «قطع برق و گاز در کنار سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی بدون توجه به سرمایه در گردش بنگاه‌ها، می‌تواند دسترسی واحدهای تولیدی به تسهیلات را قطع کند و موج ورشکستگی‌ها را کلید بزند.»

به گفته این کارشناس بازار کار، شکاف میان دستمزد و هزینه‌های زندگی نیز از عوامل اصلی تضعیف بازار کار است: «تا وقتی مزد کارگر در ایران از مزد کارگر در فقیرترین کشورهای جهان نیز پایین‌تر است و رقم دستمزد میلیون‌ها تومان از سبد معیشتِ اعلامیِ خودِ دولت فرسنگ‌ها فاصله دارد، «اشتغال مولد» تحقق نمی‌یابد. وقتی نیروی کار با دستمزدهای چندرغاز روبه‌روست، انگیزه و بهره‌وری هم از دست می‌رود.»

این فعال کارگری با اشاره به شرایط کنونی بازار کار گفته است: «بیش از ۹۰ درصد کارگران در کارگاه‌های کوچک فعالیت می‌کنند. این بخش فاقد بنیه مالی لازم برای تحمل شوک‌ها و رکود است و نخستین قربانی تعدیل [اخراج] نیروهاست.»

او همچنین به وضعیت تحمیل‌شده به زنان سرپرست خانوار و شاغلان بخش خدمات غیررسمی اشاره کرده است: «زنان به دلیل حضور گسترده‌تر در بخش‌های خدماتی، خرده‌فروشی‌ها و آموزش‌های آزاد، اولین قربانیان تعدیل [اخراج] نیرو هستند و به دلیل عدم برخورداری از حمایت‌های بیمه بیکاری مکفی، با فروپاشی معیشتی مواجه‌اند.»

او درباره وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و جوانان جویای کار نیز گفته است: «جوانانی که با هزار امید و آرزو تحصیل کرده‌اند، اکنون با پروژه‌هایی نظیر «لایروبی دستی بدون بیمه و با دستمزد ۸ میلیونی» مواجه

می‌شوند.»

در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» نیز در گزارشی به اشتغال جوانان دانش‌آموخته دانشگاهی به مشاغل کاذب یا کارگری پرداخته و نوشته است که بخشی از جوانان دارای مدارک دانشگاهی که ساکن مناطق کم‌برخوردار یا شهرستان‌های کوچک هستند، به امید یافتن شغل مناسب به کلانشهرها و پایتخت مهاجرت می‌کنند اما در آشفتگی بازار کار، ناچار به اشتغال در مشاغلی چون سرایداری و کارگری ساده با کمترین دستمزد می‌شوند.

خبرگزاری «ایلنا» شرایط یک مهندس صنایع جوان که از شهرستان دورود استان لرستان به امید یافتن شغلی متناسب با تحصیلاتش به قم مهاجرت کرده را توضیح داده که در نبود شغل مناسب ناچار به کار به عنوان کارگر قصابی و همزمان به عهده گرفتن سرایداری یک ساختمان شده تا شاید با دو شغل بتواند هزینه‌های ضروری را پوشش دهد.

او گفته است: «من سرایدار یک ساختمان هستم و در یک قصابی هم کار می‌کنم. مدرک کارشناسی مهندسی صنایع دارم، اما با وجود تحصیلات دانشگاهی، نتوانسته‌ام شغل متناسب با رشته تحصیلی‌ام پیدا کنم لاجرم برای تأمین معاش مجبورم در چند شغل فعالیت کنم. کل دارایی من پس از سال‌ها کارگری، یک وانت پراید است؛ آن را هم با پس‌انداز دوران خدمت سربازی و هزار سختی خریدم. حتی افزایش کالابرگ به خانواده ما تعلق نگرفته است.»

این مهندس جوان گفته، حتی کالابرگ الکترونیک که تنها حمایت دولت در بحران تورم کنونی است نیز به او تعلق نگرفته است.

آمارهای دیگر نیز بیانگر اشتغال بخش زیادی از نیروی کار متخصص و حرفه‌ای کشور به مشاغل کاذب است. رئیس سازمان نظام پزشکی به تازگی با اعلام اینکه «۳۰ هزار پزشک عمومی غیرفعال در امر طبابت در کشور وجود دارند»، گفته: «بسیاری از فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی به دلیل دستمزدهای ناچیز علاقه ای به طبابت ندارند.»

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز درباره وضعیت تکاندهنده بازار کار ایران گزارش داده و نوشته، نرخ پایین دستمزدها در کنار نامشخص بودن تمدید قراردادهای موقت کار و نیز بیمه نکردن کارگران از سوی کارفرمایان سبب شده نیروی کار مولد به سمت مشاغل کاذب برود.

اینهمه در حالیست که وضعیت پیش روی بازار کار نیز مثبت نیست. پیش‌بینی‌ها حاکی از تداوم شرایط رکود تورمی در اقتصاد است؛ در نتیجه از یکسو هزینه‌های زندگی همچنان افزایش سریع را ادامه خواهد داد و از سوی دیگر رکود اقتصادی سبب عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و اخراج بخشی از نیروی کار شاغل خواهد شد.

در همین رابطه سمیه گلپور نسبت به چشم‌انداز بازار کار کشور در ماه‌های آینده هشدار داده است: «اگر رویکرد فعلی سیاست‌گذاران اصلاح نشود، بازار کار در ماه‌های آینده با «رکود تورمی همراه با موج جدید تعدیل [اخراج] نیرو، گسترش اشتغال غیررسمی و تعمیق پدیده شاغلان فقیر» روبرو می‌شود.»

این کارشناس بازار کار افزوده است: «جایگزینی پروژه‌های کاذب و دلالی با اشتغال مولد، چاره‌ساز نیست و همچنین تا زمانی که ساختار دستمزد اصلاح نشود و دستمزد کارگر ایرانی با هزینه‌های واقعی زندگی فاصله داشته باشد، انگیزه‌ای برای ماندن در چرخه تولید باقی نمی‌ماند. اگر به جای اصلاح ریشه‌ای، با حرف‌های خلق‌الساعه و پروژه‌های ناممکن بازار کار را مدیریت کنیم، آسیب‌اش به اشتغال کمتر از بحران‌ها نیست»

نیما زرتشت‌زاده نشان افتخار خود را به شاهزاده رضا پهلوی تقدیم کرد



اهدای نشان «شعله صلح» به نیما زرتشت‌زاده / وین / شنبه ۴ نوامبر ۲۰۲۶

● نیما زرتشت‌زاده فعال سیاسی و اجتماعی و چهره رسانه‌ای ایرانی- آلمانی طی مراسمی در وین پایتخت اتریش، نشان «شعله صلح»(Flame of Peace) را به پاس فعالیت‌های افتخاریِ سیاسی و اجتماعی خود دریافت کرد.

● سازمان «شعله صلح» انجمنی غیرانتفاعی با فعالیت‌های بین‌المللی و مستقر در وین است که بر ترویج صلح، تقویت تفاهم میان ملت‌ها، گسترش گفتگوی بین‌المللی و حمایت از طرح‌های اجتماعی و بشردوستانه تمرکز دارد.

نیما زرتشت‌زاده فعال سیاسی و اجتماعی و چهره رسانه‌ای ایرانی- آلمانی طی مراسمی در وین پایتخت اتریش، نشان «شعله صلح» (Flame of Peace) را به پاس فعالیت‌های افتخاریِ سیاسی و اجتماعی خود دریافت کرد. او این نشان را به شاهزاده رضا پهلوی تقدیم نمود و دریافت آن را با آرمان آزادی، صلح و آینده‌ای روشن برای ملت ایران پیوند زد.

این مراسم شنبه ۱۴ نوامبر به دعوت خاندان سلطنتی اتریش، شاهدخت توسکانی، هرتا مارگارته هابسبورگ، و با حضور شماری از چهره‌های سیاسی و اجتماعی از جمله اعضای خانواده‌های اشرافی و چهره‌های بین‌المللی برگزار شد. هرتا مارگارته به همراه همسرش، شاهزاده ساندور هابسبورگ- لوترینگن، از چهره‌های مرتبط با سازمان «شعله صلح» به شمار می‌رود.

«شعله صلح» و ترویج گفتگو و تفاهم میان ملت‌ها

سازمان «شعله صلح» انجمنی غیرانتفاعی با فعالیت‌های بین‌المللی و مستقر در وین است که بر ترویج صلح، تقویت تفاهم میان ملت‌ها، گسترش گفتگوی بین‌المللی و حمایت از طرح‌های اجتماعی و بشردوستانه تمرکز دارد. این سازمان در چارچوب برنامه‌ها و مراسم خود، از شخصیت‌هایی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی فعالیت می‌کنند و در مسیر مسئولیت‌پذیری و خدمت به جامعه گام برمی‌دارند، با اهدای نشان و تقدیرنامه تجلیل می‌کند.

شبی در «گراند هتل» وین

امسال مراسم ۲۰۲۶ در فضای مجلل و تاریخی «گراند هتل» وین برگزار شد. هتلی معروف که با معماری باشکوه، فضای فاخر و جلوه‌های چشم‌نواز خود، میزبان این گردهمایی رسمی بود.

نیما زرتشت‌زاده به همراه شماری از دوستان، نزدیکان و روزنامه‌نگاران ایرانی در این مراسم حضور یافت. وی همچنین گواهی‌نامه رسمی این افتخار را نیز دریافت کرد. نیما زرتشت‌زاده این فرصت را نیز یافت تا فراتر از یک دستاورد شخصی، درباره آرمان‌های سیاسی و اجتماعی خود و خواسته‌های مردم ایران سخن بگوید. او در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: «من امروز تنها به عنوان یک فرد در اینجا حضور ندارم، بلکه به نمایندگی از خواست‌های ملت ایران هستم که در آرزوی آزادی و صلح بسر می‌برند.»

زرتشت‌زاده با اشاره به کشتار دی‌ماه ۴۰۴ در ایران توسط جمهوری اسلامی و تأکید بر اهمیت آزادی و صلح، نشان دریافتی خود را به شاهزاده رضا پهلوی تقدیم کرد؛ اقدامی که به این مراسم، به گفته‌ی وی، معنایی فراتر از یک تجلیل شخصی بخشید. این تقدیم نمادین، بازتابی از پیوندیست که زرتشت‌زاده میان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود و آرمان آزادی و آینده‌ای امن برای ایران برقرار کرده است. او در سخنان خود نیز بر اهمیت صلح و امنیت برای تمامی ملت‌های جهان تأکید کرد؛ آرمان‌هایی که فراتر از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های سیاسی، می‌توانند زمینه‌ساز تفاهم و همزیستی میان ملت‌ها باشند.

نیما زرتشت‌زاده متولد سال ۱۹۹۲ در آلمان است که فعالیت‌های رسانه‌ای، حضور در تلویزیون و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با ایران، بخشی از هویت عمومی او را تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش روزنامه «آخِنر تسایتونگ» در آلمان، زرتشت‌زاده سال‌هاست که به موضوع حقوق بشر در ایران توجه دارد و برای روشنگری درباره وضعیت ایران فعالیت می‌کند. او همچنین در برنامه‌های مرتبط با حقوق زنان و کودکان و حمایت از افراد آسیب‌پذیر مشارکت داشته است.

نیما زرتشت‌زاده در سال ۲۰۲۲ نیز به پاس فعالیت‌های اجتماعی خود، جایزه‌ی شهر آخن را در عرصه فعالیت‌های افتخاری دریافت کرد.

گام دیگر جمهوری اسلامی برای محدود کردن اینترنت؛
از احراز هویت اجباری کاربران تا نظارت بر محتوا پیش از انتشار!



● طرح «نظام‌بخشی فضای مجازی» با ادعای ساماندهی و تعیین چارچوب‌های قانونی برای فعالیت در فضای مجازی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد اما هدف آن در عمل تمرکز نظارت و مدیریت شدیدتر بر زیرساخت‌های دیجیتال کشور است.

● انتقال اختیار قطع اینترنت از دولت به نهاد بالاتری به اسم «شورای عالی فضای مجازی» و همچنین سپردن سیاست‌گذاری و مدیریت بر گذرگاه‌های مرزی اینترنت به نهادهای امنیتی از جمله مفاد این طرح است.

● امنیتی‌تر شدن فضای مجازی در بند هفتم از ماده پنج این طرح پیش‌بینی شده است. بر اساس این بند، «ارائه خدمات بدون احراز هویت کاربران پیش از دریافت خدمت، تخلف محسوب می‌شود».

● ماده سوم این طرح دستگاه‌های اجرایی را موظف می‌کند که خدمات، تبلیغات و اطلاع‌رسانی خود را صرفا از طریق پلتفرم‌های داخلی دارای مجوز ارائه کنند.

● در این طرح آمده، تمام ارائه‌دهندگان مستقیم و واسطه‌ای محتوا موظف می‌شوند محتوای منتشرشده را با استفاده از فناوری و تحت نظارت نهایی انسانی دسته‌بندی کنند و این رده‌بندی را پیش از نمایش به کاربران نشان دهند. این اقدام نیز در عمل به معنای کنترل و نظارت صد درصدی برای تولید محتوا پیش از انتشار خواهد بود.

طرح «نظام‌بخشی فضای مجازی» که در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، اقدام دیگری از سوی جمهوری اسلامی در جهت محدودیت بیشتر در اینترنت و جرم‌انگاری علیه شهروندان در صورت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است.

طرح «نظام‌بخشی فضای مجازی» که به طرح «صیانت۳» معروف است با ادعای ساماندهی و تعیین چارچوب‌های قانونی برای فعالیت در فضای مجازی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد. جزییات این طرح اما نشان می‌دهد هدف آن در عمل تمرکز نظارت و مدیریت شدیدتر بر زیرساخت‌های دیجیتال کشور است. انتقال اختیار قطع اینترنت از دولت نیز به نهاد بالاتری به نام «شورای عالی فضای مجازی» محول شده است. همچنین سپردن سیاست‌گذاری و مدیریت بر گذرگاه‌های مرزی اینترنت به نهادهای امنیتی از جمله مفاد این طرح است.

ماده نخست این طرح، شورای عالی فضای مجازی را «عالی‌ترین نهاد حکمرانی و تنها مرجع دارای صلاحیت وضع سیاست‌های لازم‌الاجرا» معرفی می‌کند. این در حالیست که بر اساس قوانین کنونی جمهوری اسلامی دولت و وزارت ارتباطات اختیار اینترنت را در دست دارند.

جایگاه «شورای عالی فضای مجازی» در ماده دوم طرح نیز مورد تأکید قرار گرفته بطوری که علاوه بر نظارت بر «اجرای مصوبات شورای عالی و ایفای نقش در فرماندهی عملیاتی امنیت سایبری»، باید در «همه نهادهای تصمیم‌گیر مرتبط با فضای مجازی به‌عنوان عضو ناظر» حضور داشته باشد.

از سوی دیگر، امنیتی‌تر شدن فضای مجازی در بند هفتم از ماده پنج این طرح پیش‌بینی شده است. بر اساس این بند، «ارائه خدمات بدون احراز هویت کاربران پیش از دریافت خدمت، تخلف محسوب می‌شود». همچنین ارائه محصولات دیجیتال به افراد زیر ۱۶ سال نیز به احراز سن از طریق پایگاه ملی هویت اشخاص حقیقی مشروط شده است. به بیان دیگر مشخصات کامل شهروندانی که از خدمات اینترنتی در ایران استفاده می‌کنند مستقیما در اختیار نهادهای امنیتی قرار می‌گیرد.

در ادامه ماده پنج این طرح همچنین برای ارائه‌دهندگان اینترنت که از ثبت مشخصات شهروندان خودداری کرده باشند مجازات تعیین شده است؛ از اعلام عمومی تخلف در روزنامه‌های کثیرالانتشار گرفته تا جریمه نقدی معادل یک تا ۱۰ درصد درآمد سالانه، محدودیت جذب کاربر جدید، محدودیت تبلیغات و حتی تعلیق یا لغو مجوز فعالیت.

از سوی دیگر، ماده سوم این طرح دستگاه‌های اجرایی را موظف می‌کند که خدمات، تبلیغات و اطلاع‌رسانی خود را صرفا از طریق پلتفرم‌های داخلی دارای مجوز ارائه کنند.

همچنین رسیدگی به آنچه «تخلف» اعلام شده به هیئتی سه‌نفره متشکل از یک قاضی منتخب رئیس قوه قضاییه، یکی از معاونان «شورای عالی فضای مجازی» و یک متخصص معرفی‌شده از سوی اتحادیه کشوری کسب و کارهای مجازی سپرده می‌شود.

در ماده هشتم نیز برای بالاترین مقام دستگاه‌های مسئول در صورت استنکاف از اجرای قانون، مجازات‌هایی از جمله انفصال از خدمت شش ماه تا پنج سال یا حبس تعزیری درجه شش در نظر گرفته است.

در بخش دیگری از این طرح آمده که تمام ارائه‌دهندگان مستقیم و واسطه‌ای محتوا موظف می‌شوند محتوای منتشرشده را با استفاده از فناوری و تحت نظارت نهایی انسانی، بر اساس معیارهای کمیسیون عالی ارتقای محتوا دسته‌بندی کنند و این رده‌بندی را پیش از نمایش به کاربران نشان دهند. این اقدام نیز در عمل به معنای کنترل و نظارت صد درصدی برای تولید محتوا پیش از انتشار خواهد بود. رصدی که هم‌اکنون نیز از سوی نهادهای امنیتی در جریان است اما بر اساس این طرح پیش از انتشار محتوا، بطور سازمانیافته و رسمی تداوم و گسترش خواهد یافت!

وبسایت «خبرآنلاین» در واکنش به جزییات این طرح نوشته: «مجازات برای کسب و کارهای فعال در حوزه فناوری اطلاعات، به ویژه شرکت‌های نوپا و سکوهایی که هنوز به ثبات اقتصادی نرسیده‌اند، می‌تواند بسیار سنگین باشد. جریمه‌ای که بر مبنای درصدی از درآمد سالانه تعیین می‌شود، ممکن است در برخی موارد تناسبی با میزان تخلف، خسارت واردشده یا توان اقتصادی مجموعه نداشته باشد. در اقتصادی که کسب‌وکارهای دیجیتال با مشکلات متعدد از جمله نااطمینانی مقرراتی، محدودیت سرمایه‌گذاری، دشواری تأمین زیرساخت و نوسانات بازار مواجه هستند، اضافه‌شدن مجموعه‌ای از ضمانت‌اجراهای گسترده می‌تواند فضای فعالیت را بیش از بیش غیرقابل پیش‌بینی کند.»

«خبرآنلاین» همچنین نوشته: «مرور هشت ماده این طرح نشان می‌دهد با سندی مواجه هستیم که احراز هویت اجباری، تمرکز گسترده اختیارات در شورای عالی فضای مجازی، گسترش حضور مرکز ملی در ساختار تصمیم‌گیری، رده‌بندی اجباری محتوا، مجازات‌های سنگین اقتصادی و ایجاد مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات را در دستور کار خود قرار داده و به نوعی تصویری متفاوت از آینده

←

فضای مجازی ترسیم می‌کند.»

اینهمه در حالیست که اینترنت در حال حاضر نیز در ایران ساختاری امنیتی- رانتی دارد. به این معنا که از یکسو نهادهای امنیتی و قضایی بر فعالیت شهروندان در فضای اینترنت نظارت دارند و از سوی دیگر ارائه اینترنت فیلترشده و محدود به مردم نیز بطور رانتی و انحصاری از سوی «خودی»ها صورت می‌گیرد.

در یک سال و نیم گذشته و از آغاز جنگ ۱۲ روزه در اوایل سال ۱۴۰۴ و سپس در اعتراضات دی۴۰۴ و همچنین جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا از اسفندماه سال گذشته، اینترنت در ایران با محدودیت‌های بیشتری روبرو شده است. همین اینترنت به شدت محدود نیز با کندی سرعت و قطع پی در پی و سقوط کیفیت روبروست. در گزارش سالانه «آزادی اینترنت ۲۰۲۶» که به تازگی منتشر شده، آمده است که ایران از نظر «آزادی اینترنت» از ۱۳ به ۹ در مقیاس ۱۰۰ امتیاز کاهش یافته و اکنون، در کنار چین و میانمار، از سرکوب‌شده‌ترین محیط‌های اینترنتی جهان محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، قطع چند ماهه اینترنت طی سال گذشته به بهانه اعتراضات دی۴۰۴ و جنگ با آمریکا سبب ورشکستگی و خسارت گسترده کسب و کارهای اینترنت شد. بطوری که به گفته کارشناسان بازار کار، بخشی از نیروی کار اخراج شده در نیمه نخست امسال، افراد متخصص شاغل در بخش تجارت الکترونیک ایران بودند که به علت محدودیت اینترنت و رکود کسب و کارهای اینترنتی، شغل خود را از دست داده‌اند.

در همین رابطه روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده که کندی سرعت، قطع مکرر و اختلال در خدمات آنلاین، واقعیتی تکرارشونده‌اند که میلیون‌ها کاربر ناچار به تحمل آن شده‌اند؛ کاربرانی که هزینه بیشتری می‌پردازند، اما خدماتی بی‌کیفیت‌تر دریافت می‌کنند.

این گزارش افزوده: «مسئولان برای توجیه این وضعیت، هربار دلیلی تازه مطرح می‌کنند؛ از تحریم‌ها و حملات سایبری گرفته تا مشکلات فنی و زیرساختی. با این حال، آنچه همچنان غایب است، نتیجه ملموس این توضیحات و وعده‌هاست. سال‌هاست صحبت از توسعه شبکه، ارتقای کیفیت و رفع اختلالات مطرح می‌شود، اما سهم کاربران از این وعده‌ها چیزی جز قطعی، کندی و بلاتکلیفی نبوده است.»

«جهان صنعت» تأکید کرده، ابعاد این بحران نیز فراتر از مشکلات فنی است. اینترنت ناپایدار، کسب و کارهای آنلاین را متضرر می‌کند، فعالیت‌های آموزشی و شغلی را مختل می‌سازد و آرامش روانی کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، افزایش تعرفه‌ها بدون بهبود کیفیت، چیزی جز تحمیل هزینه بیشتر برای دریافت خدمات نامطلوب‌تر نیست؛ گویی قرار است مردم علاوه بر تحمل اختلالات، هزینه ناکارآمدی‌ها را نیز از جیب خود بپردازند.

این گزارش هشدار داده: «خطرناک‌تر از اختلالات اینترنتی، فرسایش اعتماد عمومی در نتیجه وعده‌های بی‌سرانجام و پاسخ‌های تکراری است. سکوت یا تحمل کاربران نیز نباید به معنای رضایت تلقی شود؛ بسیاری از مردم اساساً امکان چشم‌پوشی از اینترنت را ندارند. مطالبه کاربران نه امتیازی ویژه، بلکه دریافت خدماتی متناسب با هزینه‌ای است که می‌پردازند. مسئولان نمی‌توانند تعرفه‌ها را افزایش دهند، کیفیت را نادیده بگیرند و همچنان انتظار صبر و سکوت داشته باشند. صبر مردم نامحدود نیست و هیچ وعده‌ای نمی‌تواند برای همیشه جای خالی عملکرد و پاسخگویی را پر کند.»

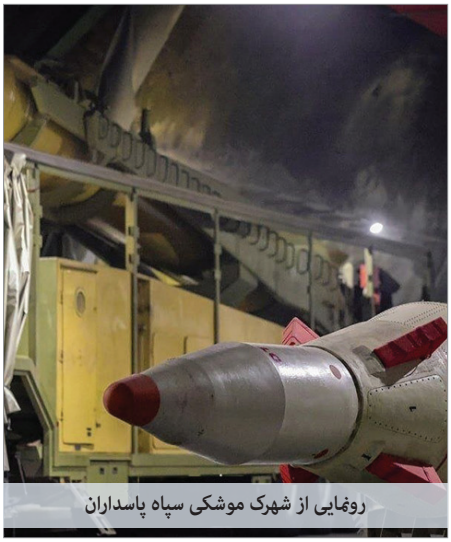
درخواست «خبرگان» برای بازنگری در «دکترین دفاعی» همزمان با رونمایی سپاه از شهرک موشکی

همزمان با رونمایی از شهرک موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجلس «خبرگان رهبری» طی بیانیه‌ای، بازنگری در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی و خروج از NPT (پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای) را ضروری دانست. این تازه‌ترین تلاش برای ترغیب مجتبی خامنه‌ای است تا فتوای پدرش درباره حرام بودن ساخت و کاربرد سلاح اتمی را تغییر دهد.

در بیانیه «خبرگان» تأکید شده است که حملات مکرر دشمن به «دانش هسته‌ای»، ایجاد بازدارندگی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر کرده است.

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از جنگ ۴۰ روزه با صراحت اعلام کردند که باید سلاح هسته‌ای ساخت.

احمد نادری عضو هیات‌رئیسه مجلس می‌گوید، از مواضع مجتبی خامنه‌ای چنین برداشت می‌کند که او ممکن است برخلاف پدرش دیدگاه متفاوتی درباره سلاح هسته‌ای داشته باشد.



رونمایی از شهرک موشکی سپاه پاسداران

همزمان با رونمایی از شهرک موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجلس «خبرگان رهبری» طی بیانیه‌ای، بازنگری در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی و خروج از NPT (پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای) را ضروری دانست. این تازه‌ترین تلاش برای ترغیب مجتبی خامنه‌ای است تا فتوای پدرش درباره حرام بودن ساخت و کاربرد سلاح اتمی را تغییر دهد.

در بیانیه خبرگان تأکید شده است که حملات مکرر دشمن به «دانش هسته‌ای»، ایجاد بازدارندگی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر کرده است.

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از جنگ ۴۰ روزه به صراحت اعلام کرده بودند که باید سلاح هسته‌ای ساخت.

احمد نادری عضو هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی می‌گوید، از مواضع مجتبی خامنه‌ای چنین برداشت می‌کند که او ممکن است برخلاف پدرش دیدگاه متفاوتی درباره سلاح هسته‌ای داشته باشد.

حسن قشقاوی سخنگوی «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی» مجلس نیز با اشاره به تغییر رهبر جمهوری اسلامی گفته بود که مجتبی خامنه‌ای از نظر فقهی می‌تواند بر اساس اجتهاد خود درباره مسائل دفاعی فتوا صادر کند.

کامران غضنفری از نمایندگان ولایتمدار مجلس شورای اسلامی حتی عنوان کرد: «حدس می‌زنم همین حالا هم به سلاح اتمی دست یافته‌ایم!» در همین ارتباط محسن رضایی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» به صداوسیمای جمهوری اسلامی گفته است: «برخی می‌گویند چرا روی تنبیه آمریکا اصرار دارید؟ چیزی در دست‌تان است که نمی‌خواهید رو کنید؟ بله ما یک چیزی داریم!»

نمایندگان مجلس «خبرگان» بهتر از دیگران می‌دانند که فتوای رهبر نظام در مورد سلاح هسته‌ای تعیین کننده است بنابراین احتمال اینکه طرح درخواست برای «تغییر دکترین دفاعی» از نهادهای بالادستی به آنها دیکته شده باشد بیشتر از آن است که یک اقدام خودجوش برای زیر فشار گذاشتن مجتبی خامنه‌ای باشد. اقدامی با هدف ارسال پیام به رهبران آمریکا و اسرائیل که در صورت حمله مجدد، جمهوری اسلامی «گزینه‌های دیگر» را هم در سبد دفاعی خود دارد.

اینهمه در حالیست که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا معتقد است جلوی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی را گرفته است.

او ۱۵ آبان ۱۴۰۵ در «تروث سوشیال» نوشت: «اگر من جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را نگرفته بودم، اسرائیل و درواقع تمام خاورمیانه امروز وجود نداشتند.» ترامپ در ادامه تأکید کرد: «هیچکس نمی‌خواهد این را بگوید، اما همه می‌دانند که حقیقت دارد.»

آنچه اما هنوز مبهم است، سرنوشت بیش از ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصدی است که گفته می‌شود در تأسیسات «کوه کلنگ گزلا» مدفون است. جمهوری اسلامی امکان دسترسی به این سایت را صادر نکرده. از عوامل اصلی آغاز دو مرحله جنگ نیز گزارش‌های آژانس درباره عدم دسترسی بازرسان به تأسیسات اتمی مشکوک در ایران بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش محرمانه فصلی خود که خبرگزاری «رویترز» آن را مشاهده کرده، هشدار داده بود که نبود اطلاعات درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده جمهوری اسلامی و دسترسی نداشتن به تأسیسات هسته‌ای، نگرانی جدی درباره خطر گسترش تسلیحات هسته‌ای ایجاد کرده است.

منابع غربی گزارش می‌دهند، امکان حمله مجدد به این تأسیسات زیاد است به ویژه آنکه ترامپ هم درباره این موضوع اخطار داده است.

با اینهمه مشخص نیست آیا جمهوری اسلامی ظرفیت تحمل پیامدهای اتمی شدن را دارد یا نه؛ بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز ۱۹ آبان در جلسه افتتاح پارلمان جدید اسرائیل گفت: «در آینده‌ای بسیار نزدیک، با فشارهای بین‌المللی برای پذیرش ایرانی برخوردار از سلاح هسته‌ای و حفظ این رژیم تروریستی که در پی نابودی ماست، مواجه خواهیم شد.» او با همین ارزیابی بار دیگر بر ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید کرد.

هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت وخیم اقتصادی: گرانی ۴۰ درصدی هزاران کالا در راه است



● مصطفی پوردهقان اردکان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی: «ارز ترجیحی ۴۵۳۳ کالا حذف شده و در حقیقت ارز ۱۹۰ هزار تومانی دریافت نمی‌کنند و باید با ارز آزاد ۲۶۰ هزار تومانی ارائه شوند. این حذف ۱۹۰ هزار تومانی به یک افزایش حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی اقلام منجر می‌شود.»

● مصطفی پوردهقان با هشدار درباره اینکه «در چشم‌انداز کنونی، شرایط اقتصاد ایران به شدت رو به وخامت است»، گفته: «در شرایط اقتصادی کنونی فاصله بین درآمدها و هزینه‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. دو ماه پیش ۲۰ میلیون تومان هر چقدر قدرت خرید داشت، الان حدود ۱۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده است، چون تورم ماهانه حدود ۵ تا ۷ درصد است.»

● مهدی پازوکی، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، گفته که دولت دیگر پولی ندارد و سه منبع درآمدی دولت نیز با محدودیت شدید روبروست.

● مسعود دانشمند، عضو اتاق بازرگانی، نیز با اشاره به تشدید فشارهای تحریمی و محاصره اقتصادی کشور توسط ایالات متحده گفته است: «در جنگ‌های صفویه و قاجار هم همه راه‌های تجارت کشور بسته نبود» و «محدودیت‌های تجاری، اگرچه ممکن است در مقایسه با برخی تحریم‌های مستقیم اثر کمتری داشته باشند، اما نمی‌توان تأثیر آنها را نادیده گرفت.»

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر که قیمت هزاران کالا طی هفته‌های آینده با افزایش ۴۰ درصدی روبرو می‌شود، هشدار داده که وضعیت اقتصاد ایران به شدت رو به وخامت است.

در روزهای گذشته برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از حذف ارز ترجیحی ۴۵۳۳ کالا خبر داده و اعلام کردند این کالاها با افزایش قیمت روبرو خواهند شد. در همین رابطه مصطفی پوردهقان اردکان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲۲ آبان ۱۴۰۵ در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» درباره شرایط اقتصادی کشور گفت: «ارز ترجیحی آنها حذف شده و در حقیقت ارز ۱۹۰ هزار تومانی دریافت نمی‌کنند و باید با ارز آزاد ۲۶۰ هزار تومانی ارائه شوند. این حذف ۱۹۰ هزار تومانی به یک افزایش حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی اقلام منجر می‌شود.»

مصطفی پوردهقان جزو نمایندگانی است که به تازگی از علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد، درباره شرایط بحرانی اقتصاد کشور سوال کرده بود. او در اینباره گفته: «من از وزیر خواستم که به مردم بگویند آیا این شرایط به خاطر جنگ است یا به خاطر سیاست‌های اشتباه و بی‌خردی در حوزه سیاست‌گذاری؟ ایشان صراحتاً گفت: «فقط جنگ است.» یعنی سیاست‌های ما خوب است و فقط جنگ دلیل این شرایط است. من عنوان کردم که شما هنوز فهمی از شرایط فعلی کشور ندارید، یعنی هنوز فکر می‌کنید که سیاست‌های شما خوب است و این شرایط به خاطر جنگ به وجود آمده است، در صورتی که چنین چیزی نیست.»

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه «شرایط جنگی هنوز تاثیر خود را بر اقتصاد نگذاشته و تازه قرار است سایه خودش را بر حوزه اقتصاد بیندازد»، گفته است: «ما تا الان فروش نفت داشتیم و نفت روی دریا را تا کنون فروخته‌ایم. البته ما در بودجه نفت را ۵۰ دلار محاسبه و لحاظ کردیم اما قیمت نفت در بازار به ۱۰۰ دلار رسید که ایران با تخفیف آن را بین ۷۰ تا ۸۰ دلار فروخته است. یعنی درآمد حاصل از فروش نفت افزایش پیدا کرده است.»

او در ادامه گفته: «حالا که نفت روی دریا به فروش رسیده و تمام شده تازه تکانه آن در اقتصاد خود را نشان می‌دهد. پس تا الان هر مسئله‌ای در معیشت مردم اتفاق افتاده، عمدتاً به واسطه سیاست‌های اشتباه ارزی و پولی بوده که در بانک مرکزی و اقتصاد در دستور کار قرار گرفته است. به آقای رئیس‌جمهور هم هشدار دادیم که حتماً باید تغییر سیاست انجام شود و باید به سمتی برویم که قدرت خرید مردم را حفظ کنیم. قدرت خرید مردم اینطوری نیست که مدام روی آن وزنه بگذاریم و سنگین‌اش کنیم.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین به حذف سلامت از سبد خانوار اشاره کرده و گفته: «فقر افراد را به سمتی می‌برد که ابتدا نیازهای رفاهی را کنار می‌گذارند و با گذشت زمان نیازهای ضروری هم اولویت‌بندی می‌شوند تا جایی که بین سلامت و خوردن یک کدام را انتخاب کند. قطعاً افراد به سمت تامین کالاهای خوراکی می‌روند. آمارهای تلخی مکرر می‌رسد از شرایط بد کاهش درآمدی و حذف برخی از کالاهای ضروری، نه کالاهای رفاهی از سبد کالای مردم و روند موجود نشان‌دهنده این است که آثار آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مردم جامعه را دچار مسائل خاص و مشکلات می‌کند.»

او همچنین گفته: «سرپرستان خانوار جان می‌کنند تا بتوانند سرپناهی (گاه نه چندان مناسب) برای

خانواده فراهم کنند و هستند زن و شوهرهایی که با کار در شیف‌های مختلف تنها در روزهای تعطیل همدیگر را می‌بینند. در این میان، تیم اقتصادی فقط به فکر پر جیب دولت است تا کابینه بتواند حقوق‌های حداقلی را بپردازد و اما از هزینه‌های غیرضرور، ریخت و پاش‌ها و سفرهای دولتمردان کاسته نشود و باز هم با شعاردرمانی کشور را اداره کند.»

مصطفی پوردهقان با هشدار درباره اینکه «در چشم‌انداز کنونی، شرایط اقتصاد ایران به شدت رو به وخامت است»، گفته: «در شرایط اقتصادی کنونی فاصله بین درآمدها و هزینه‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. از یکطرف هزینه‌ها بالا می‌رود و از سوی دیگر درآمد واقعی به واسطه تورم کاهش پیدا می‌کند. یعنی دو ماه پیش ۲۰ میلیون تومان هر چقدر قدرت خرید داشت، الان حدود ۱۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده است، چون تورم ماهانه حدود ۵ تا ۷ درصد است.»

کارشناسان اقتصادی نیز هشدار می‌دهند، چشم‌انداز اقتصاد ایران را همراه با رشد اقتصادی منفی، افزایش رکود تورمی و عمیق‌تر شدن بحران‌های خانوارها ارزیابی می‌کنند.

مهدی پازوکی، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، در اینباره گفته که دولت دیگر پولی ندارد و سه منبع درآمدی دولت نیز با محدودیت شدید روبروست: «نخستین منبع، درآمدهای نفتی است که در وضعیت موجود تقریباً به صفر رسیده است. منبع دوم، درآمدهای مالیاتی است. وقتی فعالیت‌های اقتصادی به دلیل جنگ آسیب می‌بیند و بنگاه‌های اقتصادی با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند، طبیعتاً درآمدهای مالیاتی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افزایش درآمد مالیاتی در چنین شرایطی ممکن است بیشتر ناشی از تورم باشد، نه گسترش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش پایه مالیاتی کشور.»

پازوکی در ادامه گفت: «منبع سوم تأمین مالی دولت، انتشار اوراق و استقراض است. دولت از این طریق منابعی را برای تأمین مخارج خود فراهم می‌کند، اما باید توجه داشت که بخشی از هزینه‌های سالانه دولت نیز به بازپرداخت بدهی‌های سال‌های گذشته اختصاص پیدا می‌کند. بنابراین نمی‌توان انتشار اوراق را راهکاری بدون هزینه و محدودیت برای تأمین مخارج دولت در نظر گرفت.»

مسعود دانشمند، عضو اتاق بازرگانی، نیز با اشاره به تشدید فشارهای تحریمی و محاصره اقتصادی کشور توسط ایالات متحده گفته است: «در جنگ‌های صفویه و قاجار هم همه راه‌های تجارت کشور بسته نبود» و «محدودیت‌های تجاری، اگرچه ممکن است در مقایسه با برخی تحریم‌های مستقیم اثر کمتری داشته باشند، اما نمی‌توان تأثیر آنها را نادیده گرفت.»

عضو اتاق بازرگانی گفته: «در حال حاضر یکی از مشکلات ما، امکان نداشتن نقل و انتقال آسان پول است. برای مثال، در حوزه فروش نفت و محصولات پتروشیمی، وقتی امکان جابجایی پول و دریافت درآمد حاصل از صادرات وجود نداشته باشد، طبیعتاً در مراحل بعدی نیز برای خرید کالاهای مورد نیاز با مشکل مواجه خواهیم شد.»

مسعود دانشمند توضیح داده: «وقتی پول فروش محصولات صادراتی را نمی‌توانیم دریافت کنیم یا امکان انتقال آن را نداریم، طبیعتاً نمی‌توانیم به همان سادگی کالاهای مورد نیاز خود را خریداری کنیم. بنابراین اثر تحریم‌های مالی فقط در محدود شدن درآمدهای صادراتی خلاصه نمی‌شود، بلکه این محدودیت‌ها می‌توانند بر روند تأمین کالا و واردات نیز تأثیر بگذارند.»

۱۲ کشته و ۱۶ مجروح در حادثه واژگونی اتوبوس حامل شرکت «ان‌جی‌ای» دهلران



واژگونی اتوبوس حامل ۲۸ تن از کارکنان شرکت «ان‌جی‌ال» دهلران در شامگاه شنبه ۲۳ آبان سبب کشته شدن ۱۲ نفر و مجروح شدن ۱۶ نفر شده است. سه مجروح در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند.

به گزارش منابع محلی در ایلام، دست‌کم ۱۰ تن از کشته‌شدگان این حادثه مهندسان نفت بودند. همچنین کلیه سرنشینان اتوبوس از نیروهای حرفه‌ای و تخصصی صنعت نفت ایران بودند.

در پی این حادثه یک روز عزای عمومی در سراسر استان ایلام و دو روز عزای عمومی در شهرستان آبدانان اعلام شده است.

واژگونی اتوبوس حامل کارکنان شرکت «ان‌جی‌ال» دهلران تا کنون ۱۲ کشته و ۱۶ مجروح داشته و حال شماری از مجروحان نیز وخیم اعلام شده است. حال شماری از مجروحان وخیم اعلام شده و احتمال افزایش شمار جانباختگان حادثه وجود دارد. در استان ایلام یک روز و در شهر آبدانان دو روز عزای عمومی اعلام شد.

واژگونی اتوبوس حامل ۲۸ تن از کارکنان شرکت «ان‌جی‌ال» دهلران در ساعت ۱۹:۲۵ شامگاه شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ در محدوده سه‌گر و حوالی چاه‌های نفت در محور دشت‌عباس به مورموری، سبب کشته یا مجروح شدن همه سرنشینان اتوبوس شد.بر اساس آخرین آمار اعلام شده، تا کنون ۱۲ تن از سرنشینان اتوبوس کشته و ۱۶ تن نیز مجروح شدند. مجروحان به بیمارستان‌های شهرهای اطراف اعزام شدند و حال شماری از آنها وخیم اعلام شده است.

دکتر عباس قیصوری، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایلام، صبح یکشنبه ۲۴ آبان‌ماه از جان باختن ۱۲ نفر و مصدومیت ۱۸ نفر در این حادثه خبر داد و گفت: «سه نفر از مصدومان در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) بستری هستند.»

به گزارش منابع محلی در ایلام، دست‌کم ۱۰ تن از کشته‌شدگان این حادثه مهندسان نفت بودند. همچنین کلیه سرنشینان اتوبوس از نیروهای حرفه‌ای و تخصصی صنعت نفت ایران بودند.علت واژگونی اتوبوس هنوز اعلام نشده است. کامران آرمان، رئیس پلیس راه انتظامی استان ایلام، روز یکشنبه، ۲۴ آبان ۱۴۰۵ درباره چرایی روشن نشدن علت قطعی حادثه تا این لحظه، گفت: «نباید در نتیجه‌گیری و شناسایی مقصر یا مقصران حادثه با عجله و شتاب رفتار کرد و لازمه دستیابی به یک گزارش مستند، دقیق و قانونی، گردآوری داده‌های میدانی و تحلیل علمی همه زوایای آن است تا نتیجه نهایی پس از قطعیت کامل به‌طور شفاف به آگاهی رسانه‌ها و افکار عمومی برسد.» رئیس پلیس راه انتظامی استان ایلام افزود: «شرکت‌ها، کارخانه‌ها و صنایعی که از ناوگان ترابری همگانی به عنوان ناوگان جابه‌جایی کارکنان بهره می‌برند، نباید به صرف حضور در خارج از چرخه پایانه، از رعایت ضوابط فنی و ایمنی غافل شوند.»

او گفت: «شرکت‌های نفتی و صنعتی ملزم هستند با بهره‌گیری از مشاوره‌ها و دوره‌های آموزشی کارشناسان پلیس راه، پیشینه خودروها، مدارک و شرایط فنی اتوبوس‌ها را به صورت پیوسته ارزیابی و بازبینی کنند.»

این اظهارات در حالی مطرح شده که رسانه‌های داخلی، یکی از رانندگان مسیر دشت عباس به مورموری اعلام کرده که پیچی که حادثه در آن رخ داده همیشه حادثه‌ساز بوده است. یکی از نجات‌یافتگان از حادثه واژگونی اتوبوس نیز در گفتگو با رسانه‌ها گفته: «سر پیچ سرعت اتوبوس ناگهان زیاد شد و واژگون شد و من افتادم بیرون.»

امراله میسائی، دادستان آبدانان، شامگاه شنبه گفت علت حادثه، عوامل مؤثر و ابعاد احتمالی قصور یا تخلف در دست بررسی است و در صورت احراز تخلف با خاطیان مطابق قانون برخورد می‌شود.همچنین در پی این حادثه یک روز عزای عمومی در سراسر استان ایلام و دو روز عزای عمومی در شهرستان آبدانان اعلام شده است. با صدور دستوراتی از سوی مسعود پزشکیان و دیگر مقامات ارشد دولتی، دستگاه‌های امدادی، درمانی، اجرایی، انتظامی و قضایی موظف به بکارگیری امکانات و بررسی دقیق علل حادثه شدند.

به گزارش رسانه‌های داخلی طرح پالایشگاه گاز و گاز مایع ۳۱۰۰ (NGL) دهلران از طرح‌های مهم حوزه انرژی در جنوب استان ایلام به شمار می‌رود که روزانه شمار فراوانی از نیروهای بومی و فنی در بخش‌های گوناگون آن مشغول به کار هستند.

کیهان

قیمت «خانه‌ریز» اعلام شد؛ «یک متر» خانه معادل «یک سال» درآمد یک کارگر!

نرخ اولیه اعلام شده برای هر متر «خانه‌ریز» در شرایطی ۲۳۸ میلیون تومان اعلام شده که رقم حقوق ماهانه یک کارگر در صورت داشتن قرارداد رسمی و دریافت همه مزایای شغلی حداکثر حدود ۲۵ میلیون تومان خواهد بود. به بیان دیگر، یک کارگر در صورت پس‌انداز کل درآمدش، که امری محال است، پس از یک سال خواهد توانست یک متر «خانه‌ریز» خریداری کند!

بطور کلی طرح‌هایی که به ظاهر برای حمایت از خانه‌دار شدن مستأجران و جوانان اجرا شده در عمل کمکی به این اقشار نمی‌کند. برای نمونه وام مسکن با رقمی ناچیز نسبت به قیمت مسکن عرضه می‌شود اما در آنسو اقساط چند ده میلیونی این وام‌ها سبب شده اقشار کم‌درآمد در عمل توان پرداخت این اقساط را نداشته باشند.

محمود اولاد، کارشناس بازار مسکن، معتقد است: «وام مسکن زمانی می‌تواند کارایی لازم را داشته باشد که از یکسو بخش قابل توجهی از قیمت خانه را پوشش دهد و از سوی دیگر، اقساط آن با توان مالی خانوار تناسب داشته باشد. بنابراین مسئله فقط افزایش رقم وام نیست؛ بلکه باید میان مبلغ تسهیلات، قیمت مسکن و قدرت بازپرداخت خانوار تناسب ایجاد شود.»



ساخت نخستین پروژه طرح «خانه‌ریز» در غرب تهران آغاز، و قیمت هر متر از این واحدهای مسکونی ۲۳۸ میلیون تومان اعلام شده است. رقمی معادل حدود یک سال درآمد یک کارگر برای خرید تنها یک متر آپارتمان!

طرح «خانه‌ریز» تابستان امسال توسط شهرداری تهران رونمایی شد که بر اساس آن شهروندان امکان خرید مسکن به صورت متری را پیدا می‌کنند. بر اساس طرح شهرداری، هر «خانه‌ریز» معادل ۰/۰۱ مترمربع، یعنی ۱۰۰ سانتی‌مترمربع از یک مترمربع است. بنابراین با خرید ۱۰۰ خانه‌ریز، فرد از منافع تغییر ارزش یک مترمربع از پروژه برخوردار می‌شود. قیمت هر خانه‌ریز بر اساس ارزش‌گذاری پروژه تعیین می‌شود و قیمت اعلامی می‌تواند با تغییر ارزش پروژه تغییر کند.

در شرایطی که شهرداری تهران اعلام کرده بود این طرح برای حمایت از خانه‌دار شدن شهروندان کم‌درآمد اجرایی شده است، اکنون با اجرای نخستین پروژه ۵۰ واحدی در منطقه پنج تهران، قیمت هر متر خانه‌ریز ۲۳۸ میلیون تومان اعلام شده است.

شهرداری تهران پیشتر اعلام کرده بود که از هر دو شهروند تهرانی، یک نفر مستأجر است و به گفته رئیس سازمان سرمایه‌گذاری شهر تهران قیمت هر واحد مسکونی در تهران حداقل ۸ میلیارد تومان است و بخش زیادی از مردم توان خرید خانه را ندارند.

اکنون با توجه به قیمت اعلام شده از سوی شهرداری قیمت کامل یک واحد ۵۰ متری خانه‌ریز با نرخ امروز نیز بیش از ۱۱ میلیارد تومان خواهد بود. در حالیکه شهرداری پیشتر نیز اعلام کرده بود قیمت اعلامی می‌تواند با تغییر ارزش پروژه تغییر کند؛ به این معنا که قیمت خانه‌ها با افزایش قیمت ساخت و افزایش تورم ممکن است افزایش پیدا کند.

نرخ اولیه اعلام شده برای هر متر خانه‌ریز در شرایطی ۲۳۸ میلیون تومان اعلام شده که رقم حقوق ماهانه یک کارگر در صورت داشتن قرارداد رسمی و دریافت همه مزایای شغلی حداکثر حدود ۲۵ میلیون تومان خواهد بود. به بیان دیگر یک کارگر در صورت پس‌انداز کل درآمدش -که امری محال است- پس از یک سال خواهد توانست یک متر «خانه‌ریز» خریداری کند.

این مقایسه نشان می‌دهد طرح «خانه‌ریز» نیز از ابتدا در دستیابی به هدف اعلام شده شکست خورده است. دیگر طرح‌هایی که به ظاهر برای حمایت از خانه‌دار شدن مستأجران و جوانان اجرا شده نیز در عمل کمکی به این اقشار نمی‌کند.

برای نمونه وام مسکن با رقمی ناچیز نسبت به قیمت مسکن عرضه می‌شود اما در آنسو اقساط چند ده میلیونی این وام‌ها سبب شده اقشار کم‌درآمد در عمل توان پرداخت این اقساط را نداشته باشند.

بانک مرکزی در تازه‌ترین مصوبه خود، سقف تسهیلات خرید مسکن را برای متقاضیان انفرادی در تهران به یک میلیارد تومان افزایش داده است. این رقم برای مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر، ۸۰۰ میلیون تومان و برای سایر مناطق شهری، ۶۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. این افزایش، در شرایطی اعمال می‌شود که بازار مسکن در ماه‌های اخیر رشد قیمت قابل توجهی را تجربه کرده و قدرت خرید خانوارها نیز به شدت کاهش یافته است.

در نگاه اول، دو برابر شدن سقف وام می‌تواند گامی در جهت حمایت از خانه‌اولی‌ها به نظر برسد، اما نگاهی به واقعیت بازار تصویر دیگری را نشان می‌دهد. در حالی که برآوردهای پژوهشگران مسکن نشان می‌دهد، میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران از مرز ۲۰۰ میلیون تومان عبور کرده است، وام یک میلیارد تومانی تنها عیار خرید حدود ۵ مترمربع آپارتمان را دارد و با احتساب هزینه خرید اوراق، این توان به حدود ۴ مترمربع کاهش می‌یابد.

محمود اولاد، کارشناس اقتصادی، نیز در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته: «این وام با توجه به قیمت مسکن در کشور بسیار ناچیز است. در چنین شرایطی، پیش از هر چیز باید دید تسهیلات پرداختی چه سهمی از هزینه خرید یک واحد مسکونی را پوشش می‌دهد.»

او توضیح داده: «برای مثال، اگر مبلغ وام به ۳ تا ۵ میلیارد تومان برسد، باید بررسی کرد این رقم چه میزان از قیمت یک خانه را تامین می‌کند. از سوی دیگر، اگر اقساط چنین وامی به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان در ماه برسد، باید پرسید چه خانواری توان پرداخت این میزان قسط را دارد.»

این کارشناس اقتصادی افزوده: «دهک‌های بالای درآمدی که ممکن است توان پرداخت چنین اقساطی را داشته باشند، گروه هدف اصلی وام مسکن نیستند و بسیاری از آنها نیز اساسا نیازی به چنین تسهیلاتی ندارند. بنابراین افزایش رقم وام به تنهایی نمی‌تواند مشکل تامین مالی خرید مسکن را برطرف کند.»

محمود اولاد بحران اصلی مساله اصلی را فاصله بسیار زیاد میان درآمد خانوار و قیمت مسکن ارزیابی کرده و گفته: «زمانی که قدرت اقتصادی خانوار کاهش پیدا کرده، افزایش اسمی سقف وام به تنهایی نمی‌تواند قدرت خرید مسکن را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. تسهیلات زمانی می‌تواند کارایی لازم را داشته باشد که از یک سو بخش قابل توجهی از قیمت خانه را پوشش دهد و از سوی دیگر، اقساط آن با توان مالی خانوار تناسب داشته باشد. بنابراین مسئله فقط افزایش رقم وام نیست؛ بلکه باید میان مبلغ تسهیلات، قیمت مسکن و قدرت بازپرداخت خانوار تناسب ایجاد شود.»

ناچیز بودن رقم وام‌های مسکن از سوی حبیب‌الله طاهرخانی، معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی، نیز تأیید شده است. او گفته: «در زمان حاضر سهم تسهیلات مسکن از قیمت یک واحد مسکونی قابل استطاعت ۱۰ تا ۱۵ درصد است که رقم بسیار پایینی محسوب می‌شود.»

معاون وزیر راه و شهرسازی افزوده: «در بسیاری از کشورها تسهیلات مسکن می‌تواند تا ۸۰ درصد قیمت یک واحد مسکونی را پوشش دهد، اما در کشور ما خانوارها نمی‌توانند صرفاً با پس‌انداز وارد بازار مسکن شوند. بنابراین افزایش تسهیلات و همراهی نظام بانکی و بانک مرکزی برای تقویت قدرت خرید مردم ضروری است.»

ناکارآمدی ساختاری و هشدار قطع گاز؛ هراس جمهوری اسلامی از سیلیِ زمستان!

بر اساس گزارش خبرگزاری «رویترز»، در حالی که درگیری‌ها میان رژیم ایران و ایالات متحده ادامه دارد و هیچ نشانه‌ای از تمایل جمهوری اسلامی برای راه حل مسالمت‌آمیز مشاهده نمی‌شود، مقامات ارشد نظام نسبت به وخامت وضعیت روحی و معیشتی مردم ابراز نگرانی کرده‌اند!

در عین حال، مذاکراتی برای واردات گاز از روسیه در جریان است. ایران که بخشی از بزرگترین میدان گازی جهان (پارس جنوبی) را در اختیار دارد، سال‌هاست به دلیل تجهیزات فرسوده و تحریم‌های ناشی از سیاست‌های تهاجمی خود، قادر به تأمین کامل مصرف داخلی نبوده است.

حکومت در حالی تلاش می‌کند کمبود شدید گاز را ناشی از محاصره بنادر ایران و حمله به زیرساخت‌ها قلمداد کند که خودش به دلیل سال‌ها ناکارآمدی و سوء مدیریت، مسبب آن است.

هشدارهای رسمی درباره‌ی کمبود شدید گاز در زمستان پیش رو، آخرین نشانه از آسیب‌پذیری‌های داخلی است که مقامات حکومتی سعی دارند آن را ناشی از محاصره بنادر و ضربات وارده به زیرساخت‌ها تعریف کنند، در حالی که ناکارآمدی مزمن مدیریتی و چندین ساله‌ی خود رژیم منشاء اصلی آن است.

این کمبودها، که بر تورم افسارگسیخته و از دست رفتن میلیون‌ها شغل افزوده شده، این بیم را در میان بقایای جمهوری اسلامی تقویت کرده که نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از سرکوب اعتراضات گسترده‌ی زمستان گذشته، عمیق‌تر از همیشه به خیابان‌ها بازگردد.

بر اساس گزارش خبرگزاری «رویترز»، در حالی که درگیری‌ها میان رژیم ایران و ایالات متحده ادامه دارد و هیچ نشانه‌ای از تمایل جمهوری اسلامی برای راه حل مسالمت‌آمیز مشاهده نمی‌شود، مقامات ارشد نظام نسبت به وخامت وضعیت روحی و معیشتی مردم ابراز نگرانی کرده‌اند!

دولت مسعود پزشکیان هفته‌ی گذشته اعلام کرد که اگرچه ایران پیش از این نیز با کمبود گاز مواجه بوده، اما این کمبودها در زمستان جاری به دلیل آسیب‌های جنگی به کارخانه‌های فرآوری، شدیدتر خواهد بود و بیشتر مناطق کشور تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، فاطمه مهاجرانی، اعلام کرده که کمبود گاز امسال احتمالاً به ۴۳۰ میلیون مترمکعب می‌رسد، در حالی که سال گذشته حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب بود. شرکت ملی گاز ایران، آسیب به چهار واحد فرآوری در اوایل جنگ را دلیل اصلی این مشکل می‌داند و مدعی تلاش برای تعمیر آنهاست، اما مقامات ارشد رژیم ایران به «رویترز» گفته‌اند که اقدامات فعلی تنها راه‌حل‌های کوتاه‌مدت است و جلسات متعددی برای مدیریت بحران زمستانی برگزار شده است.

در عین حال، مذاکراتی برای واردات گاز از روسیه در جریان است. ایران که بخشی از بزرگترین میدان گازی جهان (پارس جنوبی) را در اختیار دارد، سال‌هاست به دلیل تجهیزات فرسوده و تحریم‌های ناشی از سیاست‌های تهاجمی خود، قادر به تأمین کامل مصرف داخلی نبوده است.

بنا بر تجربه‌ی رفتاری رژیم ایران طی چهاردهه‌ی گذشته، عادی‌سازیِ شرایط سخت اجتماعی با مقصر جلوه دادن



یک رگلاتور گاز قطع شده (با محافظ ضد سرقت) در تهران

مردم، بارزترین سیاست پیشگیری و مقابله با بحران‌هایی است که خود عامل آن بوده است.

حتی پیش از جنگ اخیر، ایران با وجود ذخایر عظیم گازی، با کمبودهای مکرر، قطع برق و مشکلات ناشی از تجهیزات قدیمی و فرسوده دست و پنجه نرم می‌کرد. تحریم‌ها که رژیم ایران آنها را نتیجه‌ی «دشمنی خارجی» می‌داند، درواقع محصول سیاست‌های تهاجمی هسته‌ای، موشکی و حمایت از گروه‌های نیابتی خودش است که سرمایه‌گذاری خارجی را مسدود و فناوری مدرن را از دسترس خارج کرده.

قطع برق در تابستان و کمبود گاز در زمستان، همواره در میانه‌ی دشواری زندگی مردم با ریاضت اجباری موسوم به « اقتصاد مقاومتی» همراه بوده و جمهوری اسلامی با انتخاب اسامی شیک مانند «ناترازی» یا «اختلال در زنجیره توزیع» بجای «کمبود»، مصرف بالای مردم را دلیل آن اعلام کرده است.با آغاز فصل سرما و هشدارهای قطع گاز در زمستان، مردم عادی از سختی‌های فزاینده سخن می‌گویند. سید احمد سیدی، فروشنده خیابانی، گفته است: «واقعیت این است که اگر گاز قطع شود، مجبوریم مغازه را ببندیم و به خانه برویم.» مینا لهراسبی، ۶۵ ساله که در کارخانه برنج نزدیک سواحل دریای کاسپین کار می‌کند، اظهار داشته: «این جنگ باید تمام شود تا به زندگی عادی برگردیم و مشکلات و قیمت‌های بالا پایان یابد. ادامه‌ی زندگی در این شرایط دشوار است».

یک مقام ارشد رژیم ایران و یک مقام امنیتی نیز به «رویترز» گفتند که سلسله مراتب کشور بطور فزاینده‌ای نگران این وضعیت است و کمبود سوخت داخلی به نگرانی‌ها درباره‌ی ناآرامی‌های عمومی افزوده است.

از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه با حملات ایالات متحده و اسرائیل که به کشته‌شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی انجامید، اعتراض قابل توجهی در پایتخت علیه نظام حاکم رخ نداده است، اما نهادهای اطلاعاتی داخلی در حالت آماده‌باش هستند. مقام امنیتی به «رویترز» گفت که این نهادها هر نشانه‌ای از مخالفت را به دقت زیر نظر دارند و معتقدند ایالات متحده ممکن است تلاش کند تظاهرات خیابانی را تحریک کند!

این مقام ارشد همچنین هشدار داد که استانداردهای زندگی روز به روز دشوارتر و برای مردم تحمل‌ناپذیرتر می‌شود. وی این وضعیت را به آتش زیر خاکستر تشبیه کرد.

گزارش‌های مرتبط نشان می‌دهند که حتی پیش از جنگ، ایران با کمبود گاز و قطع برق مواجه بوده، اما وضعیت اکنون بدتر شده است. سخنگوی دولت جمهوری اسلامی در راستای راهکارهای همیشگی که مصرف جامعه را مقصر قلمداد می‌کند، پیشتر هشدار داده بود که اگر مصرف بالا باشد، قطع گاز در سراسر کشور از جمله تهران ممکن است.

جمهوری اسلامی دهه‌هاست که با ناکارآمدی ساختاری، فساد گسترده‌ی سیستماتیک و اولویت دادنِ جاه‌طلبی‌های نظامی(هسته‌ای و موشکی) و منطقه‌ای بر خدمات عمومی، زمینه را برای فلاکت فزاینده‌ی مردم فراهم کرده است.

حکومت بجای نوسازی زیرساخت‌های پارس جنوبی و افزایش بهره‌وری، منابع را به برنامه‌های موشکی بالستیک، تقویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ماجراجویی‌های منطقه‌ای و نیابتی‌هایش اختصاص داد.

نتیجه این اولویت‌بندی، وابستگی مداوم به واردات موقت گاز از روسیه و ناتوانی در تعمیر سریع آسیب‌ها است. مقامات ارشد رژیم ایران اعتراف کرده‌اند که راه حل‌های فعلی کوتاه‌مدت است، اما این اعتراف خود گواهی بر دهه‌ها غفلت و بی‌مسئولیتی است.

مردم ایران که سال‌ها تحت فشار تورم، بیکاری و سرکوب اعتراضات (از جمله در زمستان گذشته) بوده‌اند، اکنون با چشم‌انداز زمستانی سرد بدون گرمای کافی مواجه شده‌اند.

شرکت ملی گاز نیز هشدار داده یازده استان در معرض فشار جدی قرار دارند و مناطقی مانند مازندران، گلستان و خراسان شمالی در انتهای شبکه توزیع و در خطر قطع کامل قرار دارند. این در حالیست که جمهوری اسلامی همچنان بر ادامه‌ی جنگ و برد بیشتر موشک‌ها با هدف تهدید اروپا تأکید می‌کند.در این میان محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، از مردم خواسته است مصرف گاز را ۱۰ درصد کم کنند! معاون اول پزشکیان، محمدرضا عارف، نیز می‌گوید قیمت گاز ممکن است در صورت مصرف بیش از حد افزایش یابد.

در چنین شرایطی، هشدارها برای کاهش ۱۰ درصدی مصرف گاز یا افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان بالا، تنها بار این کمبود و ناتوانی‌های حکومت را بر دوش مردم عادی منتقل می‌کند، در حالی که نهادهای نظامی و پروژه‌های ایدئولوژیک همچنان اولویت دارند.الگوی رسیدن به نتیجه از طریق «تهدید» پدیده‌ی عجیبی در ایران نیست، بلکه نشان سطح کیفیت زندگی در سایه‌ی جمهوری اسلامی است: از قطع برق در تابستان تا کمبود گاز در زمستان، و از تورم مزمن تا بیکاری گسترده، واقعیت دردناکی است که رژیم آن را به عنوان یک روال عادی به مردم ایران تحمیل کرده است.

با این حال، سرکوب اعتراضات، از جمله کشتار و بازداشت‌های گسترده، نشان می‌دهد که نظام همچنان بیشتر نگران بقای خود است تا پاسخ به نیازهای اولیه مانند گرمای خانه‌ها و کارخانه‌ها. در عین حال، نگرانی مقامات از «وضعیت روحی مردم» و هشدار درباره احتمال وقوع ناآرامی‌ها، خود اعترافی ضمنی به این واقعیت است که مردم، رژیم را مسئول اصلی اوضاع رنج‌آور خود می‌دانند.

تناقض‌گویی مقامات دولت درباره «بنزین»



با گذشت سه ماه از اجرای طرح سه نرخی کردن بنزین که با هدف کاهش مصرف سوخت اجرایی شد، کمبود بنزین نه تنها برطرف نشده بلکه عمیق‌تر شده است. طی روزهای گذشته ویدئوهای زیادی توسط شهروندان از شهرهای مختلف کشور منتشر شده که نشان می‌دهد مردم برای دریافت بنزین در صف طولانی در پمپ‌بنزین‌ها معطل هستند.

اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون پزشکیان و رئیس «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، به تازگی اعلام کرده است دولت دیگر نمی‌تواند مانند گذشته هر میزان بنزین مورد نیاز را تأمین کند و اگر این فرآیند ادامه پیدا کند برخی از جایگاه‌ها خاموش خواهند شد.

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی پزشکیان نیز اعلام کرده است که کارت‌های سوخت آزاد جایگاه‌ها به صورت تدریجی در تمامی استان‌های کشور جمع‌آوری خواهد شد تا مردم برای سوختگیری از کارت‌های شخصی خود استفاده کنند.

تناقض‌گویی مقامات دولت و واکنش منفی گسترده نسبت به اظهارات مقامات سبب شد محمدرضا عارف، معاون اول پزشکیان، روز گذشته به همکارانش درباره سخنان‌شان هشدار دهد و بگوید: «تصمیمات دولت درباره بنزین و فرآورده‌های نفتی از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اعلام می‌شود.»

مقامات دولت پزشکیان طی روزهای گذشته اظهاراتی متناقض درباره جمع‌آوری کارت سوخت جایگاه‌ها و احتمال افزایش قیمت بنزین مطرح کردند. این اظهارات غیرشفاف از یکسو سبب نگرانی شهروندان شده و از سوی دیگر انتقادها به دولت از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی را افزایش داده است.

با گذشت سه ماه از اجرای طرح سه نرخی کردن بنزین که با هدف کاهش مصرف سوخت اجرایی شد، کمبود بنزین نه تنها برطرف نشده بلکه عمیق‌تر شده است. طی روزهای گذشته ویدئوهای زیادی توسط شهروندان از شهرهای مختلف کشور منتشر شده که نشان می‌دهد مردم برای دریافت بنزین در صف طولانی در پمپ‌بنزین‌ها معطل هستند.

همزمان اظهارات متناقض مقامات دولت نشان می‌دهد گام‌های بعدی برنامه حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت سوخت در دستور کار دولت است.

اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون پزشکیان و رئیس «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، به تازگی اعلام کرده است دولت دیگر نمی‌تواند مانند گذشته هر میزان بنزین مورد نیاز را تأمین کند و اگر این فرآیند ادامه پیدا کند برخی از جایگاه‌ها خاموش خواهند شد.

وی که چهره‌ای اصولگرا و نزدیک به ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی است که در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر کشته شد، در ادامه اظهاراتش گفته مردم باید پیش از سفر بنزین ذخیره کنند!

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی ریاست جمهوری نیز اعلام کرده است که کارت‌های سوخت آزاد جایگاه‌ها به صورت تدریجی در تمامی استان‌های کشور جمع‌آوری خواهد شد تا مردم برای سوختگیری از کارت‌های شخصی خود استفاده کنند.

بنزین هم‌اکنون با سه نرخ ۱۵۰۰ تومان، ۳۰۰۰ تومان، و ۱۰ هزار تومان، در سهمیه‌هایی متفاوت، عرضه می‌شود. صنف جایگاه‌داران سوخت نیز خواستار تعیین نرخ چهارم بنزین شده که با حذف کارت سوخت جایگاه‌ها مردم باید هزینه هنگفتی برای سوخت‌گیری اتومبیل‌هایشان پرداخت کنند.

اگرچه مقامات دولت از اجرای طرح کاهش و محدودسازی کارت‌های اضطراری و آزاد جایگاه‌های سوخت در آینده خبر داده‌اند اما این طرح بطور مقدماتی در ۱۱ استان ایران آغاز شده است.

مقامات دولتی هدف از این اقدام را مقابله با قاچاق سوخت و ساماندهی مصرف عنوان کرده‌اند، در حالی که برخی گزارش‌ها و منتقدان به چالش‌ها و نارضایتی‌های ناشی از آن اشاره دارند.

در این میان محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفته که دولت تاکنون تصمیم جدیدی درباره بنزین نگرفته است و در صورت طرح هرگونه تصمیم در این زمینه، ابعاد آن پیش از اجرا بررسی و با مردم درمیان گذاشته می‌شود.

در آنسو محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و سرپرست تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی با آمریکا، به اظهارات متناقض مقامات دولت واکنش نشان داده و گفته است: «این سخنان موجب نگرانی مردم شده است» و تصمیم‌گیری بر پایه خرد جمعی، کار کارشناسی و همراهی مردم شد و تاکید کرد هر تصمیمی در این حوزه باید با اقناع افکار عمومی و کمترین فشار بر جامعه همراه باشد.

دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به ابهام در برنامه دولت برلی مهرداد لاهوتی، نماینده لنگرود نیز در تذکری در صحن علنی مجلس از اظهارنظرهای متناقض مقام‌های دولتی انتقاد کرد. او با اشاره به سخنان قائم‌پناه و سقاب اصفهانی گفت که برداشت‌های ایجادشده از این اظهارات، فضای جامعه را ملتهب کرده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار آن شد که مسئولیت اعلام تصمیم‌های رسمی به سخنگوی دولت سپرده شود تا مردم با مواضع متفاوت و گاه متناقض روبه‌رو نشوند.

مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی مجلس نیز

مصاحبه سقاب اصفهانی درباره جمع‌آوری کارت‌های اضطراری جایگاه‌ها را غیرضروری و اشتباه دانست و در شبکه ایکس نوشت که جمع‌آوری کارت بنزین اصلا در حیطه وظایف سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی نیست.

حمیدرضا حاجی‌بابایی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز اوایل آبان‌ماه جاری از نامه و تذکر تعدادی از نمایندگان به دولت درباره سیاست جدید بنزین و ایجاد محدودیت‌ها خبر داد. او علت این تذکر را «حذف کارت آزاد در جایگاه‌ها و ایجاد محدودیت در سهمیه بنزین در برخی مناطق کشور» اعلام و اصل سیاست‌گذاری بنزین باید اصلاح شود؛ یعنی سوخت‌گیری از طریق کارت باشد تا ضمن مدیریت مصرف و ساماندهی توزیع سوخت، مردم برای بنزین زدن با مشکل مواجه نشوند.

از سوی دیگر خبرهایی درباره تعیین نرخ چهارم بنزین مطرح شده است. دولت این اخبار را تکذیب کرده اما توضیحات رضا نواز، سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور، نشان می‌دهد دولت در اینباره نیز برنامه‌هایی در دستور کار دارد.

رضا نواز ششم آبان‌ماه جاری تعیین نرخ چهارم بنزین برای مصرف‌کنندگان پرمصرف را راهکار کنترل مصرف و «تحقق عدالت در توزیع سوخت» خواند. او رقمی برای نرخ چهارم بنزین ارائه نکرد اما گفت: «نرخ اول ۱۵۰۰ تومان، نرخ دوم ۳۰۰۰ تومان و نرخ سوم ۱۰ هزار تومان. به گفته او نرخ چهارم برای مصرف مازاد بر همین پله‌ها در نظر گرفته می‌شود و سه نرخ نخست بدون تغییر می‌مانند.»

رضا نواز برآورد کرد حدود ۹۰ درصد دارندگان خودرو بتوانند از سه نرخ نخست استفاده کنند و جای دیگر سهم کسانی را که در شرایط فعلی با نرخ‌های پیشین سوخت‌گیری می‌کنند حدود ۸۵ درصد مردم عنوان کرد. او افزایش مداوم نرخ سوم را «لزوماً راهکار مناسبی» ندانست و تعریف چهار پله را راهی برای شناسایی پرمصرف‌های واقعی خواند.

در روزهای گذشته نرخ ۱۰۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، به عنوان نرخ چهارم مطرح شده است. این رقم از سوی دولت تکذیب اما با واکنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است.

محمد رشیدی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از اظهارات اخیر مسئولان دولتی درباره تغییر سهمیه بنزین، تأکید کرده است که مجلس با تعیین نرخ چهارم بنزین و سوق دادن مردم به استفاده از بنزین ۱۰۰ هزار تومانی مخالف است و تا زمان تصمیم‌گیری نهایی، سهمیه‌های فعلی بدون تغییر باقی خواهد ماند.

تناقض‌گویی مقامات دولت و واکنش منفی گسترده نسبت به اظهارات مقامات سبب شد محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، روز گذشته به همکارانش درباره سخنان‌شان هشدار دهد و با تاکید بر ضرورت هماهنگی در اطلاع‌رسانی درباره موضوعات حساس کشور بگوید: «تصمیمات دولت درباره بنزین و فرآورده‌های نفتی از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اعلام می‌شود.»

محمدرضا عارف با اشاره به اینکه دولت سخنگوی مشخصی دارد، اعلام کرد مواضع و تصمیمات رسمی دولت از طریق فاطمه مهاجرانی در نشست‌های رسانه‌ای منتشر می‌شود. او همچنین تاکید کرد، مطالبی که در حاشیه جلسات مطرح می‌شوند، الزاما بیانگر راهبرد یا تصمیم دولت نیستند.

آتش زیر خاکسترِ نارضایتی‌های معیشتی؛ هشدار درباره از سر گرفته شدن اعتراضات سراسری



روزنامه «دنیای اقتصاد» به نقل از کارشناسان هشدار داد که خانوارهای ایرانی برای ادامه زندگی ناچار به مصرف درآمدهای آینده خود شده‌اند؛ روندی که می‌تواند به عادی‌سازی فقر، فرسایش روانی جامعه و تشدید نارضایتی‌های عمومی منجر شود.

ارزش سفارش‌های قسطی در سال ۱۴۰۴ با رشد ۱۰۳ درصدی مواجه شده و شمار کاربران دارای اعتبار به بیش از ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده است.

محمد امیرپناهی، جامعه‌شناس، از به کار بردن عبارت «تاب‌آوری اجتماعی» از سوی مقامات حکومت درباره شرایطی که شهروندان در ایران با آن دست به گریبان هستند، انتقاد کرده و گفته جامعه‌ای که کیفیت تغذیه‌اش کاهش می‌یابد، از درمان و آموزش صرف نظر می‌کند، به چند شغل روی می‌آورد و همواره احساس بدهکاری دارد، لزوماً جامعه‌ای تاب‌آور نیست.

موج پی در پی گرانی‌ها در حالی زندگی مردم را فلج کرده که حالا دولت با حذف ارز ترجیحی هزاران کالا، پیش‌درآمد گرانی این اقلام را نیز به صدا درآورده است. در شرایط رکود تورمی مزمن و بحران‌های اقتصادی ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی، دولت پزشکیان نتوانسته از معیشت مردم حمایت کند و حتی با اقداماتی که برای جبران کسری بودجه انجام می‌دهد، هزینه زندگی برای مردم را گران‌تر می‌کند.

در مهرماه امسال تورم نقطه به نقطه به ۸۳/۵ درصد رسید؛ بالاترین سطح در مقایسه با مهر دو سال گذشته. همزمان، رشد قیمت دلار، طلا و سکه نیز شتاب گرفت بطوری که مقایسه سه‌ساله این بازارها نشان می‌دهد برنده حفظ ارزش دارایی‌ها در هر سال تغییر کرده است.

در همین ماه میزان افزایش قیمت در بازارهای ارز و طلا از تورم بیشتر بود چنانکه قیمت دلار نیز با افزایش ۱۴۸ درصدی بازار طلا را هم پشت سر گذاشت. نکته قابل توجه اینکه در مهر امسال، بازدهی دلار، طلا و سکه به ترتیب به ۱۴۸، ۱۴۵ و ۱۴۰ درصد رسید.

فاصله افزایش قیمت یا همان بازدهی در بازار ارز و طلا نسبت به تورم عمومی اقتصاد نشان می‌دهد فشار کاهش ارزش پول ملی نه تنها در بازار کالاهای مصرفی بلکه حتی در بازار دارایی‌ها نیز نمایان شده است.

در آنسو اما افزایش قیمت کالاهای مصرفی به ویژه در بخش موادغذایی و دارو، بحران‌های معیشتی را افزایش داده و بر جمعیت زیر خط فقر افزوده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» روند فزاینده خرید اعتباری و اقساطی خانوارها را بررسی کرده و نوشته است که خرید قسطی به مواد غذایی، دارو، کالاهای ضروری و حتی هزینه دریافت گواهینامه رانندگی رسیده است.

این گزارش به نقل از کارشناسان هشدار داد که خانوارهای ایرانی برای ادامه زندگی ناچار به مصرف درآمدهای آینده خود شده‌اند؛ روندی که می‌تواند به عادی‌سازی فقر، فرسایش روانی جامعه و تشدید نارضایتی‌های عمومی منجر شود.

بر اساس این گزارش، ارزش سفارش‌های قسطی در سال ۱۴۰۴ با رشد ۱۰۳ درصدی مواجه شده و شمار کاربران دارای اعتبار به بیش از ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده است. در گزارش برای نمونه آمده است: «دریافت گواهینامه رانندگی خودرو در سال ۱۴۰۵ به حدود ۱۹میلیون تومان رسیده است و همین عامل باعث شده است که بسیاری از آموزشگاه‌های رانندگی سراغ قسطی کردن هزینه دریافت گواهینامه رانندگی بروند.»

محمد امیرپناهی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه «علامه» در گفتگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به شکاف عمیق میان درآمد و هزینه‌های ضروری زندگی، گفت که خانوارهای ایرانی ناچارند برای خرید مواد غذایی و اقلام بهداشتی، درآمد ماه‌های آینده خود را پیشاپیش مصرف کنند. او معتقد است خرید قسطی و مانند آن، فقط یک تغییر در شیوه خرید و مصرف نیست، بلکه به نوعی نشانه‌ی یک تغییر مهم در ساختار اقتصادی زندگی روزمره

خانواده‌ها در ایران و نسبت آنها با آینده است.

این جامعه‌شناس توضیح داده، خانوار ایرانی ناچار است بخشی از درآمدهای ماه‌های آینده خود را از قبل مصرف کند، یعنی پیشاپیش به مصرف برساند. یعنی این خرید قسطی کردن و این قبیل امور، به نوعی «مصرف آینده» و مصرف آن منابعی است که افراد ممکن است در آینده آنها را به دست آورند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه در اقتصادهای توسعه‌یافته نیز خرید قسطی نمود برجسته‌ای دارد، گفته: «در اقتصادهای باثبات، خرید قسطی کردن اتفاقا ابزاری برای مدیریت نقدینگی، خرید کالاهای بادوام و توزیع هزینه‌ها در طول زمان است؛ مثلا فرض کنید شما خودرو می‌خرید، مسکن می‌خرید یا چیزهایی نظیر این. اما وقتی خرید قسطی از کالاهای بادوام به سمت مواد غذایی و کالاهای اساسی و ضروری گسترش پیدا می‌کند، کاملا معنای اجتماعی و اقتصادی متفاوتی به خود می‌گیرد. در اینجا ما با یک شکاف میان درآمد و هزینه‌های ضروری زندگی مواجه هستیم.»

محمد امیرپناهی با تأکید بر اینکه «عادت کردن مردم به فقر به معنای رضایت از شرایط نیست» از به کار بردن عبارت «تاب‌آوری اجتماعی» از سوی مقامات حکومت درباره شرایطی که شهروندان با آن دست به گریبان هستند انتقاد کرده است. او گفته، جامعه‌ای که کیفیت تغذیه‌اش کاهش می‌یابد، از درمان و آموزش صرف نظر می‌کند، به چند شغل روی می‌آورد و همواره احساس بدهکاری دارد، لزوماً جامعه‌ای تاب‌آور نیست. این استاد دانشگاه هشدار داده که تداوم تورم مزمن و کاهش قدرت خرید می‌تواند به عادی‌سازی فقر و کاهش انتظارات معیشتی طبقات متوسط و کم‌درآمد منجر شود. او کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی، مهاجرت، ناامیدی نسبت به آینده و شکل‌گیری اعتراض‌های عمومی را از پیامدهای این وضعیت خوانده است.

سمانه گلاب، پژوهشگر اقتصادی، نیز در گفتگو با دنیای اقتصاد گفته، وضعیت اقتصادی مردم اکنون به مراتب دشوارتر از زمان اعتراضات دی‌ماه است و حتی چشم‌انداز پیش رو نیز روشن به نظر نمی‌رسد؛ او درباره اینکه چرا با این شرایط اعتراضاتی آغاز نمی‌شود توضیح داده: «این امر می‌تواند حاکی از شرایط متفاوتی نظیر شرایط جنگی باشد. مقایسه این دو مقطع زمانی از این منظر برای من حائز اهمیت است که بگویم، با یک معیار تک‌بعدی اقتصادی نمی‌توان برآورد قطعی از وضعیت اجتماعی ارائه داد.»

این پژوهشگر اقتصادی با بیان اینکه «طی سال‌های اخیر و بطور مشخص در یک دهه گذشته، ما شاهد اعتراضات متنوع و متعددی بوده‌ایم»، گفته: «این روند گویای آن است که اگر تمامی این مولفه‌ها را در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار دهیم، هرچند امکان پیش‌بینی قطعی وجود ندارد، لکن با احتمال بسیار بالایی می‌توان گفت که جامعه دچار التهاب است؛ التهابی که نه‌تنها درمان نشده، بلکه پیوسته تشدید شده است. ما در هیچیک از دوره‌ها شاهد درمان ریشه‌ای نبوده‌ایم و هیچگاه با حل مسئله به شکل بنیادین مواجه نشده‌ایم، بلکه همواره سرپوشی بر روی آتش نهاده شده است، در حالی که این آتش در زیر خاکستر همواره زنده مانده و با وزش هر باد و وقوع هر رویدادی مجددا شعله‌ور شده است.»

سمانه گلاب نیز مانند محمد امیرپناهی معتقد است که خرید اقساطی نشانه بهبود وضعیت اقتصادی نیست، بلکه «تلاشی در جهت بقا» است. او تأکید کرده سازگاری اجباری مردم با شرایط، به معنای پایان نارضایتی‌های آنان نیست.

اینهمه در حالیست که به عقیده کارشناسان تغییر سیاست ارزی دولت می‌تواند به عاملی تازه برای افزایش قیمت‌ها تبدیل شود. دولت پزشکیان از سال گذشته حذف یارانه‌ها و ارز ترجیحی را در دست اقدام دارد و به علت کسری بودجه، حتی در شرایط جنگی و بحران رکود تورمی شدید نیز این سیاست را ادامه داده است.

کاهش سهمیه و افزایش قیمت سوخت، افزایش نرخ برق و گاز، جیره‌بندی نان در چند استان کشور، از جمله اقدامات دولت در بخش یارانه‌ای و همچنین حذف ارز ترجیحی کالاهای مختلف و مواد اولیه نیز از جمله سیاست‌های ارزی دولت بوده است. اینهمه سبب افزایش قیمت کالاها و خدمات و تحمیل هزینه‌های بیشتر به خانوارها شده است.

آلبرت بغزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در اینباره گفته، حذف ارز ترجیحی، هزینه واردات افزایش پیدا می‌کند و این افزایش هزینه به قیمت نهایی کالا منتقل خواهد شد. او توضیح داده: «دولت استدلال می‌کند که اگر واردکننده پیش از این ارز را با نرخ پایین‌تر دریافت می‌کرد و کالا را با قیمت متناسب با نرخ آزاد عرضه می‌کرد، اکنون با حذف ارز ترجیحی نیز دلیلی برای ثابت ماندن قیمت‌ها وجود ندارد. با اینحال در واقعیت بازار چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و عملاً شاهد افزایش قیمت کالاها در پی حذف ارز مبادله‌ای کالاها خواهیم بود.»

آلبرت بغزیان افزوده: «دولت بجای رها کردن بازار و حذف کامل تخصیص ارز مبادله، می‌توانست از واردکنندگان و توزیع‌کنندگان مورد اعتماد استفاده کند تا کالاها با سود متعارف و متناسب با نرخ ارز تخصیصی به دست مصرف‌کننده برسند. اگر ساز و کار تخصیص ارز رانت ایجاد می‌کند، راه حل آن اصلاح نظام نظارت و توزیع است، نه اینکه دولت بطور کامل از این حوزه کنار بکشد.»

این اقتصاددان افزوده: «اگر قرار است قیمت‌ها آزاد شوند و دولت در بازار دخالت نکند، این سیاست باید در بخش‌های مختلف اقتصاد به شکل یکسان اجرا شود. نمی‌توان قیمت خودرو، کالاهای مصرفی و حتی اقلامی مانند کیسه پلاستیکی و لیوان کاغذی را آزاد گذاشت و افزایش داد، اما وقتی نوبت به دستمزد کارگران می‌رسد، موضوع را به مجلس ارجاع داد و همچنان معیشت نیروی کار را تحت کنترل نگه داشت.»

افزایش دستمزدها از ابتدای سال جاری از سوی اقشار مختلف از جمله کارگران، بازنشستگان، پرستاران و آموزگاران مطرح شده اما دولت در برابر این خواسته مقاومت می‌کند. اگر چه حتی مقامات مقاومت هم نداشتند، بودجه‌ای برای افزایش درآمدها وجود نداشت!

احمد بیگدلی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، روز یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ در تذکری با اشاره به مشکلات معیشتی اقشار مختلف جامعه، نسبت به وضعیت حقوق و دستمزد معلمان، کارگران و نیروهای نظامی و انتظامی انتقاد کرد و خواستار توجه جدی دولت به مطالبات معیشتی این گروه‌ها شد.

او با بیان اینکه وضعیت معیشتی مردم مناسب نیست با اشاره به وضعیت حقوق معلمان افزود: «معلمان وضعیت معیشتی مناسبی ندارند و دریافتی آن ها فقط ۱۰ میلیون تومان است و معلمانی که از مرکز شهرستان برای تدریس به روستاها رفت‌وآمد می‌کنند، با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل مواجه هستند به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از حقوق آنها صرف هزینه رفت‌وآمد می‌شود در حالی که دریافتی معلمان نیز متناسب با مسئولیت و شرایط کاری آنها نیست.»

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی همچنین با انتقاد از وضعیت معیشتی نیروهای نظامی و انتظامی گفت: «این نیروها نیز در شرایط دشوار معیشتی قرار دارند و لازم است دولت توجه بیشتری به وضعیت حقوق و معیشت آنان داشته باشد.»

آغاز اختلاف مجلس و دولت درباره بودجه ۱۴۰۶؛ هشدار درباره کسری بودجه شدید

- **بودجه سال ۱۴۰۶ تحت هر سناریویی در رابطه با جنگ و تحریم و مذاکره، یکی از پر چالش‌ترین بودجه‌های جمهوری اسلامی خواهد بود. کسری انباشته از سال‌های گذشته، خالی شدن خزانه، به صفر رسیدن درآمدهای نفتی در نیمه دوم امسال به علت تشدید تحریم‌های ایالات متحده، از جمله مواردی است که از هم‌اکنون بودجه سال آینده را تحت تأثیر قرار داده است.**
- **در سناریوی خوش‌بینانه، اگر توافقی میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده شکل بگیرد و بخشی از تحریم‌ها نیز در سال آینده لغو شوند، باز هم کمبودها و کسری‌های انباشته آنقدر زیاد و عمیق هستند که تورم فزاینده تداوم خواهد داشت و کسری بودجه دولت اگر عمیق‌تر نشود، کاهش نخواهد یافت.**
- **علی قنبری اقتصاددان و استاد دانشگاه و نزدیک به جریان اصلاح‌طلب اعلام کرده که در روزهای گذشته رقابت شدیدی میان خواست مجلس برای افزایش اعتبارات دستگاه‌ها و نهادهای مختلف با پافشاری دولت بر انضباط مالی شکل گرفته است.**
- **احمد فاطمی عضو کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی به دولت هشدار داده که افزایش پلکانی ۳۵ درصدی توهین به کارمندان است و تأکید کرد: «اگر دولت لایحه بودجه ۱۴۰۶ را با این رقم ارائه کند، مجلس در همان گام نخست با کلیات آن مخالفت کرده و لایحه را به دولت بازمی‌گرداند.»**

اختلافات سیاسی و تسویه حساب‌های جناحی میان دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان و مجلس شورای اسلامی با اکثریت اصولگرا در نخستین روزهای تدوین بودجه سال آینده نمایان شده است. در شرایطی بودجه ۱۴۰۶ در حال تدوین است، نمایندگان ساز مخالف با دولت بر سر میزان هزینه‌ها و نحوه تخصیص منابع را کوک کرده‌اند.

بودجه سال ۱۴۰۶ تحت هر سناریویی در رابطه با جنگ و تحریم و مذاکره، یکی از پر چالش‌ترین بودجه‌های جمهوری اسلامی خواهد بود. کسری انباشته از سال‌های گذشته، خالی شدن خزانه، به صفر رسیدن درآمدهای نفتی در نیمه دوم امسال به علت تشدید تحریم‌های ایالات متحده، از جمله مواردی است که از هم‌اکنون بودجه سال آینده را تحت تأثیر قرار داده است.

در سناریوی بدبینانه، با آغاز دوباره جنگ میان جمهوری اسلامی و آمریکا و کشورهای منطقه یا حتی در صورت تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و پابرجایی تحریم‌ها و محاصره دریایی، بروز اَبَرتورم در اقتصاد شکننده کشور محتمل خواهد بود.

در سناریوی خوش‌بینانه، اگر توافقی میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده شکل بگیرد و بخشی از تحریم‌ها نیز در سال آینده لغو شوند، باز هم کمبودها و

کسری‌های انباشته آنقدر زیاد و عمیق هستند که تورم فزاینده تداوم خواهد داشت و کسری بودجه دولت اگر عمیق‌تر نشود، کاهش نخواهد یافت.

در یکسو در دولت توانایی و اراده‌ای برای کاهش هزینه‌های دولت دیده نمی‌شود اما تیم اقتصادی دولت تمایل دارد بخشی از هزینه‌های خارج از دولت را کاهش دهد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی اما مخالف این رویکرد هستند. به نظر می‌رسد یکی از بخش‌های مهمی که ابزار فشار نمایندگان بر دولت در جریان بودجه سال آینده است، میزان افزایش رقم حقوق باشد.

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ با انتقاد از رویکرد دولت پزشکیان در تدوین بودجه سال جاری گفت: «اقتصاد از سه بخش دولت، بنگاه‌ها و خانوار تشکیل شده است. ما برای تنظیم بودجه دولت، بنگاه‌ها و خانوارهای فعال اقتصادی را تحت فشار قرار داده‌ایم.»

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی افزود: «دولت به منابع ارزی خود دسترسی ندارد یا این منابع را در اختیارش قرار نمی‌دهند یا اطلاعاتی درباره آنها به دولت ارائه نمی‌شود، اما به راحتی بر ارز متعلق به مردم و بنگاه‌های اقتصادی، اعم از صادرکنندگان و واردکنندگان، تسلط دارد؛ اگر مجلس بخواهد چنین رفتاری داشته باشد، بهتر از شما و حتی زیباتر می‌تواند این کار را انجام دهد. من در بودجه می‌توانستم از همه روش‌ها استفاده کنم و با ضرب کردن نرخ دارایی‌های خارجی در یک عدد بزرگ، تمام کسری بودجه را جبران کرده و همه استان‌ها و نمایندگان را خوشحال کنم، اما این کار را نکردم تا شما نیز چنین کاری نکنید.»

اظهاراتی مشابه نیز از سوی شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، مطرح شده است. او گفته است: «همانگونه که در تنظیم بودجه باید علاوه بر تعادل و تأمین مالی دولت، به تأمین مالی خانوار و بنگاه اقتصادی نیز فکر کنیم، در سیاست‌های پولی نیز باید همین رویکرد حاکم باشد؛ چرا که اگر سیاست‌های مالی تنها به تأمین بودجه دولت محدود شود و سیاست‌های پولی نیز به ابزاری برای تأمین مالی تصمیم‌گذاری تبدیل گردد، وضعیت از دهه گذشته سخت‌تر خواهد شد.»

احمد فاطمی عضو کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی نیز به دولت هشدار داده که افزایش پلکانی ۳۵ درصدی توهین به کارمندان است و تأکید کرد: «اگر دولت لایحه بودجه ۱۴۰۶ را با این رقم ارائه کند، مجلس در همان گام نخست با کلیات آن مخالفت کرده و لایحه را به دولت بازمی‌گرداند.»

در مقابل دولت در بخشنامه بودجه ادعای تمرکز بر سه محور «ثبات، تاب‌آوری و بازسازی» و کنترل ناترازی انرژی، و همچنین محدود کردن هزینه‌های جاری، استخدام‌ها و بودجه شرکت‌های دولتی را مطرح کرده است.

این رقابت و اختلاف در شرایط بحرانی اقتصاد ایران از یکسو به علت رقابت‌های سیاسی و تسویه حساب‌های بین‌جناحی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، رقابت مافیاهای اقتصادی که مقامات دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به آنها متصل و وابسته هستند بر سر کسب منابع و منافع بیشتر است.

در این میان علی قنبری اقتصاددان و استاد دانشگاه و نزدیک به جریان اصلاح‌طلب اعلام کرده که در روزهای گذشته رقابت شدیدی میان خواست مجلس برای افزایش اعتبارات دستگاه‌ها و نهادهای مختلف با پافشاری دولت بر انضباط مالی شکل گرفته است. علی قنبری معتقد است، نمایندگان مجلس تحت فشار مطالبات مردمی مایل به افزایش هزینه‌های دولتی هستند، اما دولت به دلیل کاهش درآمدهای واقعی و خطر تشدید کسری بودجه، در برابر این هزینه‌تراشی‌ها مقاومت می‌کند.

علی قنبری همچنین اختلافات سیاسی و تسویه حساب‌های جناحی را مانعی برای بودجه‌ریزی منطقی ارزیابی کرده و خواستار کنترل هزینه‌های غیرضروری و همراهی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با محدودیت‌های درآمدی دولت شده است.

مهدی پازوکی، اقتصاددان و استاد دانشگاه، نیز معتقد است با رسیدن درآمدهای نفتی به حداقل و محدودیت منابع مالیاتی، راهکار مهار کسری بودجه نه خلق پول و استقراض پرهزینه، بلکه جراحی هزینه‌ها از طریق حذف ردیف‌های زائد، فروش اموال مازاد و لغو معافیت‌های مالیاتی خاص است.

مهدی پازوکی گفته، دولت باید کاهش هزینه‌ها را از خودش شروع کند: «باید از خود نهاد ریاست جمهوری شروع کرد. در این مجموعه نیز ردیف‌هایی وجود دارد که ضرورت و کارکرد آنها باید مورد بررسی قرار گیرد؛ از جمله مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت و برخی شوراها و مجموعه‌هایی که مشخص نیست با چه توجیهی همچنان از منابع عمومی استفاده می‌کنند.»

او همچنین با اشاره به بودجه هنگفت مجلس شورای اسلامی گفته: «بودجه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۱ حدود هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود، اما در بودجه سال ۱۴۰۵ به بیش از ۱۱ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده است. این یعنی بودجه مجلس در این فاصله بیش از شش برابر شده است. از یک طرف، لایحه بودجه دولت به مجلس می‌رود و از طرف دیگر، نمایندگان بودجه دستگاه‌های مرتبط با خود را افزایش می‌دهند.»



این اقتصاددان افزوده: «بخشی از نمایندگان بجای ارائه راهکار برای اداره بهتر کشور، با افزایش هزینه‌های دولت، فشار بیشتری به منابع عمومی وارد می‌کنند. نمی‌توان از یک طرف دولت را به دلیل تورم مورد انتقاد قرار داد و از طرف دیگر، در فرآیند تصویب بودجه، هزینه‌های جدیدی به آن تحمیل کرد.اگر قرار است شرایط دشوار ادامه پیدا کند، باید در ساختار بودجه بازنگری اساسی صورت گیرد.»

مهدی پازوکی با اشاره به پیامدهای اقتصادی تداوم مخارج غیرضروری دولت گفت: «در علم اقتصاد کلان، وقتی درآمدهای دولت کاهش پیدا می‌کند، اما مخارج آن همچنان افزایش می‌یابد، نتیجه چیزی جز تشدید کسری بودجه نیست. کسری بودجه نیز در صورت تأمین از مسیر خلق پول و افزایش نقدینگی، به تورم بیشتر و کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود.»

او هشدار داده: «این اتفاق در نهایت به ضرر طبقات کم‌درآمد، مستضعفان و حاشیه‌نشینان تمام می‌شود. بر اساس گزارشی که بانک مرکزی منتشر کرده، رشد نقدینگی در سال ۱۴۰۵ بیش از ۵۳ درصد بوده است. بنابراین، در شرایطی که منابع درآمدی دولت تحت فشار قرار دارد، افزایش هزینه‌های عمومی می‌تواند وضعیت تورمی کشور را دشوارتر کند.»

هشدار درباره بحران‌های چندگانه اقلیمی در ایران

مهدی زارع کارشناس ارشد پژوهشکده زلزله‌شناسی ایران توضیح داده، در یک دهه اخیر، بخش‌های شرقی و جنوب شرقی ایران از جمله مناطق مهم درگیر با مخاطرات اقلیمی بوده‌اند. او افزوده، بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان، کرمان و زاهدان سکونت دارند که بسیاری از آنها در مناطق خشک و کم‌آب قرار گرفته‌اند.

کارشناس ارشد پژوهشکده زلزله‌شناسی ایران با بیان اینکه کسری منابع آب کشور همچنان گسترده است و با بارندگی‌های ناشی از پدیده «النینو» برطرف نمی‌شود گفته: «وضعیت سدهای کشور نیز نشان می‌دهد که همچنان بخش قابل توجهی از ظرفیت آنها خالی است و در برخی گزارش‌ها میزان خالی بودن مخازن بیش از ۵۰ درصد عنوان شده است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اول آبان امسال گزارش داد که بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور درگیر خشکسالی بوده و ۶۴ درصد از این شهروندان با خشکسالی شدید روبرو هستند.



مهدی زارع، کارشناس ارشد پژوهشکده زلزله‌شناسی ایران، هشدار داده کشور در شرایط تنش آبی و خشکسالی قرار دارد و همزمان با مخاطرات چندگانه اقلیمی متعددی مواجه است؛ همچنین کمبود منابع آب همچنان بحران‌زا است و کسری آب به‌سادگی و با چند بارندگی جبران نمی‌شود.

مهدی زارع توضیح داده که در یک دهه اخیر، بخش‌های شرقی و جنوب شرقی ایران از جمله مناطق مهم درگیر با مخاطرات اقلیمی بوده‌اند. او افزوده، بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان، کرمان و زاهدان سکونت دارند که بسیاری از آن‌ها در مناطق خشک و کم‌آب قرار گرفته‌اند.

این استاد دانشگاه با هشدار درباره اینکه خشکسالی‌های بلندمدت و تغییرات شدید اقلیمی در دوره‌های مختلف، از عوامل تأثیرگذار بر تضعیف و فروپاشی برخی تمدن‌ها و ملت‌ها بوده، گفته است: «در تاریخ تمدن‌های مختلف، از جمله تمدن‌های آمریکای مرکزی، بین‌النهرین و سومر، شواهدی از تأثیر خشکسالی‌های طولانی‌مدت بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مشاهده می‌شود. برخی از این تمدن‌ها در دوره‌هایی از تاریخ به قدرت و شکوفایی قابل توجهی رسیده بودند، اما تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی به‌تدریج زمینه تضعیف آنها را فراهم کرد.»

او شرایط اقلیمی امروز ایران را هشدارآمیز ارزیابی کرده و گفته: «بررسی مطالعات و مقالات علمی نشان می‌دهد که در دوره‌های پیش رو، فراوانی و مدت زمان وقوع دوره‌های گرم افزایش خواهد یافت. همچنین فراوانی خشکسالی‌ها بیشتر می‌شود و در کنار آن، در برخی مناطق شاهد افزایش بارش‌های سنگین خواهیم بود؛ به‌ویژه در بخش‌هایی از رشته‌کوه زاگرس، در حالی که در بعضی مناطق دیگر کاهش نسبی بارش پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس، کشور همچنان در شرایط تنش آبی و خشکسالی قرار دارد و با مخاطرات اقلیمی متعددی مواجه است. افزایش تکرار دوره‌های گرمای شدید، وقوع بارش‌های سنگین و هم‌زمانی برخی مخاطرات، نشان می‌دهد که ایران با شرایط پیچیده و گاه چندگانه اقلیمی روبرو است.»

کارشناس ارشد پژوهشکده زلزله‌شناسی ایران با بیان اینکه کسری منابع آب کشور همچنان گسترده است و با بارندگی‌های ناشی از پدیده «النینو» برطرف نمی‌شود توضیح داد: «صرف وقوع بارندگی نمی‌تواند به معنای پایان خشکسالی باشد. وضعیت سدهای کشور نیز نشان می‌دهد که همچنان بخش قابل توجهی از ظرفیت آن‌ها خالی است و در برخی گزارش‌ها میزان خالی بودن مخازن بیش از ۵۰ درصد عنوان شده است. بنابراین برای ارزیابی وضعیت منابع آبی کشور باید به شرایط ذخایر آب، حجم تجمعی بارش‌ها و میزان کسری منابع توجه کرد و نمی‌توان صرفاً با مشاهده چند بارندگی، درباره پایان خشکسالی نتیجه‌گیری کرد.»

مهدی زارع تأکید کرده: «کسری آب به‌سادگی و با چند سال بارندگی جبران نمی‌شود. از سوی دیگر، میزان مصرف آب همچنان بالاست و به‌ویژه در شهرهای بزرگ، استفاده از منابع آب در بسیاری از موارد کارآمد و بهینه نیست. تداوم این روند می‌تواند شرایط ناپایداری منابع آبی را تشدید کند. برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و تغییر شرایط محیطی می‌تواند پیامدهای دیگری نیز به دنبال داشته باشد. در برخی مناطق، از جمله بخش‌هایی از خوزستان، مشکلات ناشی از رسوبات تبخیری، آلودگی منابع آب و سایر آسیب‌های محیطی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.»

او همچنین گفته: «یکی از نکات مهم در شرایط اقلیمی کنونی، وقوع بارش‌های سنگین و سیلاب‌های ناگهانی در دوره‌های خشکسالی است. برای مثال، در آبان‌ماه مواردی از وقوع آب‌گرفتگی و سیلاب در مشهد گزارش شد که طی حدود ۴۸ ساعت، پیامدهایی مانند آبگرفتگی معابر، زمین‌لغزش در جاده‌ها و اختلال در مسیرهای شهری را به همراه داشت. این حوادث نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که کشور با کمبود منابع آب و خشکسالی مواجه است، خطر بارش‌های شدید و سیلاب‌های ناگهانی نیز وجود دارد و باید برای مدیریت همزمان این مخاطرات برنامه‌ریزی کرد.»

نیمه آبان‌ماه جاری و در شرایطی که بارش‌های شدید ناشی از پدیده «النینو» در ۲۵ استان ایران رخ داده بود، علی پوراحمد، معاون فنی و بهره‌برداری شرکت مدیریت منابع آب ایران اعلام کرد: «افزایش مقطعی بارش‌ها به معنای برطرف شدن مشکلات آب کشور نیست؛ چراکه ما همچنان با ناترازی [کمبود] انباشته و افت مستمر سطح آبخوان‌ها مواجه هستیم و برخی آبخوان‌ها حتی با وقوع چندین سال ترسالی مناسب نیز به شرایط گذشته بازنمی‌گردند.»

او افزوده بود، با وجود بارش‌های گسترده اما همچنان استان‌های خراسان «رضوی»، یزد و سیستان و بلوچستان بارشی کمتر از میزان نرمال دارند.

عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب کشور، نیز پیش از بارندگی‌های اخیر اعلام کرده بود: «نمی‌توان انتظار داشت عقب‌ماندگی مزمن منابع آب کشور در مدت کوتاهی جبران شود». او گفته بود: «در برخی برآوردها میزان کسری مخازن آب زیرزمینی کشور بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب است و حدود ۷۰ درصد تالاب‌های کشور نیز در معرض تهدید خشکسالی یا خشک‌شدن قرار دارند.»

گزارش شاخص «کاهش ذخیره آب در خشکی» که به تازگی از سوی سازمان جهانی هواشناسی منتشر شده نشان می‌دهد وضعیت خشکسالی در ایران بحرانی‌تر شده است.

همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اول آبان امسال گزارش داد که بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور درگیر خشکسالی بوده و ۶۴ درصد از این شهروندان با خشکسالی شدید روبرو هستند. در این گزارش آمده بود، با وجود افزایش ۸۰ درصدی میانگین بارش کشور در پاییز نسبت به مدت مشابه سال قبل، توزیع نامتوازن بارندگی و افزایش دما موجب تداوم خشکسالی در بخش گسترده‌ای از کشور شده است؛ بطوری که ۶۴/۲ درصد جمعیت ایران در مناطق دارای خشکسالی بسیار شدید قرار داشته‌اند.

قتل «ناموسی» سوگند؛ مردان قاتل متکی بر حمایت جمهوری اسلامی





قتل سازمانیافته سوگند صیادی، دختر نوجوان ۱۶ ساله توسط پدرش در کرمانشاه، بیانگر روند تکاندهنده‌ای است که نشان می‌دهد ساختار آموزشی جمهوری اسلامی در کنار فرهنگ مردسالارانه تعمیق شده توسط حکومت چگونه آمار زن‌کشی و خشونت علیه زنان را افزایش داده است.

مدیر مدرسه پس از آگاهی از رابطه عاطفی سوگند با همکلاسی‌اش، پدر او را به مدرسه فراخواند. سوگند در حالی که به مدیر و دیگر مسئولان مدرسه هشدار داده بود که پدرش او را بارها به قتل تهدید کرده و او را خواهد کشت، توسط مدیر مدرسه به پدرش سپرده شد.

پس از موجی از خشم عمومی، حمیدرضا کریمی، دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه، از تشکیل پرونده قضایی و بازداشت پدر سوگند به اتهام «ضرب و جرح» و «فعلا قتل» و همچنین بازداشت مدیر مدرسه به اتهام «قصور و سهل‌انگاری» خبر داد.

این در حالیست که در موارد متعدد مشابه «قتل ناموسی» در نهایت فرضیه قتل به حاشیه رانده شده و یا در صورت وجود شواهد غیرقابل انکار، قاتل که از مردان درجه یک خانواده مقتول بوده پس از مدتی زندان آزاد شده است!

بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، پدر و اجداد پدری در صورت قتل عمدی فرزند از قصاص معاف هستند و طبق ماده ۶۱۲ این قانون، در صورت احراز شرایط قانونی، ممکن است به سه تا ۱۰ سال حبس محکوم شوند.

از ابتدای فروردین‌ماه تا ۲۱ مهرماه ۱۴۰۵، دست‌کم ۸۴ زن در نقاط مختلف ایران به قتل رسیده‌اند که در ۷۵ مورد، عامل قتل از آشنایان قربانی بوده است. ۱۲ نفر از قربانیان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند که هشت نفر از آنان به دست پدر، برادر یا دیگر خویشاوندان خونی خود کشته شده‌اند.

قتل سازمانیافته یک دختر نوجوان ۱۶ ساله توسط پدرش در کرمانشاه، بار دیگر نبود قوانین حمایتی از زنان در برابر «قتل ناموسی» و «خشونت خانگی» را برجسته کرده است.

سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله اهل گیلانغرب و ساکن کرمانشاه، در تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۵ پس از سقوط از طبقه پنجم یک ساختمان مسکونی در کرمانشاه جان باخت. پشت این خبر اما روند تکاندهنده‌ای است که نشان می‌دهد ساختار آموزشی جمهوری اسلامی در کنار فرهنگ مردسالارانه تعمیق شده توسط حکومت چگونه آمار زن‌کشی و خشونت علیه زنان را افزایش داده است.

بر اساس جزییات اعلام شده از این قتل تکاندهنده، ۲۳ آبان‌ماه جاری مدیر دبیرستان «رضوان» پس از اطلاع از رابطه عاطفی سوگند با همکلاسی‌اش، پدر او را به مدرسه فراخوانده است. سوگند هشدار داده بود که پدرش بارها او را تهدید به قتل کرده و در صورت اطلاع از ارتباط عاطفی سوگند و همکلاسی‌اش قطعا او را می‌کشد. پدر سوگند پس از حضور در مدرسه دخترش را مورد ضرب و جرح شدید قرار می‌دهد بطوری که به گفته شاهدان، او پس از آنکه برای برداشتن وسایلش به کلاس بازگشته، صورتش خون‌آلود بوده و خطاب به دوستانش گفته: «اگر به خانه بروم، پدرم مرا می‌کشد». مدیر مدرسه اما بی‌اعتنا به هشدارهای این دختر نوجوان او را به زور با پدر به خانه می‌فرستد و ساعاتی بعد خبر کشته شدن این دختر در حالی که تلاش شده خودکشی یا حادثه نشان داده شود، منتشر می‌شود.

انتشار این خبر در کنار انتشار ویدئویی از مراسم خاکسپاری پیکر سوگند که به گفته برخی از منابع آگاه، پدر قاتل در حال خواندن نماز بر پیکر دختر مقتول‌اش است، موجی از واکنش را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. پایگاه خبری «الف» ادعا کرده، مردی که در حال خواندن نماز است دایی سوگند بوده و پدرش در مراسم حضور نداشته است.

بهتاش خانی‌آباد، مدیرکل پزشکی قانونی استان کرمانشاه، اعلام کرده: «در این پرونده صدمات متعددی از جمله شکستگی دست و پا، شکستگی جمجمه و شکستگی دندان مشاهده شده است و علت فوت بر اساس بررسی‌های پزشکی قانونی، صدمات متعدد ناشی از سقوط از ارتفاع اعلام شده است.»

پس از برانگیخته شدن خشم عمومی، حمیدرضا کریمی، دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه، از تشکیل پرونده قضایی و بازداشت پدر سوگند به اتهام «ضرب و جرح» و «فعلا قتل» و همچنین بازداشت مدیر مدرسه به اتهام «قصور و سهل‌انگاری» خبر داد.

دادستان کرمانشاه مدعی شده: «در حال حاضر تحقیقات قضایی و بررسی‌های تخصصی با هدف مشخص شدن علت فوت و تعیین دقیق چگونگی وقوع حادثه، از جمله بررسی فرضیه‌های قتل یا خودکشی، در حال انجام است و تا پیش از تکمیل تحقیقات و اعلام نتایج کارشناسی، نمی‌توان درباره علت قطعی این اتفاق اظهار نظر کرد.»

این در حالیست که در موارد متعدد مشابه «قتل ناموسی» در نهایت فرضیه قتل به حاشیه رانده شده و یا در صورت وجود شواهد غیرقابل انکار، قاتل که از مردان درجه یک خانواده مقتول بوده پس از مدتی از زندان آزاد شده است!

از سوی دیگر، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه در اطلاعیه‌ای فرافکنانه ادعا کرده که پدر با مراجعه به مدرسه درخواست پرونده تحصیلی دخترش برای انتقال به شهرستان گیلانغرب را کرده و ساعت ۹/۰۵ دقیقه همراه با سوگند مدرسه را ترک کرده‌اند. این اطلاعیه ادعا کرده که «حادثه فوت سوگند در ساعات عصر و خارج از مدرسه، در منزل پدری رخ داده است.»

قتل سوگند به دست پدرش از جمله موارد متعدد زن‌کُشی است که بخش عمده آنها به «قتل ناموسی» معروف شده است. آمارها نشان می‌دهد در ماه‌های گذشته موارد ثبت و گزارش شده از قتل‌های ناموسی افزایش یافته است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده، از ابتدای فروردین‌ماه تا ۲۱ مهرماه ۱۴۰۵، دست‌کم ۸۴ زن در نقاط مختلف ایران به قتل رسیده‌اند که در ۷۵ مورد، عامل قتل از آشنایان قربانی بوده است. در ۴۵ پرونده، همسر، همسر سابق یا شریک عاطفی فعلی یا پیشین به عنوان عامل قتل معرفی شده است.

این گزارش افزوده که ۱۲ نفر از قربانیان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند که هشت نفر از آنان به دست پدر، برادر یا دیگر خویشاوندان خونی خود کشته شده‌اند.

بر اساس این گزارش، تنها در ۲۱ روز نخست مهرماه، دست‌کم ۱۸ مورد قتل زنان گزارش شده که در ۱۰ پرونده، رد درخواست ازدواج یا رابطه عاطفی و تصمیم زنان برای جدایی از انگیزه‌های وقوع قتل بوده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در واکنش به قتل سوگند صیادی با محکوم کردن عملکرد مسئولان مدرسه، خواستار پاسخگویی وزارت آموزش‌وپرورش و لغو قوانین تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار علیه دانش‌آموزان شد.

این بیانیه مسئولان مدرسه را متهم کرده است که با وجود هشدارهای این نوجوان درباره احتمال کشته شدن به دست پدرش، او را در معرض خشونت قرار داده‌اند.

کارشناسان نیز نسبت به قوانین ناکارآمد و ساختاری که بسترساز اعمال خشونت علیه زنان و ترویج قتل ناموسی است هشدار می‌دهند.

مهدی حجتی، وکیل پایه یک دادگستری، تکرار پدیده جنایی فرزندکشی در چند سال اخیر را بسیار نگران‌کننده خواند و گفت که غالب قربانیان این جنایت دختران هستند.

مهدی حجتی گفته: «تصور مالکیت بر فرزندان و تصورِ داشتن اختیار تام تا حد تصمیم‌گیری در مورد حیات و ممات اعضای خانواده، در بخشی، ریشه در عرف و فرهنگ و سنت‌های حاکم در برخی از مناطق کشور دارد و در بخش دیگری ریشه در فقر فرهنگی و عدم اهتمام دولت در آموزش و تغییر دیدگاه‌ها بالاخص در خرده فرهنگ‌های مناطق خاصی در کشور دارد که پدر یا مرد یک خانواده را برای موضوع مشخصی، زیر فشار افکار عمومی آن منطقه قرار داه و به او شابلون بی‌غیرت می‌زند و به همین دلیل، فرد متهم به بی‌غیرتی و عدم تعصب، برای فرار از چنین انگی و گاه علیرغم میل باطنی، دست به جنایت می‌زند و به تصور خود آبروی از دست رفته خویش را بازگردانده و مورد تحسین مردم آن شهر یا منطقه نیز قرار می‌گیرد.»

صبا شمس، وکیل دادگستری، در گفتگو با خبرگزاری «رکنا» خواستار اصلاح مواد ۳۰۱ و ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی و تعیین مجازاتی مستقل و بازدارنده برای قتل عمدی فرزندان به دست پدران شد.

بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، پدر و اجداد پدری در صورت قتل عمدی فرزند از قصاص معاف هستند و طبق ماده ۶۱۲ این قانون، در صورت احراز شرایط قانونی، ممکن است به سه تا ۱۰ سال حبس محکوم شوند.

این وکیل دادگستری با تأکید بر اینکه «پدر بودن، مسئولیت و تکلیف ایجاد می‌کند، نه حق سلب حیات از فرزند»، خواستار مداخله فوری مدارس و نهادهای حمایتی در موارد تهدید کودکان شد.

لیلا مهرابی، کارشناس مطالعات زنان، پیشتر با بیان اینکه یکی از خطاهای رایج در تحلیل قتل‌های خانوادگی، نسبت دادن جنایت به آخرین اختلاف یا مشاجره میان اعضای خانواده است، گفته است: «درخواست طلاق، مخالفت با ازدواج اجباری یا اختلافات مالی و عاطفی، به خودی خود نمی‌تواند توجیهی برای قتل باشد. چنین روایت‌هایی ممکن است مسئولیت مرتکب را کمرنگ کنند و خشونت را به واکنشی قابل فهم در برابر رفتار قربانی تقلیل دهند.»

این کارشناس مطالعات زنان افزوده است: «در بسیاری از موارد، مسئله اصلی فراتر از یک اختلاف خانوادگی است و باید آن را در بستر باور به حق کنترل و مالکیت بر زندگی دیگری بررسی کرد. زمانی که یک فرد برای خود حق تصمیم‌گیری درباره رفت و آمد، پوشش، ارتباطات و انتخاب‌های همسر یا دخترش قائل می‌شود، استقلال طرف مقابل ممکن است به تهدیدی علیه اقتدار او تبدیل شود. در چنین شرایطی، مخالفت با خواسته‌های فرد سلطه‌گر یا تلاش برای خروج از رابطه خشونت‌آمیز می‌تواند خطر خشونت را تشدید کند.»

وی همچنین تأکید کرده، تهدید، ضرب و شتم، حبس، تعقیب و محدود کردن ارتباطات فرد، شیوه‌هایی برای تحمیل اراده هستند و نباید تحت عنوان اختلاف زناشویی یا مسائل خصوصی خانواده عادی‌سازی شوند. به گفته او، استفاده از اصطلاحاتی مانند «قتل ناموسی» نیز نباید به پنهان شدن ماهیت خشونت منجر شود؛ زیرا هیچ توجیه فرهنگی، خانوادگی یا عاطفی نمی‌تواند قتل را به اقدامی قابل قبول تبدیل کند.

اینهمه در حالیست که لایحه «منع خشونت علیه زنان» که تنها طرح کارآمد- البته روی کاغذ- برای حمایت از حقوق زنان و حفاظت از آنها در برابر خشونت‌های خانگی و اجتماعی بوده، بیش از یک دهه است که معطل تصویب و اجرا مانده؛ این طرح بارها دچار تغییر نام و محتوا شده، در آخرین تحولات، اوایل سال ۱۴۰۴، توسط دولت از مجلس شورای اسلامی پس گرفته شد. تغییرات مکرر مجلس دوازدهم از جمله تغییر نام به «حفظ و ارتقای کرامت زنان و خانواده» و حذف واژه «خشونت»، دلیل این استرداد عنوان شده است.

لایحه مربوطه در اردیبهشت ۱۳۹۵ از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه و در آذر ۱۳۹۶ نیز کلیات آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد اما همچنان «اندر خم یک کوچه» باقی مانده و تصویب نشده است.

«روزنامه اطلاعات» نیز با واکنش به عدم اجرای قوانینی برای حمایت از زنان نوشته است: «سال‌هاست از «لایحه منع خشونت علیه زنان» صحبت می‌کنیم؛ لایحه‌ای که قرار بود برای پیشگیری از خشونت، حمایت از زنان در معرض خطر و برخورد با مرتکبان، سازوکارهای قانونی مشخصی فراهم کند. اما این لایحه سال‌ها میان دولت و مجلس دست‌به‌دست شد و حتی بر سر واژه‌های به‌کاررفته در عنوان آن نیز، اختلاف‌نظر وجود دارد.»

این مطلب افزوده: «وقتی حتی بر سر به رسمیت شناختن مفهوم خشونت اختلاف وجود دارد، چگونه می‌توان انتظار داشت قربانیان از حمایت مؤثر برخوردار باشند؟ درواقع، خشونت با تغییر نام، تغییر کاربری نمی‌دهد!»

روزنامه اطلاعات نوشته: «شاید مهم‌ترین کار امروز تبدیل نکردن خبر مرگ سوگند، به یک خبر کوتاه دیگر باشد؛ شاید وقت آن رسیده که لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت را به سرانجام برسانیم، ساز و کارهای حمایت از دختران را جدی بگیریم و برای پیشگیری از حادثه بعدی کاری انجام دهیم؛ نه اینکه هربار که دختری در این کشور جان خود را از دست داد، تازه یادمان بیفتد که باید کاری می‌کردیم!»

تشدید بحران کمبود سوخت؛ هشدار درباره توقف تولید و فلج شدن اقتصاد

- **آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران گفته: «تولید گاز کشور بسیار محدود شده و همین موضوع احتمال کاهش و قطع آن در زمستان را بیشتر کرده» و از مردم خواسته که با توجه به شرایط کمبود شدید گاز، مردم به فکر تهیه سیلندر و کپسول‌های گاز باشند.**
- **روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده، کسری گاز در روزهای اوج مصرف در زمستان امسال ممکن است به حدود ۴۳۰ میلیون مترمکعب در روز برسد و جبران این شکاف بدون تحمیل هزینه به صنایع، نیروگاه‌ها، محیط زیست یا شبکه خانگی ممکن نیست.**
- **بخش صنعت و نیروگاه‌ها با محدودیت در دریافت سهمیه گاز روبرو هستند. مازوت‌سوزی بجای گاز در نیروگاه‌ها و برخی صنایع سبب تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها و شهرهای صنعتی شده بطوری که شهر تهران در هفته گذشته دومین شهر آلوده جهان شد.**
- **بیت‌الله عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از ناتوانی مسئولان در تأمین برق و گاز صنایع گفته است، کمبود انرژی به بحرانی تبدیل شده که مقام‌های حکومتی تنها در «شعارهای تلویزیونی» به آن می‌پردازند.**
- **محمدمهدی بهکیش، اقتصاددان، با اشاره به اینکه «صادرات نفت تقریباً متوقف شده و مشکلات پالایشگاه‌ها و یارانه‌های پنهان انرژی، تأمین برق و گاز صنایع را تهدید می‌کند»، هشدار داده است: «در نتیجه این اختلالات، کشور در روزهای آینده در بخش انرژی شامل برق و گاز با مشکلات بسیار جدی مواجه خواهد شد و اگر توان تأمین برق و گاز کارخانه‌ها وجود نداشته باشد، همین چرخ نیمه‌فعال و لنگان تولید نیز بطور کامل متوقف خواهد شد.»**

بحران کمبود گاز در ایران وارد مرحله جدیدی شده است. در اقدامی بی‌سابقه شرکت گاز در پایتخت گاز شش ساختمان دولتی از جلمه یک وزارتخانه را به علت عدم صرفه‌جویی در مصرف گاز قطع کرده است. رئیس کمیسیون اتاق بازرگانی از شهروندان خواسته برای روزهای احتمالی قطع گاز، سیلندر و کپسول گاز تهیه کنند. بیشترین فشار کمبود گاز بر صنایع تحمیل شده و یک اقتصاددان با اشاره به بحران کمبود گاز و دیگر مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی نسبت به خاموش شدن خطوط تولید و فلج شدن اقتصاد کشور هشدار داده است.

شرکت گاز استان تهران از قطع جریان گاز وزارت آموزش و پرورش و پنج ساختمان دولتی دیگر به دلیل رعایت نکردن دستورالعمل‌های مدیریت مصرف خبر داده است. ادارات و ساختمان‌های دولتی موظف هستند وسایل گرمازا را در درجه حرارت مشخصی طی ساعات کار اداری تنظیم کرده و در ساعات غیراداری نیز وسایل گرمازا را کاملا خاموش کنند.

با اینکه ایران دارای دومین ذخایر گاز طبیعی جهان

است اما به علت عدم سرمایه‌گذاری مولد در صنعت نفت و پتروشیمی، در سال‌های گذشته کمبود گاز در فصل سرد سال مشکل‌ساز بوده است. در این میان امسال به علت آسیب به بخشی از زیرساخت‌های صنعت نفت در جریان حملات نظامی آمریکا و اسرائیل، کمبود گاز مرزهای بحران را رد کرده است. بخش‌های مختلف صنعت با قطع کامل یا جیره‌بندی گاز روبرو هستند و به گفته مقامات دولتی تأمین گاز بخش خانگی در ۱۱ استان با مشکل روبروست و احتمال قطع گاز در استان‌های شمالی کشور وجود دارد.

قاسم نوده‌فراهانی، رئیس اتاق اصناف ایران هشدار داد سه استان گلستان، مازندران و خراسان شمالی در روزهای اوج مصرف با احتمال قطعی گاز روبه‌رو خواهند شد و تدابیر مدیریت مصرف باید از هم‌اکنون در دستور کار قرار گیرد.

عبدالله مهرگان، نماینده شرکت ملی گاز ایران، نیز توضیح داد که حدود ۷۰ درصد گاز کشور از جنوب تأمین و با خطوط انتقال منتقل می‌شود؛ سه استان گلستان، مازندران و خراسان شمالی چون در انتهای خطوط انتقال قرار دارند، در سرما و اوج مصرف بیش از دیگر مناطق در معرض قطع گاز و افت شدید فشار قرار خواهند گرفت.

از سوی دیگر آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با اعلام اینکه «از ماه‌ها پیش در مورد ناترازی گاز و احتمال قطع آن در برخی نقاط کشور هشدار دادیم»، گفته: «در حال حاضر میزان کسری گاز ۴۰۰ میلیون مترمکعب است.»

وی افزوده: «تولید گاز کشور بسیار محدود شده و همین موضوع احتمال کاهش و قطع آن در زمستان را بیشتر کرده». آرش نجفی از مردم خواسته که با توجه به شرایط کمبود شدید گاز، مردم به فکر تهیه سیلندر و کپسول‌های گاز باشند. او همچنین استفاده از سوخت‌های جایگزین را در شهرک‌های صنعتی و واحدهای صنفی پرمصرف ضروری دانست.

روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده کسری گاز در روزهای اوج مصرف در زمستان امسال ممکن است به حدود ۴۳۰ میلیون مترمکعب در روز برسد و جبران این شکاف بدون تحمیل هزینه به صنایع، نیروگاه‌ها، محیط زیست یا شبکه خانگی ممکن نیست.

همانطور که «دنیای اقتصاد» گزارش داده، بخش صنعت و نیروگاه‌ها با محدودیت در دریافت سهمیه گاز روبرو هستند. مازوت‌سوزی بجای گاز در نیروگاه‌ها و برخی صنایع سبب تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها و شهرهای صنعتی شده بطوری که شهر تهران در هفته گذشته دومین شهر آلوده جهان شد.

قطع کامل گاز در برخی صنایع مانند صنایع سیمان از ابتدای آبان‌ماه جاری آغاز شده و بخشی از شهرک‌های صنعتی نیز با محدودیت قطع گاز در ساعاتی از شبانه‌روز روبرو هستند. واحدهای صنعتی از مدت‌ها پیش با بحران‌های ناشی از رکود تورمی مزمن درگیر بودند و در ماه‌های گذشته محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده نیز بر مشکلات آنها افزوده است. در چنین شرایطی قطع یا کاهش سوخت می‌تواند تداوم فعالیت صنایع را با چالش جدی روبرو کند. یت‌الله عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از ناتوانی مسئولان در تأمین برق و گاز صنایع گفته است، کمبود انرژی به بحرانی تبدیل شده که مقام‌های حکومتی تنها در «شعارهای تلویزیونی» به آن می‌پردازند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده: «برق و گاز صنایع نباید به بهای حفظ روشنایی خانه‌ها قطع شود، زیرا تعطیلی کارخانه‌ها بطور مستقیم معیشت کارگران را تهدید می‌کند.»

بیت‌الله عبدالهی همچنین از مشکلات گسترده واحدهای تولیدی برای تامین سوخت جایگزین، از جمله گازوییل، خبر داده و خواستار تغییر رویکرد وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، نیرو و نفت شده است.

محمدمهدی بهکیش، اقتصاددان، در گفتگو با وبسایت «اقتصادنیوز» نیز با اشاره به بحران‌های انباشته در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور گفته است: «قبل از وقوع جنگ، مجموع واردات کشور از مرزهای زمینی و دریای خزر حداکثر ۲۵ تا ۳۰ میلیون تن در سال بوده است. این در حالی است که حجم واردات و صادرات از بنادر جنوبی کشور حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون تن بوده است؛ به این معنی که مجموع مرزهای زمینی به همراه دریای خزر حداکثر یک‌ششم کل واردات و صادرات کشور را تشکیل می‌داده است. بنابراین حدود ۸۰ درصد از واردات و صادرات کشور از مرزهای جنوبی انجام می‌شده که متأسفانه مدت زیادی است این مسیرها مسدود شده‌اند.»

به گفته محمدمهدی بهکیش، «در یکی دو ماه آینده احتمال بروز مشکلات جدی بسیار بالا خواهد بود. کارخانه‌ها عموماً ذخایر خود را مصرف کرده‌اند و موضوع مهم‌تر این است که برای مثال، انبارهای کارخانه‌های فعال پتروشیمی به دلیل عدم امکان صادرات، از محصول پر شده است. تنها مقدار کمی از تولیدات صرف نیاز داخلی می‌شود که آنهم به دلیل افزایش قیمت‌ها، با کاهش شدید تقاضا در داخل مواجه شده است. بسیاری از کارخانه‌ها دیگر فضایی در انبارهای خود برای نگهداری تولیدات جدید ندارند و بر اساس شنیده‌ها، برخی از واحدهای پتروشیمی هم‌اکنون با حدود ۱۰ درصد ظرفیت خود فعالیت می‌کنند و ممکن است به زودی مجبور به توقف کامل خطوط تولید خود شوند.»



او افزوده است: «کارخانه‌ها نیز به همین ترتیب توان پرداخت حقوق ماهانه را نخواهند داشت؛ کارخانه‌ای که با ۱۰ درصد ظرفیت کار می‌کند یا در آستانه تعطیلی است، حداکثر یک یا دو ماه می‌تواند حقوق بپردازد و پس از آن مجبور به تعدیل [اخراج] و بیکار کردن پرسنل خواهد شد که این امر کشور را با موجی بسیار گسترده از بیکاری مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، تأمین نیازهای اولیه خوراکی نیز با مشکل مواجه می‌شود که هم‌اکنون نیز شده است؛ در پی آن ابتلا به بیماری‌ها در جامعه افزایش یافته و هزینه‌های درمان بر بودجه بهداشت و درمان کشور بار می‌شود و فشار سنگینی به بیمارستان‌ها و بخش پزشکی وارد می‌گردد.»

محمدمهدی بهکیش توضیح داده است: «اختلال واردات دارو، نهاده‌های تولید و کالاهای اساسی، هم‌زمان با کاهش تقاضا، تورم و رکود را تشدید می‌کند. کارخانه‌های کم‌فعالیت حداکثر یکی‌دو ماه توان پرداخت حقوق دارند و سپس تعدیل نیرو آغاز می‌شود؛ پیامدی که کمبود خوراک، بیماری و فشار بر درمان را افزایش می‌دهد.»

او با اشاره به اینکه «صادرات نفت تقریباً متوقف شده و مشکلات پالایشگاه‌ها و یارانه‌های پنهان انرژی، تأمین برق و گاز صنایع را تهدید می‌کند»، هشدار داده است: «در نتیجه این اختلالات، کشور در روزهای آینده در بخش انرژی شامل برق و گاز با مشکلات بسیار جدی مواجه خواهد شد و اگر توان تأمین برق و گاز کارخانه‌ها وجود نداشته باشد، همین چرخ نیمه‌فعال و لنگان تولید نیز بطور کامل متوقف خواهد شد.»

آغاز طرح جیره‌بندی نان؛ قمار دولت پزشکیان با سفره مردم

بر اساس گزارش‌ها، سهمیه نان هر فرد در روز ۲/۵ قرص نان در نظر گرفته شده و خرید نان بیشتر با قیمت غیریارانه‌ای یا همان نرخ آزاد محاسبه خواهد شد.

در استان زنجان سقف خرید نان برای هر شهروند حدود ۱۸۰ هزار تومان در ماه در نظر گرفته شده و پس از عبور از این سقف، قیمت نان با جهشی سنگین محاسبه خواهد شد؛ لواش از ۱۷۰۰ تومان به ۱۰۳۰۰ تومان، بربری از ۶۵۰۰ تومان به ۳۰ هزار تومان، سنگک از ۷ هزار تومان به ۳۲ هزار تومان و تافتان از ۲۷۰۰ تومان به ۱۷۶۰۰ تومان!

در شهر شادگان استان خوزستان رئیس اتحادیه نانوایان این شهر طرح سهمیه‌بندی نان را تأیید کرده و گفته خرید بیش از سقف تعیین‌شده با نرخ آزاد خواهد بود. قیمت نان لواش یارانه‌ای ۲ هزار و ۳۰۰ تومان و قیمت نان آزاد ۱۲ هزار و ۶۵۰ تومان اعلام شده است.

محدود کردن خانوارها در خرید نان در شرایط فقر گسترده که نان را به خوراک اصلی خانوارهای کم‌درآمد تبدیل کرده به معنای زدن تیر خلاص دولت به معیشت مردم است.

دولت اجرای چنین طرح‌هایی را با بهانه شفافیت در عرضه نان و جلوگیری از کم‌فروشی نانوایان و از همه مهمتر مبارزه با قاچاق آرد اعلام می‌کند. این در حالیست که مافیاهای وابسته به حکومت همچنان در حال ادامه قاچاق آرد هستند و هزینه فعالیت آنها به جیب و سفره مردم تحمیل می‌شود.



دولت بدون اعلام قبلی جیره‌بندی نان را در چند استان کشور آغاز کرده است. محدود کردن خانوارها در خرید نان در شرایط فقر گسترده که نان را به خوراک اصلی خانوارهای کم‌درآمد تبدیل کرده به معنای زدن تیر خلاص دولت به معیشت مردم است.

سهمیه‌بندی نان بدون اعلام قبلی و به صورت چراغ خاموش در چند استان ایران آغاز شده است. بر اساس گزارش‌ها سهمیه نان هر فرد در روز ۲/۵ قرص نان در نظر گرفته شده و خرید نان بیشتر با قیمت غیریارانه‌ای یا همان نرخ آزاد محاسبه خواهد شد.

برای نمونه قیمت نان لواش با نرخ یارانه‌ای ۲۳۰۰ تا ۲۸۰۰ تومان در استان‌های مختلف اعلام شده است. در صورتی که خانواری ماهانه بیش از جیره اعلام شده نان خریداری کند، باید برای هر قرص نان حدود ۱۳ هزار تومان پرداخت کند؛ یعنی حدود پنج برابر بیشتر!

منابع محلی در شهر اندیمشک گزارش دادند، بر اساس طرح جدید سهمیه‌بندی برای هر یک نفر در ماه ۷/۵ کیلوگرم آرد دولتی درنظر گرفته شده است. یک خانواده ۴ نفره در ماه ۲۷۲ تا ۲۸۰ قرص نان با سهمیه دولتی می‌تواند تهیه کند و مازاد بر این مقدار را با نرخ آزاد محاسبه خواهد شد.

گزارش دیگری از شهر زنجان اعلام کرده، در این استان سقف خرید نان برای هر شهروند حدود ۱۸۰ هزار تومان در ماه در نظر گرفته شده و پس از عبور از این سقف، قیمت نان با جهشی سنگین محاسبه خواهد شد؛ لواش از ۱۷۰۰ تومان به ۱۰۳۰۰ تومان، بربری از ۶۵۰۰ تومان به ۳۰ هزار تومان، سنگک از ۷ هزار تومان به ۳۲ هزار تومان و تافتان از ۲۷۰۰ تومان به ۱۷۶۰۰ تومان!

روزنامه «کیهان» چاپ تهران هم اجرای بدون ابلاغ طرح سهمیه‌بندی نان در دو استان خوزستان و زنجان را تأیید کرده و نوشته سهمیه‌بندی نان بدون توجیه نانوایان و مردم، موجب هجوم مردم برای تهیه نان و درگیری‌های لفظی مقابل نانوایی‌ها شده است.

روزنامه «کیهان» همچنین نوشته است، بر اساس این طرح سهمیه هر فرد در ماه حدود هشت کیلوگرم آرد با نرخ دولتی ۲۳۰۰ تومان است که در صورت خرید بیش از سقف تعیین شده، نان با نرخ آزاد ۱۲ هزار و ۶۵۰ تومان محاسبه و مازاد دریافت به حساب دولت واریز خواهد شد. با این حساب پس از اتمام سهمیه، مردم باید نان را به قیمت بیش از تقریبا پنج برابر نرخ فعلی آن خریداری کنند.

اینهمه در حالیست که دولت پزشکیان در اقدامی عجیب از سال گذشته اختیار تعیین قیمت نان را به استانداران سپرد. در نتیجه این تصمیم دولت، نرخ نان در سراسر کشور یکسان نیست و بر اساس مصوبات کارگروه آرد و نان هر استان، نوع آرد و وزن چانه تعیین می‌شود. برای مثال در پایتخت، نرخ مصوب نان لواش یارانه‌ای ۲۷۰۰ تومان و نان تافتون ۴۵۰۰ تومان است.

در شهر شادگان استان خوزستان نیز، رئیس اتحادیه نانوایان شادگان، در طرح جدید، سهمیه یارانه‌ای هر فرد از طریق کارتخوان‌های هوشمند محاسبه و کنترل می‌شود و خرید بیش از سقف تعیین‌شده با نرخ آزاد خواهد بود. قیمت نان لواش یارانه‌ای ۲ هزار و ۳۰۰ تومان و قیمت نان آزاد ۱۲ هزار و ۶۵۰ تومان اعلام شده است.

دولت مسعود پزشکیان از سال گذشته طرح‌هایی برای حذف یارانه آرد را در دستور کار قرار داده است که در نهایت به افزایش قیمت نان منتهی می‌شود.

قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف ایران، ماه گذشته از اجرای طرح فروش نان بر اساس وزن از ماه آینده خبر داده و گفته است: «در این شیوه، قیمت نان بر اساس وزن آن محاسبه می‌شود و مشتریان می‌توانند نان را بر اساس وزن و نه تعداد خریداری کنند.»

رئیس اتاق اصناف ایران با اشاره به مسئولیت وزارت کشور در اجرای این طرح افزود: «وزارت کشور به‌عنوان متولی این حوزه، عرضه وزنی نان را به‌صورت رسمی ابلاغ خواهد کرد و قرار است این ابلاغ تا اوایل آبان‌ماه انجام شود.»

دولت اجرای چنین طرح‌هایی را با بهانه شفافیت در عرضه نان و جلوگیری از کم‌فروشی نانوایان و از همه مهمتر مبارزه با قاچاق آرد اعلام می‌کند؛ این در حالیست که مافیاهای وابسته به حکومت همچنان در حال ادامه قاچاق آرد هستند و هزینه فعالیت آنها به جیب و سفره مردم تحمیل می‌شود.

کانال تلگرامی «شورای بازنشستگان ایران» پیشتر در واکنش به طرح دولت برای حذف یارانه نان در مطلبی با اشاره به جیره‌بندی نان نوشته بود: «در حالی‌که سفره مردم زیر بار گرانی‌های پیاپی در حال کوچک شدن است، خبرها از حرکت دولت و وزارت جهاد کشاورزی به سمت حذف یارانه نان و ادغام آن در کالابرگ الکترونیک حکایت دارد؛ عملاً مقدمه‌ای برای افزایش شدید قیمت نان می‌دانند.»

این مطلب افزوده بود: «بر اساس این سناریو، قرار است دولت برای جبران کسری بودجه و افزایش رقم کالابرگ، یارانه نان را حذف و آن را در قالب سهمیه‌بندی مصرف بازتوزیع کند؛ تصمیمی که به معنای واقعی کلمه می‌تواند نان را از یک کالای یارانه‌ای به کالای شبه‌آزاد تبدیل کند و هر روز بر نانوایان آزاد پز افزوده می‌شود.»

«شورای بازنشستگان ایران» همچنین نوشت: «چرا به جای اصلاح ساختارهای پرهزینه دولتی، کاهش هزینه‌های زائد، یا کنترل بازار نهاده‌های تولید، ساده‌ترین مسیر یعنی انتقال فشار به سفره مردم انتخاب شده است؟ افزایش قیمت کود، سم و بذر نیز ، عملاً زنجیره تولید را به سمت گرانی سوق داده و در نهایت هزینه آن دوباره از جیب مردم پرداخت می‌شود؛ آن هم با برچسب اصلاح اقتصادی و حمایت از تولید.»

ایرانِ امروز چهارمین کشور فلاکت‌زده جهان؛ جایگاهی بدتر از یمن و سوریه!

● گزارش «شاخص فلاکت هنکه»(HAMI) مربوط به ارزیابی اقتصادهای جهان نشان می‌دهد ایرانِ امروز پس از ونزوئلا، سودان و ترکیه، رتبه چهارم فلاکت‌زده‌ترین کشور را به خود اختصاص داده است.

● بسیاری از کشورهایی که با بحران‌های سیاسی، درگیری‌های نظامی و مشکلات اقتصادی عمیق روبرو هستند نیز در رتبه‌های پایین‌تری از ایران قرار گرفته‌اند. لبنان در رتبه دهم، یمن در رتبه سیزدهم، عراق در رتبه سی و یکم و سوریه در رتبه سی و سوم!

● نکته قابل توجه اینکه این رتبه‌بندی مربوط به عملکرد اقتصادی سال ۲۰۲۵ میلادی است؛ یعنی پیش از شوک‌های اخیر رکود تورمی و موج گسترده بیکاری که پس از اعتراضات دی۴۰۴ و آغاز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا در کشور ایجاد شده است.

● کارشناسان اقتصادی نیز طی ماه‌های گذشته بارها تأکید کرده‌اند مشکلات اقتصاد ایران، ساختاری است و جنگ و محاصره اقتصادی بنادر و مرزهای کشور از سوی ایالات متحده، تنها سرعت سقوط اقتصاد به عمق بحران را افزایش داده است.



تازه‌ترین گزارش «شاخص فلاکت هنکه» ایران را با امتیاز ۹۵.۹ در رتبه چهارم بدترین اقتصادهای جهان و بالاتر از کشورهای جنگزده‌ای، چون یمن، سوریه و لبنان قرار داد. «شاخص فلاکت» از مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست می‌آید و یک معیار مهم در سنجش وضعیت عمومی اقتصاد، رفاه شهروندان و توزیع فقر در یک جامعه است.

گزارش «شاخص فلاکت هنکه»(HAMI) مربوط به ارزیابی اقتصادهای جهان در سال گذشته میلادی نشان می‌دهد ایران امروز پس از ونزوئلا، سودان و ترکیه، رتبه چهارم فلاکت‌زده‌ترین کشور را به خود اختصاص داده است. این ارزیابی نشان می‌دهد کشورهایی یمن، سوریه، سودان و لبنان که با جنگ و درگیری‌های داخلی روبرو بوده‌اند و از منابع کافی برای درآمدزایی برخوردار نبوده‌اند در کنار کشوری مانند ترکیه، با وجود درآمد بالا به علت نرخ بالای تورم و افزایش نرخ بیکاری، در صدر رتبه‌بندی فلاکت اقتصادهای جهان قرار دارند.

با اینهمه بسیاری از کشورهایی که با بحران‌های سیاسی، درگیری‌های نظامی و مشکلات اقتصادی عمیق روبرو هستند نیز در رتبه‌های پایین‌تری از ایران قرار گرفته‌اند. لبنان در رتبه دهم، یمن در رتبه سیزدهم، عراق در رتبه سی و یکم و سوریه در رتبه سی و سوم!

ایران در این رتبه‌بندی با امتیاز ۹۵/۹ در جایگاه چهارم از میان ۱۷۸ اقتصاد جهان قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه این رتبه‌بندی مربوط به عملکرد اقتصادی سال ۲۰۲۵ میلادی است؛ یعنی پیش از شوک‌های اخیر رکود تورمی و موج گسترده بیکاری که پس از اعتراضات دی۴۰۴، قطع چند ماهه اینترنت، جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا، و محاصره اقتصادی!

کارشناسان اقتصادی نیز طی ماه‌های گذشته بارها تأکید کرده‌اند مشکلات اقتصاد ایران، ساختاری است و عواملی چون تورم مزمن، فساد، فرار سرمایه، ناتوانی در جذب سرمایه، وابستگی به درآمد خامفروشی نفت و سوء مدیریت و ناکارآمدی در سیاست‌گذاری اقتصادی مسیر اقتصاد ایران را به سوی بحران‌های انباشته هدایت کرده بود. جنگ و محاصره اقتصادی بنادر و مرزهای کشور از سوی ایالات متحده، تنها سرعت سقوط اقتصاد به عمق بحران را افزایش داده است.

آمارهای داخلی نیز فقر و فلاکت گسترده را تأیید می‌کنند. تازه‌ترین آمارهای داخلی نیز تصویر امیدوارکننده‌ای ارائه نمی‌کنند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه در مهرماه ۱۴۰۵ به ۸۸/۷ درصد رسیده است؛ به این معنا که خانوارها برای خرید مجموعه یکسانی از کالاها و خدمات نسبت به مهرماه سال گذشته، بطور متوسط نزدیک به ۸۹ درصد بیشتر هزینه کرده‌اند.

از سوی دیگر تورم موادخوراکی طی ۹ ماه گذشته همواره بیش از ۱۰۰ درصد بوده است. ارزش پول ملی نیز به شدت سقوط کرده و قدرت خرید خانوارهایی که درآمدهای آنها هیچ تناسبی با تورم فزاینده ندارد هر روز کمتر می‌شود.

در آنسو ماه‌ها قطع اینترنت در ارتباط با سرکوب اعتراضات سراسری دی۴۰۴ و جنگ با آمریکا، در کنار محاصره دریایی و تشدید فشارهای اقتصادی، کسب و کارهایی را که سال‌ها با رکود تورمی مزمن دست و پنجه نرم می‌کردند، بیش از پیش تحت فشار قرار داد. بسیاری از کسب و کارها به ناچار تعطیل یا ورشکسته شدند و بخشی دیگر برای دوام آوردن در شرایط بحرانی بی‌سابقه‌ای که در ماه‌های گذشته در اقتصاد ایران تحمیل شده، هزینه‌های خود را کاهش دادند؛ اخراج نیروی کار یکی از نخستین راهکارهای مدیران در شرایط کمبود منابع مالی و اجرای سیاست کاهش هزینه‌هاست.

آندسته از شهروندانی نیز که اشتغال دارند به علت کاهش ارزش واقعی درآمدها برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی نیز با بحران روبرو هستند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران نیز اوایل آبان‌ماه جاری گزارش داد که حقوق ماهانه‌ی معلمان در سال ۱۳۹۵ معادل ۶۳۶ دلار بود. امروز، در آبان ۱۴۰۵، به ۱۰۹ دلار رسیده است، یعنی کمتر از ۴ دلار در روز. قدرت خرید معلمان در ده سال حدود ۶ برابر کاهش یافته، و ۴۰ درصد این ریزش تنها در هفت ماه گذشته رخ داده است: از ۱۸۴ دلار در فروردین به ۱۰۹ دلار در آبان.

وضعیت کارگران شاغل نیز مشابه است. یک کارگر متأهل با دو فرزند در صورتی که با قرارداد رسمی مشغول به کار باشد و همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند، در نهایت دستمزدی حدود ۲۵ میلیون تومان دریافت خواهد کرد. تکاندهنده آنکه بر اساس آخرین برآورد کارشناسان هزینه زندگی یک خانوار سه تا چهارنفره در کلانشهرهای ایران در ابتدای پاییز امسال به ۱۰۰ میلیون تومان رسید.

مقایسه این ارقام نشان می‌دهد چگونه فقر به صورت فراگیر در ایران در حال گسترش است. در همین حال افزایش بیکاری در کنار افزایش تورم شاخص فلاکت در ایران را افزایش داده است. آخرین آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شاخص فلاکت، که از مجموع نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید، در ۱۸ استان کشور از مرز ۱۰۰ واحد عبور کرده است.

میانگین کشوری این شاخص نیز به ۹۷/۸ رسیده که بیانگر بحران گسترش جمعیت زیر خط فقر مطلق در ایران است. استان هرمزگان با ۱۲۴/۹، استان ایلام با ۱۲۰/۱ و استان بوشهر با ۱۱۴/۹ واحد در صدر جدول شاخص فلاکت قرار دارند.

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته با اعلام آماری تکاندهنده گفت ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور برای تهیه مواد غذایی با بحران روبرو هستند و حدود هشت میلیون نفر دیگر نیز دچار «فقر مطلق و سوء تغذیه» شده‌اند. این نماینده مجلس شورای اسلامی «اجرای نادرست طرح حذف ارز ترجیحی» را عامل زیرخط فقر قرار گرفتن ۶۸ میلیون نفر از جمعیت ۸۷ میلیون نفری کشور دانسته است.

علی بابایی کارنامی با تأکید بر اینکه یک خانواده سه تا چهار نفره برای اینکه بتواند همه هزینه‌های ضروری زندگی را تأمین کند نیازمند درآمدی معادل ۱۰۰ میلیون تومان در ماه است، افزوده: «با افزایش هزینه‌های زندگی، حتی داشتن چند شغل هم لزوما درآمد کافی برای یک خانواده چهارنفره فراهم نمی‌کند.»

کیهان

افشای طرح وزارت راه و شهرسازی؛ صدور مجوز ساخت و ساز در مناطق درگیر با فرونشست

علی بیت‌اللهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی از تدوین ضوابط و دستورالعملی در وزارت راه و شهرسازی برای ساخت و ساز در مناطق دچار فرونشست خبر داده است.

بر اساس آخرین داده‌های سازمان زمین‌شناسی، گستره فرونشست در کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته و بسیاری از پهنه‌های فرونشست که پیشتر به صورت لکه‌های جدا از هم دیده می‌شدند، به یکدیگر پیوسته‌اند. آمارهای این سازمان نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۵، گستره فرونشست در کشور حدود ۱۰ برابر شده است.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با بیان اینکه حدود نیمی از جمعیت کشور در محدوده مناطق دچار فرونشست ساکن هستند از تدوین دستورالعملی در وزارت راه و شهرسازی برای ساخت‌وساز در این مناطق خبر داد.

علی بیت‌اللهی، رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی از تدوین ضوابط و دستورالعملی در وزارت راه و شهرسازی برای ساخت و ساز در مناطق دچار فرونشست خبر داده است. او نسبت به رویکردی که بجای کنترل و مهار فرونشست، امکان ساخت و ساز در پهنه‌های درگیر با این پدیده را با تعیین ضوابطی خاص فراهم می‌کند، هشدار داد و گفت: «چنین رویکردی به معنای کم‌اهمیت جلوه‌دادن پدیده فرونشست و نادیده‌گرفتن ابعاد و پیچیدگی‌های آن است.»

او توضیح داده: «پیشتر مصوبه‌ای از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری درباره ممنوعیت انبوه‌سازی، اجرای طرح نهضت ملی مسکن و توسعه ساخت و ساز در زون‌های فرونشستی وجود داشت، اما در ادامه، گروهی در وزارت راه و شهرسازی اقدام به تدوین دستورالعمل‌هایی برای تعیین روش‌های ساخت‌وساز در این پهنه‌ها کردند.»

علی بیت‌اللهی همچنین گفته، نمی‌توان برای مناطق دچار فرونشست، مانند مناطق زلزله‌خیز دستورالعمل داد که در این مناطق چه نوع ساختمانی و با چه تعداد طبقه‌ای ساخته شود. او تأکید کرده: «چنین نگاهی درواقع به معنای ساده‌انگاری و کم‌اهمیت تلقی‌کردن پدیده فرونشست است.»

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی هشدار داده که فرونشست زمین پدیده‌ای دینامیک، متغیر و غیرثابت است و «نمی‌توان وضعیت امروز یک منطقه را مبنای تصمیم‌گیری برای ساخت ساختمانی قرار داد که قرار است ۵۰ سال عمر کند. ممکن است در طول این مدت، نرخ و گستره فرونشست افزایش پیدا کند و شرایط منطقه بطور اساسی تغییر کند. بنابراین، نمی‌توان صرفا بر اساس وضعیت فعلی زمین، ضوابطی برای ساخت و ساز تعیین کرد و آینده آن منطقه را نادیده گرفت.»

اگرچه در قوانین موجود جمهوری اسلامی، وزارت نیرو به عنوان مسئول مدیریت پدیده فرونشست شناخته می‌شود اما علی بیت‌الهی گفته: «یکی از وظایف مهم وزارت راه‌وشهرسازی، کنترل توسعه شهر و جمعیت‌پذیری متناسب با ظرفیت‌های محیطی است؛ موضوعی که سال‌ها از سوی این وزارتخانه درباره آن غفلت شده است.»

او با بیان مثالی در مورد تهران گفته: «در شرایطی که ظرفیت جمعیتی تهران حدود دو میلیون نفر در نظر گرفته شده بود، جمعیت بسیار بیشتری در این شهر مستقر شد و طبیعتاً این جمعیت به آب نیاز دارد. وزارت نیرو نیز نمی‌تواند آب تولید کند و برای تأمین نیاز شهروندان ناچار است از منابع موجود استفاده کند؛ چه از طریق انتقال آب و احداث سد و چه از طریق حفر چاه. وقتی جمعیت شهر بدون توجه به ظرفیت منابع آب افزایش پیدا می‌کند، دستگاه مسئول تأمین آب ناچار به استفاده از منابع زیرزمینی می‌شود و این مسئله به تشدید فرونشست می‌انجامد.»



علی بیت‌الهی با اعلام آخرین برآوردها درباره گسترش فرونشست در ایران گفته: «بر اساس مطالعاتی که انجام داده‌ام، حدود ۴۸۰ شهر از شهرهای ایران در پهنه‌های فرونشستی قرار دارند. این آمار بر مبنای بررسی شهرهای کشور و با استناد به اطلاعات جمعیتی سال ۱۳۹۵ به دست آمده است. البته در برخی شهرها مانند تهران، فقط بخش‌هایی از شهر در معرض خطر قرار دارند؛ برای مثال مناطق جنوبی تهران، بخش‌هایی از شمال غرب مشهد و جنوب شرق شیراز درگیر این پدیده هستند، اما در برخی شهرها نیز گستره فرونشست بخش عمده یا تمام شهر را دربرمی‌گیرد.»

وی افزوده: «اهمیت این موضوع فقط به تعداد شهرهای درگیر محدود نمی‌شود؛ مسئله مهم‌تر آن است که بخش قابل توجهی از این شهرها، شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشور هستند. برآورد من این است که حدود نیمی از جمعیت ایران در پهنه‌های فرونشستی زندگی می‌کنند. بنابراین وقتی از فرونشست صحبت می‌کنیم، با مسئله‌ای مواجه هستیم که بخش بزرگی از جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

علی بیت‌اللهی با توضیح ارتباط میان تمرکز جمعیت و تشدید فرونشست توضیح داده: «شهرهای بزرگ به دلیل جمعیت بالا، نیاز آبی فراوانی دارند و این نیاز صرفاً به آب شرب و بهداشت محدود نمی‌شود. تأمین مواد غذایی، میوه، سبزیجات و نیازهای کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کوچک و متوسط نیز به منابع آب وابسته است. از سوی دیگر، معمولاً ترجیح داده می‌شود بخش قابل توجهی از این محصولات در حاشیه کانون‌های جمعیتی بزرگ تولید شود؛ در نتیجه، فشار بر منابع آب زیرزمینی در این مناطق افزایش پیدا می‌کند و زمینه برای تشدید فرونشست فراهم می‌شود.»

بر اساس آخرین داده‌های سازمان زمین‌شناسی، گستره فرونشست در کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته و بسیاری از پهنه‌های فرونشست که پیشتر به صورت لکه‌های جدا از هم دیده می‌شدند، به یکدیگر پیوسته‌اند. آمارهای این سازمان نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۵، گستره فرونشست در کشور حدود ۱۰ برابر شده است.

پژوهش جدید مجله Nature Cities نیز تأکید کرده، اصفهان با میانه‌ی نرخ فرونشست حدود ۱۱ میلی‌متر در سال، در میان شهرهای شاخص جهان از نظر فرونشست قرار دارد. این میزان در برخی شهرهای اندونزی مانند مدان و باندونگ به‌ترتیب به ۳۳ و ۲۲ میلی‌متر در سال می‌رسد.

وبسایت «تجارت نیوز» به تازگی گزارش داد، یکی از مهم‌ترین ابعاد اقتصادی فرونشست، تهدید شبکه حمل و نقل است؛ زیرا جاده‌ها، خطوط ریلی و مسیرهای مترو از دارایی‌هایی هستند که اختلال در آنها می‌تواند بر جابجایی مسافر، حمل کالا و فعالیت اقتصادی مناطق مختلف اثر بگذارد. از آنجا که راه‌ها و خطوط ریلی معمولاً در دوره‌های طولانی بهره‌برداری می‌شوند، نادیده گرفتن خطر فرونشست می‌تواند هزینه چرخه عمر آنها را افزایش دهد. به بیان دیگر، تصمیم‌گیری درباره توسعه یا نگهداری زیرساخت بدون لحاظ کردن روند افت آب زیرزمینی، ممکن است برآورد اولیه هزینه پروژه را از هزینه واقعی بهره‌برداری و نگهداری جدا کند.

در گزارش «تجارت نیوز» تأکید شد، هزینه اقتصادی این بحران تنها در ترک ساختمان‌ها یا تعمیر جاده‌ها خلاصه نمی‌شود. کاهش ظرفیت ذخیره آب زیرزمینی، افزایش هزینه تأمین آب برای کشاورزی، تهدید دارایی‌های ملکی، نیاز به نگهداری بیشتر زیرساخت‌ها و افزایش عدم‌قطعیت سرمایه‌گذاری، مجموعه‌ای از فشارهای مستقیم و غیرمستقیم را بر اقتصاد ایران وارد می‌کنند.

برگزاری مراسم «هفته شاهان» در لندن؛ زادروز شاهنشاه آریامهر و رضاشاه دوم، بزرگداشت کوروش کبیر



مراسم «هفته شاهان»، برای بزرگداشت کوروش کبیر و زادروز محمدرضا شاه و شاهزاده رضا پهلوی، روز یکشنبه اول نوامبر ۲۰۲۶ برابر با دهم آبان‌ماه ۱۴۰۵، با حضور هنرمندان، اهالی رسانه و فعالان سیاسی در منطقه ایرانی‌نشین «فینچلی» شهر لندن در تالار «سَنت مِری» برگزار شد.

این مراسم با پخش سرود ملی ایران آغاز شد و پس از یک دقیقه سکوت به احترام جان‌فدایان میهن، با پخش سرود شاهنشاهی در تالار ادامه یافت.

دکتر نامدار بقایی یزدی، دبیرکل «خانه مشروطه ایران در تبعید» یکی از سخنرانان مراسم، به این نکته اشاره کرد که: «آنچه ما را هم پیوند می‌دهد نام ایران است. کوروش بزرگ برای ایرانیان نماد وحدت است و قدرت اگر قرار است به ماندگاری بینجامد باید با نظم، مدارا و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها همراه باشد.»

او افزود: «بزرگداشت کوروش نباید فقط نگاه به گذشته باشد؛ باید از خود بپرسیم چه چیزی از این گذشته را می‌خواهیم به آینده ببریم. اعتماد به نفس، ملیت، مسئولیت‌پذیری و باور به اینکه ایرانیان می‌توانند سرنوشت کشورشان را خود تعیین کنند.»

این فعال سیاسی افزود: «پرسش بنیادین این است که قدرت چگونه بدست می‌آید. چگونه محدود می‌شود و در برابر چه کسانی پاسخگو خواهد بود. شکل نهایی نظام آینده با رأی مردم و با نظارت نهادهای بی‌طرف تعیین خواهد شد.»

برگزاری سمینار بزرگداشت کوروش بزرگ در فرانکفورت



سمینار «سازمان حقوق بشر کوروش بزرگ» با عنوان «از کوروش بزرگ تا کوروش زمان» روز جمعه ۶ نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۵ آبان ۱۴۰۵ در فرانکفورت آلمان برگزار شد. در این سیمنار شماری از فعالان سیاسی، خانواده‌های جاویدنامان و ورزشکاران حضور داشتند.

دکتر مسعود زمانی پژوهشگر حقوق بین‌الملل و از بنیانگذاران این سازمان اهداف آن را معرفی کرد. دکتر بابک سینا و دکتر بهمن شاهنگیان از اعضای شورای امنای سازمان و ایرج مصداقی از دیگر سخنرانان این سمینار بودند.

پنل جامعه ورزشی با حضور دکتر کاظم منصوری یکی دیگر از بنیانگذاران «سازمان حقوق بشر کوروش بزرگ» برگزار شد. در این پنل سوشا مکانی دروازه‌بان پیشین فوتبال ایران، سالار غلامی بوکسور حرفه‌ای و قهرمان وزن کروزر کانادا، و یوسفی از پیشکسوتان ورزش ایران سخن گفتند. بهناز آذر بدنساز حرفه‌ای از «انجمن ورزشکاران آزادیخواه ایران» هم در این پنل سخنانی ایراد کرد.

پنل خانواده‌های دادخواه با حضور شهره حقیقت از بنیانگذاران سازمان و شماری از خانواده‌های جاویدنامان برگزار شد. مانا ماندگار کنشگر حقوق جامعه الجی‌بی‌تی ایران، از دیگر سخنرانان این پنل بود. رقص سماع هم به عنوان بخشی از برنامه هنری این سمینار اجرا شد.

محکومیت سه فعال صنفی آموزگاران در استان بوشهر به زندان و مجازات‌های تکمیلی

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده که سه آموزگار ساکن استان بوشهر، عبدالرضا امانی‌فر، اصغر حاجب و رقیه تراب‌پور از سوی دادگاه انقلاب بوشهر به زندان و مجازات‌های تکمیلی محکوم شدند.

رضا امانی‌فر، بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر، به تحمل ۱۰ سال و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

اصغر حاجب، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر، به ۲ سال حبس تعزیری، و رقیه تراب‌پور، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر نیز به شش ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

هر سه آموزگار همچنین به عنوان مجازات تکمیلی به انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و ضبط وسایل الکترونیک محکوم شدند.

هراس جمهوری اسلامی از بروز دور جدیدی از اعتراضات سراسری در کشور سبب تشدید فشارهای امنیتی شده است. در این میان فعالان صنفی به عنوان افرادی که امکان متصل کردن شبکه‌های اصناف و سازماندهی اعتصابات و اعتراضات را دارند نیز از ماه‌های گذشته با فشارهای امنیتی شدید روبرو هستند.



اعتراضات سراسری معلمان؛ رشت؛ ۳۰ بهمن ۱۴۰۰

در ادامه فشار بر فعالان صنفی، دادگاه انقلاب بوشهر سه عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان این استان را به زندان و مجازات‌های تکمیلی محکوم کرد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده که سه آموزگار ساکن استان بوشهر، عبدالرضا امانی‌فر، اصغر حاجب و رقیه تراب‌پور از سوی دادگاه انقلاب بوشهر به زندان و مجازات‌های تکمیلی محکوم شدند.

بر اساس حکم صادر شده، رضا امانی‌فر، بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر، به تحمل ۱۰ سال و یک روز حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و ضبط وسایل الکترونیک محکوم شده است.

همچنین اصغر حاجب، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر، به ۲ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و ضبط وسایل الکترونیک محکوم شده است.

رقیه تراب‌پور، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر نیز به شش ماه حبس تعزیری، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و ضبط وسایل الکترونیک محکوم شده است.

دادگاه انقلاب بوشهر اتهامات این فعالان صنفی را «همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی برخلاف امنیت ملی» اعلام کرده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران افزوده متن دادنامه، تاریخ دقیق صدور و ابلاغ احکام و وضعیت تجدیدنظرخواهی هنوز در دسترس نیست.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده «صدور این احکام در حالی صورت گرفته است که دادگاه، بدون تفکیک میان فعالیت‌های صنفی و مطالبات حرفه‌ای معلمان از فعالیت‌های سیاسی و امنیتی، مجموعه اقدامات فعالان صنفی را مشمول عنوان مجرمانه «همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و تبلیغی برخلاف امنیت ملی» دانسته است؛ حال آنکه، مطابق محتویات پرونده و دفاعیات مطرح‌شده، فعالیت‌های نامبرده و سایر متهمان در چارچوب مطالبات صنفی، پیگیری حقوق و خواسته‌های معلمان و فعالیت در حوزه تشکل‌های صنفی فرهنگیان انجام شده است.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با محکوم کردن این احکام تأکید کرده «هدف اصلی از صدور چنین احکامی، زمین‌گیر کردن یک تشکل صنفی فعال و محدود کردن فعالیت‌های مستقل صنفی معلمان است.»

هراس جمهوری اسلامی از بروز دور جدیدی از اعتراضات سراسری در کشور سبب تشدید فشارهای امنیتی شده است. در این میان فعالان صنفی به عنوان افرادی که امکان متصل کردن شبکه‌های اصناف و سازماندهی اعتصابات و اعتراضات را دارند نیز از ماه‌های گذشته با فشارهای امنیتی شدید روبرو هستند.

سیامک صادقی چهرازی، آموزگار و فعال صنفی معلمان، روز چهارشنبه ششم آبان ۱۴۰۵ در شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به علت اظهارنظر در فضای مجازی با اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به حسن نصرالله» محاکمه شد.

در نمونه دیگری از فشارها بر فعالان صنفی آموزگاران رسول بداقی و غفار دیندار، دو آموزگار عضو کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، در حالی که برای دیدار و عیادت از یکی از آموزگاران به نورآباد ممسنی سفر کرده بودند بازداشت شدند. بازداشت این دو آموزگار توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با ضرب و جرح و خشونت و بدون ارائه حکم، صورت گرفت. همچنین میزبانان و شماری از آموزگاران نورآباد ممسنی که در این محل حضور داشتند نیز بازداشت شدند.

جدا از آموزگارانی که بازداشت یا به زندان و دیگر مجازات‌ها محکوم می‌شوند، بسیاری از فعالان صنفی با احضار و بازجویی و و تهدیدهای پی در پی توسط نهادهای امنیتی روبرو هستند.

فعالان صنفی آموزگاران و کارگران در شرایطی زیر تهدید و فشار امنیتی و قضایی قرار دارند که وضعیت معیشتی این اقشار نیز بطور مداوم در حال سقوط است.

گزارش نهادهای صنفی درباره وضعیت معیشتی معلمان نشان می‌دهد که با وجود افزایش چندبرابری رقم دستمزد طی یک دهه گذشته، قدرت خرید این قشر در این مدت به‌شدت کاهش یافته است. گزارش‌ها حاکی از آنست که یک معلم باسابقه در سال ۱۳۹۵ ماهانه بین ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کرد. آن سال نرخ دلار در محدوده ۳۵۰۰ تا ۳۸۰۰ تومان قرار داشت و دریافتی یک معلم از نظر ارزش دلاری معادل حدود ۶۳۶ دلار در ماه بود. اما در سال ۱۴۰۵، با وجود افزایش حقوق به حدود ۲۵ میلیون تومان، جهش نرخ ارز به محدوده ۲۶۰ تا ۲۷۰ هزار تومان باعث شده ارزش دلاری این دریافتی به حدود ۱۰۹ دلار در ماه کاهش پیدا کند.

به بیان ساده، حقوق معلمان در رقم حدود ۱۰ برابر شده، اما قدرت خرید آنان در عمل بیش از ۸۰ درصد سقوط کرده است. این روند بیانگر شکاف عمیق میان درآمد و هزینه‌های زندگی آموزگاران است. در حالی که خط فقر در کلان‌شهرها حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شود، درآمد اغلب معلمان ماهانه بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان است.

قتل یک قاضی و دو عضو خانواده‌اش در تبریز؛
ضارب خودکشی کرد





تصاویر منتشر شده از قاضی و وضعیت خیابان «پاسداران» تبریز

بر اساس گزارش منابع محلی، شامگاه چهارشنبه ۲۷ آبان، فردی با تفنگ «برنو» به سمت حجت‌الاسلام ابراهیم صادقی از قضات پیرانشهر شلیک کرد و او را که سوار بر یک ماشین «تندر ال۹۰» بود، به قتل رساند.

ضارب با همان اسلحه به سمت همسر و فرزند خردسال قاضی که در آن سوی خیابان از یک آموزشگاه خارج می‌شدند، شلیک کرد و آن دو نفر را هم کشت. سپس به سمت دختر خردسال او که در یک مغازه ساندویچی بود شلیک کرد که شیشه‌های مغازه شکست اما به دختربچه آسیبی وارد نشد.

منابع داخلی ایران گزارش دادند یک قاضی دادگستری و دو نفر از اعضای خانواده‌اش در یک حمله مسلحانه در محله حیدرآباد، خیابان «پاسداران» تبریز کشته شدند.

منابع داخلی ایران گزارش دادند یک قاضی دادگستری و دو نفر از اعضای خانواده‌اش در یک حمله مسلحانه در محله حیدرآباد، خیابان «پاسداران» تبریز کشته شدند.

بر اساس گزارش منابع محلی، شامگاه چهارشنبه ۲۷ آبان، فردی با تفنگ «برنو» به سمت حجت‌الاسلام ابراهیم صادقی از قضات پیرانشهر شلیک کرد و او را که سوار بر یک ماشین «تندر ال۹۰» بود، به قتل رساند. ضارب با همان اسلحه به سمت همسر و فرزند خردسال قاضی که در آن سوی خیابان از یک آموزشگاه خارج می‌شدند نیز شلیک کرد و آن دو نفر را هم کشت. سپس به سمت دختر خردسال او که در داخل یک مغازه ساندویچی بود شلیک کرد که شیشه‌های مغازه شکست اما به دختربچه آسیبی وارد نشد.

مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان شرقی این تیراندازی را تأیید کرده، اما به هویت این فرد که رسانه‌ها از جمله روزنامه «همشهری» او را «قاضی دادگستری پیرانشهر» معرفی کرده‌اند، اشاره‌ای نکرده است.

فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی نوشته، فرد مهاجم پس از تیراندازی به سوی این خانواده، خودکشی کرد اما زنده ماند و به بیمارستان منتقل شد.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی به رسانه‌ها گفته که ضارب از بستگان همسر قاضی متوفی بوده و اختلافاتی میان آنها وجود داشته است.

قاضی اهل روستای «بهربی‌لی» در منطقه قاراداغ و ضارب اهل پیرانشهر معرفی شد.

قتل این قاضی، یادآور ترور محمد مقیسه، علی رازینی و حسینعلی نیری (عضو هیئت مرگ برای اعدام زندانیان سیاسی دهه شصت و سال ۶۷) در کاخ دادگستری تهران است.

این سه حاکم شرع ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ در مقابل «پارک شهر» مقابل کاخ دادگستری تهران حوالی میدان ارگ ترور شدند.

ایران، همه‌ی بود و نبود ماست



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

جان کارگران و متخصصان بازیچه نبود ایمنی در محیط کار

حادثه واژگونی اتوبوس حامل نیروهای شاغل در شرکت NGL دهلران که به کشته شدن ۱۳ تن و زخمی شدن ۱۸ تن دیگر منجر شد، بار دیگر موضوع ایمنی در محیط کار را برجسته کرده است.

پس از این حادثه مرگبار، یک روز در سراسر استان ایلام و دو روز در آبدانان عزای عمومی اعلام شد. مردم شب گذشته و در مراسم جانباختگان حادثه تجمع و تظاهرات کرده و به بی‌عرضگی مسئولان و عدم تأمین ایمنی نیروی کار اعتراض کردند.



حادثه واژگونی اتوبوس حامل نیروهای شاغل در شرکت NGL دهلران که به کشته شدن ۱۳ تن و زخمی شدن ۱۸ تن دیگر منجر شد، بار دیگر موضوع ایمنی در محیط کار را برجسته کرده است.

این کارگران پس از پایان شیفت کاری با سرویس حمل و نقل شرکت در مسیر بازگشت به خانه بودند که تصادف مرگبار رخ داد. رئیس پلیس راه استان ایلام اعلام کرده، بی‌احتیاطی راننده، تخلف شرکت در تنظیم قرارداد اجاره اتوبوس و قصور راهداری در تأمین ایمنی مسیر در وقوع این حادثه مؤثر بوده است.

گزارش‌های اولیه صنفی نیز از نداشتن معاینه فنی معتبر اتوبوس و فرسودگی لاستیک‌های آن حکایت دارد؛ هرچند تعیین مسئولیت نهایی و علت قطعی حادثه به بررسی کارشناسی و قضایی وابسته است.

در حالی که قصور شرکت در این حادثه به علت عدم تأمین ایمنی حمل و نقل کارکنان قطعی به نظر می‌رسد، گزارش‌ها از ناایمن بودن پیچ جاده در محل حادثه حکایت دارند که بارها سبب وقوع تصادف‌های مرگبار شده است.

دست‌کم ۱۰ تن از ۱۳ نیروی حرفه‌ای جانباخته در این تصادف مهندس بودند. پس از این حادثه یک روز در سراسر استان ایلام و دو روز در آبدانان عزای عمومی اعلام شد. مردم شب گذشته و در مراسم جانباختگان حادثه تجمع و تظاهرات کردند و به بی‌عرضگی مسئولان و عدم تأمین ایمنی نیروی کار اعتراض کردند.

جمهوری اسلامی اما طبق معمول به اعتراض علیه سوء مدیریت ساختاری رنگ و بوی امنیتی داده است. به گزارش فعالان حقوق بشر دست‌کم شش نفر، از جمله یک نوجوان ۱۵ ساله، سه‌شنبه ۲۶ آبان در جریان اعتراضات آبدانان بازداشت شدند.

اینهمه در حالیست که آمار مرگ، مصدومیت و معلولیت نیروی کار به علت عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار در سال‌های گذشته روندی افزایشی داشته است.

طی سه هفته نخست مهرماه امسال دست‌کم ۳۰ کارگر به دلیل حوادث در محیط کار جان باختند و ۷۸ کارگر نیز مصدوم شدند. بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی منابع کارگری، در ۲۰ روز نخست مهرماه وقوع ۳۳ حادثه کار در ۱۸ استان کشور ثبت شد. خبرگزاری «هرانا» نیز در گزارشی درباره حوادث در محیط کار از اول تا ۱۷ مهرماه نوشت، استان آذربایجان غربی با پنج حادثه، بیشترین تعداد حوادث کار را در این بازه زمانی به خود اختصاص داد. پس از آن، استان‌های همدان، مرکزی و خراسان «رضوی» هرکدام با سه حادثه و استان‌های زنجان، کرمانشاه و مازندران هرکدام با دو حادثه قرار گرفتند. همچنین در استان‌های گلستان، کرمان، تهران، البرز، قم، کردستان، سمنان، آذربایجان شرقی، خوزستان، ایلام و بوشهر هرکدام یک حادثه کار به ثبت رسید.

فعالان کارگری معتقدند همه حوادث در محیط کار گزارش و رسانه‌ای نمی‌شوند و در نتیجه احتمال دارد موارد مرگ و مصدومیت ناشی از حوادث کار بیش از مواردی باشد که در رسانه‌ها و یا از سوی فعالان کارگری اعلام شده است.

کارشناسان و فعالان صنفی، عدم رعایت ایمنی در محیط کار توسط کارفرمایان به علت افزایش هزینه‌ها را از مهمترین دلایل افزایش حوادث در محیط کار ایران ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر دولت نیز برنامه نظارتی کارآمدی برای بازدید منظم از شرایط ایمنی در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها ندارد.

اینهمه در حالیست که مصدومیت و جان باختن نیروی کار معمولا هزینه‌ای به مراتب بیشتر برای کارفرمایان و البته دولت ایجاد می‌کند. درمان مصدومان، پرداخت مستمری و غرامت، رسیدگی قضایی و جبران نیروی انسانی متخصصی که سالها برای تحصیل و آموزش‌اش هزینه شده بسیار بیشتر از هزینه تأمین ایمنی در محیط کار و نظارت بر عملکرد کارگاه‌ها و کارخانه‌ها است.

بر اساس برآورد پلیس راهور فراجا در سال ۱۴۰۴، هزینه اقتصادی هر جانباخته در تصادفات بیش از ۲۲۰ میلیارد ریال است. این رقم معادل بیش از ۲۲ میلیارد تومان است. همچنین در آن سال هزینه هر مصدوم حدود ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال، معادل ۸۴۰ میلیون تومان برآورد شد. این ارقام بطور منطقی در سال جاری و با توجه به تورم فزاینده بیشتر نیز شده است. در عین حال، این رقم شامل همه پیامدهای خاص این حادثه، از جمله هزینه‌های احتمالی دادرسی، اختلال در تولید، فشار روانی خانواده‌ها و آثار بلندمدت از دست رفتن نیروی متخصص نیست.

از سوی دیگر بر اساس گزارش‌ها، هزینه مرگ یک نیروی کار فقط به پرداخت دیه یا مستمری محدود نمی‌شود. دولت و دستگاه‌های عمومی ممکن است با هزینه‌های درمانی مصدومان، انتقال اضطراری مجروحان، خدمات اورژانس، پزشکی قانونی، بازرسی و بررسی حادثه، رسیدگی قضایی و حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌های آسیب‌دیده روبرو شوند.

این خسارت که در پی بی‌توجهی دولت و کارفرمایان به رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار ایجاد می‌شود در حالیست که نرخ حادثه در محیط کار نیز تکاندهنده است.

سازمان پزشکی قانونی در ۱۱ ماه نخست سال ۱۴۰۴ یک‌هزار و ۸۷۹ مورد مرگ ناشی از حوادث کار را ثبت کرده است. تأمین اجتماعی در همان سال ۳۶ هزار و ۳ مورد آسیب ناشی از حوادث کار را ثبت کرده است.

همایون منجی، فعال کارگری و کارشناس ایمنی کار، در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» اعلام کرده: «حادثه ایلام نشان داد که ایمنی کارگر با خروج او از درِ کارخانه یا پایان شیفت کاری تمام نمی‌شود. وقتی کارفرما برای انتقال کارکنان از سرویس اختصاصی استفاده می‌کند، کیفیت ناوگان حمل و نقل نیز بخشی از زنجیره حفاظت از نیروی انسانی است.»

این فعال کارگری به نقل از فعالان کارگری محلی گفته: «اتوبوس حامل کارکنان فاقد معاینه فنی معتبر بوده و لاستیک‌های آن نیز وضعیت استاندارد نداشته‌اند. این در حالیست که خودرو مدل ۱۳۹۷ بوده و صرفاً سن خودرو نمی‌توانسته توجیهی برای وضعیت نامناسب فنی آن باشد. مسئله مهم‌تر این است که تأمین سرویس ایاب و ذهاب در بسیاری از مجموعه‌های صنعتی به پیمانکاران خدماتی واگذار می‌شود. در چنین شرایطی، اگر شرکت اصلی صرفاً به پایین بودن قیمت قرارداد توجه کند و نظارت مستمر بر وضعیت فنی خودروها نداشته باشد، صرفه‌جویی پیمانکار ممکن است به هزینه‌ای چندین برابر برای مجموعه و جامعه تبدیل شود.»

همایون منجی تأکید کرده: «در سال‌های گذشته بخش مهمی از مسئولیت‌های جانبی واحدهای صنعتی، از جمله تأمین سرویس رفت و آمد، نگهداری و خدمات پشتیبانی، به شرکت‌های پیمانکاری واگذار شده است. اصل استفاده از پیمانکار به خودی خود مشکل‌ساز نیست، اما زمانی که انتخاب پیمانکار بیش از هر چیز بر اساس پایین‌ترین قیمت انجام می‌شود، نخستین بخشی که ممکن است قربانی کاهش هزینه‌ها شود، کیفیت خدمات و ایمنی کارگران است.»

تصویب قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران در کمیته سوم سازمان ملل



کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، چهارشنبه ۲۷ آبان، پیش‌نویس قطعنامه سالانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را با ۷۶ رای موافق، ۲۷ رای مخالف و ۶۴ رای ممتنع تصویب کرد.

این قطعنامه سرکوب خونین اعتراضات دی۴۰۴ را «بی‌سابقه» خوانده و به کشتار شهروندان معترض، بازداشت گسترده معترضان، اعتراف‌گیری اجباری و تلویزیونی، عدم دسترسی بازداشت‌شدگان به حق استفاده از وکیل انتخابی، و صدور احکام اعدام و زندان طولانی‌مدت اشاره کرده است.

این قطعنامه با اشاره به برخوردهای خشن، جرم‌انگاری شدیدتر درباره عدم رعایت حجاب اجباری و رفتارهای نهادهای نظارتی با زنان، خواستار پایان دادن به سرکوب سیستماتیک ساختاری، و لغو تمامی اشکال تبعیض قانونی و عملی علیه زنان در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی علیه زنان و دختران شده است.

قطع و فیلترینگ اینترنت در ایران از دیگر محورهای این قطعنامه است. در این قطعنامه نسبت به قطع یا محدود کردن عمدی دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای کنترل افکار عمومی انتقاد شده است.

سرکوب فرامرزی روزنامه‌نگاران در خارج کشور، و احضار، بازداشت، تهدید و صدور احکام قضایی علیه روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی، فعالان کارگری و مدافعان حقوق بشر در درون ایران از دیگر موارد اشاره شده در این قطعنامه است.

کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، چهارشنبه ۲۷ آبان، پیش‌نویس قطعنامه سالانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را با ۷۶ رای موافق، ۲۷ رای مخالف و ۶۴ رای ممتنع تصویب کرد.

این قطعنامه که از سوی کانادا پیشنهاد شده، به موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی از جمله افزایش اعدام‌ها، بازداشت‌های خودسرانه، محدودیت آزادی بیان، سرکوب زنان اشاره دارد.

بخشی از این قطعنامه به سرکوب خونین اعتراضات دی۴۰۴ پرداخته و خشونت به کار رفته در سرکوب این اعتراضات توسط نهادهای امنیتی را «بی‌سابقه» خوانده است. در این بخش به کشتار شهروندان معترض، بازداشت گسترده معترضان، اعتراف‌گیری اجباری و تلویزیونی، عدم دسترسی بازداشت‌شدگان به حق استفاده از وکیل انتخابی، و صدور احکام اعدام و زندان بلندمدت اشاره شده است.

در متن این قطعنامه با ابراز نگرانی شدید از آمار بالای اعدام‌ها، خواستار فوری توقف احکام اعدام شده است. این قطعنامه همچنین به صدور احکام اعدام برای کودکانی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند اشاره کرده است.

در بخش دیگری به موضوع حقوق زنان و دختران و «حجاب اجباری» پرداخته شده و با اشاره به برخوردهای خشن، جرم‌انگاری شدیدتر درباره عدم رعایت حجاب اجباری و رفتارهای نهادهای نظارتی با زنان خواستار پایان دادن به سرکوب سیستماتیک ساختاری، و لغو تمامی اشکال تبعیض قانونی و عملی علیه زنان در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی علیه زنان و دختران شده است.

قطع و فیلترینگ اینترنت در ایران از دیگر محورهای این قطعنامه است. در این قطعنامه نسبت به قطع یا محدود کردن عمدی دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای کنترل افکار عمومی انتقاد شده است.

سرکوب فرامرزی روزنامه‌نگاران در خارج کشور، و احضار، بازداشت، تهدید و صدور احکام قضایی علیه روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی، فعالان کارگری و مدافعان حقوق بشر در درون ایران از دیگر موارد اشاره شده در این قطعنامه است.

قطعنامه خواستار همکاری جمهوری اسلامی با گزارشگران سازمان ملل و اجاره سفر گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران و همچنین اعضای کمیته‌های حقیقت‌یاب به ایران برای بررسی میدانی شرایط را داده است.

از سوی دیگر، قطعنامه خواستار پایان دادن به مصونیت از مجازات شده و بر ضرورت ایجاد شفافیت و پاسخگویی مسئولان جمهوری اسلامی درباره رفتارهای فراقانونی و نقض حقوق شهروندان شده است.

مایکل گورت، نماینده کادانا در سازمان ملل، در نشست روز گذشته با اعلام اینکه قطعنامه از حمایت ۴۶ کشور برخوردار است گفت مردم ایران در یک سال گذشته هم با نقض پایدار حقوق بشر و هم با پیامدهای درگیری نظامی روبرو بوده‌اند اما وضعیت جنگی، تعهدات جمهوری اسلامی در رابطه با حقوق بشر را از بین نمی‌برد.

روسیه، چین، پاکستان، هند، عمان، عراق، الجزایر، اندونزی، بلاروس، نیجر، زیمباوه و نیکاراگوئه از جمله کشورهایی بودند که به این قطعنامه رأی مخالف دادند.

همچنین ایالات متحده به این قطعنامه رأی ممتنع داد. دن نگریا، نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل، از کانادا به‌دلیل پیشبرد این قطعنامه قدردانی کرد، اما هم‌زمان از متن آن انتقاد کرد و گفت قطعنامه به اندازه کافی برای پاسخگوکردن حکومت ایران پیش نرفته است.

او تأکید کرد که این رأی ممتنع نباید باعث سوء تفاهم شده و به عنوان «نرم‌شدن رویکرد آمریکا در قبال تهران» تعبیر و تفسیر شود.

دن نگریا بدون اشاره به اینکه در متن قطعنامه به پیامدهای جنگ برای مردم ایران تأکید شده، گفت: «قطعنامه، از ادبیاتی استفاده کرده که می‌تواند باعث انحراف اذهان از هدف اصلی شود. به‌همین دلیل ایالات متحده قادر به حمایت از این متن نبوده و به آن، رأی ممتنع داده است.»

او همچنین تأکید کرد: «پیام ما به جهان، ساده و روشن است: امکان دسترسی رژیم ایران به منابع مالی را میسر نکنید؛ منابعی که از آنها برای ادامه رفتار شریرانه و سرکوب مردم خودش بهره می‌برد.»

غلامحسین درزی، نماینده جمهوری اسلامی در نشست کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیز با انتقاد از قطعنامه آن را «سیاسی» خوانده اما هیچ توضیحی درباره نقض گسترده حقوق شهروندان در ایران ارائه نکرد!

این قطعنامه برای بررسی و تصویب نهایی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع می‌شود.

رویترز: درآمد چند صد میلیون دلاری «کتائب حزب‌الله» عراق از قاچاق نفت



نمای هوایی از کامیون‌های نفتکش که در مقابل انبار نفت خام «طوبه» صف کشیده‌اند؛ جایی که نفت خام عراق برای انتقال به بندر بانیاس سوریه ارسال می‌شود

● خبرگزاری «رویترز» به نقل از مقامات عراقی گزارش داد که «کتائب حزب‌الله» عراق مورد حمایت جمهوری اسلامی از طریق شبکه قاچاق نفت، صدها میلیون دلار درآمد کسب کرده است.

● مقامات امنیتی و نفتی عراق می‌گویند، این شبکه از سال ۲۰۲۱ با همکاری برخی مسئولان دولتی فعالیت داشته و تحقیقات درباره آن به برکناری ۹ مقام ارشد منجر شده است.

● این منابع گفتند، بازرسان تجهیزات پمپاژ مخفی‌شده‌ای را درون چندین سوله پیدا کرده‌اند که برای دور ماندن از نظارت هوایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. قاچاقچیان با استفاده از این تجهیزات، نفت سرقت‌شده را به کامیون‌های نفتکش منتقل می‌کردند.

خبرگزاری «رویترز» به نقل از مقامات عراقی گزارش داد که «کتائب حزب‌الله» عراق مورد حمایت جمهوری اسلامی از طریق شبکه قاچاق نفت، صدها میلیون دلار درآمد کسب کرده است.

مقامات امنیتی و نفتی عراق می‌گویند، این شبکه از سال ۲۰۲۱ با همکاری برخی مسئولان دولتی فعالیت داشته و تحقیقات درباره آن به برکناری ۹ مقام ارشد منجر شده است.

بازرسان در منطقه «جرف‌الصخر» از پایگاه‌های اصلی «کتائب حزب‌الله»، تجهیزات مخفی برداشت نفت از خط لوله، محل‌های ذخیره‌سازی و یک پالایشگاه کوچک کشف کرده‌اند.

علی الزیدی نخست‌وزیر عراق دستور استقرار نیروهای بیشتر در اطراف این منطقه و آمادگی برای ورود نیروهای دولتی را صادر کرده است؛ اقدامی که احتمال رویارویی با این گروه مسلح را مطرح کرده است.

«کتائب حزب‌الله» اتهام قاچاق نفت را رد کرده و برخورد دولت را تلاشی برای خلع سلاح خود دانسته است.

بر اساس سندی از وزارت نفت عراق که «رویترز» آن را بررسی کرده، این خط لوله ۲۶ اینچی روزانه دست‌کم ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام انتقال می‌دهد.

این منابع گفتند، بازرسان تجهیزات پمپاژ مخفی‌شده‌ای را درون چندین سوله پیدا کرده‌اند که برای دور ماندن از نظارت هوایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. قاچاقچیان با استفاده از این تجهیزات، نفت سرقت‌شده را به کامیون‌های نفتکش منتقل می‌کردند.

به گفته این منابع، بازرسان همچنین یک پالایشگاه کوچک نفت را کشف کردند که در این منطقه بطور مخفی از آن استفاده می‌شده است.

دو مقام نفتی عراق که از جزئیات مستقیم این تحقیقات اطلاع دارند، گفتند تا زمانی که مشخص نشود نقاط انشعاب غیرقانونی چه مدت فعال بوده‌اند، برآورد دقیق میزان خسارت زودهنگام است؛ با این حال، آنها تخمین می‌زنند ارزش نفت خامی که احتمالاً از سال ۲۰۲۱ تا کنون به سرقت رفته، به صدها میلیون دلار برسد.

عملیات پیگرد قاچاق «کتائب حزب‌الله» در شرایطی انجام می‌شود که فشار آمریکا بر عراق درباره نقش گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت این کشور رو به افزایش است.

پیش از این آمریکا معاون وزیر نفت عراق را در فهرست تحریم‌ها قرار داده بود و اعلام شد که او انتقال غیرقانونی نفت عراق را به نفع رژیم ایران و شبه‌نظامیان نیابتی آن تسهیل کرده است.

همچنین رهبران شبه‌نظامیان و شبکه‌هایی تحریم شدند که به گفته واشنگتن، از ثروت نفتی عراق برای تأمین مالی گروه‌های همسو با تهران سوء استفاده می‌کنند.

خبرگزاری «رویترز» در سال ۲۰۲۴ نیز گزارش داده بود که یک شبکه قاچاق نفت کوره، یک میلیارد دلار برای جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی آن درآمد ایجاد کرده است.

تأیید احکام ۱۸ سال زندان، تبعید و محرومیت دائمی از وکالت جواد علیکردی در دیوان عالی کشور

● درخواست فرجام‌خواهی جواد علیکردی، وکیل دادگستری محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد، توسط دیوان عالی کشور رد و احکام پیشین صادره علیه وی تأیید شد.

● جواد علیکردی خردادماه امسال در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی برخلاف امنیت ملی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی» به ۱۳ سال زندان محکوم شد. او همچنین به انفصال دائم از حرفه وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان محکوم شد.

● جواد علیکردی برادر خسرو علیکردی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق بشر، است که در آذر ۱۴۰۴ «به طرز مشکوکی» درگذشت.

● جواد علیکردی پس از به خشونت کشیده شدن مراسم هفتم برادرش، با انتشار یک ویدئو به برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی، و بازداشت گسترده شرکت‌کنندگان در این مراسم انتقاد و اعلام کرد اسناد محرمانه‌ای درباره مرگ مشکوک برادرش در اختیار دارد که در صورت تداوم فشارهای مأموران آنها را علنی و منتشر خواهد کرد. او ساعاتی پس از انتشار این ویدئو در ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ بازداشت شد.

دیوان عالی کشور درخواست فرجام‌خواهی جواد علیکردی، وکیل زندانی، را رد و احکام صادر شده علیه او را تأیید کرده است.درخواست فرجام خواهی جواد علیکردی، وکیل دادگستری محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد، توسط دیوان عالی کشور رد و احکام پیشین صادره علیه وی تأیید شد.

عباس موسوی وکیل مدافع جواد علیکردی با انتشار مطلبی اعلام کرده است که دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی موکل وی را رد و احکام حبس، تبعید، انفصال از حرفه وکالت و ممنوع‌الخروجی از کشور وی را ابرام کرده است.

جواد علیکردی خردادماه امسال در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی برخلاف امنیت ملی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی» به ۱۳ سال زندان محکوم شد.

بر اساس این حکم، جواد علیکردی همچنین به انفصال دائم از حرفه وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان محکوم شد. این احکام اکنون در دیوان عالی کشور تأیید شده و اجرایی خواهند شد.

جواد علیکردی برادر خسرو علیکردی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق بشر، است که در آذر ۱۴۰۴ «به طرز مشکوکی» درگذشت. جواد علیکردی شامگاه ۲۱

آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از برگزاری مراسم هفتم برادرش در شهر مشهد بازداشت شد. در مراسم هفتم خسرو علیکردی هزاران شهروند به صورت خودجوش شرکت کرده و شعارهایی چون «پاینده ایران» و «جاویدشاه» سر دادند. همچنین شماری از فعالان مدنی از جمله نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل، در این مراسم شرکت داشتند.



در این مراسم تعدادی از خانواده‌های دادخواه از جمله خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ که خسرو علیکردی وکیل آنها بود، و همچنین طیبه نظری موکل خسرو علیکردی و مادر مریم آروین وکیل جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ حضور داشتند. مأموران امنیتی و یگان ضدشورش حکومت به سوی جمعیت حمله‌ور شدند، با شلیک گاز اشک‌آور و ساچمه برای پراکنده کردن جمعیت تلاش کردند و همچنین حاضران را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

خسرو علیکردی، وکیل سرشناس و از جمله وکلای حقوق بشری بود که وکالت شماری از زندانیان سیاسی و خانواده جانباختگان اعتراضات را به عهده داشت. او ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به شکل مشکوکی در دفتر کار خود جان باخت. مقامات قضایی علت مرگ او را «ایست قلبی» اعلام کردند، اما خانواده و نزدیکانش این روایت را رد کردند. به گفته خانواده، شواهدی مانند خونریزی غیرعادی در محل جان باختن خسرو علیکردی وجود داشته و همین مسئله تردیدها درباره روایت رسمی را افزایش داده است. خانواده علیکردی و شماری از وکلای دادگستری خواستار شفاف‌سازی درباره علت واقعی مرگ او شده بودند.

جواد علیکردی پس از به خشونت کشیده شدن مراسم هفتم برادرش، با انتشار یک ویدئو به برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی، و بازداشت گسترده شرکت‌کنندگان در این مراسم انتقاد و اعلام کرد اسناد محرمانه‌ای درباره مرگ مشکوک برادرش در اختیار دارد که در صورت تداوم فشارهای مأموران آنها را علنی و منتشر خواهد کرد.

به گفته منابع آگاه، ساعاتی پس از انتشار این ویدیو، نیروهای امنیتی او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. فعالان حقوق بشر می‌گویند بازداشت جواد علیکردی درواقع واکنشی به تلاش او برای طرح پرسش درباره نحوه مرگ برادرش و پیگیری حقیقت بوده است.

وکیل جواد علیکردی ضمن اعلام خبر تأیید احکام موکل‌اش در دیوان عالی کشور، گفته پدر و عموی جواد و خسرو، در جنگ ایران و عراق رزمنده بوده و هر دو مفقودالاثر شدند.

امیرسالار داوودی، وکیل زندانی، به «جاسوسی» متهم شد!

امیرسالار داوودی با سه اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «تشویش اذهان عمومی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای» و ارسال فایل‌های صوتی و تصویری به «شبکه‌های معاند» بر اساس بخش دوم ماده چهار «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و دولت‌های متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» روبروست.

مبنای اصلی اتهام جاسوسی، انتشار فایل صوتی مراسم عقد مهشاد کشانی و علیرضا سپاهی بادجانی است که امیرسالار داوودی وکالت‌شان را برعهده داشت و خطبه عقدشان را جاری کرده و این فایل را در اینستاگرام منتشر کرده بود.

«سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داده، امیرسالار داوودی از زمان بازداشت در ۱۹ مهرماه، بدون هرگونه ارتباط با دنیای خارج نگهداری می‌شود و وکیل‌اش هم اجازه دسترسی به پرونده را نداشته است.»

امیرسالار داوودی وکیل پایه یک دادگستری که از ماه گذشته در زندان محبوس است، به سه اتهام امنیتی از جمله «جاسوسی» متهم شد. علت پرونده‌سازی علیه این وکیل دادگستری انتشار فایل صوتی جاری شدن خطبه عقد میان علیرضا سپاهی، معترض اعدام‌شده‌ی اعتراضات دی۴۰۴، و نامزد زندانی‌اش بوده است.

«سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داده، امیرسالار داوودی وکیل زندانی با سه اتهام امنیتی از جمله «جاسوسی» روبرو شده است. اتهام «جاسوسی» با استناد به «قانون تشدید مجازات جاسوسی» به او نسبت داده شده است.

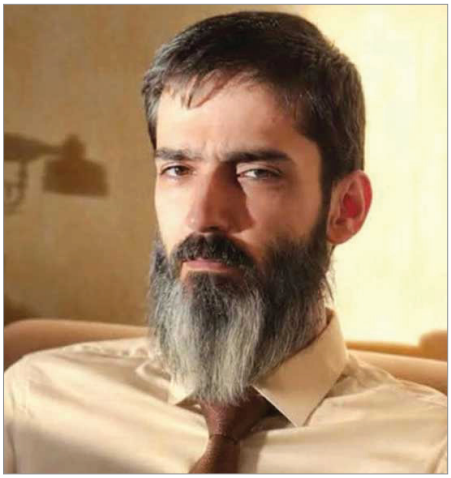
بر اساس این گزارش امیرسالار داوودی با سه اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «تشویش اذهان عمومی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای» و ارسال فایل‌های صوتی و تصویری به «شبکه‌های معاند» بر اساس بخش دوم ماده چهار «قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و دولت‌های متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» روبروست.

مبنای اصلی اتهام جاسوسی، انتشار فایل صوتی مراسم عقد مهشاد کشانی و علیرضا سپاهی بادجانی است که امیرسالار داوودی وکالت‌شان را برعهده داشت و خطبه عقدشان را جاری کرده و این فایل را در اینستاگرام منتشر کرده بود.این گزارش افزوده است: «امیرسالار داوودی از زمان بازداشت در ۱۹ مهرماه، بدون هرگونه ارتباط با دنیای خارج نگهداری می‌شود و وکیل‌اش هم اجازه دسترسی به پرونده را نداشته است.»

منابع حقوق بشری همچنین در هجدهم آبان‌ماه جاری گزارش دادند، امیرسالار داوودی در پی فشارهای وارده و عدم دسترسی به دارو در سلول انفرادی دچار حمله قلبی شد و او را به بیمارستان «الزهرا» شهر اصفهان منتقل کردند.

امیرسالار داوودی وکیل دادگستری ساکن تهران، ۱۹ مهرماه امسال در حالی که برای دفاع از یکی از موکلانش در دادگستری اصفهان بود، بازداشت شد.

همانطور که در گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» آمده، علت بازداشت این وکیل دادگستری انتشار فایل صوتی جاری شدن خطبه عقد میان علیرضا سپاهی و نامزد زندانی‌اش یک روز پیش از اجرای حکم اعدام علیرضا سپاهی بود. علیرضا سپاهی در جریان پرونده «میدان علیخانی» مرتبط با



اعتراضات دی۴۰۴ در شهر اصفهان به همراه مادرش، سمیه افشار، و نامزدش مهشاد کشانی و شمار دیگری از بستگانش بازداشت شد.

علیرضا سپاهی به همراه ۱۱ شهروند دیگر متهم در پرونده «میدان علیخانی» به اعدام محکوم شد. او ۱۳ مهرماه اعدام شد. یک روز پیش از اعدام این شهروند، امیرسالار داوودی وکیل دادگستری به صورت تلفنی خطبه عقد او را با مهشاد کشانی، که او نیز در زندان محبوس است، جاری کرده و با انتشار فایل صوتی خطبه عقد، از ازدواج این دو زندانی خبر داده بود.

پرونده «میدان علیخانی» مرتبط به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و خیابان کاوه اصفهان. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند، در جریان این اعتراضات چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام‌های حسین رمضانی، محمد همتی، سیدعلی خشوعی و ولی‌الله صفری کشته شدند.

پس از این حادثه، ۵۹ نفر بازداشت شده و برای آنها پرونده‌ای مشترک، معروف به پرونده «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پرونده، ۲۳ نفر با وجود تبرئه از برخی اتهام‌ها، به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند. در این میان ۱۲ شهروند به اعدام محکوم شدند.

با اعدام علیرضا رئیسی و علیرضا سپاهی، شمار اعدام‌شدگان متهمان پرونده «میدان علیخانی» به هفت تن رسیده است. عرفان اسفندیاری و گل‌محمد محمدی ۲۸ تیرماه در زندان اعدام شدند. ابوالفضل سپاهی و امیرحسین صفری در تاریخ ششم امرداد در «میدان علیخانی» در ملاء عام به دار آویخته شدند و قائم حسینی نیز ۲۹ امرداد در زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) اعدام شد.

علیرضا سپاهی در حالی اعدام شد که پیشتر قرار بود سحرگاه سه‌شنبه ششم امرداد ۱۴۰۵ به همراه ابوالفضل سپاهی بادجانی، پسرعموی وی، و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملک شهر اصفهان و در ملاء عام اعدام شود اما پیش از اجرای حکم به علت استرس دچار سکته قلبی شد. مأموران او را به بیمارستان «الزهرا» اصفهان منتقل کردند. به این ترتیب اجرای حکم اعدام علیرضا سپاهی به تعویق افتاد و او پس از انجام امور اولیه پزشکی بار دیگر به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد اما چند هفته بعد در سیزدهم مهرماه اعدام شد.

سفر اسماعیل قاآنی به بغداد؛ بن‌بست در گفتگوها بین دولت عراق با «کتائب حزب‌الله»

● با تشدید اختلاف میان دولت عراق و گروه‌های نیابتی، اسماعیل قاآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بغداد سفر کرده است. منابع منطقه‌ای گزارش دادند او با علی الزیدی نخست‌وزیر عراق دیدار کرده و قرار است «میانجیگری» کند.

● منابع عربی گزارش دادند، مذاکرات میان رهبران «چارچوب هماهنگی»، گروه کتائب حزب‌الله و اسماعیل قاآنی به بن‌بست رسید و بدون دستیابی به توافق نهایی پایان یافت. این در حالیست که مهلت تعیین‌شده از سوی علی الزیدی نخست‌وزیر عراق برای خروج این گروه تا شامگاه جمعه به پایان می‌رسد.

● بن‌بست در مذاکرات همزمان با افزایش فشارهای دیپلماتیک واشنگتن رخ داده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به استقرار نیروهای ارتش عراق در مناطق اطراف شمال استان بابل، اعلام کرد که ایالات متحده انتظار دارد دولت علی الزیدی شبه‌نظامیان همسو با جمهوری اسلامی ایران را به دلیل مشارکت در فعالیت‌های خشونت‌آمیز و بی‌ثبات‌کننده در عراق و منطقه پاسخگو کند.



اسماعیل قاآنی فرمانده سپاه قدس

با تشدید اختلاف میان دولت عراق و گروه‌های نیابتی، اسماعیل قاآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بغداد سفر کرده است. منابع منطقه‌ای گزارش دادند او با علی الزیدی نخست‌وزیر عراق دیدار کرده و قرار است «میانجیگری» کند.

اختلاف بر سر یک منطقه به نام «جُرف‌النصر» (جرف‌الصخر) در جنوب بغداد است که بیش از یک دهه پایگاه اصلی گروه «کتائب حزب‌الله» بود.

تنش‌ها میان «کتائب حزب‌الله» و دولت عراق پس از افشای تحقیقات درباره قاچاق نفت در این منطقه، توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی بالا گرفت.

«کتائب حزب‌الله» این گزارش را بی‌اساس خواند و دولت را به طرح «ادعاهای ساختگی» برای وادار کردن این گروه به خلع سلاح متهم کرد.

نخست‌وزیر عراق به این گروه مهلت داده تا نیروهای خود را از این منطقه خارج کند و دستور آماده شدن نیروهای ارتش برای ورود به این منطقه را صادر کرده است.

منابع عربی گزارش دادند، مذاکرات میان رهبران «چارچوب هماهنگی»، گروه «کتائب حزب‌الله» و اسماعیل قاآنی به بن‌بست رسید و بدون دستیابی به توافق نهایی پایان یافت. این در حالیست که مهلت تعیین‌شده از سوی علی الزیدی نخست‌وزیر عراق برای خروج این گروه تا شامگاه جمعه به پایان می‌رسد.

به گفته یک منبع سیاسی آگاه، در مذاکرات چند پیشنهاد سازش مطرح شد اما «کتائب حزب‌الله» برخی از بندهای کلیدی این پیشنهادها را رد کرد و نخست‌وزیر عراق نیز پیشنهادهای متقابل را که شامل واگذاری کامل کنترل منطقه نبود، نپذیرفت. به این ترتیب، بحران در حالی همچنان حل‌نشده باقی مانده که تنها چند ساعت تا پایان مهلت تعیین‌شده باقی است.

این منبع تأکید کرد که الزیدی همچنان بر خواسته‌ی خود پافشاری می‌کند: «کتائب حزب‌الله باید تا شامگاه جمعه جرف‌الصخر را ترک کند و مسئولیت کامل امنیتی این منطقه را بدون هیچگونه تمدید مهلت، به نیروهای رسمی دولت واگذار کند.»

ساعات آینده از نظر بسیاری از ناظران، تعیین‌کننده خواهد بود و مشخص خواهد کرد که آیا میانجیگری‌های سیاسی به انتقال مسالمت‌آمیز کنترل منطقه منجر می‌شود یا نخست‌وزیر عراق عملیات نظامی تهدیدشده برای اعمال حاکمیت دولت را آغاز خواهد کرد.

در تلاش برای نزدیک کردن مواضع طرفین، یک منبع در «چارچوب هماهنگی» شامگاه سه‌شنبه از تشکیل کمیته‌ای سه‌نفره برای میانجیگری خبر داد. اعضای این کمیته هادی العامری رهبر سازمان «بدر»، فالح الفیاض، رئیس حشدالشعبی و عبدالعزیز المحمداوی معروف به «ابوفدک» رئیس ستاد حشدالشعبی بودند.

این کمیته طرحی برای سازش ارائه کرده که بر اساس آن، تیپ‌های کتائب حزب‌الله از جرف‌الصخر به مناطق مرزی عراق و سوریه منتقل شوند و سه تیپ از نیروهای عادی حشدالشعبی به همراه تیپ سوم پلیس عراق جایگزین آنها شوند. در عین حال، به شمار محدودی از فرماندهان و نیروهای کتائب حزب‌الله اجازه داده شود در ایست‌های بازرسی مشخصی در منطقه باقی بمانند.

این تلاش دیپلماتیک پس از نشست پرتنش شامگاه دوشنبه «چارچوب هماهنگی» صورت گرفت؛ نشستی که الزیدی نیز در آن حضور داشت. در جریان این جلسه، پس از آنکه نخست‌وزیر عراق از پس گرفتن دستور خود یا تمدید مهلت خروج تا روز جمعه خودداری کرد، مشاجره لفظی شدیدی میان او و هادی العامری درگرفت. این در حالی بود که درباره پیامدهای امنیتی جدی چنین تصمیمی هشدار داده شده بود.

همزمان، الزیدی سفر رسمی برنامه‌ریزی‌شده خود به لبنان را به تعویق انداخت تا شخصاً از بغداد بحران را مدیریت کند.

بن‌بست در مذاکرات همزمان با افزایش فشارهای دیپلماتیک واشنگتن رخ داده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در واکنش به استقرار نیروهای ارتش عراق در مناطق اطراف شمال استان بابل، اعلام کرد که ایالات متحده انتظار دارد دولت علی الزیدی شبه‌نظامیان همسو با جمهوری اسلامی ایران را به دلیل مشارکت در فعالیت‌های خشونت‌آمیز و بی‌ثبات‌کننده در عراق و منطقه، پاسخگو کند.

در این میان، ریشه این بحران به تحقیقات گسترده دولتی درباره ظن قاچاق نفت خام و فرآورده‌های نفتی در داخل منطقه «جرف‌الصخر» بازمی‌گردد.

کمیته تحقیق پس از بازرسی از این منطقه‌ی بسته‌شده، از کشف دستکاری در خطوط لوله انتقال نفت و تأسیسات غیرقانونی پالایش نفت خبر داد. برآورد منابع دولتی حاکی از آن است که این فعالیت‌ها سالانه حدود دو میلیارد دلار درآمد ایجاد می‌کنند.

در پی این یافته‌ها، الزیدی ۹ مقام ارشد امنیتی و اداری استان بابل را برکنار کرد و پرونده افراد مظنون به دست داشتن در این فعالیت‌ها را به دستگاه قضایی ارجاع داد.

«کتائب حزب‌الله» اتهامات مربوط به قاچاق نفت را به شدت رد کرده و یافته‌های کمیته تحقیق دولت را ساختگی خوانده است.

ابوطالب السعیدی، از فرماندهان ارشد «کتائب حزب‌الله»، روز سه‌شنبه در یک کنفرانس خبری در «جرف‌الصخر» اعلام کرد که این گروه تحت هیچ شرایطی منطقه را ترک نخواهد کرد و حتی «تا پای جان» در آنجا باقی خواهد ماند. او در عین حال تأکید کرد که این گروه به دنبال درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی عراق نیست.

در شرایطی که یگان‌های زرهی ارتش عراق و نیروهای ویژه همچنان منطقه را در محاصره دارند، تلاش‌های میانجیگران برای جلوگیری از آغاز درگیری‌های گسترده، پیش از شامگاه جمعه، با شتاب ادامه دارد.

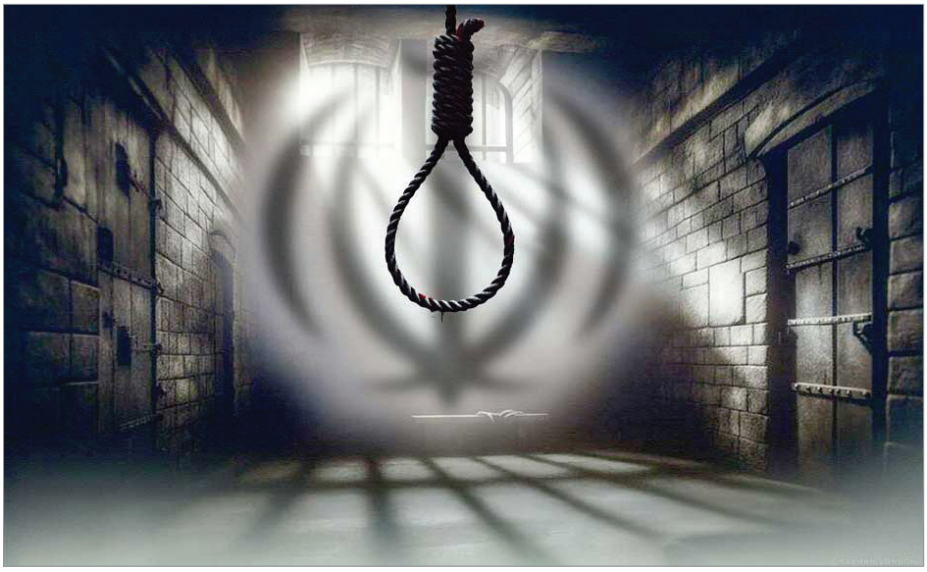
۱۲۱ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴ زیر حکم اعدام؛
هشدار درباره افزایش اعدام‌ها در سالگرد اعتراضات

● «سازمان حقوق بشر ایران» در گزارش جدیدی فهرستی از ۱۲۱ معترض بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ که با حکم اعدام روبرو هستند منتشر کرده است.

● ۱۱۵ نفر از محکومان به اعدام مرد و شش نفر از آنها زن هستند. در میان این افراد دست‌کم پنج نفر هنگام وقوع جرم ادعایی از سوی قوه قضائیه، کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

● در این گزارش تأکید شده، اگرچه اعتراضات هر ۳۱ استان کشور را دربرگرفت، پرونده‌های ثبت‌شده مربوط به ۱۵ استان هستند که تنها بخشی از معترضانی را شامل می‌شود که جانشان در خطر است.

● «سازمان حقوق بشر ایران» با اشاره به اینکه کمتر از دو ماه تا نخستین سالگرد اعتراضات دی‌ماه باقی مانده است، نسبت به افزایش اعدام معترضان هشدار داده و از جامعه جهانی خواسته با اقدام‌های عملی، هزینه سیاسی این اعدام‌ها را برای جمهوری اسلامی افزایش دهد.



گزارش جدید «سازمان حقوق بشر ایران» نشان می‌دهد دست‌کم ۱۲۱ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ زیر حکم اعدام قرار دارند. این سازمان نسبت به افزایش اجرای احکام اعدام معترضان زندانی با نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات هشدار داده است.

«سازمان حقوق بشر ایران» در گزارش جدیدی فهرستی از ۱۲۱ معترض بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ که با حکم اعدام روبرو هستند منتشر کرده است. این افراد از سوی این سازمان احراز هویت شده و همزمان در گزارش تأکید شده احتمال وجود تعداد بیشتری معرض زیر حکم اعدام وجود دارد.

بر اساس این گزارش، ۱۱۵ نفر از محکومان به اعدام مرد و شش نفر از آنها زن هستند. در میان این افراد دست‌کم پنج نفر هنگام وقوع جرم ادعایی از طرف دستگاه قضائی، کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

«سازمان حقوق بشر ایران» تأکید کرده، اگرچه اعتراضات هر ۳۱ استان کشور را دربرگرفت، پرونده‌های ثبت‌شده مربوط به ۱۵ استان هستند که تنها بخشی از معترضانی را شامل می‌شود که جانشان در خطر است. در بخش دیگری از گزارش نیز آمده: «با توجه به نبود شفافیت در جمهوری اسلامی، باید تأکید کرد که آمارهای این گزارش حداقل مطلق موارد موجود را نشان می‌دهند.»

گزارش افزوده از آنجا که تمامی پرونده‌های مربوط به اعتراضات، پرونده‌های امنیتی محسوب می‌شوند، متهمان بطور سیستماتیک از دسترسی به وکیل انتخابی محروم می‌مانند. بر اساس تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، آنان ناچارند وکیل خود را از میان فهرست وکلای مورد تأیید حکومت انتخاب کنند.

بخش دیگری از گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» به موارد اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی از اعتراضات دی۴۰۴ تا کنون پرداخته و نوشته است از ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ تا کنون، جمهوری اسلامی ۴۱ معترض (۳۹ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه و دو نفر از معترضان جنبش «زن، زندگی، آزادی»)، ۱۶ زندانی سیاسی به اتهام ارتباط با گروه‌های مخالف ممنوع‌شده و ۱۷ نفر به اتهام جاسوسی یا همکاری با دولت‌های خارجی اعدام کرده است. این بالاترین شمار اعدام زندانیان سیاسی است که از دهه ۱۳۶۰ تا کنون سابقه نداشته در چنین مدت کوتاهی این تعداد اعدام شوند.

«سازمان حقوق بشر ایران» با اشاره به اینکه کمتر از دو ماه تا نخستین سالگرد اعتراضات دی‌ماه باقی مانده است، نسبت به افزایش اعدام معترضان هشدار داده و از جامعه جهانی خواسته با اقدام‌های عملی، هزینه سیاسی این اعدام‌ها را برای جمهوری اسلامی افزایش دهد.

فهرست ۱۲۱ شهروند زیر حکم اعدام به شرح زیر است:

۱- علی دشتی
۲- شروین باقریان
۳- ابوالفضل ابراهیمی
۴- جواد طالب‌پور
۵- مهدی اسکندری
۶- حسین صفری
۷- سپهر هونجانی
۸- شاهین سلیمانی
۹- حسین قلعه‌بیگی
۱۰- رضا مؤذنی
۱۱- یاسر مختاری
۱۲- مسلم حیدری
۱۳- رمضان اسدی
۱۴- ابوالفضل هاشمیان
۱۵- دانیال هارونی
۱۶- نوید شیرانی
۱۷- سیدرضا حسنلو
۱۸- داوود امین‌زاده
۱۹- مبین سلطانی
۲۰- پژمان حقیقیان
۲۱- مهران سیدزاده
۲۲- افشار شاه‌احمدی (شهروند افغانستانی)
۲۳- شروین سمسارزاده
۲۴- نیما عربان (کودک‌مجرم)
۲۵- مهنام نواب صفوی
۲۶- اکبر عرب‌زاده
۲۷- مهدی عرب‌زاده
۲۸- آرش احمدی
۲۹- سپهر امیرزاده
۳۰- لیلا ابوالحسنی
۳۱- مهرداد بویری
۳۲- ترانه رحیمی
۳۳- نوید الیاسی
۳۴- ابوالفضل دادگستر
۳۵- مهدی منصوری
۳۶- احمدرضا سعیدی
۳۷- محمدمهدی اسدی
۳۸- آرمین غلامی
۳۹- پارسا جعفری
۴۰- مهدی جعفری
۴۱- ایلیا بن رشید
۴۲- امید جانمی
۴۳- شهاب زهدی
۴۴- ابوالفضل صالحی سیاوشانی
۴۵- یاسر رجائی‌فر
۴۶- محمدرضا طبری
۴۷- احسان حسینی‌پور حصارلو
۴۸- متین محمدی
۴۹- عرفان امیری
۵۰- مریم هداوند سیری
۵۱- بیتا همتی
۵۲- محمدرضا مجیدی اصل
۵۳- بهروز زمانی‌نژاد
۵۴- کوروش زمانی‌نژاد
۵۵- آرمان معرفتی
۵۶- مهناز چاردولی
۵۷- مهدی ناظر
۵۸- علی کمالی
۵۹- احد شکوهیان
۶۰- آرین ولی‌پور
۶۱- علی‌اصغر پیغمبری
۶۲- وحید خان صنمی
۶۳- پیمان گنجی
۶۴- امیرمحمد مجلل چوبری
۶۵- برزو رضایی
۶۶- محسن بابائیان
۶۷- مهدی نامی
۶۸- امیررضا رضایی
۶۹- وحید قهرمانی
۷۰- مهدی جلالی
۷۱- خسرو محمدی‌نیا
۷۲- مسعود توشمالانی
۷۳- سیروان شعبانی
۷۴- عمران امانی
۷۵- بنیامین نقدی
۷۶- مجتبی دهبندی
۷۷- کیانوش همزه‌ای کازرونی
۷۸- مجید نصیری
۷۹- شهاب دادخواه
۸۰- یک مرد ناشناس
۸۱- سعید زارعی کردشولی
۸۲- حمیدرضا فتحی
۸۳- عبدالرضا فتحی
۸۴- حمیدرضا ثابت‌رأی
۸۵- محمد زنگنه
۸۶- رسول رضایی
۸۷- حسین نظری
۸۸- پوریا حسینی منفرد
۸۹- مهدی ظریف
۹۰- حسن گلشن‌نژاد
۹۱- متین شبانی
۹۲- علی زاغی
۹۳- ایلیا اکبری
۹۴- محبوبه شعبانی
۹۵- فخرالدین شاهی
۹۶- متین فرنیان
۹۷- وحید خدری‌خواه
۹۸- ابوالفضل صداقت
۹۹- امیر دلشاد
۱۰۰- عرفان خلیلی
۱۰۱- علی‌اکبر محلوجی
۱۰۲- حسام عیسایی
۱۰۳- حسین شکوهی
۱۰۴- ابوالقاسم کاظم اصلانی
۱۰۵- کاوه عربیان
۱۰۶- علی دانش‌پرور
۱۰۷- اسماعیل رمضان‌پور
۱۰۸- مرتضی زمانی
۱۰۹- مهدی رنجبر
۱۱۰- کمال خان‌بابایی
۱۱۱- محمدعلی هدایتی
۱۱۲- امید گودرزوند چگینی
۱۱۳- علی زکانی
۱۱۴- هیبت عسکری
۱۱۵- هادی عباسیان
۱۱۶- علی پیشه‌ورزاده
۱۱۷- آرین سالمی
۱۱۸- مهدی روشنی
۱۱۹- شایان شکیبایی
۱۲۰- محمدمهدی پارسا
۱۲۱- فرزاد مرادی


شاهزاده رضا پهلوی در سالگرد جان باختن فرزندان ایران در آبان: راه آنان را تا آزادی ایران ادامه می‌دهیم

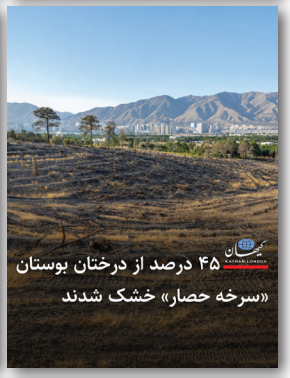

نیما زرتشت‌زاده نشان افتخار خود را به شاهزاده رضا پهلوی تقدیم کرد


پیام شاهزاده رضا پهلوی به کارگران، مهندسان و صاحبان صنایع



مارکو روبیو: هیچ حکومتی در تاریخ به اندازه رژیم ایران برای حمایت از تروریسم وقت و پول صرف نکرده است


ایران، شاکیِ تاریخ و مدعیِ عدالت در برابر وجدان جهان


۴۵ درصد از درختان بوستان «سرخه حصار» خشک شدند


گذار دموکراتیک در ایران همچنان ممکن است



محکومیت سه فعال صنفی آموزگاران در استان بوشهر به زندان و مجازات‌های تکمیلی


پنج سال زندان به علت تقلید صدای علی خامنه‌ای



هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت وخیم اقتصادی: گرانی ۴۰ درصدی هزاران کالا در راه است


خروج متخصصان از بخش باستان‌شناسی ایران


هشدار درباره گسترش پدیده «شاغلان فقیر» در ماه‌های آینده


قیمت «خانه‌ریز» اعلام شد؛ «یک متر» خانه معادل «یک سال» درآمد یک کارگر!


دور جدید افزایش قیمت اتومبیل؛ افزایش ۳۰۵ میلیون تومانی قیمت «سورن پلاس» در یک روز!


لس‌آنجلس تایمز: استفاده جمهوری اسلامی از اطلاعات گوگل برای هدف‌گیری پایگاه‌های آمریکا


وقوع زلزله سه ریشتری در تهران


ابتلا به آنفولانزا در ۱۴ استان کشور از مرز هشدار عبور کرد


دیدار شاهزاده رضا پهلوی با لخ والسا رهبر "جنبش همبستگی" لهستان



ممنوعیت فعالیت موسسه «الارشاد» در برلین به دلیل ارتباط با حزب‌الله


صدور حکم اعدام برای سه شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی۱۴۰۴



گام دیگر جمهوری اسلامی برای محدود کردن اینترنت؛ از احراز هویت اجباری کاربران تا نظارت بر محتوا پیش از انتشار!


حمله پهپادی سپاه پاسداران به تأسیسات راداری آمریکا در بحرین


افزایش ۴۶۵ درصدی هزینه درمان آنفولانزا طی پنج سال!


۱۲ کشته و ۱۶ مجروح در حادثه واژگونی اتوبوس حامل شرکت «ان‌جی‌ای» دهلران


هشدار موساد به آمریکا؛ تهدید پهپادی جمهوری اسلامی علیه ترامپ و مقامات ارشد


کنار گذاشتن ونس از «پرونده ایران»؛
ترامپ: نیازی به «توافق» نیست!


درخواست «خبرگان» برای بازنگری در «دکترین دفاعی» همزمان با رونمایی سپاه از شهرک موشکی



اختلال گسترده در خدمات مایکروسافت



«وضعیت مبهم اورانیوم‌ها» و هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره «عدم همکاری» جمهوری اسلامی


الزیدی از تهران دست از پا درازتر بازگشت...
نگاه دیگران


کاهش ۴۵ درصدی فعالیت کارگاه‌های تولید کفش به دلیل رکود تورمی


ابتلای یک چهارم جمعیت ایران به دیابت یا پیش‌دیابت


ارتباط پروژه‌های سدّسازی و انتقال آب با «شهرک‌های موشکی» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی


سقوط بیش از ۷۳ هزار واحدی شاخص کل بورس


پرواز چند پهپاد برفراز یک پایگاه نظامی در بریتانیا؛
اختلال مشکوک در سامانه‌های ناوبری هواپیماهای آمریکا



تداوم کاهش قیمت جهانی نفت


انتقاد نماینده مجلس نسبت به وضعیت معیشتی نیروهای نظامی و انتظامی


یک اقتصاددان:
قدرت خرید خانوارها فرسوده شده؛ پر بودن قفسه فروشگاه‌ها به معنی امنیت غذایی نیست!


وزیر خارجه فرانسه:
جنایت علیه مردم ایران باید جنایت علیه بشریت شناخته شود


تظاهرات ضدحکومتی در آبادانان با شعارهایی در حمایت از خاندان پهلوی؛
بازداشت شماری از شهروندان


هزینه ماهانه درمان بیماران مبتلا به دیابت ۲۰ میلیون تومان است!


بحران کمبود برق؛
آغاز جیره‌بندی با خاموشی معابر


شش تا ۱۱ ماه حقوق و مزایای عقب‌افتاده پرستاران


واکنش ترامپ به گزارش‌ها درباره استفاده جمهوری اسلامی از «بمب کثیف»: بهایی می‌پردازند که هیچ کشوری تا کنون نپرداخته!


اخراج بیش از ۱۵۰۰ کارگر شاغل در شهرک صنعتی ساوه


پس از ماه‌ها سکوت اعلام شد:
برخورد قضایی با ۷۰۰ وکیل در جریان اعتراضات دی۱۴۰۴


افزایش مازوت‌سوزی؛
تهران دومین شهر آلوده جهان شد


پیش‌بینی افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی قیمت اتومبیل


محمدجواد وفایی‌ثانی، وزرشکار زندانی، برنده جایزه حقوق‌بشری «مگنیتسکی» شد


ایرانِ امروز چهارمین کشور فلاکت‌زده جهان؛
جایگاهی بدتر از یمن و سوریه!

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | آبدانان؛ انقلاب شیروخورشید ادامه دارد ...

شهروندان در آبدانان روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حاشیه مراسم نیروهای شاغل در پتروشیمی دهلران که در یک تصادف رانندگی جان باختند، در اعتراض به ناکارآمدی مقامات حکومت تظاهرات کردند. این تجمع با حضور ۳۰۰ نفر آغاز و پس از دقایقی جمعیت معترضان به بیش از هزار تن رسید و شعارهایی علیه خمینی و جمهوری اسلامی و در حمایت از خاندان پهلوی سر داده شد. نیروهای حکومتی به سوی تظاهرکنندگان حمله‌ور شدند و شماری را بازداشت کردند. سیل معترضان و شعارهای سرداده شده بار دیگر نشان داد انقلاب شیروخورشید ایران ادامه دارد و مردم در انتظار فرصتی برای از سرگیری اعتراضات هستند.